

درآمد



صاحب اختیار  
ص ۱۴۳ تا ۱۹۲  
کتاب مشفق کریم  
۵۵

# بررسی‌های تاریخی

بهمن - اسفند ۱۳۴۹

( شماره مسلسل - ۳۰ )

سال پنجم

شماره ۶



مطالع شهابی  
کتابخانه ملی و اسناد ایران  
تهران ۱۳۷۴



# مجله بررسی نامی تاریخی

مجله تاریخ و تحقیقات ایران شناسی

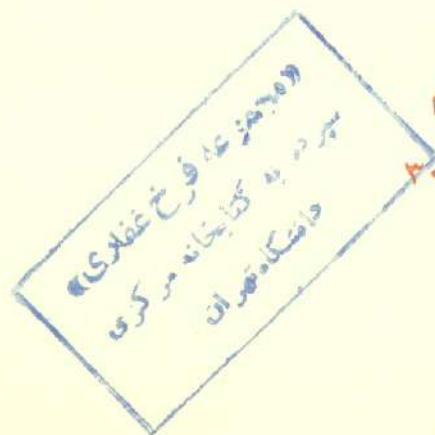
نشریه ستاد بزرگ ارتشستاران - بخش تحقیقات تاریخی

بهار - اسفند ۱۳۴۹

فوریه - مارس ۱۹۷۱

شماره ۶ سال پنجم

شماره مسلسل - ۳۰





گراورها و کلیشه‌های چاپ شده در این شماره در گراورسازی چاپخانه ارتش  
شاهنشاهی تهیه و آماده شده است.



« ذکر تاریخ گذشته از واجباتست بخصوص در  
مورد ملتہائی کہ افتخار داشتن تاریخ کهن ملی را دارند  
جو انان باید بدانند کہ مردم گذشته چه فداکاریہا  
کردہ و چه وظیفہ حساس و فوق العادہ بہمدہ آنها

است . »

از سخنان شائستہ آریامہر

بفرمان مطاع علیحضرت همایون شایسته آریامه بزرگ ارشاداران ارکان میره

مجله بررسی های تاریخی شرح زیر می باشد

الف - هیئت زینة افتخاری :

جناب آقای دکتر علینقی عالیچانی  
رئیس دانشگاه تهران

تیمسار ارتشبد فریدون جم  
رئیس تاد بزرگ ارشاداران

تیمسار ارتشبد رضای عظیمی  
« وزیر جنگ »

ب - هیئت میره :

جانشین رئیس تاد بزرگ ارشاداران  
معاون هم آهنگ کننده تاد بزرگ ارشاداران  
رئیس اداره کمنترولر تاد بزرگ ارشاداران

تیمسار سپهبد غلامرضا ازهری  
تیمسار سپهبد علی کرملو  
تیمسار سپهبد حسین دستکار نامدار

پ - هیئت تحریریه

اتاد تاریخ در دانشگاه تهران  
رئیس گروه تاریخ در دانشگاه ادبیات تهران  
اتاد باستانشناسی  
مدیرسول و سردبیر مجله بررسی های تاریخی

آقای دکتر خانبا باسیانی  
آقای دکتر عباس زریاب خانی  
آقای سید محمد تقی مصطفوی  
سرنگ ۲ یحیی شهیدی

	سیمای تاریخ و فرهنگ ایران در موزه های	۵۴-۱
دکتر پرویز ورجاوند	تاریخ و باستانشناسی اتحاد جماهیر شوروی	
سرهنک ۲ یحیی شهیدی	آئین نامه نظامی (کتاب مشق سرباز)	۶۸-۵۵
	وضع دادرسی و قضاوت در کشورهای	۸۸-۶۹
علی سامی	باستانی خاورزمین	
مجید یکتائی	میترائیسم و سوشیانس مهر	۹۸-۸۹
دکتر خانبابا بیانی	روابط ایران و هلند در زمان صفویه	۱۲۶-۹۹
محمد کریم زاده تبریزی	چند فرمان تاریخی	۱۴۲-۱۲۷
	چند تلگراف تاریخی از عین الدوله	۱۹۲-۱۴۳
سروان محمد کشمیری	به والی فارس	
سروان مجید وهرام	مرفی چند آثار باستانی تبریز	۲۴۰-۱۹۳
سرهنک دکتر	سندی درباره سفارت جنرال یرملوف	۲۵۶-۲۴۱
جهانگیر قائم مقامی	به ایران	
	گزارشی درباره بنیادهای تاریخی	۲۹۴-۲۵۷
محمد قلی اشتری	ارتش خشایارشا	

بخش دوم

۲۹۵ - ۳۰۶ فهرست مقالات و اسامی نویسندگان سال پنجم مجله بررسی های تاریخی

## CONTAINS

<u>Author</u>	<u>Title</u>	<u>Page</u>
Dr. VARJAVAND (p.)	Iranian Historical and Cultural Aspects in the Russian Historical and Archeology Museums,	1-54
Lt. Col. SHAHIDI (y.)	Military Regulations (Military Drill of the Soldier).	55-68
SAMY (a.)	The Manner of Justice in the Eastern Ancient Countries.	69-88
YEKTAYE (m.)	Mithraism and Sociance of Mehr.	89-98
Dr. BAYANI (kh.)	Iranian and Dutch Relations in the Safavee era.	99-126
KARIMZADEH	Some Historical Commandments.	127-142
TABRIZI (m.a.)		
Capt. KESHMIRI (m.)	Some Historical Telegraphs from Einodoleh to the Govenner-General of Fars.	143-192
Capt. VAHRAM (m.)	Introducing Some Relics of Tabriz.	193-240
Col. GHAEM-	A Document on the Embassy of Gen. Yermolof to Iran.	241-256
MAGHAMI (j.)		
ASHTARI (m.gh.)	A Report on Historical Origins of the A Army of Xerxes.	257-294
<b><u>Part 2</u></b>		
	The List of publications for the Historical Research Magazine.	295-306



## پیشگفتار

در پرتو عنایات شاهانه و الطاف خسروانه شاهنشاه دانش پرور و دادگستر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران مجله بررسیهای تاریخی با این شماره پنجمین سال انتشار خود را به پایان میرساند و با شروع فروردین سال ۱۳۵۰ ششمین سال خدمت خود را آغاز مینماید. حسن استقبالی که تاکنون در ایران و سایرکشورهای جهان از این مجله بعمل آمده مبین آن میباشد که روش و سبک آن مورد قبول مراجع صاحب نظر قرار گرفته است. ستاد بزرگ ارتشتاران بسیار سرافراز است که در این مدت توانسته است برای شناسانیدن تمدن و فرهنگ شکوهمند ایران بجهانیان گامهای ارزنده ای بردارد. در این موفقیت مرهون همکاری بی دریغ دانشمندان و محققان ارجمند میباشیم که با عطاوفت و مهر بانی فراوان ما را در انجام این خدمت یاری کرده اند.

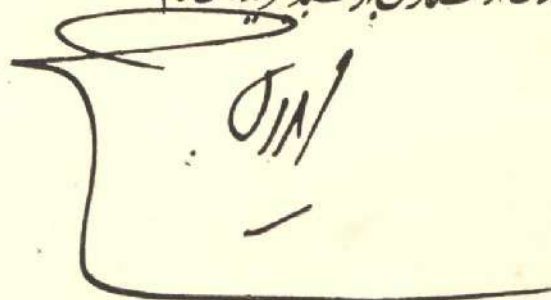
اینک با مسرت فراوان باطلاع دل‌بستگان  
به تاریخ و فرهنگ ایران می‌رساند که بفرمان  
اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگت-  
ارتشتاران همزمان با انتشار این شماره ،  
دومجله دیگر تحت عنوان :

Etudes Historiques de l'Iran.

Historical Studies of Iran.

بزبانهای انگلیسی و فرانسه نیز منتشر  
میگردد و بدین طریق قدم دیگری در راه  
شناساندن تاریخ ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران  
برداشته میشود . از کلیه دانشمندان و  
نویسندگان ایرانی و ایرانشناسان که بانوشتن  
نامه یا تلفن ما را در راه ادامه خدمت یاری  
نموده اند سپاسگزاری نموده امید است در سال  
آینده نیز ما را از همکاری های پرثمر خود  
بمهره‌مند سازند .

رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران ارتشبد فریدون جم





شاهکارهای تمدن و هنر ایران

تقدیر سیمار تار بخیر و در شاهانه محبت این هنر عوارز نمونه ناز  
شاهکار این هنر در قلمش در این راه از این سبب بجز نمونه مختلف  
جست و جویید با حضور من است ، به خوانندگان ارجمند معرفی  
میسمایم .

# سیمای تاریخ و فرهنگ ایران

در

## موزه‌های تاریخ و باستانشناسی

### اتحاد جماهیر شوروی

نوشته:

پرویز ورجاوند

(دکتر در باستانشناسی)

در مرداد ماه سال جاری بنا بدعوت فرهنگستان علوم شوروی بمنظور آشنائی با فعالیتهای علمی آن کشور در زمینه باستانشناسی و مردم‌شناسی عازم روسیه شوروی گردیدم. در طی سه هفته اقامت در آن کشور از برخی شهرها و نواحی آن چون: مسکو - لنینگراد - تاشکند - سمرقند و باکو بازدید بعمل آمد و از نزدیک تعدادی از موزه‌ها و مؤسسات باستان‌شناسی و کارگاههای تعمیر اشیاء هنری و بناهای تاریخی مورد بازدید قرار گرفت و با چگونگی آنها و شیوه کارشان آشنائی حاصل گشت.

با وجود کوتاهی مدت اقامت، سعی گردید تا در جریان بازدیدهای مختلف، یادداشت‌هایی تهیه شود. اینک براساس آن یادداشت‌های مختصر، سعی خواهد گشت تا در طی چند مقاله اطلاعاتی دربارهٔ برخی از موزه‌ها - مؤسسات پژوهشی سبک و چگونگی تعمیر بناهای تاریخی و نظایر آن در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

با توجه به عظمت و اهمیت و حجم کاری که در زمینهٔ تحقیقات باستانشناسی و تعمیر بناهای تاریخی در نواحی مختلف روسیه شوروی صورت می‌پذیرد و اینکه قسمت اعظم این بررسی‌ها با تاریخ و فرهنگ ایران، وابستگی فراوان دارد، ایجاب می‌کند تا آنجا که مقدور است محققان و علاقه‌مندان را در جریان فعالیت‌های مزبور قرار داد. از اینرو نگارنده کوشش خواهد نمود تا در زمینهٔ مسائلی که به آنها اشاره رفت اطلاعاتی کلی در اختیار قرار دهد. ولی از پیش باید یادآور شوم از آنجا که اساس این نوشته‌ها را یادداشت‌های مختصر من تشکیل می‌دهد و تنها در برخی موارد از معدودی مدارک استفاده شده است، بدون شك دارای نواقص فراوان خواهد بود. بنابراین در انتظار آن هستم تا از نظریات و راهنمایی محققان ارجمندی که تا کنون توفیق دیدار از این محلها را بدست آورده‌اند و اطلاعاتی در اختیار دارند با خبر گردم، باشد که در نوشته‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

در نوشته حاضر سعی گردیده است ضمن معرفی کلی چند موزه معتبر چون: موزه تاریخ مسکو - موزه هنر ملل شرق - موزه ارمیتاژ - موزه تاریخ تاشکند و موزه تاریخ باکو و غیره... تا آنجا که میسر است، بر روی آثاری تکیه شود که بطور مستقیم معرف تاریخ و فرهنگ ایران است. تا جایی که در مورد موزه ارمیتاژ نیز فقط از قسمت‌های مربوط به ایران یاد شده است.

امید من اینست که با انتشار این سلسله مقاله‌ها بتوانم تا حد لازم و درخور امکان توجه عموم را به اهمیت فعالیت‌های علمی در بارهٔ تحقیقات

باستانشناسی و ایجاد موزه‌های بزرگ و جامع جلب نمایم. شاید که مقامات مسئول را به اقدامی فوری جهت ایجاد سازمانی منطقی و علمی برای فراهم ساختن موجبات انجام يك رشته فعالیت های وسیع در این امور و استفاده از وجود افراد متخصص، مطلع و باایمان در اداره آنچه که مربوط به فرهنگ و تاریخ ملت می‌گردد تشویق و وادار سازد. باشد که دست کم در آینده‌ای نزدیک چهره موزه‌های غیر علمی کشور تغییر یابد و بگونه‌ای اصولی و صحیح نظیر اکثر موزه‌های پیشرو دنیا تنظیم یابند.

### موزه تاریخ مسکو

موزه تاریخ مسکو که بنای آن بهمین منظور در قرن نوزدهم ساخته شده از تعدادی اطاق و تالارهای متوسط که بدون اختلاف سطح در پی یکدیگر قرار گرفته‌اند، تشکیل یافته است. در اولین اطاق موزه که در سمت راست راهروی ورودی قرار دارد، بوسیله چند طرح، عکس و ماکت سعی شده تا بر اساس نظریات موجود تحول و تکامل نوع انسان نشان داده شود. از اینرو مراحل تکامل میمون انسان نما به «پیته کانتروپ» - «نئاندرتال» و بالاخره انسان «هوموساپین» که انسان کنونی از فرزندان آن بشمار میرود، باتصاویری جالب نموده شده است. در يك قفسه در این اطاق اندازه و شکل مغز سر، در موجود انسانی از «پیته کانتروپ» ببعده و همچنین شکل و تحول پنجه دست و پا نموده شده است. در همین قفسه بر روی يك صفحه سعی گردیده تا چگونگی انعکاسها و یاطرز عمل کرد مغز انسان پیته کانتروپ و نئاندرتال در موقع تراش-دادن سنگ و ساختن ابزار سنگی با مجموعه‌ای از خطوط متقاطع نشان داده شود. بمنظور نشان دادن آثار خلاقه بشر دوره پالئولیتیک (پارینه سنگی) تعدادی از ابزار سنگی مربوط باین دوران نیز عرضه شده است. بر رویهم باید گفت که مجموعه آثار این تالار و نحوه عرضه کردن آنها از نظر جنبه

آموزشی و جلب توجه عموم افراد با دانش‌های متفاوت، دارای ارزش و واجد اهمیتی خاص است.

در تالار مجاور در قسمت سقف بكمك چند صحنه نقاشی سعی شده تا سیمائی از زندگی روزانه انسان دوران پارینه سنگی را عرضه نمایند. در صحنه‌های مزبور چگونگی شکار، تهیه غذا، ساختن ابزار سنگی توسط بشر آن دوران نموده شده است. در یکی از صحنه‌ها وجود چند ظرف سفالی معرف آنست که هنرمند نقاش از علم باستانشناسی پیش از تاریخ بهره لازم رانداشته است.

در سه تالار بعد بترتیب تمدن و فرهنگ دوره نوسنگی (نئولیتیک) - دوره مفرغ و دوره آهن عرضه شده است. آثار هر يك از دوره‌های دزبور مربوط است به نواحی مختلف روسیه و در واقع سعی شده تا چگونگی پیشینه تمدن پیش از تاریخ سرزمین مزبور بكمك آثار بدست آمده در حفاری‌های متعدد مربوط به هر عهد نموده شود. برای انجام این منظور در قفسه‌های مختلف ابزار کار و زندگی روزانه - وسائل مربوط به شکار و کشاورزی عرضه گردیده است. نحوه بنمایش گذاردن آنها چنانست که شخص تاحد قابل ملاحظه‌ای میتواند تصویری از چگونگی زندگی مردم هر ناحیه را در دورانهای سه گانه مورد بحث دریابد. در برخی موارد شکل مسکن و گور نیز بصورت ماکت نشان داده شده است.

از جمله نکات جالب و قابل توجه این سه تالار، قفسه‌هایی است که در هر يك از آنها وجود دارد. در این قفسه‌ها اشیائی عرضه گردیده که اغلب آنها مورد استعمال مذهبی داشته و تعدادی از آنها نیز معرف ویژه گیهای هنری دوران است. در میان آنها به نقوش و مجسمه‌ها و پیکره‌های كوچك جالب برخورد می‌گردد. تکیه نمودن بر روی خصوصیات مذهبی و نحوه پندار بشر دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ در این موزه قابل توجه بسیار است.

وضع تالارهای بعد از دوره آهن، یکباره با تالارهای قبلی فرق میکند،

زیرا از این زمان بعد دیگر این خصوصیات کلی يك دوره مربوط به نواحی مختلف نیست که در یکجا عرضه میشود، بلکه شهرها و مراکز عمده تمدن هستند که هر يك تالاری را بخود اختصاص داده‌اند. در این تالارها آثار مربوط به قرنهای مختلف هر يك از این نواحی را، از آغاز دوران تاریخی بعد، تا آنجا که آثار بدست آمده و جمع‌آوری شده امکان داده است عرضه کرده‌اند.

نکته جالب در این تالارها اینست که، در هر يك از آنها خصوصیات عمده معماری منطقه و شهری که تالار مزبور متعلق به آنست، بصورت يك قوس، حاشیه‌های تزئینی و سایر آرایش‌های معماری نموده شده است. در انجام این منظور هنرمند کوشیده است تا مهمترین و شکوفاترین دوران هنر معماری آن سرزمین را برای بیان مقصود برگزیند.

پس از چند تالار که باین گونه عرضه شده است، از حدود قرن شانزدهم میلادی، شیوه کار بصورت تالارهای نخستین باز میگردد و بار دیگر هر تالار نماینده دوره‌ای برابر يك قرن برای تمامی سرزمین روسیه میشود. ولی باید گفت که در این تالارها تمام نموده‌های زندگی مردم آن قرن و تمام ساکنان روسیه عرضه نشده است. بلکه بیشتر تکیه بر روی آثاری است که دارای جنبه هنری بوده و متعلق به مردم مرفه زمان میباشد. در اینجا از وسایل کار و پیشه و آلات و ابزار مربوط به حرفه‌های مختلف و چگونگی شکل زندگی و نوع معیشت عامه مردم نشانه‌های روشن و گویائی در دست نیست. و در نتیجه آثار موجود در این تالارها سیمای روشنی از اوضاع اجتماعی و اقتصادی سده‌های شانزدهم به بعد را بدست نمیدهد.

بطور کلی باید گفت که موزه تاریخ مسکو از نظر موزه آرایی و نحوه عرضه نمودن اشیاء و تنظیم تالارها، موزه جالب و با ارزشی است که تا حدی میتوان آنرا با موزه «مردم شناسی» پاریس مقایسه نمود. از نظر نحوه تفکر نیز باید گفت که در این موزه برخلاف انتظار، در امر معرفی تمدن و فرهنگ



هر دوران، تنها به‌عرضه داشتن نمودهای فرهنگ مادی جامعه توجه نشده و از سوی دیگر بایک برداشت کاملاً مارکسیستی به‌امر تحول و تکامل تاریخ جوامع نظاره‌نشده است و یا میتوان گفت دست کم برای بازدید‌کننده چنین دریافتی حاصل نمیشود.

**نمایشگاه مربوط به جنگ جهانی دوم:** آخرین تالارهای موزه، مربوط است به حوادث جنگ جهانی دوم. بازدید ما نیز مصادف بود با ترتیب دادن نمایشگاهی بمناسبت پایان بیست و پنجمین سال جنگ جهانی دوم. در این قسمت نخست تصویر نظامیان و سرداران معروف روسیه که در جریان نبرد به افتخار شهادت رسیده و یانقش عمده‌ای ایفا نموده بودند، همراه با لباس رزم و اسلحه آنها به‌عرض نمایش گذارده شده بود. همچنین آگهی‌های مربوط به جنگ و کاریکاتورهایی علیه آلمانها، دیوار تالارها را زینت میداد در وسط یکی از تالارها در داخل یک قفسه شیشه‌ای نمونه‌هایی از اسلحه‌های غنیمت گرفته شده از آلمانها و پرچمهای ارتشی و نشانها و شمشیرهای ژنرالهای آنها بصورت درهم، برویهم ریخته شده بود.

نحوه تنظیم و به‌نمایش گذاردن این غنائم جنگی چنان است که بخوبی خرد گشتن و نابود شدن ارتش آلمان را نشان میدهد. صحنه مزبور و آرایش تالار چنان است که هر کودک و نوجوان روس با دیدن آن بشدت تحت تأثیر قرار گرفته در یک زمان دو حالت برای او پیش می‌آید، از یکسو حس کینه و نفرتش نسبت به آلمان به‌بالا ترین حد و شدت خود میرسد و از سوی دیگر نسبت به پیروزی که ارتش کشورش کسب نموده احساس غرور ملی مینماید. نکته مهم اینست که در تنظیم این نمایشگاه کوشش گردیده تا اهمیت و نقش ارتش را بیش از بیش برای مردم بیان نمایند و در نتیجه موقعیت ممتاز اجتماعی ارتشی‌ها را در جامعه روسیه که به نحو چشم‌گیری توجه همگان را بخود جلب می‌سازد توجیه کرده باشند.

### موزه هنر دلال شرق در مسکو

موزه هنر دلال شرق که آثار جالبی از هند - چین - ژاپن و دیگر سرزمینهای شرقی در آن گردآوری شده در نوع خود دارای اهمیتی فراوان است. من در اینجا از خودموزه صحبتی نمیکنم و به معرفی برخی از قسمت‌های ذخیره آن میپردازم.

بنای طبقه دوم موزه که محل خزانه آنست، عبارت از تعدادی اتاقهای کوچک است که در سطح‌های مختلف قرار گرفته و با راهروهای کم عرض و پلکانهایی چند بهم ارتباط دارند.

نخست از محل ذخیره آثار مکشوف در ماوراءالنهر بازدید بعمل آمد. در اینجا آثار بدست آمده از حفاریهای شهر افراسیاب (سمرقند کهن) - قره تپه و نسا را مشاهده کردیم.

گذشته از ظروف سفالی و مجسمه‌های کوچکی که از حدود هزاره سوم و دوم پ. م از قره تپه بدست آمده بود، سفالهای جالبی از دوره اسلامی (قرن پنجم و ششم هجری) نیز از ناحیه افراسیاب بدست آمده بود که با آثار سفالی آمل وری و نیشابور شباهت بسیار داشت. وجود نقش اسب - پرنده و نظایر آنها در این ظروف، نشان دهنده نفوذ و ادامه نگاره‌ها و نقش‌های دوره ساسانی در این عهد است.

برخی سفالهای دوره اسلامی حدود قرن ششم که در نزدیکی عشق آباد بدست آمده، از نظر رنگ، شکل و بخصوص نقش‌های کنده کاری شده یا قالبی (استامپه)، به سفالهای جالب اسلامی مکشوف در استخر شباهت بسیار دارد. - در این گنجینه برای اولین بار ساغر (ریتون) های جالب عاجی را که در نخستین پایتخت اشکانیان در نسا کشف گردیده است، مشاهده نمودم. این ساغرها در جریان زلزله شدید و وحشتناک سال ۱۹۴۸ عشق آباد در یکی از بناهای اشکانی نسا که بنام «خانه چهار گوش» خوانده میشود، کشف گردید. در آن سال

باستانشناسان شوروی با وجود شرایط نامساعد هوا، کار خود را برای کشف قطعات پراکنده این ساغرها دنبال نمودند و موفق گشتند تا حدود چهل ساغر را که به هزاران قطعه تقسیم شده بود بیابند و جمع آوری سازند. این ساغرها که شاهکار هنر عهد پارتها است در حال حاضر به نحو جالبی بازسازی شده و در موزه‌های: تاشکند - مسکو و لنینگراد عرضه گردیده است.

در امر تعمیر و باز پیرائی این ساغرهادقت و هنرمندی خاصی بکاررفته است. سر حیوانها و تصاویر انسانی موجود در این ساغرها نهایت زنده و پرتوش و توان اجراء شده‌اند.

- آثار پراکنده هنر دوره اسلامی ایران در این موزه در محلی خاص نگهداری میشود و هنوز تالاری برای عرضه ساختن آنها وجود ندارد. در اینجا تعدادی از ظروف سفالی مربوط به قرنهای پنجم و ششم و هفتم هجری وجود دارد که اغلب آنها از نظر طرح و نقش و رنگامیزی نهایت جالب و ارزشمند میباشد. از جمله کاسه ایست که در دوره داخل آن تصاویر کوچکی از شخصیت‌ها و افراد عهد سلجوقی نقاشی شده است، تا آنجا که به خاطر دارم در هیچ مجموعه‌ای، ظرفی با این نوع کار و با این دقت و ریزه کاری از این عهد ندیده‌ام. در این جا ظرفهای سفالی مکشوف‌آوری و سلطان آباد مربوط به قرن هفتم هجری قرار دارد که برخی از نگاره‌های آنها بانگاره‌های رایج عهد صفوی مانند نقش «دهان اژدری» شباهت دارد.

در این قسمت تعداد قابل توجهی تابلوهای نقاشی ایرانی از دوره قاجار جمع آوری و نگهداری میشود. در بین آثار مزبور تابلوی مستطیل شکلی بطول تقریبی ۸۰ سانتیمتر وجود دارد که روی آن اگر اشتباه نکرده باشم صحنه پذیرائی شاه طهماسب از همایون پادشاه هند نقش شده است. این درست همان صحنه ایست که در تالار چهل ستون اصفهان وجود دارد و میتوان گفت که از روی اثر مزبور کپی شده است. نحوه کار و بخصوص حالت رنگ تابلو

چنان مینماید که این تابلوکار هنرمندان دوره صفویه باشد. ( اظهار نظر قطعی در این باره احتیاج به بررسی دقیق تابلوی مزبور دارد که متأسفانه فرصت آن برای نگارنده دست نداد).

بطور کلی باید گفت که اگر روزی آثار این قسمت، بخصوص ظروف سفالی و تابلوهای آن مورد مطالعه قرار گیرد و در نمایشگاهی عرضه شود، میتواند معرف یکی از ارزشمندترین واحدهای موزه مربوط به هنر ایران در دوران بعد از اسلام باشد.

### موزه ارمیتاژ

من در باره موزه ارمیتاژ چیز زیادی ندارم که بنویسم. زیرا که این موزه را با همه علاقه ای که از دیرباز به دیدن آن داشتم جز دو بار آنهم در فرصتی کوتاه نتوانستم ببینم. دلیل این امر آن بود که بازدید از لنینگراد مصادف شده بود با دو روز تعطیل شنبه و یکشنبه که مسئولان موزه در مرخصی بودند.

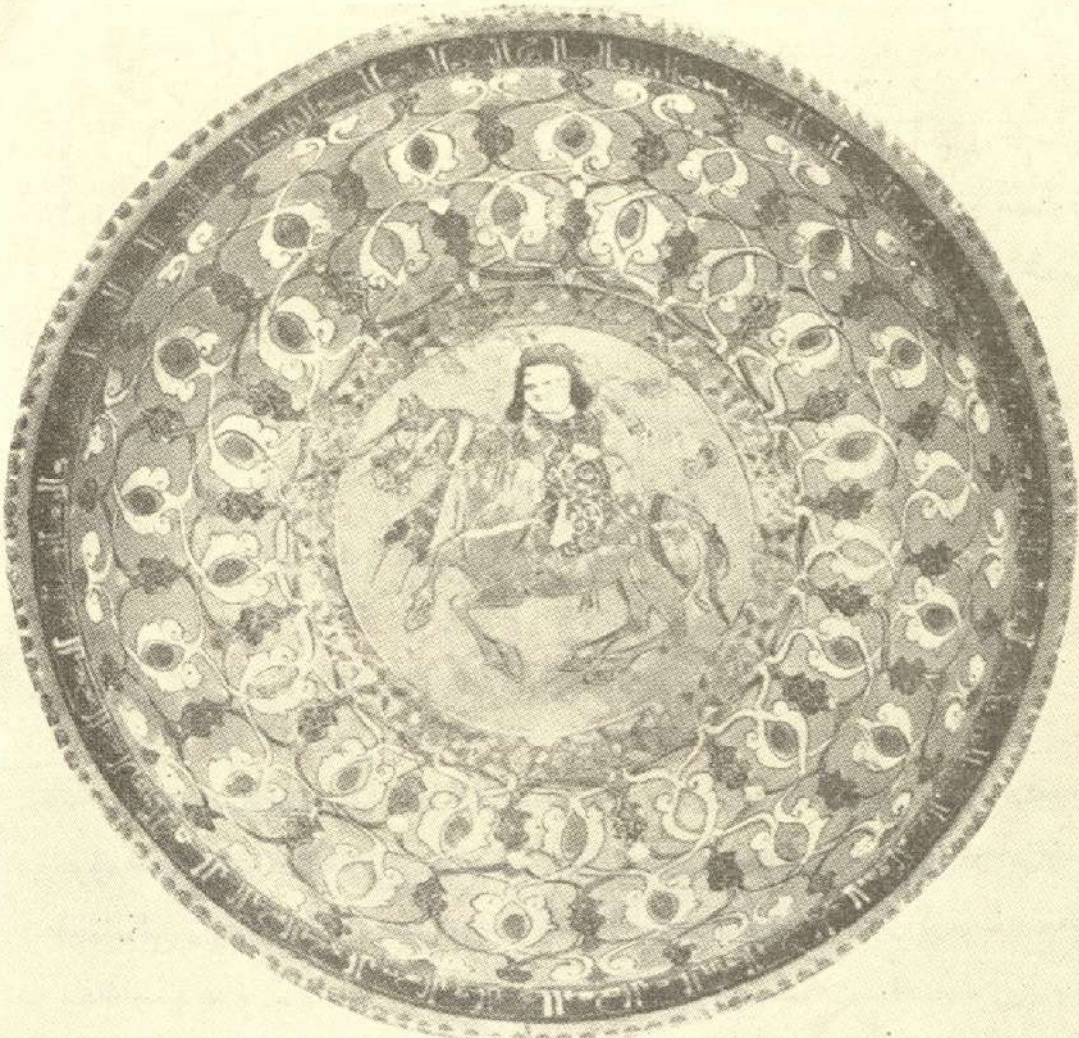
بهر حال آنچه درباره ارمیتاژ با همه عظمت و شکوه آن مینویسم، سخن کوتاهی است مربوط به برخی از آثار تمدن و فرهنگ ایرانی در آن موزه. - در اینجا قبل از توضیح درباره آثار مزبور، بدلیل عظمت و اهمیت فراوان این موزه بزرگ و مشهور، جا دارد تا باختصار درباره بنای آن و مجموعه آثار شرقی آن مطالبی را بیان داریم.

**بنای موزه ارمیتاژ:** موزه ارمیتاژ که یکی از بزرگترین و معروفترین موزه های جهان بشمار میرود و در بسیاری از موارد آثار موجود در آن جنبه استثنائی دارد، در بنای عظیمی مرکب از چهار کاخ و یک تالار ترتیب و تنظیم یافته است.

ساختمانهای مزبور در زمانهای مختلف و بمنظورهای خاص بنا شده اند



نمای موزه ارمیٹاژ در لنینگراد



کاسه سفالی لعاب دار چند رنگ از آثار جالب قرن ۱۲ یا ۱۳ میلادی ایران  
موزه ارمیٹاژ

ولی سالها بعد بوسیله دالانهای سرپوشیده آنها را بهم مرتبط نموده و یک واحد ساختمانی بزرگ را بوجود آورده اند.

قدیمی ترین واحد این مجموعه بنام «قصر زمستانی» معروف است که بین سالهای ۱۷۵۴ تا ۱۷۶۲ بوسیله معمار معروف «راسترلی» ساخته شده است. هدف در اصل ساختن محلی برای موزه بوده ولی مدتها از آن بعنوان یک کاخ استفاده میگردند و سالیان دراز جشنهای مختلف و باشکوه درباری در تالارهای آن و در میان نقاشی و تزئینات جالب این محل بر گذار می شده است. قصر مزبور در سال ۱۸۳۷ بر اثر آتش سوزی ویران میگردد و در سال ۱۸۴۰ بار دیگر توسط دو تن از معماران برجسته زمان تجدید بنا میشود که در نتیجه از نظر شیوه معماری سبک زمان در آن بکار گرفته میشود.

— ساختمان دیگر که عبارت از یک تآثر خصوصی بوده و بنام «تآثر ارمیتاژ» معروف است در سال ۱۷۸۷ بوسیله «کوارنگی» معمار معروف به پایان رسیده است. — سومین واحد بنام ساختمان «فلتون» معروف است که آنرا بنام معمار ساختمان نامیده اند. این بنا بین سالهای ۱۷۸۷ و ۱۷۷۱ ساخته شده است. — چهارمین ساختمان که آن نیز توسط «کوارنگی» بین سالهای ۱۶۸۳ و ۱۷۹۲ ساخته شده، تقلید کامل و دقیقی است از گالری معروف «رافائل لو گیاس» واقع در واتیکان.

— آخرین قسمت که بنام ساختمان جدید ارمیتاژ معروف است بین سالهای ۱۸۳۹-۵۱ توسط معمار «لیو کانز» ساخته شده است.

— تعداد تالارهای موزه ارمیتاژ به سیصد میرسد و تعداد اشیاء آن بالغ بر ۲۵۰۰۰۰۰ قطعه میباشد. بخش قابل توجهی از اشیاء این موزه مربوط است به دوران پارینه سنگی (پالئولیتیک).

آثار دوران نوسنگی (نئولیتیک) و بعد از آن، قسمت عمده آثار موزه را در بر میگیرد که بر حسب منطقه و تمدنهای مختلف در تالارهای جداگانه تنظیم یافته اند.

– آثار مربوط به فرهنگ و تمدن ملل شرق تا سال ۱۹۲۰ در قسمتهای مختلف موزه بصورت پراکنده قرار داشت. در آن سال مجموعه‌ای مرکب از هفت هزار قطعه درباره فرهنگ و هنر ملل شرق جمع آوری و در بخش ویژه‌ای ترتیب یافت.

در حال حاضر تعداد اشیاء مربوط به این مجموعه حدود ۱۳۶۰۰۰ قطعه است.

آثار مربوط به فرهنگ و هنر ملل شرق به دو قسمت کلی تقسیم میشود. یک واحد مربوط است به تاریخ و فرهنگ سرزمین‌ها و جمهوریهای آسیائی اتحاد جماهیر شوروی. و قسمت دیگر مربوط است به برخی از کشورهای شرقی جهان که در آن آثار مربوط به بیزانس - سوریه - عراق - مصر - ترکیه و ایران بنمایش گذارده شده است.

**آثار ایران در ارمنیاز:** آثار مربوط به ایران را در این موزه درش محل مختلف باید دید. دلیل این پراکندگی نخست مربوط است به نحوه دید و برداشتی که بدلائل سیاسی، دانشمندان روسیه درباره توجیه سرزمین‌های آسیائی جدا شده از ایران دارند. آنها آنچه را که در ناحیه خراسان بزرگ و ماوراءالنهر بدست آمده به اعتباری جزئی از فرهنگ و تمدن «آسیای مرکزی» میدانند. سرزمین‌هایی چون: جمهوریهای ازبکستان - تاجیکستان - ترکمنستان - قرقیزستان و ناحیه جنوبی قزاقستان، در تقسیم بندی دانشمندان شوروی بعنوان آسیای مرکزی شناخته میشود. در حالیکه سایر محققان و دانشمندان جهان نواحی چون: ترکستان شرقی - مغولستان و تبت را بنام، آسیای مرکزی می‌شناسند.

بحث درباره دلیل اینکه چرا دانشمندان شوروی نواحی مزبور را بنام آسیای مرکزی مینامند و در برخی موارد میکوشند تا فرهنگی مستقل برای آن عرضه دارند، در گفتار کنونی ما نمیگنجد ولی جا دارد باین نکته اشاره نماییم که قسمت اعظم این نواحی چون سرزمین زیبای فارسی زبان تاجیکستان



جام سفالی مکشوف از شوش مربوط به هنر ایلامی. هزاره چهارم پ. م. نگاره  
اصلی روی جام عبارتست از نقش استیلیزه یک بز کوهی. در قسمت لبه بالای  
جام نیز تصویر استیلیزه ای از یک ردیف مرغهای ماهیخوار با گردنهای بلند  
نقش شده است. موزه ارمیتاژ



و جمهوریهای ازبکستان و ترکمنستان، از دیر باز جزئی از سرزمین وسیع ایران بشمار میرفته‌اند و همبستگی فرهنگی و تاریخی آنها با فرهنگ و تاریخ ایران انکار ناپذیر می‌باشد. این امری است که حتی برخی از دانشمندان روس چون «بلنیتسکی<sup>۱</sup>» نویسنده کتاب «باستانشناسی آسیای مرکزی»<sup>۲</sup> نیز ضمن بحث در باره وضع این منطقه در عهد هخامنشیان بطور وضوح به آن اشاره نموده‌اند.

**آثار پازیریک:** از جمله آثار جالب مربوط به هنر و تمدن ایران در موزه ارمیتاژ، میتوان کهن‌ترین نمونه‌های قالی ایرانی مکشوف در پازیریک را نام برد. آثار مزبور در سال ۱۹۴۸ در «گورکانه‌های» واقع در تپه‌های پازیریک، در دامنه کوه «آلتائی» که ۷۹ کیلومتری مرز مغولستان قرار داد، توسط باستان شناس معروف شوروی «س. آ. رودنکو» کشف گردید. در این محل پنج «گورکان» قرار داشت که مساحت دوتای آنها هفده متر مربع و دوتای دیگر سیزده و هشت متر مربع بود. عمق این گورکانه‌ها بین ۱/۲۰ تا ۲ متر فرقی میکرد. از این مقبره‌ها چهار جسد مومیائی شده و تعدادی اسکلت انسانی و اسب و وسائل زین و برگ و پوشاک - لوازم مربوط به زندگی و بالاخره چند قالی و قالیچه و گبه و نمده روی اسب بدست آمده است. در مورد چگونگی محفوظ ماندن این اشیاء باید گفت که مدت زمانی بعد از دفن اجساد و ایجاد گورکانه‌ها، آب بداخل آنها نفوذ میکند و سپس یخ می‌بندد و بدلیل سرمای زیاد منطقه، یخهای مزبور بصورت همیشگی در می‌آید و در نتیجه آنچه که درون گورکانه‌ها بوده بصورت نخستین خویش باقی میماند. پس از کشف این محل یخها را با آب گرم ذوب میکنند و اشیاء را از زیر آنها خارج میسازند. قسمت مهمی از این اشیاء در حال حاضر در تالار بزرگی از موزه ارمیتاژ قرار دارد. از جمله عرابه‌چوبی شبیه عرابه‌های ترکمنی است که بخوبی بازسازی شده، همچنین

1 - A. Belenitsky

2 - Asie Centrale - Archaeologia mundi - Nagel 1968

تزیینات روی یک زیتون عاج از دوره اشکانی - حدود قرن اول میلادی . در این تصویر نقش پادشاهی همراه با پسرش طرح شده است - مرز به ارمنستان



اسکلت يك اسب<sup>۳</sup> و بالاخره مهم‌تر از همه چند قطعه فرش پرارزش را باید نام برد.

جالبترین فرشهای مزبور قطعه ایست بطول دو متر و پهنای ۱/۸۳ متر و ضخامت دو میلی‌متر که از پشم بافته شده و در هر دسی‌متر مربع آن ۳۶۰۰ گره بکار رفته است. فرش مزبور از پنج حاشیه دورادور و قسمت شطرنجی شکل میانی تشکیل یافته است. حاشیه‌های فرش با نقش حیوان افسانه‌ای بالدار - ردیف سواران ایرانی و ردیف گوزنهای خالدار زینت یافته است. قسمت وسط فرش نیز دارای نقش گل‌های چهاربرگی میباشد. رنگهای بکار رفته در این قالی عبارتست از زمینه زرد کمرنگ - قرمز - نارنجی و سبز.

در باره محل بافت این قالی و سایر فرشهای مکشوف در پازیریک بنا بر دلایل متعدد، ناحیه خراسان را یاد میکنند. بهر حال باید گفت که آثار مکشوف در پازیریک از نظر روشن ساختن پیشینه صنعت و هنر مشهور قالی - بافی ایران حائز کمال اهمیت است. در اینجا باید گفت که نور غیر مستقیم برای روشن ساختن این آثار در تالار مزبور چنانکه باید کافی نیست.

باید توجه نمود که بین تالار مزبور، و سایر تالارهایی که آثار مربوط به ایران در آنها قرار دارد فاصله بسیار وجود دارد و ارتباط لازم بین آنها مشاهده نمیشود.

**پنجیکنت و نسا:** در طبقه اول موزه در دو تالار آثار جالب مکشوف در «پنجیکنت» بصورت مجسمه و فرسک به نمایش گذارده شده است. محل شهر تاریخی پنجیکنت در حومه شهر جدیدی بهمین نام در شصت کیلومتری شرق سمرقند قرار دارد. دوران زندگی این شهر در سالهای ۷۲۰ تا ۷۷۰ میلادی بعد از حمله سپاه مسلمین پایان رسیده است. ویرانه‌های این محل مجموعه کاملی از آثار معماری در چهار منطقه مختلف راعرضه میدارد. مناطق چهارگانه

۳ - بر روی سر اسکلت اسب، جای ضربه‌ای دیده میشود و نشان میدهد که با احتمال طبق سنت زمان، پس از مرگ صاحبش، اسب را نیز کشته و در کنار او بخاک سپرده‌اند.



شکل ۱

## شرح تصاویر رنگی :

شکل ۱- مجسمه طلائی يك گراز - هنردوران اشکانی مربوط به قرن دوم یاسوم  
میلادی موزه ارمیتاژ

\* \* \*

شکل ۲- مجموعه‌ای از آثار زینتی طلا مربوط به هنر دوران اشکانی - بر روی  
گوشواره ای که در وسط مجموعه قرار دارد نام صاحب آن کنده شده است . این  
آثار مربوط است به حدود اواخر قرن اول میلادی - موزه ارمیتاژ

\* \* \*

شکل ۳ - بشقاب نقره مطلا . وزن ۱۲۶۵۵ گرم . قطر ۲۹ سانتیمتر از آثار  
قرن هفتم میلادی . صحنه شکار شیر . در پشت ظرف به پهلوی ساسانی در سه  
خط چنین نوشته شده است . « این بشقاب بفرمان یوروهمن ساخته شده است  
۳۰۲۰ درهم » . موزه ارمیتاژ

\* \* \*

شکل ۴- تنگ نقره مطلا بوزن ۱۰۴۱ گرم وبارتفاع ۳۲ سانتیمتر از آثار ارزنده  
ساسانی - حدود قرن ششم میلادی موزه ارمیتاژ



سر مجسمه مربوط به یکن، قسمتی از نقش برجسته یک آرامگاه در پالمیر، قرن دوم میلادی هنردوران اشکانی . موزه ارمنستان



حجاری زیبایی مربوط به يك سنگ قبر در پالمیر - قرن دوم میلادی - هنر دوران اشکانی موزه ارمیتاژ

عبارتست از: قلعهوار گشاهی - شهر اصلی یا «شهرستان» - حومه شهر - گورستان. این شهر در دوران ساسانی از قرن پنجم میلادی پا میگیرد و تا قرن هشتم به زندگانی خود ادامه میدهد.

در پنجیکنت گذشته از آثار جالب معماری و وسایل زندگی و نوشته‌هایی بخط سغدی، آثار ارزنده هنری بصورت فرسک یا دیوار نگاره‌های باشکوه، مجسمه‌هایی از چوب و گلرس نیز بدست آمده که حائز کمال اهمیت است. دیوار نگاره (فرسک)‌هایی که در این محل بدست آمده و اینک قسمت مهمی از آن بر روی دیواره‌های تالار موزه ارمیتاژ نصب شده است دارای ابعاد بزرگی حدود ۳ × ۵ متر می‌باشد. باید گفت که دیوار نگاره‌های مزبور، دیوار اطاقهای خانه‌ها و معابد را از کف تا سقف زینت میداده است. فرسک‌های مزبور از نظر رنگ بسیار غنی هستند. برخی از نقشها و صحنه‌های دیوار نگاره‌های پنجیکنت معروف داستان‌هایی مربوط به رستم، قهرمان حماسی ایران باستان است. که از جمله نبرد رستم با دیوسفید در آنها نموده شده است. در برخی دیگر از صحنه‌ها تصاویری از نبرد سواران با حیوانات درنده طرح شده است که از نظر تفکر و طرز دید بیان کننده اعتقاد به درگیری خیر و شر و نبرد میان مظاهر نیک و بد است. اعتقادی که در فلسفه و دین ایران باستان وجود داشته و بصورت سمبلیک در حجاری‌های تخت جمشید نیز نموده شده است. نحوه اجراء و سبک این آثار با شیوه کار عهد اشکانیان و ساسانیان شباهت کامل دارد. در برخی از صحنه‌ها نشانه‌ای از خدایان افسانه‌ای مذهب بودائی نیز دیده میشود.

در قفسه‌ای در این تالار آثار فلزی از دوره هخامنشیان عرضه گردیده است. از جمله اشیاء جالب و ارزنده دیگر این قسمت، ساغر (ریتون)‌های عاج مکشوف، درنسا می‌باشد که بنحو چشم گیر و ارزنده‌ای بر تارک آثار جالب ارمیتاژ میدرخشد.





پشت سکه بهرام دوم . در این تصویر در وسط نقش يك آتشدان و در دو  
جانب آن دوسرباز نگهبان طرح شده است .



سکه درهم نقره مربوط به بهرام دوم (۲۹۳ - ۲۷۶ م.ب) در روی این سکه  
تصویر جالب پادشاه - ملکه و ولیعهد دیده میشود . موزه ارمیتاژ

**گنجینه آثار زرین سکاها :** در همین طبقه با اشیاء ارزنده دیگری برخورد می‌شود که عبارتست از مجموعه‌ای از آثار هنری معروف به گنجینه سکاها که قسمت عمده آنها از «گورکانه‌ها» بدست آمده است. گنجینه مزبور از نظر مجموعه آثار هنری زیر یکی از مهمترین و معروفترین گنجینه‌های جهان بشمار می‌رود برای بررسی هنر جواهرسازی ایران از آغاز هزاره اول بعد، شناسائی ویژه گیهای هنری مجموعه مزبور حائز کمال اهمیت است.

**آثار دوره ساسانی :** در طبقه دوم موزه ارمیتاژ تالار شماره ۳۸۳ آن به معرفی آثار فلزی دوره ساسانی اختصاص یافته است. در این تالار تعدادی از بشقابهای نقره و طلا کاری دوره ساسانی در چندین قفسه به نمایش گذارده شده است. مجموعه مزبور از نظر گونا گونی و تعداد، غنی ترین مجموعه آثار فلزی دوره ساسانی بشمار می‌رود. آثار مزبور در نواحی شمالی شوروی و در کنار راههای تجارتی باستانی که ایران را با شمال روسیه مربوط میساخته، یافت شده است. صحنه‌هایی که در روی بشقابها طرح شده عبارتست از :

الف - صحنه شکار بصورت پیاده و سوار براسب مربوط به شاپور دوم - شاپور سوم - بهرام هرمز چهارم - اسلحه در شکار سواره عبارتست از تیر و کمان، در شکار پیاده تیر و کمان و خنجر.

ب - صحنه مراسم رسمی و بزم شاهانه که شاه را در حال نشسته بر روی تخت نشان میدهد - از جمله صحنه ایست مربوط به خسرو انوشیروان که بر روی تخت نشسته و دو حیوان در زیر تخت او قرار دارند.

پ - صحنه شکار بهرام به همراه آزاده و سوار بر شتر.

ت - صحنه‌های میتولوژیک، نظیر نقش زنی که بر «حیوان افسانه‌ای» سوار میباشد و مشغول نواختن نوعی ساز بادی نظیر قره‌نی است.

نقش دیگر در همین گروه عبارتست از تصویر عقابی در وسط که زنی بر پشت آن در حال رقص و دست افشانی است. در قسمت پائین این صحنه تصویر دو تن در حالیکه کمان و تیری در دست دارند طرح شده است.



نقش شاپور دوم در حین شکار شیر بر روی بشقابی از دوره ساسانی . از گنجینه معروف هنر ساسانی موزه ارمیتاژ



— صحنه رسمی بر تخت نشستن خسروانوشیروان . چنانکه ملاحظه میگردد، در این تصویر سطح بشقاب به دو قسمت تقسیم گردیده که در بخش پائین آن ، صحنه ای از شکارگاه شاهعی نموده شده است. هنرمند در این قسمت برخلاف بخش بالای ظرف که از سکون برخوردار است و یک صحنه تشریفاتی و رسمی را نشان میدهد، کوشش نموده تا منظره ای پرتحرک و پرتوش و توان را عرضه بدارد . موزه ارمیتاژ



ث - صحنه‌های مربوط به الهه آناهیتا در حال دست‌افشانی . این صحنه‌ها در دوران بدنه جامها نقش شده است .

نکته جالب اینکه صحنه‌های رقص در میان چارچوبه‌ای از پدیده‌های معماری نظیر طاقنما، یا طاقچه‌های قوس‌دار گنجانده شده است . در این تصاویر پایه قوسها بر روی ستون‌هایی با سبکهای مختلف قرار گرفته است . برخی از این ظرفها دارای نوشته‌هایی میباشند که گذشته از جنبه هنری ارزش تاریخی نیز به آنها بخشیده است .

- مجموعه ظروف فلزی ساسانی موزه ار میتاژ گذشته از آنکه نمایشگر نکات فنی گوناگون کننده کاری روی فلز است ، از نظر هنری نیز معرف احساس قوی ترکیب و تنظیم ( کمپوزیسیون ) هنرمندان دوران ساسانی میباشد . از نمونه‌های جالب این مجموعه بشقابی است که در آن صحنه شکار شیر توسط شاپور دوم نموده شده است .

- در آخرین قفسه مجموعه مزبور، تعدادی از بشقابهای فلزی قرن نهم تا یازدهم میلادی که مربوط بدوران بعد از اسلام میباشد، عرضه شده است . این آثار از نظر شباهت فراوانی که بین نقش آنها و نقش بشقابهای دوره ساسانی وجود دارد دارای ارزش بسیار است . نمونه‌هایی از صحنه‌های مزبور عبارتند از:

- ۱- پادشاهی سوار بر اسب و در حال نبرد با شیر بکمک نیزه .
  - ۲- نبرد شیر و گاو و حمله شیر بر پشت گاو، نظیر نقش‌های تخت جمشید .
  - ۳- صحنه بر تخت نشستن یک پادشاه و کنیزی که مشغول باد زدن او است و در اطراف تخت چند نفر در حال نواختن آلات مختلف موسیقی دیده میشوند و مجموعه آن مجلس بز می‌رانسان می‌دهد .
- کلیه این آثار از نظر تنظیم و پرداخت صحنه، نشان دهنده نفوذ کامل و ادامه خصوصیات اجتماعی و زندگی دوره ساسانی و نمودارهای هنری آن در



عودسوز برنز بشکل یک سوارکار با ارتفاع ۳۵٫۶ سانتیمتر از آثار هنری  
اواخر دوران ساسانی . موزه ارمیتاژ



دوران بعد از اسلام است. باید گفت که آثار مزبور از نظر نکات فنی در مقایسه با آثار دوره ساسانی بسیار ضعیفتر بنظر میرسد.

**آثار دوران بعد از اسلام ایران:** آثار دوران اسلامی ایران در ارمیتاژ نیز در دو محل مختلف و دور از هم عرضه شده است. قسمت عمده این آثار در همان طبقه اشیاء دوره ساسانی و در دنبال آن بنمایش گذارده شده است. اشیاء عمده این مجموعه عبارتست از کاشیهای نفیس امامزاده یحیی و رامین - محراب جالب کاشی از شهر کاشان - ظروف لعابدار و بالاخره تعدادی از قالیهای بسیار پر ارزش ایرانی مربوط بنواحی مختلف کشور، از دوره صفویه وقاجار.

در بین آثار سفالی این بخش، گلدانی جالب قرار دارد که کار هنرمندان کاشان در قرن سیزدهم میلادی است. بر روی این ظرف نقوش جالبی از انسان و حیوانات مختلف دیده میشود. در قسمت کارهای دست یافت نیز میتوان از یک قطعه مخمل با حاشیه دوزی ابریشمی مربوط بقرن شانزدهم یاد کرد که نقش جالب آن نمایشگر سرگردانی مجنون در بیابان است. رویهم رفته آثار این قسمت از نظر معرفی هنر دوران بعد از اسلام ایران ارزش بسیار دارد.

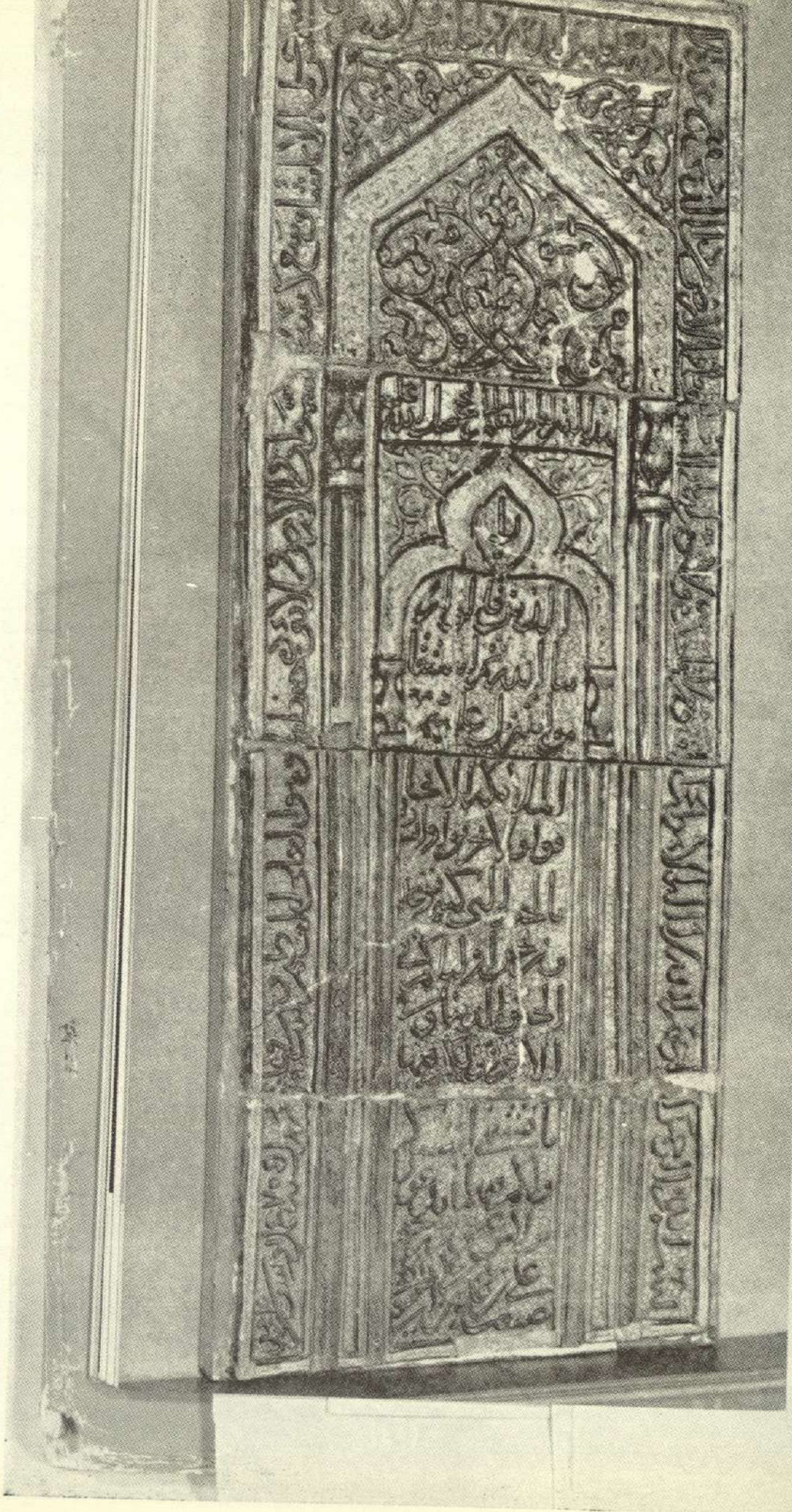
قسمت دیگر آثار دوران اسلامی ایران در طبقه اول موزه قرار دارد و عبارتست از اشیاء زیبای عتیقه و هنری دوران صفویه وقاجار از قبیل: اسلحه ظروف فلزی - ظروف بلورین - میناکاری - قطعات زربفت و نظایر آنها که از نظر زیبایی و چشم نواز بودن و ریزه کاری مجموعه ارزشمندی را معرفی مینماید. از جمله آثار جالب این مجموعه شمشیر فتحعلیشاه است که ناصرالدینشاه آنرا بمبلغ ۴۰۰۰۰ منات به آلکساندر دوم فروخته است!!

- در قسمت زیرزمین موزه ارمیتاژ اشیائی مربوط بدوران پیش از تاریخ، ماد و هخامنشی بنمایش گذارده شده است.

- در طبقه چهارم موزه نیز گنجینه جالبی از آثار طلائی و جواهرات دوران ساسانی وجود دارد.



مجسمه برنزی مربوط به قرن دوازدهم میلادی از آثار جالب فلزی ایران .  
موزه ارمیتاژ



تصویر جالب محراب کاشی مربوط به امامزاده یحیی ورامین با تاریخ سال ۱۳۰۵ میلادی . موزه ارمیتاژ

— یک قطعه مینیاتور از کارهای هنرمند بزرگ و معروف ایران رضای عباسی — مربوط به سال ۱۶۱۲ — موزه ارمیتاژ



مینیاتور از کارهای هنرمند بزرگ و معروف ایران رضای عباسی  
مربوط به سال ۱۶۱۲ - موزه ارمیتاژ



تنگ شیشه‌ای - هنر شیشه‌سازی قرن هیجدهم ایران - موزه ارمیتاژ

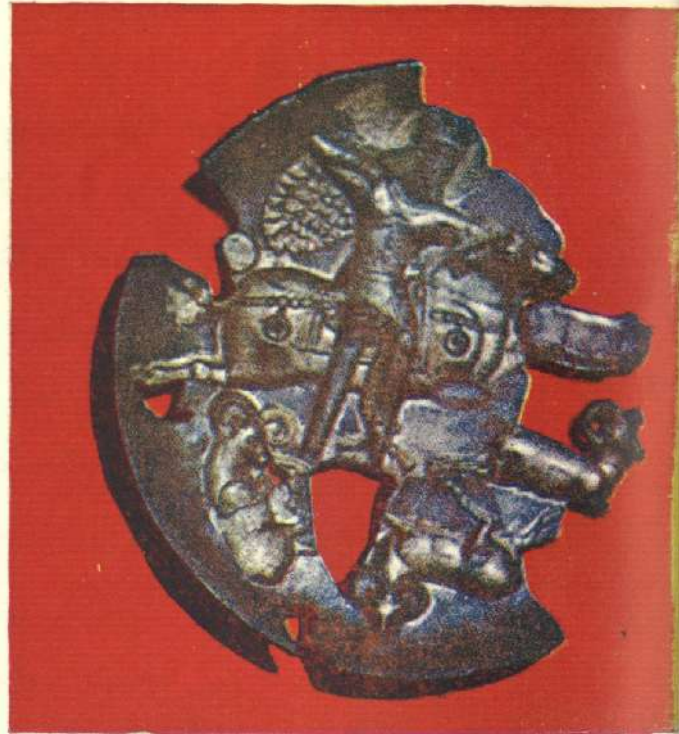
با کمال تأسف از این دو قسمت موزه بازدید بعمل نیامد و آنچه در بالا بدان اشاره رفت براساس اظهارات یکی از دوستان دانشمندی است که سالها پیش، از این دو واحد بازدید کرده بود.

- در اینجا لازم میدانم یکبار دیگر به این نکته اشاره نمایم که نحوه عرضه نمودن آثار مربوط به فرهنگ و تمدن دورانهای مختلف ایران در موزه اهمیتناز، از وجود یک پیوستگی منطقی براساس زمان بدور بوده و در نتیجه بعلت پراکندگی و دورافتادن از هم با وجود همه اهمیت و ارزش فراوانی که اشیاء هر دوره دارا می باشد، معرف مجموعه ای بهم پیوسته که نمایشگر فرهنگی کهن در طول هزاران سال تاریخ باشد، نیستند. از اینرو امکان یک بررسی علمی درباره گرگونیها و تحول فرهنگ و هنر ایران از طریق این واحدهای پراکنده کار مشکلی بنظر میرسد. و بازدید کنندگان علاقه مندان نیز چنانکه باید دریافتی روشن از آن بدست نخواهند آورد.

### موزه تاریخ تاشکند

موزه تاریخ تاشکند در محل بنای جالبی که بعد از زلزله شدید تاشکند، جزء چند بنای منحصر بفرد قدیمی این شهر بشمار میرود، ترتیب داده شده است. در این موزه از دوران پارینه سنگی تا عصر حاضر آثار جالبی مربوط به منطقه ای که هم اکنون جمهوری ازبکستان را دربر می گیرد بمعرض نمایش گذارده شده است. در این موزه سعی گردیده است دورانهای مختلف تاریخ منطقه بکمک آثار مکشوف و یا طرحها و عکسها و ما کتلهای متعدد، معرفی شوند. که قسمتی از این مجموعه ها مربوط بدوره پیش از تاریخ میباشد و بخشی دیگر بدوران تاریخی اختصاص داده شده است.

در عین حال کوشیده اند نحوه عرضه ساختن آثار بصورتی باشد که از ورای آن بتوان دریافتی خاص براساس نظریات مارکسیستی از چگونگی و



تحول دورانهای مزبور حاصل نمود. این احساس در تالارهایی که معرف دوران پیش از تاریخ و دوران تاریخی است دست نمیدهد. در این تالارها چگونگی سیمای جامع زندگی جوامع منعکس نیست و در نتیجه نشانه‌ای از وجود طبقات مختلف و تضاد زندگی بین طبقه حاکمه و دیگر مردم مشاهده نمی‌شود. ولی از حدود قرون وسطی به بعد وضع تغییر می‌یابد، چنانکه با ساختن ماکت برخی از کارگاهها و مجسمه پیشه‌وران و صنعتگران زمان، سعی گردیده است تلاش ایشان و همچنین فقر دهقانان در یکطرف، و امکانات و موقعیت مناسب گروه مالکان و حکمرانان بالباسهای فاخر و زندگی مرفه در سوی دیگر عرضه شود. در تالارهای مربوط به قرن هیجدهم و نوزدهم، با شدت بیشتری به مسئله قدرت هیأت حاکمه زمان بصورت یک نیروی بهره‌برداري کننده توجه شده و در مقابل شرایط زندگی توده مردم بگونه‌ای نامناسب نمایان گشته است.

چنانکه در یکسو زندگی مجلل و راحت حکمرانان و از جانب دیگر زندگی فلاکت‌بار مردم و نحوه رفتار خشنی که نسبت به آنها صورت می‌پذیرفته، بکمک عکس و طرح نشان داده شده است.

رو بهم رفته قسمت‌های مزبور در این موزه ضمن هنری که در تنظیم آنها بکار رفته، بمنظور تأکید نظریات خاصی ترتیب یافته و سعی شده است تا شرایط و اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه در دوران پیش از انقلاب روسیه به گونه‌ای غیر عادلانه و غیر انسانی نشان داده شود. طبقه بالای موزه به دوران بعد از انقلاب تعلق دارد که بعلت کمی وقت آنرا جزء برنامه بازدید قرار نداده بودند.

- اینک در پی آنچه که گفته شد به شرح مختصری درباره هر دوره و برخی

از آثار آن که در این موزه عرضه شده است می‌پردازیم.

**پیش از تاریخ :** قسمت پیش از تاریخ موزه بکمک مقداری از ابزار سنگی مکشوف و همچنین تعداد قابل توجهی ماکت و عکس به گونه‌ای بسیار خوب و موفق به نمایش گذارده شده است. چنانکه در چندین قفسه بکمک ماکت و



مجسمه مراحل مختلف تکامل میمون‌های انسان‌نما را به انسان‌هایی چون پیتِه-کانتروپ-نئاندرتال و هوموساپین، همراه با شرایط و چگونگی زندگی آنها نموده‌اند. در این موزه مجسمه نیم تنه یک انسان نئاندرتال را به نمایش گذاشته‌اند. این مجسمه از روی اسکلت کودکی هشت تا نه ساله مربوط به تمدن دوره «مسترین» که زمان آنرا حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش دانسته‌اند، ساخته شده است. اسکلت مزبور در جریان حفاری سال ۱۹۳۸ در غاری واقع در «تشیك تاش» در جنوب شرقی «ترمز» نزدیک «آمودریا»، در داخل چاله‌ای که روی آنرا با شاخ بز کوهی پوشانیده بودند بدست آمده است. مجسمه اسکلت نامبرده که بطور کامل و سالم کشف گردیده از جمله نمونه‌های جالب انسان «نئاندرتال» بشمار میرود. مجسمه‌ای که در موزه تاشکند قرار دارد یک بازسازی دقیقی است که بکمک انسان شناسان شوروی انجام گرفته، چنانکه میتوان سیمای انسان نئاندرتال را بیاری آن باز شناخت.

از جمله آثار جالب دیگر دوره پیش از تاریخ موزه میتوان کپی مربوط به نقش‌های پیش از تاریخ (دوره مزولیتیک) را نام برد که در کوهستانهای «باباطاق» در صد کیلومتری شرق «ترمز» بدست آمده است. در این جاذباتصاویری از حیوانات وحشی و شکارچیان که پوست حیوانات را در بردارند نموده شده است. نقش‌های مزبور با آنچه که در طی دو سال گذشته در ناحیه لرستان ایران (غار همیان-میرملاس و دوشه) کشف گردیده از بسیاری جهات قابل مقایسه است. در قسمت پیش از تاریخ موزه اشیاء و آثار جالبی که از تپه‌های دوره نوسنگی (نئولیتیک) مانند: «نماز گاه تپه» و «قره تپه» بدست آمده به نمایش گذارده شده است.

**دوران تاریخی:** آثار مربوط به دوران تاریخی موزه بطور طبیعی معرف آثاری از آغاز هزاره اول-عهد هخامنشی، اشکانی و ساسانی تا زمان حمله عرب است. درباره آثار دوره اشکانی سعی بر آنست که آنها را بعنوان هنری خاص

و ویژه تمدنی مستقل بنام کوشان معرفی نمایند. در این موزه برای نمودن خصوصیات کلی تمدن و هنر دوره هخامنشی از تعدادی عکس مربوط به بناها و حجاری‌های تخت جمشید استفاده شده است. در اینجا برای نمودن آثار گنجینه طلای معروف جیحون که مجموع آن در «موزه بریتانیا» قرار دارد نیز از عکس استفاده شده است. گنجینه مزبور در سال ۱۸۷۰ در جنوب تاجیکستان نزدیک ناحیه «قبادیان» بدست آمد.

حفره‌های انجام شده در ناحیه خوارزم منجر به کشف آثار معماری عظیم و ارزنده‌ای از دوره هخامنشی گردیده که هم از نظر طرح و هم از نظر عواملی چون ستون که بکار گرفته شده، حائز اهمیت فراوان است. از جمله آثار مربوط به دوره هخامنشی در این موزه باید نظر فهای جالب سفالی مکشوف در «کوچک - تپه» نزدیک «ترمز» در حوالی کناره «آمودریا» را نام برد.

- آثار جالبی از منطقه باستانی «افراسیاب» واقع در کنار شهر سمرقند کنونی که سمرقند باستانی را در بردارد، در موزه تاشکند دیده میشود. از جمله این آثار میتوان مجسمه‌های جالب سفالی از الهه آناهیتا را نام برد که تاجی بر سر و بالی شبیه بال پرندگان دارد. در افراسیاب همچنین تعدادی مجسمه سفالی با کلاه «فریژی» بدست آمده که از وجود پیروان آئین مهر در این ناحیه حکایت میکند.

- از جمله اشیاء جالب دیگر باید از اثری یاد کرد که تصویر دو مار را در حال حمله بسوی یکدیگر نشان میدهد، این اثر هنری که دارای جنبه اشاره‌ای (سمبولیک) بوده و با احتمال معرف نبرد بین خوبی و بدی است، در ناحیه «فرغانه» بدست آمده است. جالب اینکه بنا بر توضیح مدیر موزه نظیر این شئی در مکزیکو نیز یافت شده است.

- در موزه تاشکند «استودان» جالبی قرار دارد که در ناحیه خوارزم بدست آمده و مربوط به قرن چهارم میلادی است. جنس استودان مزبور از

سفال است و بشکل مجسمه زنی نشسته ساخته شده است. مجسمه سفالی مزبور تو خالی است و زمانیکه جسد را میسوزانیدند استخوانهای باقیمانده و خاکستر جسد را در آن میریختند. باستانشناسان در تاشکند اثر مزبور را مربوط به دورانی میدانستند که التقاطی بین مذهب و تفکر بودائی و زرتشتی در منطقه وجود داشته است.

در این موزه قطعاتی از پلاکهای چوبی مستطیل با دسته‌ای کوچک در انتهای آنها قرار دارد که بر روی آن بخط پهلوی مطالبی نوشته شده است. این نوشته‌ها مربوط به قرن اول تا سوم میلادی است.

عکسها و آثاری مربوط به کاوشهای ناحیه «خالچیان» در موزه تاشکند عرضه شده که حائز اهمیت بسیار است. منطقه باستانی خالچیان که از مجموعه فراوانی تپه‌های باستانی کنار هم تشکیل یافته، در نزدیک دهکده‌ای بهمین نام در کنار رودخانه «سرخان دریا» در شرق «ترمز» واقع است و آثار آن مربوط به قرنهای اول پیش از میلاد تا دوم میلادی است.

در طی سالهای ۶۴-۱۹۶۲ باستانشناس معروف شوروی «پوگاچنکووا» موفق به کشف قصری جالب در این محل گشت. آثار معماری این محل با برخی از آثار معماری مکشوف در نسا شباهت دارد. از اکتشافات جالب این محل میتوان کشف نقش برجسته‌ها و مجسمه‌هایی از گدرس را نام برد که نمای ایوان بنا و تالار بزرگ آنرا زینت میداده است.

تصویر مربوط به گروه سواران در این بنا از نظر شیوه کار، شکل لباس و اسلحه، بانقش سواران پارتی در «دورا اوروپوس»<sup>۴</sup> شباهت بسیار دارد. بطور کلی باید گفت که آثار زیبا و پرارزش خالچیان در امر بررسی و شناخت هنر معماری و زینت آن مربوط به دوره اشکانی حائز اهمیت بسیار است.

**ورخشا:** تصاویری از بناها و آثار معماری مکشوف در «ورخشا» در موزه تاریخ تاشکند عرضه شده که نمودار ارزنده‌ای از سبک معماری و هنر دوران

۴ - از آثار معروف دوران اشکانیان که در سوریه واقع است.

اشکانی و ساسانی بشمار میرود. آثار معماری و قصر معروف ورخشادر سی کیلومتری شمال غربی بخارا قرار دارد. در این محل تپه‌های باستانی فراوان و متعددی که هر یک بخشی از مجموعه بناهای شهری بزرگ رادر بردارند، در کنار هم دیده میشود.

با کشف این محل در سال ۱۹۳۷ توسط «شیشکین» باستانشناس شوروی هیجان خاصی در بین باستانشناسان بوجود آمد. ورخشا شهری بوده که بین قرن پنجم میلادی یعنی از اواسط دوران ساسانی تا قرن دهم میلادی دوران شکوفای خود را طی نموده است.

مهمترین کشف این محل، قصر جالبی است که بنام «بخارا خدا» یا قصر حاکم بخارا معروف بوده است. قصر مزبور گذشته از وجود تالارهای بزرگ و ترکیب خاص تالار و ایوان در آن که از خصوصیات معماری عهد اشکانیان و بعد دوران ساسانی است، از نظر وجود دیوار نگاره (فرسک) هائی که دیوارهای تالارها را میپوشانیده است، حائز اهمیت میباشد. صحنه‌های دیوار نگاره‌های مزبور بصورت نبرد فیل سواری با پلنگ - حیوان بالدار افسانه‌ای و بجزر نموده شده است. نحوه صحنه پردازی این تصاویر، نمایشگر همان شیوه‌ایست که در هنر دوره اشکانی و ساسانی دیده میشود.

**افراسیاب:** از آثار جالب دیگر موزه تاشکند وجود کپی از دیوار نگاره‌های مکشوف در بناهای حدود قرن هفتم میلادی ویرانه‌های افراسیاب، یا سمرقند باستانی است. بر روی دیوار تالارهای مکشوف در افراسیاب تزیینات جالبی بصورت دیوار نگاره (فرسک) وجود داشته که بادقت خاصی از روی آنها کپی تهیه شده است. اندازه برخی از این دیوار نگاره‌ها به ۱۱×۱۱ متر میرسد. رنگ‌های بکار رفته بیشتر عبارتست از: آبی-زرد-قهوه‌ای - سفید و سیاه. قطعه‌ای که در موزه عرضه شده چندتن از نمایندگان «بدخشان» را نشان میدهد که به دربار حکمران شهر «شاش» (نام قدیمی تاشکند) آمده‌اند.

سفال است و بشکل مجسمه زنی نشسته ساخته شده است. مجسمه سفالی مزبور تو خالی است و زمانیکه جسد را میسوزانیدند استخوانهای باقیمانده و خاکستر جسد را در آن میریختند. باستانشناسان در تاشکند اثر مزبور را مربوط به دورانی میدانستند که التقاطی بین مذهب و تفکر بودائی و زرتشتی در منطقه وجود داشته است.

در این موزه قطعاتی از پلاکهای چوبی مستطیل با دسته‌ای کوچک در انتهای آنها قرار دارد که بر روی آن بخط پهلوی مطالبی نوشته شده است. این نوشته‌ها مربوط به قرن اول تا سوم میلادی است.

— عکسها و آثاری مربوط به کاوشهای ناحیه «خالچیان» در موزه تاشکند عرضه شده که حائز اهمیت بسیار است. منطقه باستانی خالچیان که از مجموعه فراوانی تپه‌های باستانی کناره هم تشکیل یافته، در نزدیک دهکده‌ای بهمین نام در کنار رودخانه «سرخان دریا» در شرق «ترمز» واقع است و آثار آن مربوط به قرنهای اول پیش از میلاد تا دوم میلادی است.

در طی سالهای ۶۴-۱۹۶۲ باستانشناس معروف شوروی «پوگانکوا» موفق به کشف قصری جالب در این محل گشت. آثار معماری این محل با برخی از آثار معماری مکشوف در نسا شباهت دارد. از اکتشافات جالب این محل میتوان کشف نقش برجسته‌ها و مجسمه‌هایی از گلرس را نام برد که نمای ایوان بنا و تالار بزرگ آنرا زینت میداده است.

تصویر مربوط به گروه سواران در این بنا از نظر شیوه کار، شکل لباس و اسلحه، بانقش سواران پارتی در «دورا اوروپوس»<sup>۴</sup> شباهت بسیار دارد. بطور کلی باید گفت که آثار زیبا و پرارزش خالچیان در امر بررسی و شناخت هنر معماری و زینت آن مربوط به دوره اشکانی حائز اهمیت بسیار است.

**ورخشا:** تصاویری از بناها و آثار معماری مکشوف در «ورخشا» در موزه تاریخی تاشکند عرضه شده که نمودار ارزنده‌ای از سبک معماری و هنر دوران

۴ - از آثار معروف دوران اشکانیان که در سوریه واقع است.

اشکانی و ساسانی بشمار میرود. آثار معماری و قصر معروف ورخشادر سی کیلومتری شمال غربی بخارا قرار دارد. در این محل تپه‌های باستانی فراوان و متعددی که هر یک بخشی از مجموعه بناهای شهری بزرگ رادر بردارند، در کنار هم دیده میشود.

با کشف این محل در سال ۱۹۳۷ توسط «شیشکین» باستانشناس شوروی هیجان خاصی در بین باستانشناسان بوجود آمد. ورخشا شهری بوده که بین قرن پنجم میلادی یعنی از اواسط دوران ساسانی تا قرن دهم میلادی دوران شکوفای خود را طی نموده است.

مهمترین کشف این محل، قصر جالبی است که بنام «بخارا خدا» یا قصر حاکم بخارا معروف بوده است. قصر مزبور گذشته از وجود تالارهای بزرگ و ترکیب خاص تالار و ایوان در آن که از خصوصیات معماری عهد اشکانیان و بعد دوران ساسانی است، از نظر وجود دیوار نگاره (فرسک) هائی که دیوارهای تالارها را میپوشانیده است، حائز اهمیت میباشد. صحنه‌های دیوار نگاره‌های مزبور بصورت نبرد فیل سواری با پلنگ - حیوان بالدار افسانه‌ای و بپر نموده شده است. نحوه صحنه پردازی این تصاویر، نمایشگر همان شیوه ایست که در هنر دوره اشکانی و ساسانی دیده میشود.

**افراسیاب:** از آثار جالب دیگر موزه تاشکند وجود کپی از دیوار نگاره‌های مکشوف در بناهای حدود قرن هفتم میلادی ویرانه‌های افراسیاب، یا سمرقند باستانی است. بر روی دیوار تالارهای مکشوف در افراسیاب تزیینات جالبی بصورت دیوار نگاره (فرسک) وجود داشته که بادقت خاصی از روی آنها کپی تهیه شده است. اندازه برخی از این دیوار نگاره‌ها به  $11 \times 11$  متر میرسد. رنگ‌های بکار رفته بیشتر عبارتست از: آبی-زرد-قهوه‌ای - سفید و سیاه. قطعه‌ای که در موزه عرضه شده چندتن از نمایندگان «بدخشان» را نشان میدهد که به دربار حکمران شهر «شاش» (نام قدیمی تاشکند) آمده‌اند.

نکته جالب در مورد این تصویر، نقش‌هائی است که بر روی پارچه جامه این افراد دیده میشود. نقشهای مزبور عبارتست از دواير و يابيضی‌هائی که داخل آنها تصویر حيوان بالدار افسانه‌ای و پرنده‌ای که گردن بندى بدهان دارد و آنرا «پرنده بخت» مینامند نقش شده است.

اینگونه نگاره‌های تزئینی ویژه هنر عصر ساسانی است که در این تصاویر به نحو چشم‌گیری جلوه گر میباشد<sup>۵</sup>. باید گفت که اعراب به محض رسیدن به افراسیاب بر روی تمامی این دیوارنگاره‌ها گچ کشیده‌اند و در برخی موارد سر حیوانات را خراب کرده‌اند.

از جمله آثار جالب دیگری که از افراسیاب بدست آمده، يك قطعه گچ-بری ارزنده بصورت سرازدها میباشد که شبیه آنرا بانقره در مجموعه آثار فلزی دوره ساسانی ارمیتاژ میتوان مشاهده نمود.

**مغ خانه:** در آخرین تالار دوران تاریخی موزه تاشکند ما کت جالبی وجود دارد که نشان دهنده منطقه کوهستانی بنام «مغ خانه» است. در این ماکت گورکانه‌های مربوط به «هفتاله‌ها» نشان داده شده است. گورکانه‌های مزبور بصورت آرامگاههای سنگی گنبد داری است که با سنگهای لاشه ساخته شده است. نحوه دفن در این دوران چنان بوده که استخوانها را در داخل استودانه‌های کوچک سفالی میریختند و پس از انجام مراسم خاص استودانه‌ها را داخل گورکانه‌های مزبور بر روی هم قرار میدادند. منطقه مغ خانه در ناحیه «سرخان دریا» قرار دارد.

**دعماری رباط ملك:** عکسها و تصاویری که از معماری‌های باقیمانده و موجود در «رباط ملك» نزدیک بخارا مربوط به قرن یازدهم میلادی در موزه تاشکند

۵- در موقع بازدید از محل کار هنرمندان مؤسسه باستانشناسی تاشکند که مشغول تعمیر و تهیه کپی دیوارنگاره‌های افراسیاب بودند، مشاهده گردید، که لباس خانمهای هنرمند باهمان رنگ و نقشی تهیه شده بود که در دیوارنگاره‌های افراسیاب وجود داشت. پارچه‌های مزبور در سمرقند بافته میشود.

قرار دارد، معرف آنست که آثار مزبور براساس و شیوه هنر معماری عهد ساسانی ساخته شده است.

**دوران بعد از اسلام:** دوران بعد از اسلام موزه تاریخ تاشکند با چند تالار خاص دوره سامانیان آغاز میشود بیرون نخستین تالار دوره سامانیان نقشه بزرگی از سرزمین وسیع خراسان بزرگ و نواحی که زیر فرمان شاهان سامانی بوده است قرار دارد.

اشیاء و تصاویر و طرحهایی که معرف خصوصیات دوران سامانی است از هر جهت کمال اهمیت را دارد و به جرأت میتوان گفت که در هیچ موزه‌ای نمیتوان مجموعه‌ای اینچنین کامل از دوران سامانی را بازیافت.

تصاویر جالبی از شخصیت‌ها و دانشمندان بزرگ ایرانی چون ابن سینا و ابوریحان بیرونی همراه با اصل و یا کپی اکثر آثار آنها در این موزه عرضه شده است. نظیر چنین مجموعه و تصاویر را در هیچ موزه و محلی در ایران کنونی نمیتوان مشاهده نمود. تصاویری از الغ بیک و امیر علیشیر نوائی وزیر دانشمند نیز در این موزه بنمایش گذارده شده است. اثر جالب دیگر موزه، مجسمه تمام قد الغ بیک است که با بررسی و انجام اندازه گیری‌های دقیق از روی اسکلت او انجام گرفته است. این کار هم درباره دانشمند بزرگ الغ بیک و هم تیمور لنگ، هر دو صورت پذیرفته است. جریان امر چنین است که در سال ۱۹۴۱ یک کمیسیون علمی مأمور آن گردید تا با بررسی اسکلت تیمور و الغ بیک مطالب تاریخی را که درباره آنها نوشته شده است بررسی نماید.

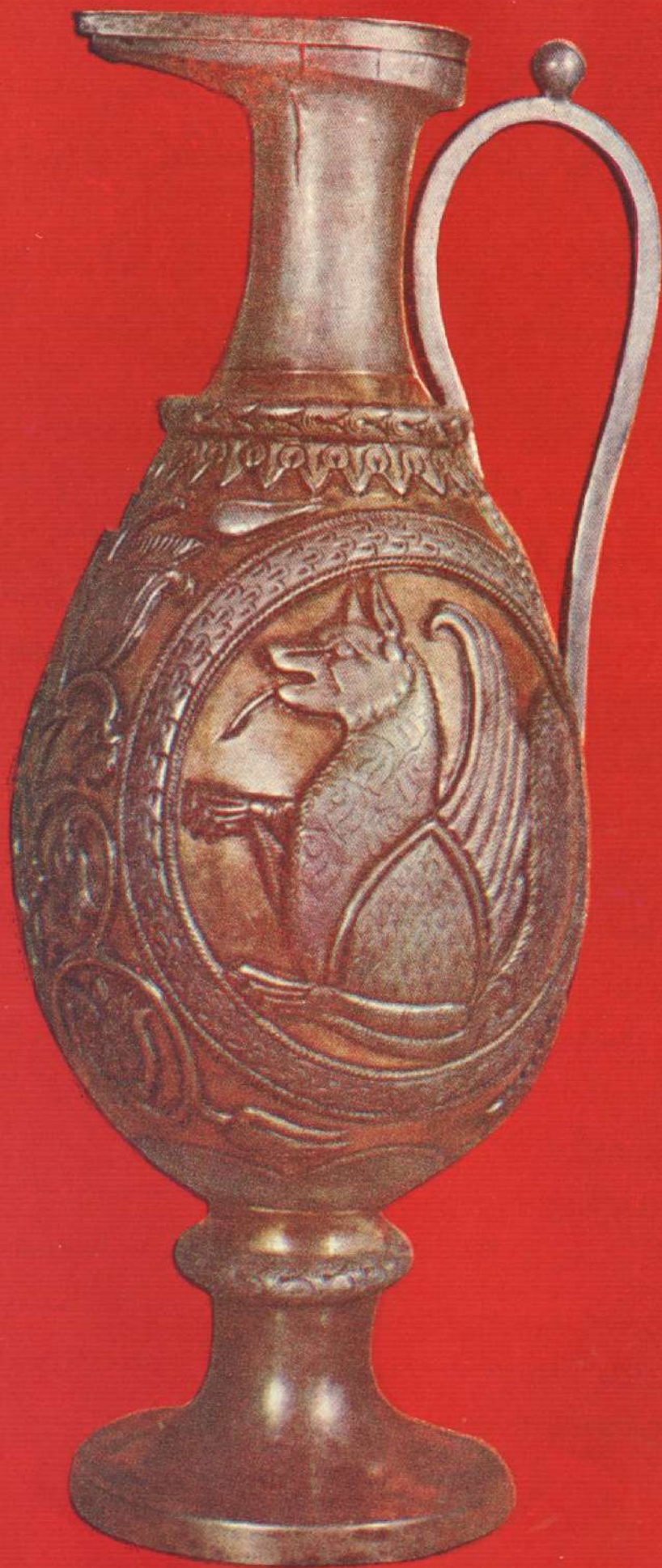
موضوع درستی یا نادرستی لنگ بودن تیمور از دیرباز توجه جمع بسیاری را جلب ساخته بود. هیأت علمی مزبور پس از برداشتن سنگ قبر و بیرون آوردن خاک آن، صندوقی چوبی رامیابند که جسد تیمور را دربر داشته است. چوبهای صندوق بخوبی باقی مانده بود. بعد از باز کردن صندوق،



اسکلت تیمور را درون آن می‌یابند، در کنار اسکلت نه‌اسلحه و نه هیچگونه تزیینی بدست نمی‌آید و نشان میدهد که این متجاوز ویرانگر، پس از مرگ از آن‌همه غارتگری‌ها چیزی را باخود به گور ابدیش نبرده است. در بررسی جسد تیمور مشاهده میکنند که يك پای او از پای دیگرش بسیار کوتاه‌تر است. در نتیجه نوشته مورخان تأیید میگردد. پس از انجام اندازه‌گیری و قالب‌گیری از اسکلت، بار دیگر آنرا بصورت نخستین در محل خود قرار میدهند. هیأت مزبور همچنین بمنظور تأیید این نظر که الغ بيك توسط فرزندش در بیست کیلومتری سمرقند سر بریده شده است، قبر او را نیز می‌شکافند و مشاهده میکنند که سر اسکلت از بدن جدا شده و در کنار آن نهاده شده است. بر روی مهردهای گردنی جسد، بخوبی محل بریدگی مشاهده میشود و روشن میگردد که دانشمند بزرگ بقتل رسیده است.

در جریان بررسی‌های مزبور مردم‌شناس بزرگ روس «میخائیل گراسیموف» موفق می‌گردد که با انجام اندازه‌گیری و قالب‌گیری کامل به امر تهیه مجسمه نیم تنه تیمور و مجسمه تمام قد الغ بيك توفیق یابد. اینک این هر دو مجسمه در موزه تاریخ تاشکند قرار دارد.

از جمله آثار دیگری که در بخش بعد از اسلام موزه تاشکند قرار دارد باید از دو تابلوی بزرگ جالب یاد نمود. یکی از آنها معرف مقاومت دلیرانه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در برابر متجاوزین مغول است و دیگری مربوط به قیام دلیرانه «سربداران» علیه ویرانگران وحشی مغول است. با مشاهده تابلوهای مزبور در این موزه و بیاد آوردن این امر که در تمامی موزه‌های کشور خود هیچگونه نشانه‌ای از چنین آثاری وجود ندارد و هیچیک از هنرمندان نقاش‌بفکر زنده‌ساختن صحنه‌های دلیری و پایمردی قهرمانان تاریخ این سرزمین نبوده‌اند، فراوان تأسف خوردم و از اینکه نسل کنونی وطن من اینچنین نسبت به تاریخ گذشته خویش و سلحشوریها و



ایستادگی‌های قهرمانانه مات خود بی تفاوت میباشد، احساس شرمندگی نمودم.

- در موزه تاریخ تاشکند تعداد قابل توجهی مینیاتور وجود دارد که اصل آنها در گنجینه موزه نگهداری میشود و کپی آنها در تالار به نمایش گذاشته شده است.

- از جمله اسناد تاریخی موزه میتوان نامه امیر تیمور به شارل ششم پادشاه فرانسه را نیز یاد کرد.

- از مهمترین آثار نوشته موزه تاریخ تاشکند جادارد تا از قرآنی یاد شود که آنرا به عثمان نسبت می‌دهند. بنا بر نوشته‌های مختلف قرآن مزبور توسط عثمان رونویسی گردیده است. قرآن مزبور در زمان تیمور به سمرقند برده میشود و در مسجد «خواجه احرار» نگهداری میشود. در سال ۱۸۶۹ حکمران روس منطقه، قرآن مزبور را به پطرو گراد میفرستد. بعد از انقلاب اکتبر، مسلمانان از لنین تقاضا میکنند تا قرآن مزبور را به جایگاه اصلی خود باز گرداند، لنین تقاضا را می‌پذیرد و قرآن به موزه تاریخ تاشکند فرستاده میشود و هم‌اکنون در گاو صندوقی محفوظ میباشد.

در پایان گفتگوی مربوط به موزه تاریخ تاشکند جا دارد باین نکته اشاره نماید که موزه مزبور از نظر اشیاء و آثاری که در آن جمع آوری کرده‌اند موزه‌ایست جالب و ارزنده و نحوه موزه‌آرایی و عرضه نمودن اشیاء آن بر رویهم قابل توجه و مناسب است.

موزه تاریخ تاشکند از جمله موزه‌هایی است که در امر مطالعه و بررسی فرهنگ و تمدن دورانهای مختلف تاریخ ایران میتواند کمک بسزائی برای محققان بشمار رود. موزه مزبور بخصوص در مورد دوره سامانیان و بعد از حمله مغول با توجه به ضعف موزه‌های ایران در این دوره‌ها میتواند توجه محققان را بسوی خود جلب نماید.

### موزه زیچ الغ بیک

در کنار شهر سمرقند در محل ویرانه‌های باستانی آن، اثر جالب معروف به زیچ الغ بیک قرار دارد که توسط «واتکین» باستانشناس روس حفاری آن انجام شده است. در حال حاضر تنها قسمت رصد نمودن آن برجای مانده و طرح واحدهای وابسته بآن نیز تا حدی مشخص میباشد.

در کنار زیچ موزه جالبی قرار دارد که در آن سعی کرده‌اند شخصیت الغ بیک بمدد معرفی آثار و تحقیقات علمی او به گونه‌ای شایسته و درخور تحسین نشان داده شود. در اینجا عکسهائی از مجمع ستاره‌شناسان و دانشمندان نجوم اروپا در قرن هفدهم در ایتالیا قرار دارد که در بالای سر آنها با نام الغ-بیک بعنوان یکی از بزرگترین علمای علم نجوم برخوردار میشود.

در موزه مزبور عکسهائی از رصدخانه «ابسرواتوآر» جدید تاسشکند در کنار آلات و ابزار نجومی عهد الغ بیک قرار داده‌اند تا نشان دهند که این علم همچنان در آن منطقه پایدار مانده است.

از نکات جالب در این موزه اینکه به نحوی ماهرانه و مؤدبانه بمناسبت طرح بیک مبحث علمی در این محل، سعی گشته‌است که مذهب را امری بی پایه و بنیاد معرفی نمایند. در این موزه تصاویر جالبی نیز از ابوریحان بیرونی و ابن سینا وجود دارد که بعنوان فرزندان ازبکستان مورد ستایش قرار گرفته‌اند.

### موزه تاریخ باکو

از جمله موزه‌های جالب و ارزنده‌ای که مورد بازدید قرار گرفت موزه تاریخ آذربایجان در باکو بود. با کمال تأسف برای بازدید از این موزه، با توجه به برنامه‌های تنظیم شده دیگر، فرصت کافی منظور نشده بود و به ناچار توفیق تهیه هیچگونه یادداشتی میسر نگردید و آنچه که در زیر بآن اشاره میشود مربوط به خاطراتی است که از آن بازدید مختصر به یادمانده است.

موزه تاریخ آذربایجان در یکی از بناهای جالب اوایل قرن بیستم باکو



تصویر يك جام زیبای قرن نوزدهم در موزه تاریخ باکو نگاره‌های کار شده روی تمامی سطح جام ، از نظر ترکیب و پرداخت نهایت زیبا و چشم‌گیر است .  
موزه تاریخ در باکو



تصویر یکی از تالارهای موزه تاریخ باکو که در آن آثار منطقه از قرنهای پانزدهم تا هفدهم میلادی بمعرض نمایش گذارده شده است .



يك تابلو نقاشی در موزه تاریخ باکو مربوط به نیمه قرن نوزدهم میلادی.  
موزه تاریخ در باکو

ترتیب یافته است. در این موزه آثاری از دوره هخامنشی وجود دارد و جالبترین آنها را تعدادی ظروف سفالین تشکیل میدهد که از نظر بررسی هنر سفالگری آن دوران حائز اهمیت است. در این موزه دو پایه ستون سنگی نیز از دوره هخامنشی وجود دارد. ستونهای مزبور از محلی بنام «ساری تپه» نزدیک باکو در بنائی مرکب از سیزده اطاق و تالار بدست آمده. طرح بنا، ضخامت و نوع دیوارسازی آن معرف شباهت زیاد مجموعه مزبور با بناهای خاص دوران هخامنشی است. دلیل اینکه چرا فقط از محل مزبور دو پایه ستون سنگی زنگی شکل نظیر آثار تخت جمشید بدست آمده اینست که محوطه مزبور بر اثر تیغه بولدوزور بشدت لطمه دیده و تعدادی از پایه ستونها خرد گشته و از میان رفته است.

- از آثار دوره اشکانی ما کت چند قبر یافت شده در حفاریها، همراه با خمرههایی که اسکلت درون آنها قرار دارد، عرضه شده است. این گورهای پارتی با آنچه که در ناحیه «گرمی» در آذربایجان شرقی در سه سال پیش توسط آقای کامبخش فرد کشف گردید شباهت بسیار دارد. سفالهای دوره اشکانی در موزه باکو، از نظر شکل و طرح دارای ارزشی خاص هستند.

از دوران ساسانی تعدادی ظرف نقره نیز در این موزه وجود دارد. در موزه تاریخ آذربایجان سعی گردیده است آثار معماری دورانهای تاریخی مانند قلعهها و نظیر آنها را بصورت ماکت به گونه ای زیبا تهیه و برای آگاهی بازدید کنندگان عرضه بدارند.

نحوه تنظیم موزه از حدود قرون وسطی ببعده نظیر آنچه که در موزه تاریخ تاشکند مشاهده میشود، چنان انجام گرفته تا نشان دهنده برداشت مارکسیستی از چگونگی تحولات و تاریخ منطقه باشد.

- بطور کلی باید گفت که موزه تاریخ باکو از جمله موزههای مهم جهان است که برای انجام یک بررسی کامل و جامع درباره فرهنگ و تمدن ایرانی باید آثار آنرا مورد مطالعه دقیق قرارداد.

### موزه آتشگاه

از جمله آثار جالب و دیدنی باکو که اثری استثنائی در نوع خود، بشمار میرود، آتشگاه جالب باکو میباشد. در باره ویژه گیهای کامل بنای این آتشگاه، ضمن گفتگو از آثار معماری منطقه سخن خواهیم گفت.

آتشگاه مورد بحث در حومه شهر باکو قرار دارد و بخوبی مورد حفاظت قرار گرفته است. چهارطاقی آتشگاه با پوشش گنبدی کم خیز خود در وسط محوطه ای وسیع قرار دارد. اطراف محوطه مزبور را دور تا دور اطاقهای مستطیل شکلی که با قوسهای سنگی کم خیز پوشش شده اند، فرا گرفته است. اطاقها در دوران آبادانی آتشگاه محل استراحت زائرانی بوده که از راهی دور برای زیارت باین مکان میآمده اند.

هم اکنون نزدیک غروب متصدیان این محل تاریخی، مشعل زیر چهار-طاقی و چهار مشعلی را که در چهار گوشه روی سقف آن قرار دارد میافروزند و شعله های سرخ فام آتش بسوی آسمان زبانه میکشد و یاد گذشته ای نه چنان دور را که معتقدان به زرتشت، پیام آور بزرگ ایرانی در این مکان به عبادت میپرداختند، زنده میسازد.

مسئولان محل بنای آتشگاه را مربوط به حدود قرن هیجدهم میلادی میدانستند. در محوطه آتشگاه بیست کتیبه وجود دارد که نوزده تای آن بخط و زبان سانسکریت و یکی از آنها بزبان و خط فارسی است.

- در داخل اطاقهای اطراف محوطه، موزه جالبی بکمک عکسها و گراورهای مختلف مربوط به محل آتشگاه ترتیب داده شده که برخی از آنها معرف انجام مراسم عبادت در محل است. برخی از وسایل مربوط به اجراء مراسم مذهبی زرتشتیان را نیز که در موزه ارمیتاژ قرار داشته، بمنظور تکمیل ساختن موزه مزبور باین محل منتقل ساخته اند.

بر روی هم آتشگاه و موزه آن در مجموع از آثار دیدنی و ارزنده باکو بشمار میرود.



آئین نامه نظامی

کتاب مشق سرباز

از

سرباز ۲ یحیی شهیدی

( فوق لیسانس در جغرافی )

# آئین نامه نظامی

«کتاب مشق سرباز»

از

سرهنگ ۲ یحیی شهیدی

(فوق لیسانس در جغرافی)

در شماره اول سال چهارم  
برای اطلاع خوانندگان  
ارجمند به جله بررسیهای تاریخی  
نوشتیم که «در گزارشهای  
سرهنگ برونگنیار Brongniart  
رئیس هیأت مستشاران نظامی  
فرانسوی در ایران که در سال  
۱۲۷۵ هجری قمری (۱۸۵۸ م)  
به ایران آمده بودند به موضوع  
تدوین آئین نامه های نظامی  
برمیخوریم. چنانکه برونگنیار  
در گزارش شماره ۳۸ خود  
بتاریخ ۱۵ دسامبر ۱۸۶۰ که  
به وزارت جنگ فرانسه فرستاده  
است می نویسد: بنا به پیشنهاد  
افسران فرانسوی، به ترجمه  
برخی از آئین نامه های نظامی  
ارتش فرانسه مشغول شده اند تا

برای ارتش ایران آئین نامه های نظامی تهیه کنند...» اینک آقای احمد طاهری يك جلد آئین نامه خطی به بررسیهای تاریخی ارائه نمودند که دنباله همان اقدامات مستشاران فرانسوی در مورد ترجمه آئین نامه های نظامیست که ضمن تشکر از ایشان بمعرفی آن می پردازیم .

این آئین نامه چنانچه در مقدمه آن مسطور است در زمان ناصرالدین شاه توسط مسیو بهلر سرتیپ فرانسه معلم هندسه و پیاده نظام تصنیف گردیده و توسط محمد کریم ولد مرحوم محمد حسین خان سرتیپ فیروز کوهی ترجمه و بخط خود او نیز نوشته شده در ۱۲۷۹ به اتمام رسیده است .

قبل از مقدمه ناصرالدین شاه در مورد این کتاب چنین نوشته است: « بسیار خوب کتابی است باید زود تمام شده بنظر برسد البته» بعد از دستخط مذکور مقدمه اینطور شروع میشود :

بسم الله الرحمن الرحيم - حمد بیحد و ثنای بیعدومر خدا ایراجلت قدرته سزا است که مقدر نظام عالم ومصور بنی آدم است و درود غیر معدود برسالارانبیاء و علت وجود ماسوی اعنی محمد مصطفی و بر آل طیبین او باد و بعد چون همت فلک رفعت پادشاه عادل باذل ابر کف دریادل شاهنشاه جمجاه اسلام پناه سلطان السلاطین و خاقان الخواقین السلطان ابن السلطان السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان السلطان المظفر ناصرالدین شاه قاجار خلد الله ملکه و دولته بر ابداع کلیات قواعد صالح و جنگ و اختراع اصول قوانین شتاب و درنگ مایل گشته تا لشکر و رعیت از آن شاد و ممالک و اقالیم آباد گردد .

بناعلی هذا هر يك از خانه زادان دولت جاوید مدت مهما ممکن خدمتی در خور قابلیت خود بتقدیم رسانیده این بنده خانه زاد دولت جاوید مدت محمد کریم ولد مرحوم محمد حسین خان سرتیپ فیروز کوهی که به یمن توجه جناب جلالت و بنالت نصاب مجدت و فخامت انتساب قوایم الدوله العلیه و نظاماً للشوکه السنیه امیر الامراء العظام مقرب الخاقان میرزا محمد خان سپهسالار عسا کر منصوره نظام و غیر نظام تربیت شده کتاب مشق سر باز که اولین کتاب قواعد کلیه نظامیست و عالیجاه بلند جایگاه جلادت و رشادت اکتناه

مقرب الخاقان موسیو بهلر سر تیپ فرانسه معلم هندسه و پیاده نظام تصنیف نموده ترجمه کرده پیشکش حضور مهر ظهور نماید تا بر بینندگان علم نظام قواعدی از اصول علوم و اعمال نظامی ~~محقق~~ نماید. . . . . این کتاب با خط نستعلیق خوب روی کاغذ آبی بقطع ۱۲/۵ × ۲۰ سانتیمتر نوشته شده و سرفصلهای آن با هر کب قرمز مشخص گردیده است و ظاهراً نسخه اصلی ترجمه شده میباشد که برای چاپ مهیا شده است و بصرحه ناصر الدین شاه نیز رسیده است و در آخر کتاب ۱۸ صفحه تا بلوی سیاه قلم چاپی میباشد که حالات مختلف مشق سرباز را با تفنگ مجسم میکند و از مأخذ اصلی فرانسه اقتباس شده است. (گراور شماره ۷). اما برای ما معلوم نیست که آیا این آئین نامه چاپ گردیده یا نه و بهمین علت علاوه بر گراور و چاپ مقدمه، چهار صفحه از اول و یک صفحه از آخر آنرا گراور کرده و در پایان این مقاله چاپ میکنیم. (گراورهای شماره ۱ الی ۵) تا خوانندگان ارجمند با ملاحظه گراورهای مذکور چنانچه چاپ شده آنرا در دست دارند برای بررسی و تحقیق بیشتر بدفتر مجله بررسیهای تاریخی ارسال دارند و ما از این بابت پیشاپیش سپاسگزاری میکنیم.

کتاب مشتمل بر دو فصل است.

فصل اول در بیان دسته بندی و جای صاحب منصبان یکدسته. (در ابتدای این فصل محل استقرار افسران را تعیین نموده و در ملاحظات آن جانشینان آنهارا نیز پیش بینی کرده است.)

تنبیه: در همین فصل در مورد تنبیهات مینویسد: اگر در تعلیم دادن فوج، صاحب منصبان و وکیل و سر جوخه کان درست از عهده بر نیایند این تقصیر با فرمانده فوج است و او مورد تنبیهی که سابق قرار گذاشته شده است میشود<sup>۱</sup> عمل بجهت صاحب منصبان بسیار لازم است لکن باید علاوه بر عمل، علمی هم داشته باشند. پس بر سر کار جلالت آثار سپهر اقتدار مؤتمن در بار سلطانی جناب سپهسالار لازم است

۱ - با این جمله مشخص میشود که در مورد امتیازات و تنبیهات نیز قبل آئین نامه ای تنظیم گردیده است.

نسخه (ر.ر.)  
اصل در پس

که، وقتی بجهت تدریس و تعلیم علم جنگ و حرکت فوج و افواج بجهت صاحبمنصبان قرار دهند تا ترقی که منظور نظر کیمیا اثر شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران و سرکار جلالت آثار است دست دهد بناعلی هذا، علم و عملی که بجهت صاحبمنصبان بزرگ و سلاطینها لازم است از این قرار است. اولاً مشق تفنگ، ثانیاً مشق دسته، ثالثاً مشق مخبران، رابعاً حرکت فوج خامساً حرکت افواج.

فصل دوم، در بیان تعلیم دادن سرباز.

تعلیم سرباز منقسم است بر سه فقره و هر فقره بچند درس:

فقره اول: در بیان تعلیم دادن سرباز است بدون تفنگ. (مشمول بر ۶ درس است.)

درس اول: در بیان مرش ۲ با قدم جست و خیز.

درس دوم: در بیان جستن از دیوارهای کوتاه و خندقهای کم عرض.

درس سوم: در دیدن با سرعت.

درس چهارم: در بیان ایستادن سرباز است بدون تفنگ و بعمل آوردن نظر بر است و نظر بچپ.

درس پنجم: در بر است راست و بچپ چپ و طرف راست گردد است.

درس ششم: در بیان تعلیم دادن آهسته مرش و زود مرش است.

فقره دوم: در مشق تفنگ و پر کردن و انداختن است (مشمول بر ۵ درس است.)

درس اول: قاعده نگاهداشتن تفنگ است در دوش.

درس دوم: در مشق تفنگ.

درس سوم: در پر کردن بچهار وقت و پر کردن باختیار.

درس چهارم: در آتش مستقیم و آتش منحرف و آتش قطار و آتش دو صف است.

درس پنجم : در ردوبدل کردن نیزه است .  
 فقره سیم : در نظام دادن و آهسته مرش و زود مرش و مرش با قدم جست  
 و خیز و دویدن با سرعت و مرش بحالت قطاری و بازو راست و یا بازو چپ  
 پیش است . (مشمول بر پنج درس میباشد)  
 درس اول : در جمع کردن هشت الی دوازده نفر سرباز است برای نظام  
 دادن .

درس دوم : در مرش به پیش و مرش منحرف با قدم آهسته مرش و زود مرش  
 و مرش با قدم جست و خیز .

درس سوم : در مرش بحالت قطاری است .

درس چهارم : در بازو راست یا بازو چپ پیش و تبدیل سمت است .

درس پنجم : در مرش با قدم جست و خیز است در مدت زیاد و جستن از  
 دیوارهایی کوتاه و خندقهای کم عرض و دویدن با سرعت است با کوله بار  
 و تفنگ .

در اوایل فصل دوم درسهای مربوط به فقره اول را برای اینسکه سربازان  
 بهتر درک نمایند بصورت سؤال و جواب نیز مطرح کرده اند که سربازان با  
 توجه به آنها، فرامین را یاد گرفته و اجراء نمایند .

اینك يك صفحه از سؤال و جواب مذکور را گراور کرده از نظر  
 خوانندگان ارجمند میگذراند . (گراور شماره ۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
 بَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِنْ  
 طِينٍ ثُمَّ عَلَّمَهُ  
 الْقُرْآنَ الْعَلِيمَ ثُمَّ  
 جَعَلَهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ  
 وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمہد و تانی بعد از خدا بر اعلیٰ قدرتہ سر است کہ مقدر نظام عالم  
 و صورتی آدم است و درود غیر محدود در سالار انبیا و علت وجود  
 ماسوی اغنی محمد مصطفیٰ و بر آل طہسین او باد و بعد چون بیعت فکرت  
 پادشاه عادل با ذیل ابرکف در بدل شاهشاه حمزہ اسلام پاد سلطان  
 السلاطین و خاقان انجو اقرین سلطان ابن سلطان سلطان و خاقان  
 ابن خاقان ابن خاقان سلطان المصطفیٰ ناصر الدین شاہ قاجار خلد اللہ  
 ملکہ و دولت بر ابداع کلمات قواعد صنم و حکمت و اختراع اصول و قوانین

بند

کتاب و در کتاب باین کلمه تا شکر و رعیت از آن شاه و ممالک و آقا عالم سزاوار  
 بنا علی بن ابی بکر از خاندان و دولت جاوید مدت مها کن خدمتی در خور  
 قانت خود بتقدیم رسانیده این بنده خاندان را در دولت جاوید مدت کرم  
 ولد مرحوم محمد حسین خان سرشب فرزند کوهی که بمن توجیه خباب جلالت و  
 بیانات لصاب محبت و فحاشی انتساب توانا کرد و در العقیده و نظام لشکر  
 السیّد امیر الامراء العظام مغرب النجافان میرزا محمد خان حسینی لاری صورتی نظام  
 و غیر نظام تربیت شده کتاب مشق بسیار کرده اولین کتاب قواعد کلیه نظامیت  
 و عالی و بلند جایگاه جلالت و رشادت گمشده مغرب النجافان سید  
 مرتب فرانسه تعلیم بندگی و سایر نظام تصنیف نموده ترجمه کرده پیشکش حضور  
 مظهر نماید تا بر منسندگان علم نظام قواعدی از اصول علوم و اعمال نظامی  
 مصلحتی نماید



فصل اول در بیان دست بندی و جای صفتها بیکسره  
 سه بار فقه در صفت اول دست راست و دومی کوتاه تر از اول در صفت دوم و سومی  
 کوتاه تر از دومی در صفت اول و چهارمی کوتاه تر از سیمین در صفت دوم و سیمین  
 سه بار فقه در دست راست دست و صفت اول  
 نایب اول در خط سیر افضل و مطهر مرکز رسد دوم  
 نایب دوم در خط سیر افضل و مطهر مرکز رسد اول  
 و یکل اول در خط سیر افضل طرف چپ نایب اول بقاصد دوم  
 و یکل اول پشت سر سلطان در صفت دوم و این و یکل و یکل پشت دست  
 و یکل دوم در خط سیر افضل پشت سر افضل چندی رسد دوم و این و یکل و یکل  
 چپ دست است لکن در دست آخر فوج در سمت چپ دست در صفت اول می رسد  
 و یکل سیم در خط سیر افضل در طرف راست نایب اول در رسد دوم

وکیل چهارم در خط سرفیل در آخر وقت اول

وکیل نویسنده در خط سرفیل در طرف راست نایب دوم

و در دوشنبه نهم هر دو لازم است و جای آنها ازین قرار است که در دفتر

بلندترین آنها در دست راست رسد اول در صف اول و دوم می ایستند

و در نفر کوتاه تر از آنها در دست چپ رسد اول در صف اول و دوم می ایستند

و چهار نفر هر دو رسد دوم نیز مانند رسد اول قضا را میگیرند

و خط سرفیل

اگر سر دسته بواسطه نتواند مشق نماید نایب اول بجای او فرمانده است

در این صورت پانصاحبان تعیین بجای خود دهند و اگر در یک فوج در دست سر دست

و نایب اول تجویز مشق نیامده باشند الوقت فرمانده فوج باید یک نفر نایب اول

بجای سر دسته ایستند بگذار دو صاحبان دست نیز باید تعیینی در جای

بین فرمان سربار نصف دوم قطار طاق باید نعلک خود را از حاکم برداشته  
بجای نعلک ایستند

و سربار نصف اول نعلک خود را بادیست چپ و نعلک سربار طاق نصف  
اول را بادیست راست بجز دو سربار نصف دوم نعلک خود را بادیست  
از بند دوم گرفته این قطار بر سه تکرار کند کرده سیزده بار بکند که گذر کنند

و بعد سربار نصف اول طاق نعلک خود را از سربار نصف اول نعلک گرفته بجای نعلک

ایستند که بمن اقبال بیروالی شاه شاه عجمه اسلام شاه روحی و روحی

فدا و وفور و جرات حلال کتاب سپهسالار نقل عیال مبرور

این نامه فرجده که در بریت و شوق قواعد لطیف

بناجم آمد و آغاز با خست نام پوست

۱۲۶۹

ایمده که مقبول نظر فردی و میان پگاه کیوان درگاه کردد مقدماتی خانه زاد آن حاکم

آورد و سایش متصل سازند درین صورت اگر در وقت راه رفتن این قسم با پا  
نگاه ندارند ایستادن بقاعده مذکوره که باید نمود اگر که در انقضال داشته باشند بزودی

ممكن میشود

س چرخه با مل زمین باشد

ج اول اینکه چرخه با مل زمین باشد را خوش میشود ایستادن در وقت زمین که آستن با

کف داشته گیرند زمین نیاید

س چرخه با مل را از زردی زمین کشند

ج زیرا که اگر با مل را از زردی زمین کشند و بعد کرده زمین نگذارند خدین عیب هم

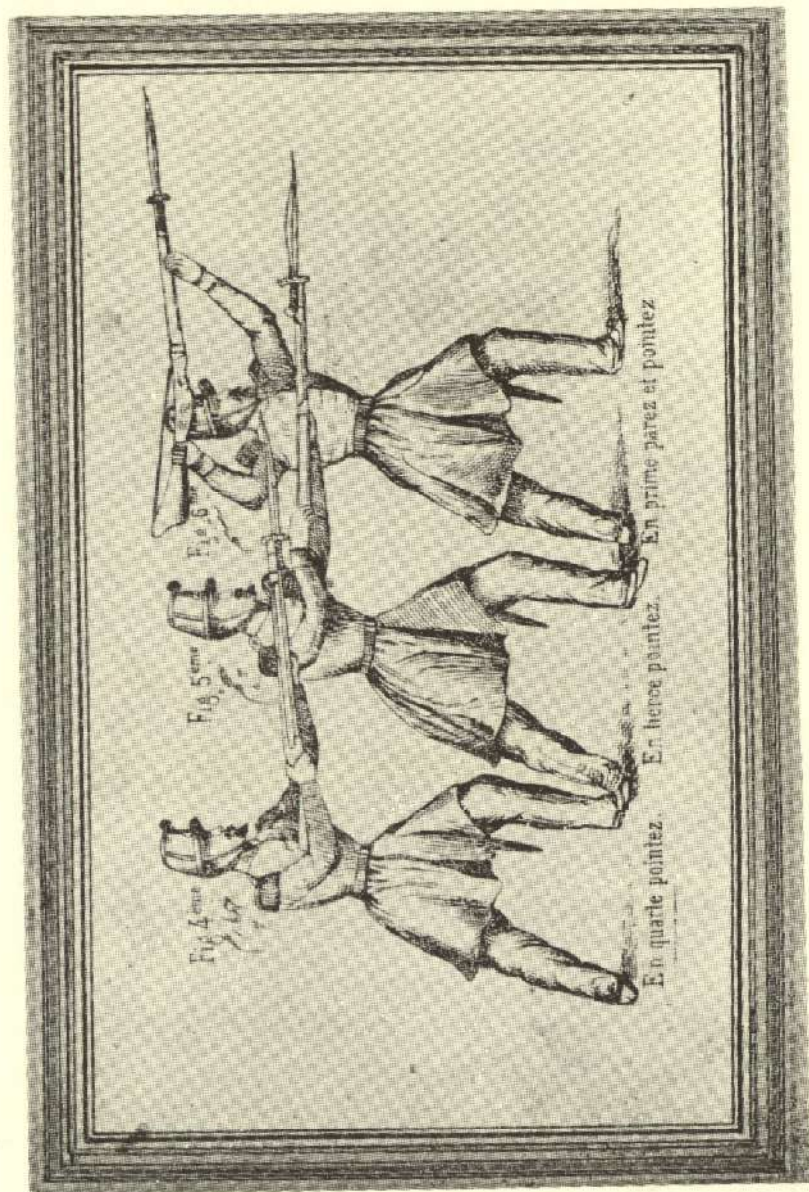
اول حرکت بر باران سنگین میشود تا با خاک که بر زمین می آید مال اندازد که بعد قدم

بر برش در کشده است کم وزیا میشود را باغیا با ضرب زمین می آید و سه بار

بزودی خسته شود

مکن

گراور شماره 6



گر اور شماره ۷  
 يك نمونه از حالات مختلف مشق سربازان را با تفنگ نشان میدهد .

# وضع دادرسی و قضاوت

## در کشورهای باستانی خاور زمین

بقسم

عسمر

(استاد دانشگاه پهلوی)

تا کنون کهنترین لوحه گالی که نمایاننده قوانین باشد در جلگه بین‌النهرین و در سرزمین سومر قدیم (جنوب بین‌النهرین) یافت گردیده است. این لوحه را بنام لوحه قانون «اور-نمو»<sup>۱</sup> نامگذاری کرده‌اند و در موزه استانبول ترکیه نگاهداری میشود. در هر دو طرف لوحه مواد قانونی نوشته شده و کاتب هر طرف را بچهار ستون تقسیم کرده، مواد را درون آن نوشته است. باستان‌شناس شهیر معاصر «سموئل کرامر»<sup>۲</sup> خواننده این لوحه در کتاب الواح سومر، ترجمه آنرا براین مفاد ذکر کرده است:

1- Our-Nammov

2- Samuel Kramer

«پس از آفرینش جهان و تعیین سرنوشت «سومر» و شهر «اور» «آن» و «انلیل» برجسته‌ترین خدایان سومری «نانا» خدای ماه را بفرمانروائی «اور» برگزیدند. «نانا» نیز «اور-نمو» را بعنوان نماینده زمینی خود انتخاب کرد تا برسومر و اور حکومت کند. نخستین اقدام پادشاه جدید تضمین امنیت اور و سومر بود. از این رو بر شهر مجاور «لگاش» که در حال گسترش بود، حمله برد و «نامهانی» پادشاه آنجا را شکست داد و بکشت. آنگاه با کمک ویاری «نانا» مرزهای پیشین کشور را بحال سابق باز گردانید. سپس وقت آن رسید که بامور داخلی کشور بپردازد و اصلاحات اجتماعی و اخلاقی را دنبال کند، لذا فرمان داد که رشوه خواران و کلاهبرداران را از کارها برکنار کنند. یا چنانکه در متن سند آمده دزدان گاو و گوسفند و استر مردم را برکنار سازند. بعد از آن وضع ثابتی برای اوزان و اندازه‌ها بوجود آورد و کاری کرد که «یتیمان طعمه ثروتمندان نگردند، و بیوه زنان قربانی زورمندان نشوند و مالک يك شکل<sup>۳</sup> در چنگال مالک تک منه<sup>۴</sup> (شکل ۶۰) نیفتد.»

قسمت مهم لوحه درهم شکسته و مواد دیگری در پشت لوحه نوشته شده که فقط پنج ماده از آن بخوبی خوانده شده است. یکی از مواد این قانون، شیوه آزمایش مدعی را در راستگویی توصیف کرده، بموجب این آزمایش برای کشف صحت و سقم ادعای مدعی، او را برودخانه می‌افکندند، اگر از غرق شدن در آب میرهید، صدق گفته‌های او ثابت میشود، ماده دیگری آنستکه اگر مردی برابر مردی با سلاح، استخوانهایش شکست، يك منا (من) نقره باید بپردازد.

همین خاورشناس و استاد خط سومری، در پایان این بحث مینویسد که: «در جامعه باستانی سومر، عدالت و قانون چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی

3- Shekel

4- Mana

جزو مفاهیم اساسی بوده است و بدین جهت هم در تمام شئون زندگی اقتصادی و اجتماعی سومر رخنه کرده بود. در قرن گذشته باستانشناسان صدها لوحه یافتند که بر آنها اقسام اسناد حقوقی، از قبیل قراردادها، وصیت نامه، سفته، رسید و احکام دادگاهها، ثبت بود. در آن روز گاران، دانشجویان ارشد سومری بیشتر وقت خود را وقف مطالعات حقوقی میکردند و همواره عبارات و اصطلاحات تخصصی و حقوقی و مجموعه‌های قوانین و احکام دادگاهها را که بصورت رویه قضائی در آمده بود، رونویس می کردند.

«اور نمو»<sup>۵</sup> (۲۳۱۱ تا ۲۳۲۸ ق.م.) که در این لوحه ذکر شده و پسرش شولژی<sup>۶</sup> (۲۲۶۳ تا ۲۳۱۰ ق.م.) خود را پسر «آنو» میخواندند و از قانون نگزاران بزرگ سومر بشمار میروند. شولژی دستگامهای قضائی کشورش را تحت نظم واحدی در آورد و قانون یکسانی برای همه افراد کشور تعیین نمود، ولی بیش از او در هر ناحیه، قانون جدا گانه‌ای مجری میگشت. از مجموعه قوانین «اور» فقط قسمتهائی باقی مانده و قوانین حمورابی از روی همین قوانین جمع آوری و تدوین گردیده است.

قوانینی که در زمان این دو پادشاه وضع و تدوین شده، ابتدائی تر و ساده تر و با ملایمت بیشتری منظور شده، و در نتیجه شدت عملش در کیفرها کمتر بود و مثلاً در قوانین بابلی اگر زنی زنا می‌داد مجازاتش کشتن بود، ولی در قوانین سومری شوهرش حق داشت که زن دیگری بگیرد و بر زن زانی خود او را برتری دهد. در مورد پنهان کردن غلام فراری در قوانین سومری استرداد غلام با پرداخت بهای او کافی بوده در صورتیکه در قانون حمورابی پنهان کننده غلام، بمرگ محکوم میگردد. و یا در سومر اگر غلامی، بندگی خود را انکار میکرد پس از اثبات دروغ او، او را میفروختند، ولی در بابل یکی از اعضاء بدن چنین غلامی را قطع میکردند.<sup>۷</sup>

۵ و ۶- اور-نمورا اورنگور ourengur و شولژی را دونژی و دونگی Dungi هم خوانده‌اند.  
۷- تاریخ ملل باستان کشورهای آسیای غربی تألیف آقای دکتر بهمنش صفحه ۹۹-۴ جلد اول مشرق زمین یا گهواره تمدن تألیف ویل دورانت صفحه ۱۹۱.



مجالس محاکمه و داوری در پرستشگاهها تشکیل می شد و داوران معمولاً روحانیان بودند ولی برای دادگاههای عالی تر، قاضیان متخصص و ورزیده برگزیده میشد. اختلافات در بدو امر بشوراهای داوری مراجعه میشد و آن شورا بطرفین دعوی توصیه میکرد که اختلاف بین خود را دوستانه حل کنند. چنانچه در این مرحله تصفیه نمیشد، دعوی دادگاهها مطرح و مورد بررسی قرار می گرفت و بحکم قانون توسل می جستند.<sup>۸</sup>

یکی از لوحه های گلی پیدا شده در سال ۱۹۵۰ بتوسط هیئت مشترک باستان-شناسان مؤسسه شرقی شیکاگو و موزه دانشگاه پنسیلوانیا در سرزمینهای سومر، که آنرا نخستین رویه قضائی بشر دانسته اند، لوحه ای است مربوط به ۱۸۵۰ سال پیش از میلاد مسیح که جریان قتل و محاکمه قاتلین و رأی اعضاء دادگاه در آن منعکس است. از لحاظ اهمیت و جالب بودن مطالب این نوشته بنقل خلاصه آن می پردازد:

سه نفر که یکی شغلش باغبانی و دیگری آرایشگر بوده شخصی را بنام «لوانیانا» از کارکنان یکی از پرستشگاهها بقتل میرسانند. قاتلین جریان قتل را به اطلاع «نین دادا» همسر مقتول میرسانند و همسر مقتول این جنایت را مکتوم می دارد. خبر این جنایت در پایتخت سومر «ایسین» بعرض پادشاه رسانده می شود. او موضوع را برای رسیدگی و تعقیب گناهکاران بدادگاه محل احاله میدهد و نه نفر مأمور تعقیب متهمین میگردند و عقیده شان این بوده که نه فقط مرتکبین اصلی جرم، بلکه همسر مقتول نیز بعنوان شریک جرم بایستی تعقیب شود. زیرا او با سکوت خود و خبر ندادن بمحاکم و مراجع صالحه، در جرم شرکت جسته است.

دفاع از همسر مقتول در دادگاه بعد از دو نفر و کیل گذارده میشود و کلای مدافع اعلام داشتند که زن نامبرده بهیچوجه در قتل شوهرش دخالت نداشته و نباید مجازات و تحت تعقیب قرار گیرد. اعضاء مجمع، نظرو کلای مدافع را

۸- جلد اول مشرق زمین یا گهواره تمدن تألیف ویل دورانت صفحه ۱۹۱.

پذیرفتند، زیرا مقتول نفقه همسر خود رانمی‌پرداخت و سکوت زن ناشی از بی‌مهری مرد بوده است.

محکمه پس از شورچنین رأی میدهد: کیفر جنایت متوجه مباشران جرم و مجازات آنها اعدام است، اما زوجه او از اتهامات وارده مبرا می‌باشد.

ساموئل گرامر ترجمه کننده این لوحه در پایان نقل ترجمه مینویسد که: پس از فراغت از ترجمه سند بالا بر آن شدیم که حکم داد گاه نییور را با احکامی که امروز در موارد مشابه با آن صادر میشود مقایسه کنیم. بنابراین ترجمه را نزد شادروان «اون ج. رابرتس»<sup>۹</sup>

رئیس وقت دانشکده حقوق دانشگاه پنسیلوانیا و عضو دیوان عالی کشور ایالات متحده در سالهای ۱۹۳۰-۱۹۴۵ فرستادیم و نظرایشان را جویا شدیم، پاسخ آقای روبرتس بسیار جالب بود، چون معلوم شد قضات معاصر و قضات سومر در این قضیه نظر واحدی دارند. عین پاسخ ایشان را در اینجا می‌آوریم: «بموجب قوانین ماهمسر مقتول شریک جرم شناخته‌اند و صرف اطلاع از وقوع

جرم کسی را مجرم نمیسازد. شریک جرم کسی است که بمجرم پناه دهد و یا

در قتل معاونت کند یا وسائل آسایش و نگهداری مجرم را فراهم سازد.»

از آنچه درباره دادرسی و قوانین سومریها نوشته شده، چنین برمیآید که همه مردم در برابر قوانین یکسان و آزادی فردی و خانوادگی ملحوظ بوده است. زنان شخصیت‌های مستقل در برابر شوهران و مردان داشته. حکم بین زن و شوهر چنانچه اختلافاتشان بین خودشان حل و فصل نمیشد، محاکم صالحه بوده و چنانچه اختلاف منجر بطلاق می‌شد، شوهر موظف بود مبلغی وجه بزن بپردازد، ولی در ازاء زن کاملاً زیر اطاعت مرد بود و چنانچه به اعمال زشت یا متار که با تقصیر محکوم میشد، او را بدریامی انداختند. مادر حق داشته نسبت به ازدواج پسر خود مخالفت کند. پدر و مادر حق نداشتند فرزندان خود را از

9— Owen J. Roberts

ارث محروم سازند، مگر در مواردی که قانون اجازه میداده است. فرزند خوانده‌ها نیز دارای حقوق قانونی بوده‌اند. بردگان و غلامان مانند سایرین از مزایای قوانین برخوردار بوده‌اند.

## حمورابی

### قانون حمورابی

در دسامبر سال ۱۹۰۱ و ژانویه ۱۹۰۲ در خلال کاوشهای هیئت علمی فرانسوی تحت ریاست ژاک دمرگان<sup>۱۰</sup> در ارگ شوش تپه اکروپل سه قطعه سنگ در فواصل نزدیک بدست آمد که هیئت علمی فرانسوی آنرا «ستل حمورابی»<sup>۱۱</sup> نام نهادند. این ستون چهار گوش از سنگ دیوریت و ۲/۴۵ سانتیمتر بلندی دارد و طول اضلاع آن در بالا ۶۵ × ۶۵ سانتیمتر میباشد. بالای ستون بار تفاع ۶۵ سانتیمتر و عرض ۶۰ سانتیمتر تصویر شاماش<sup>۱۲</sup> (رب النوع عدالت) بر روی تختی نشسته، نقش گردیده و قوانین را به حمورابی که در برابر او ایستاده دیکته مینماید. در پائین نقش ۲۸۲ ماده بخط ریز بابلی نوشته شده است.

در ادوار باستانی قوانین را حکم خدائی میدانستند و آن قوانینی مطاع و متبع مردم بود، که از طرف خدایان صادر میشده است. در مصر باستان قوانین را به «نحوت» یکی از رب النوع هانسبت میدادند و در یونان باستان دیونیسوس<sup>۱۳</sup> را «اولین قانونگذار» مینامیدند و اهالی جزیره کرت معتقد بودند دیکتاتور<sup>۱۴</sup> یکی از ارباب و انواع برهینوس پادشاه آنجا نازل شد و قوانین را باو تلقین کرده است. در آئین مزدیسنا نیز بر آنند که کتاب قانون که همان دستورات

10— Jaeque de Morgan

11— Stéle Hamourabi

12— Shammash

13— Dyonyosos

14— Dicta

دینی باشد، هنگامی که حضرت زرتشت برفراز کوه بلندی نیایش میکرد، باو عطا گردیده است. بنابر این برای اطاعت و انقیاد مردم بابل از قانون جمع آوری شده توسط حمورابی بدان جنبه دینی داده و آن قانون را اعطا شده از طرف «شمش» یکی از خدایان معروف بابلی نمودار ساخته است. بابل بواسطه موقعیت و جنبه سوداگری و بازرگانیش برای فراهم ساختن قوانین در شمار پیش گامان کشورهای باستانی خاور زمین میباشد و قانون نامه حمورابی، نمودار برتری مبانی حقوقی و قضاوت در آن کشور است.

حمورابی یکی از پادشاهان بنام عهد باستانی است که حدود او اوائل هزاره دوم پیش از میلاد در بابل فرمان میراند، و او دولت بزرگ بابل را در بین النهرین تشکیل میدهد و مدت ۴۳ سال سلطنت کرد و منشاء و موجودیک سلسله اقدامات اساسی و اجتماعی برای بابل بوده است. راجع به زمان او بین مورخان و محققان بیک تاریخ معین و مشخصی توافق نشده و بین ۲۲۵۰ سال پیش از میلاد تا ۱۶۸۶ ق.م. بطور مختلف مدت سلطنت او را ذکر کرده اند. مایسنر<sup>۱۵</sup> از ۱۹۵۵ تا ۱۹۱۳ ق.م. و در کتاب «نوشته های شرق باستانی»<sup>۱۶</sup> چاپ پریچارد<sup>۱۷</sup> از ۱۷۲۸ تا ۱۶۸۶ ق.م. ذکر کرده است، که در واقع موخرترین تاریخ میباشد.

این لوحه نخست در شهر سیمپار<sup>۱۸</sup> بابل برپا بوده و بین سالهای ۱۲۰۰ تا ۱۱۰۰ ق.م. تقریباً حدود ۱۱۹۰ ق.م. توسط فاتح عیلامی شوتروک ناخونته<sup>۱۹</sup> ضمن غنائم جنگی بشوش آورده شده و چون قسمتهائی از این لوحه صاف شده، تصور میرود که عمداً آنرا صاف کرد و میخواسته اند راجع به پادشاه فاتح، کتیبه ای بدان بیافزایند. ولی چون لوحه هائی دیگر از این قوانین در کتابخانه آشور بانیپال و در شوش روی الواح بدست آمد تقریباً تمام ۲۸۲ ماده خواننده

15— Meissner

16— Ancientnear Eastern Texts

17— Prichard

18— Sippar

19— Shutruk Nakhunté

و معلوم گردید. این سند مهم باستانی هنگام سقوط شوش و شکست عیلام از آشور بانیپال، چون سنگین و حمل آن مشکل بوده آنرا شکسته و در همانجا انداخته بودند.

نخستین دانشمندی که موفق بخواندن آن گردید شیل فرانسوی<sup>۲۰</sup> بود که در جلد چهارم «خاطرات هیئت علمی فرانسوی در ایران»<sup>۲۱</sup> (چاپ پاریس ۱۹۰۲) انتشار یافت و بعداً توسط میک<sup>۲۲</sup> به انگلیسی ترجمه و در کتاب «نوشته‌های باستانی خاور نزدیک» چاپ پریچارد چاپ گردید.

حمورابی در پیش گفتار این قانون نامه متذکر میشود که: «... خداوند آسمان مرا حمورابی شاهزاده عالیقدر و پرستنده خدایان، مأمور کرد که عدالت را در کشور مستقر سازم، مردمان موذی قسی‌القلب را نابود کنم. مانع گردم که اشخاص قوی مزاحم ناتوانان گردند کشور را منور و آسایش مردم را تأمین کنم. این من هستم حمورابی که ثروت و فراوانی را ایجاد کرده‌ام که شهر بوسپیا را تزیین کرده‌ام، که دانه را برای اوراش نیرومند فراهم آورده‌ام، که دستور دادم حق بیوه زنان و یتیمان داده شود، که بینوا را کمک کرده‌ام، که مالکیت را در بابل مستحکم کرده‌ام. من خدمتگزار ملتی هستم که رفتارش به انونیت Anunit پسندیده بوده است...»

قوانین نامبرده از لحاظ رعایت حق و عدالت و جنبه اخلاقی و عرفی و حقوق ارباب و رعیت و مالکیت و تجارت و قواعد ازدواج و میراث و خدمت نظام، دهداری و حقوق پزشکان و معماران و مجازات قضات ناپاک و افسران خطاکار، و امور مربوط به زراعت و دامداری، سزاوردقت و اهمیت فراوان میباشد و حمورابی متذکر شد که «این قانون‌ها را باینجهت تدوین کرده که عدالت در

20— Sheil

21— Mémoire de la délégation en Iran

22— T. J. Meek

زمین رعایت شود و شروفساد از میان برود و توانا نتواند به ناتوان ستم کند و این قانون همچنان خورشید تابان بالای سر مردم برآید و زمین را روشن سازد» او همه فضائل و خدمات و افتخارات خود و کارهایی که در زمان صلح و جنگ کرده، شرح داده و سپس اضافه مینماید که: «در آ نهنگام که مردوک مرا مأمور ساخت تا مردم و کشور را براه راست راهنمایی کنم من قانون و عدالت را بزبان این ممالک برقرار ساختم و باین ترتیب در افزایش وسایل رفاه و آسایش مردم کوشیدم...»

در آخر ذکر قوانین بر کسانی که در برابر آن قانون بی پروا باشند و از اطاعت آن سرپیچی کنند، لعنت و نفرین مینمایند و تأکید میکند که نسبت به مردم غافل، بی اعتنا نبوده است.

چند سال پس از کشف این ستون سنگی در شوش دانشمندان و باستانشناسان به این فکر افتادند که نسخه‌های دیگر این قانون نامه را بیابند و باستانشناسان دانشگاه پنسیلوانیا در خرابه‌های شهر نیپور Nippur چند کتیبه مشتمل بر موادی از همین قانون بدست آوردند. این کتیبه‌ها با آجر چهار گوش که هر ضلع آن ۲۴ سانتیمتر اندازه دارد، نوشته شده و در هر صفحه شش ستون نوشته دارد.

درباره حقوق و تنبیهات جزائی در زمان حمورابی بطور کلی چنین نوشته اند که: «رسیدگی به دعاوی در دست محاکم عادی و محاکم مذهبی بود. قاضی ۲۳ نماینده رب النوع شاماش (قاضی مطلق) در زمین محسوب میشد و در مجمعی که کارش رسیدگی بر مرافعات و استماع گواهی شهود بود، حضور مییافت. ادای شهادت در حضور یکی از خدایان یعنی در برابر علامتی که معرف شاماش یا مردوک یا خدای محلی دیگری بود، انجام میگرفت. حکم قطعی از طرف قاضی صادر میشد و اگر او از حکم خود عدول میکرد بموجب ماده ۵ قانون از مقام خود خلع و دیگر حق حضور در محاکم نداشت. تصمیمات محکمه کتبی و با تاریخ بود

و برای تأیید بمهرهم میرسید . برای هر يك از جرائم تنبیهات خاصی در قانون پیش‌بینی شده و در پاره‌ای از موارد با ارزش اجتماعی گنه‌کاران و یاستمدیدگان متناسب بود .

هر متهم که گناه مسلمی نداشت می‌توانست برای تبرئه خود «بجان خداوند» سوگند یاد کند و این عمل معمولاً در مورد جراحت و آسیب غیر عمد ، زن مظنون بخیانت بشوهر ، چوپانی که گله خود را بر اثر شیوع مرض از دست داده ، و یاملاحی که قایق او بر اثر تصادف از بین رفته ، و مواردی نظیر آنها اجرا میشد . توسل بقسم برای تأیید صحت گفتار گواهان و بی‌گناهی متهمین بود . عملیاتی از قبیل باب‌انداختن ، میان‌آتش رفتن برای اثبات بی‌گناهی بندرت انجام میگرفت . چنانکه در ماده دوم قانون باین موضوع اشاره شده : (اگر مردی بجادوگری متهم میشد ، برای تبرئه خود مجبور بسود خود را برودخانه فرات بیندازد ، اگر آب فرات وی را غرق میکرد ، خانه او متعلق بکسی بود که وی را باین سمت معرفی کرده و اگر از آب سالم بیرون می‌آمد ، مفتی محکوم بمرگ و خانه او بمردی که تبرئه شده بود ، داده میشد .

کیفرهایی که در قانون پیش‌بینی شده عبارت بوده از : غرق کردن در آب برای زن خطاکار و همدست او (مگر در صورتی که شوهر از خطای او چشم می‌پوشید) ، زنی که وظایف همسری را نسبت بشوهرزندان خود انجام نداده ، می‌خکوب کردن درباره زنی که شوهر خود را بخاطر مرد دیگری کشته باشد . سوزاندن برای کسیکه بهانه اطفاء حریق ، قسمتی از اموال آفت رسیده‌ای را تصاحب میکرد ، یاراهبه‌ای که بمیخانه رفت و آمد داشت .

شلاق‌زدن و بچوب بستن فقط در مورد مرد آزادی بود که بمافوق خودسیلی میزد . درباره قطع پاره‌ای از اعضاء بدن ظاهراً عضو گناهکار ، مثلاً گوش ، بینی ، زبان که آلت جرم بودند ، می‌بریدند . قانون قصاص بمثل ، یعنی چشم بجای چشم ، دندان بجای دندان و بالاخره انسان بجای انسان شدیداً مجری بود ولی باز هم بر حسب شخصیت مجرم تنبیهات خفیف و شدید میشد ،

جبران زیان هم به نسبت ارزش اشیاء و مالک آنها از ۳ تاسی برابر قیمت شیئی تغییر میکرد. اگر مأموری از عمل دولتی پولی میگرفت و از پرداخت آن سرباز میزد، مجبور بود سه برابر آن مبلغ را بپردازد، و اگر از خانه پادشاه یا معبد چیزی بسرقت میرفت سارق سی برابر قیمت آن شیئی را میپرداخت...»

بعضی از پژوهندگان بر آنند که پاره از قوانین تورات مانند همین قوانین است و تأثیر قوانین حمورابی که مجمع و تدوین کننده قوانین قدیم ساکنان بین النهرین بوده، در قوانین یهود مشهود است. منتها در قوانین یهود که جدیدتر است تسهیلات و تعدیلاتی در آن بعمل آمده که در زیر بشرح چند ماده از قوانین دو قوم که باهم تشابه دارند میپردازد:

آیه ۱۶۶ از سفر خروج: هر کس کسی را بدزدد و بفروشد باید کشته شود.  
ماده ۱۴ قانون حمورابی: اگر کسی بچه دیگری را دزدید و فروخت باید سرش را برید.

آیه ۱۸۶ و ۱۹ سفر خروج: هر گاه کسی در نزاع دیگری را با سنگ یا مشت بزند و طرف از آن ضربت بیمار و بستری شود و بعد بهبودی پیدا کرده و از بستر برخیزد و بکار خود رود، زننده باید مزد روزهای بیکاری و هزینه دارو و درمان او را بپردازد.

ماده ۲۰۶ قانون حمورابی: هر گاه دو نفر نزاع کردند یکی دیگری را زخمی زد، باید سوگند بخورد که عمدی نبوده و نیز هزینه درمان او را بپردازد.

### قوانین و قضاوت در آشور قدیم:

از قوانین آشوریها مدارک چندانی زیاده ضمن کاوشها بدست نیامده ولی در ویرانه های شهر آشور، باستان شناسان آلمانی نه لوحه که منتخبی از قوانین آشوری روی آن نوشته شده، یافته اند که در سال ۱۹۲۰ ترجمه و



منتشر شد. از رسم الخط و واژه های بکار رفته در آن چنین تشخیص داده اند، که این قوانین مربوط بفاصله بین قرن ۱۵ تا ۱۲ قبل از میلاد است.

این قوانین باستانهای چند مورد، نظیر مواد قوانین حمورابی است و هر يك از مواد باین جملات: اگر یکمرد.... اگر یکزن.... آغاز میگردد و پس از ذکر جرم، راه حل قانونی و کیفر آن را تعیین مینماید.

قانونگذاری در آشور از وظائف پادشاه و گفته او حکم قانون را داشته است و قضاوت بوسیله يك قاضی انجام میگرفت در حالیکه در بابل قضاوت بوسیله چند قاضی انجام میشد.

### قوانین هیتی ها :

در بین الواح نوشته میخی که در «بغار کوی» سی و سه کیلومتری آنکارا بدست آمد، دولوحه نیز حاوی مجموعه ای از قوانین هیتی هاست در یکصد ماده.

تاریخ تنظیم آن بطور تحقیق معلوم نشده ولی کاوشگران و محققان بحدود قرن پانزدهم پیش از میلاد و زمان پادشاهی سوپیلولیوما حدس زده اند. تنبیهات پیش بینی شده در این قانون معدل تولد تنبیهات در قوانین حمورابی و آشور میباشد. تنبیهات سخت مانند اعدام و نقص اعضاء بدن، باپرداخت مبلغی جریمه جبران میشده مثلاً :

«هر کس شخصی را در طی يك زد و خورد میکشت جریمه ای میپرداخت، شخص مقتول اگر از طبقه آزاد بود چهار نفر بجای او و اگر از بردگان بود قاتل دو نفر بجای وی میداد ولی اگر این عمل قتل از روی عمد نبوده دو نفر بجای مقتول آزاد، و یک نفر بجای برده مقتول داده میشد. اگر بر اثر زد و خوردی مرد آزادی کور میشد و یادندانهای او میریخت، خسارت برابر بایست سیکل نقره و برای يك غلام نصف آن میپرداخت، و برای شکستن یک دست

یا یک ساق پا از مرد آزاد بیست سیکل نقره و برای غلام دو سیکل پرداخته میشود. در این موارد اگر شخصی مصدوم، رنجور و علیل میماند بیست سیکل و اگر شکستگی دست یا پای او علاج پذیر بود، نصف این مبلغ را دریافت میداشت. تنبیهی که برای ربودن اشخاص پیش بینی شده، بسیار شدیدتر از تنبیه قاتل بود. کسی که مرتکب چنین عملی میشد گاه مجبور بود تمام خانه و تمام خانواده خود را بعنوان جریمه واگذار کند، اعدام معمولاً مخصوص کسانی بود که علیه فرمان پادشاه یا اعمال وی قیام میکردند. در هم خوابگی با محارم و اعمال منافی عفت هم همین تنبیه مجری بود.

اگر شوهری همسر خود را در حین اعمال منافی عفت دستگیر میکرد حق داشت هر دو طرف را بکشد. اگر بزنی در کوهستانها دست درازی میشد، زن از تنبیه معاف بود. ولی اگر زنی در خانه گرفتار چنین پیش آمدی میشد، چون میتوانسته است از مردم کمک بخواهد و خود را از خطر برهاند، خود او بمرگ محکوم بود.

درباره دزدی نیز موادی در قوانین هیتی موجود است، شدیدترین تنبیهات مخصوص سرقت حیوانات بود، چون در آن موقع حیوانات گرانبهاترین سرمایه خانوادهها را تشکیل میدادند. برای یک اسب یا یک گاو (حد اقل دو ساله) سارق مجبور بود سی اسب یا سی گاو جریمه بدهد، این جریمه بعداً به پانزده اسب و پانزده گاو تخفیف یافت. اگر گاوی بمزرعه دیگری میگریخت مالک مزرعه آن گاو را تصاحب میکرد و حق داشت تا غروب آن روز از آن گاو کار بکشد و سپس آنرا بصاحبش رد کند، از سارق کندوی عسل شش سیکل نقره دریافت میشد، در صورتیکه پیش از اصلاح قانون، وی را در اختیار زنبورها میگذاشتند.

درهاتی زناشوئی از راه خرید یا بوسنیله ربودن انجام میشد، دختر هنگام

زناشوئی از پدر خود جهیزیه‌ای میگرفت<sup>۲۴</sup> در هوری باین جهیزیه مولوگو<sup>۲۵</sup> میگفتند همچنانکه در آشور نیز معمول بود. زن میتواندست در خانه پدر خود بماند یا بخانه شوهر برود، شوهر قبل از عروسی مبلغی بعروس یا بخانواده او میداد، خانواده دختر میتواندست عروسی را فسخ کند منتهی در این مورد مجبور بود دو برابر مبلغی را که دریافت داشته مسترد دارد.

در قوانین هیتی ربودن دختران برای وصلت با آنها مجاز بود ولی اگر زن آزادی باین ترتیب با افراد طبقات پائین وصلت میکرد بسه سال بردگی محکوم میشد. اگر شوهر میمرد برادر یا پدر وی موظف بودند زن او را بگیرند این عمل در آشور و اسرائیل نیز رسم بود، اگر مرد آزاده و یک برده (کنیز) بوسیله طلاق از یکدیگر جدا میشدند دارائی خانه بین آنها تقسیم میشد و اطفال بمرد تعلق میگرفت وزن حق داشت فقط یکی از اطفال را نزد خود نگاهدارد.

موضوع جالب که حاکی از اجراء کامل حق و عدالت است و بین این نوشته‌ها دیده شده «اعتراف» سوپی لولیوما» به تجاوز کردن بخاک سوریه است که آنرا خود غیرقانونی و انسانی دانسته، و بسزای این پیش روی غیر معقول و قانونی، انتظار دارد که یک بیماری واگیری در کشور او بروز نماید.<sup>۲۶</sup>

نخستین قانون اساسی دنیا<sup>۲۷</sup> در این کشور و دیکته شده توسط خداوند تلپی نوس میدانسته اند. در این قوانین حقوق مردم و امر او نجبا و همچنین برای پادشاه مستبد و مطلق العنان حدودی تعیین مینماید:

24- Iwarou

25- Moulougou

۲۶ - صفحه ۱۶۹ تاریخ ملل قدیم آسیای غربی تألیف آقای دکتر بهمنش

۲۷ - صفحه ۱۵۹ تاریخ ملل باستانی آسیای غربی تألیف دکتر بهمنش.

### هوریها :

از روی آثاری که از این قوم بدست آمد ارتباطشان و تشابه قوانین آن بابابل مشهود گردیده است ، ولی قوانین کیفری و مجازاتها، بشدت کیفرهای معمول در بابل و آشور نبوده است، مقصر بپرداخت مبلغ زیادی نقد یا جریمه جنسی محکوم میشد. تنبیهات بدنی بندرت درباره این قبیل خطاکاران اجرا میشد برای دزدی تنبیه اعدام معمول نبود، ولی دزد بپرداخت جریمه‌ای که گاهی به ۲۴ برابر بهای شیئی میرسید ، محکوم میشد و اگر سارق بدست نمی‌آمد ، محله و ناحیه او محکوم میشدند . متهم میتوانست با ادای سوگند خود را تبرئه کند، حتی در مواردی که شهود نیز وجود داشت، سوگند و قسم دروغ بسیار نادر بود و متهم با دربر گردانیدن روی از خدایان بخطای خود اعتراف میکرد .

### در مصر باستان :

در زمان سلسله پنجم سلطنتی مصر ( ۲۵۶۳ تا ۲۴۲۳ ق.م. ) قوانین مدنی و جنائی کامل‌تر شده و مردم در برابر قانون مساوی بودند باین شرط که طرفین دعوا از حیث ثروت و مقام باهم برابر باشند . قضات از دو طرف دعوی میخواستند که استدلال و مطالب خود را بنویسند و بمحکمه تسلیم نمایند تا مورد بررسی قرار گیرد. جزای سوگند دروغ کشتن بوده است. در هر شهری محکمه‌ای برای رسیدگی بدعای مردم بود ولی محاکم عالی در پایتخت تشکیل میشد ( معفیس یا طبس ). گاهی متهم و مجرم را شکنجه میدادند تا بحقیقت مطلب اعتراف کند . چوب زدن از کیفرهای رایج بود ، گاهی گوش یابینی و یا زبان یادست تبه‌کار را میبردند یا او را بمحل استخراج معادن تبعید میکردند. عمل اعدام یا دار زدن ، خفه کردن، سربریدن و یاسوزانیدن

زناشوئی از پدر خود جهیزیه ای میگرفت<sup>۲۴</sup> در هوری باین جهیزیه مولوگو<sup>۲۵</sup> میگفتند همچنانکه در آشور نیز معمول بود. زن میتوانست در خانه پدر خود بماند یا بخانه شوهر برود، شوهر قبل از عروسی مبلغی بعروس یا بخانواده او میداد، خانواده دختر میتوانست عروسی را فسخ کند منتهی در این مورد مجبور بود دو برابر مبلغی را که دریافت داشته مسترد دارد.

در قوانین هیتی ربودن دختران برای وصلت با آنها مجاز بود ولی اگر زن آزادی باین ترتیب با افراد طبقات پائین وصلت میکرد بسه سال بردگی محکوم میشد. اگر شوهر میمرد برادر یا پدر وی موظف بودند زن او را بگیرند این عمل در آشور و اسرائیل نیز رسم بود، اگر مرد آزاده و یک برده (کنیز) بوسیله طلاق از یکدیگر جدا میشدند دارائی خانه بین آنها تقسیم میشد و اطفال بمرد تعلق میگرفت وزن حق داشت فقط یکی از اطفال را نزد خود نگاهدارد.

موضوع جالب که حاکی از اجراء کامل حق و عدالت است و بین این نوشته ها دیده شده « اعتراف » سوپی لولیوما» به تجاوز کردن بخاک سوریه است که آنرا خود غیرقانونی و انسانی دانسته، و بسزای این پیش روی غیر معقول و قانونی، انتظار دارد که یک بیماری واگیری در کشور او بروز نماید.<sup>۲۶</sup>

نخستین قانون اساسی دنیا<sup>۲۷</sup> در این کشور و دیکنته شده توسط خداوند تلمی نوس میدانسته اند. در این قوانین حقوق مردم و امر او نجبا و همچنین برای پادشاه مستبد و مطلق العنان حدودی تعیین مینماید:

24- Iwarou

25- Moulougou

۲۶ - صفحه ۱۶۹ تاریخ ملل قدیم آسیای غربی تألیف آقای دکتر بهمنش

۲۷ - صفحه ۱۵۹ تاریخ ملل باستانی آسیای غربی تألیف دکتر بهمنش .

### هوریها :

از روی آثاری که از این قوم بدست آمد ارتباطشان و تشابه قوانین آن بابابل مشهود گردیده است ، ولی قوانین کیفری و مجازاتها ، بشدت کیفرهای معمول در بابل و آشور نبوده است ، مقصر بپرداخت مبلغ زیادی نقد یا جریمه جنسی محکوم میشد . تنبیهات بدنی بندرت درباره این قبیل خطاکاران اجرا میشد برای دزدی تنبیه اعدام معمول نبود ، ولی دزد بپرداخت جریمه ای که گاهی به ۲۴ برابر بهای شیئی میرسید ، محکوم میشد و اگر سارق بدست نمیآمد ، محله و ناحیه او محکوم میشدند . متهم میتوانست با ادای سوگند خود را تبرئه کند ، حتی در مواردی که شهود نیز وجود داشت ، سوگند و قسم دروغ بسیار نادر بود و متهم با دربر گردانیدن روی از خدایان بنخطای خود اعتراف میکرد .

### در مصر باستان :

در زمان سلسله پنجم سلطنتی مصر ( ۲۵۶۳ تا ۲۴۲۳ ق.م. ) قوانین مدنی و جنائی کامل تر شده و مردم در برابر قانون مساوی بودند باین شرط که طرفین دعوا از حیث ثروت و مقام باهم برابر باشند . قضات از دو طرف دعوی میخواستند که استدلال و مطالب خود را بنویسند و بمحکمه تسلیم نمایند تا مورد بررسی قرار گیرد . جزای سوگند دروغ کشتن بوده است . در هر شهری محکمه ای برای رسیدگی بدعای مردم بود ولی محاکم عالی در پایتخت تشکیل میشد ( معفیس یا طبس ) . گاهی متهم و مجرم را شکنجه میدادند تا بحقیقت مطلب اعتراف کند . چوب زدن از کیفرهای رایج بود ، گاهی گوش یابینی و یا زبان یادست تبهکار را میبردند یا او را بمحل استخراج معادن تبعید میکردند . عمل اعدام یا دار زدن ، خفه کردن ، سر بریدن و یاسوزانیدن

انجام میگرفت. سخت‌ترین شکنجه آن بود که گناهکار را زنده زنده مومیائی میکردند یا بدن او را با پرده‌ای از نترن سوزاننده میپوشانیدند که بدنش را خرده خرده بخورد و او را از بین ببرد.

نخست‌وزیر آخرین پناهگاه برای مستدعیان بود. در یکی از نقوش مقابر مصر وزیری دیده میشود که صبح زود از خانه خارج میشود تا چنانکه در کتیبه ذکر شده « بشکایت فقیران گوش فرادارد » ، بی آنکه بین بزرگ و کوچک تفاوتی بگذارد.

یک پاپیروس شگفت‌انگیزی در دست است که یکی از فراغنه مصر هنگام انتصاب وزیر تازه‌ای باو توصیه‌هایی به این شرح کرده است:

« نیک مراقب دفتر وزارت باش و آنچه را در آن میگذرد از نظر دور مدار و بدانکه این ستونی است که هر مملکت بآن تکیه دارد... وزارت شیرین نیست بلکه تلخ است... در این اندیشه باش که وزارت تنها آن نیست که در بند احترام گذاشتن بشاهزادگان و رایزنان باشی. در این فکر باش که وزارت آن نیست که مردم را به بندگی خود گیرند.. هنگامیکه کسی از مصر سفلی به علیا بشکایت میآید... هشیار و حریص باش که در هر امر قانون بمجرای خود کار کند و عرفی که جاری است رعایت شود و حق هر کسی محفوظ بماند... طرفداری از اشخاص خشم خدارا بر میانگیزد... همانگونه که بکسی که او را میشناسی نظرداری، بکسی که او را هم نمیشناسی نظرداشته باش و به نزدیکان شاه چنان بنگر که بآنان که دور از دربار اویند مینگری. بخاطر داشته باش که امیری که چنین کند مدت درازی بر جای خواهد ماند... آنچه مردم را از امیرشان میترساند باید آن باشد که امیر در حکم خود بعدل کار کند... آنچه را بر تو واجب است مراعات کن... » ۲۸

۲۸- جلد اول ویل دورانت ، شرق زمین یا گهواره تمدن ، صفحه ۲۴۴.

### قوانین و قضاوت در یونان باستان

نخستین قانونگزاری که نام او در تاریخ یونان باقی مانده «زالو کوس» (Zaleucos) میباشد که قوانین او در حدود سال ۶۶۳ در لو کر (Locres) یکی از شهرهای ایتالیا منتشر گردیده است، ولی سال بعد کارونداس (Charondas) مجموعه قوانینی برای شهر «کاتان» تدوین کرد که از قوانین گذشته الهام گرفته بود. این قوانین چون جنبه موازنه و اعتدال را داشت و تا اندازه‌ای رژیم اشرافی و اختیارات نامحدود آنها را محدود میساخت بزودی در شهرهای مهم یونان بزرگ و سیسیل و تراس و پاره‌ای از شهرهای آسیای صغیر تا کاپادوسی و همه شهرهای یونان بجز آتن مورد استفاده قرار گرفت. ۲۹

در اواخر قرن هفتم پیش از میلاد در اثر بروز جنگها و اختلافات داخلی و کشت و کشتار وضع آتن را سخت آشفته و قرین هرج و مرج ساخته بود، بنابراین دست‌اندرکار تدوین و تنظیم قوانینی شدند که از قصاص و انتقام‌جوئی افراد جلوگیری کند. و انجام این مهم را بعهده «درا کون» (Dracon) واگذار کردند (۶۲۱ ق.م.)، و او با اطلاعاتی که در امور حقوقی داشت و با توجه به قوانین گذشته و در نظر گرفتن نیازمندیها و ابتلاعات مردم قوانینی تنظیم کرد. در قوانین درا کون حقوق شوهر بر زن و پدر بر فرزند و ارباب بر غلام محترم و آزاد بود، در صورت وقوع قتل اگر تمام بستگان و بازماندگان مقتول باتفاق راضی بمصالحه و گذشت میشدند موضوع غیر قابل تعقیب بود، ولی اگر یکی از ورثه رضایت نمیداد موضوع بمحاكمه صالحه موکول میشد و خانواده مقتول حق تعقیب خانواده قاتل را نداشت. ۳۰ حق شکایت و تقاضای تعقیب

۲۹ - صفحه ۸۷ کتاب تاریخ یونان قدیم، جلد اول، تألیف دکتر بهمنش.

۳۰ - صفحه ۱۲۲ از همین کتاب.



متهم منحصرأ با اقوام نزدیک مقتول ( پدر ، برادر ، پسر ، پسرعمو ، خاله و غیره ) بود و به اقوام درجه دوم مانند اقوام سببی ( داماد ، خانواده عمو و خاله و غیره ) فقط حق گواهی دادن و تأیید موضوع در محکمه داده میشد .

رسیدگی بقتل و مسموم کردن و حریق عمدی در اختیار شورائی بود و طرفین هر کدام دو مرتبه حق دفاع و صحبت داشتند و پیش از شروع دوره دوم دفاع متهم میتوانست تقاضای جلاء وطن و تبعید شدن بنماید و اگر آراء قضات در این مورد برابر بود رب النوع آنها برفع محکوم رأی میداد و با تبعید او موافقت میشد ، ولی اگر اکثریت به اعدام او رأی میداد ، گناهکار کشته میشد . در مورد جراحت عمدی که بقتل منجر میگشت ، اموال مقصر مصادره میشد و خود او تبعید میشد و اگر از اجرای حکم سرپیچی میکرد به اعدام محکوم میشد .

قوانین در اگون با اینکه حفظ امنیت جامعه و احترام حق مالکیت را منظور داشته و به هیچیک از طبقات امتیازی نداده بود ، باز آنطور که انتظار مردم بود در وضع اقتصادی و اجتماعی تاثیر فراوانی نکرد و در آغاز قرن ششم قبل از میلاد که صنعت و تجارت رو بتوسعه رفت و وسایل آسایش و گذران زندگی مرتب تر شد و موضوع وام دادن و وثیقه گرفتن و معاملات و مصادره اموال و املاک مردم ایجاب میکرد که تجدید نظری در قوانین بوجود آید و قوانین دیگری که با اوضاع زمان وفق دهد تنظیم گردد ، بنابراین «سولون» که مورد اعتماد مردم و از خاندان سرشناس و اشرافی آتن بود مشغول تهیه قوانینی شد . او در سال ( ۵۹۴ ق . م . ) بمقام آر کنتی ( Archontes ) رسیده بود ( فرمانده غیر نظامی یا مأمور عالی مقام ) .

سولون (Solon) برای پرداخت وام به طلبکاران تخفیف زیادی قائل شد و قانونی را که بموجب آن طلبکار حق فروش بدهکار را در صورت نپرداختن بدهی خود داشت لغو کرد .

مسأله اراضی که به رهن رفته بود حل کرد و اراضی بصاحبان اولیه برگشت . آزادی املاك و افراد را بوسیله قانون تأمین کرد و برای جلوگیری از احتکار زمین قوانینی وضع کرد که زمین قابل تقسیم بود و پس از مرگ شخص بین پسران او تقسیم میشد و اگر کسی پسر نداشت بین دخترانش و اگر اصولاً دارای فرزند نبود بین فرزندان غیر مشروع و در غیر اینصورت بین خویشاوندان تقسیم میشد . مرد حق داشت که دارائی و یا املاك خود را بموجب وصیتنامه به افراد دیگری خارج از خانواده بدهد . پدر حق فروش و یا کشتن فرزند خودش را نداشت ، فقط دختران بدکار بفروش میرفتند و پسر در صورتیکه مرتکب اعمال خلاف میشد از خانه پدری طرد میگشت . وظیفه فرزند نسبت به اولیاء خود بسیار ساده و منحصر به تأمین غذا و مسکن و رعایت احترام و انجام تشریفات مختصری پس از مرگ آنها بود . زنان کمتر از شصت سال حق شرکت در این مراسم را نداشتند ، جسد میبایستی شب بخاک سپرده شود و قربانیهای بزرگ ، مخصوصاً قربانی گاو ، بر سر مزار متوفی ممنوع بود . برای جهیزیه دختران ، پدر سه دست لباس و تعدادی لوازم ارزان قیمت به همراه او میکرد ولی ناچار بود مقداری زمین به او بدهد و این عمل در تجزیه املاك و اراضی بسیار مؤثر بود .

سولون چون در امور بازرگانی اطلاعات و تجربیات کافی داشت برای تأمین و حفظ منافع طبقات و سطح ثروت عمومی و تشویق بکار و جلوگیری از بیکاری و گدائی و مراقبت حیوانات و حفر چاه و تنظیم آب و درختکاری ،

مخصوصاً کشت درخت زیتون، و تشویق صنعتکاران قوانین و مقرراتی بسود مردم وضع کرد و گامهای اساسی و مؤثری برداشت و پس از آنکه مأموریت خود را انجام داد، نه نفر آزر کنتها را سوگند داد و متعهد ساخت که نسبت به اجرای قوانین او وفادار بمانند. ۳۱

(بقیه در شماره آینده)

میترا ایسٹیم

وسوشیانس مہر

تقدم

مجید کتائی

## میترا ائیسیم و سوشیانس مهر

پیش از ظهور زرتشت آریائیهها  
خدایان مشترکی داشتند اهورا و  
میترا و وارونا و ایندرا از خدایان  
مشترک آریائی بودند. در  
سرودهای ریگ ودا میترا و  
وارونا باهم یاد شده اند و اهورا  
و میترا در ردیف هم بوده اند و  
در شمار آسوراها (خدایان).  
بگفته هر تسفلد که از قول  
نویسندگان کلیسا نوشته :

«یونانیان اهورا و میترا و آناهیتا  
را اقتباس کرده و آنها را بنام  
زئوس ماگیستس، آپولون  
و آتنا با همان خصایص  
شناخته اند» از اینرو برخی از  
مورخان قدیم گمان برده اند  
ایرانیان نیز مانند یونانیان به  
سه خدا عقیده داشته اند؛ همچنین

بسم

مجید کتانی

در میتولوژی یونان آرابس و تاتارس دوسگنگه‌بان در جهنم هستند که پای گناهکاران را اگر بخواهند از جهنم بیرون روند میگیرند؛ مهر پرستی در آغاز باستایش خورشید که مظهر مهر بوده آغاز شده ازینرو گاه مهر پرستی را آفتاب پرستی و ستاره پرستی خوانده‌اند؛ میثرباوستائی و میترا بسنسکریت و میثر و مهر به پهلوی و میشا و میسا و مشیها و مسیهر<sup>۱</sup> و مهلاب و مسیحا همین واژه است در کتاب منسوب به هرودت مهر باناهید یکی دانسته شده و اشتباه کرده است. و در کتابهای تاریخ اسلامی شماش و شمس نیز آمده است.

**استرابن** جغرافیانویس یونانی در کتاب خویش نوشته: ایرانیان خورشید را بنام میترس مینامند.

مهر را: هلیوس، آپولون، سول، سولی و میترا که از خدایان پیش از زرتشت بوده خوانده‌اند. مهر بمعنی خدا، ایزد، فرشته، سوشیانس، آفتاب، محبت، عشق ماه هفتم و روز شانزدهم هر ماه نیز آمده.

زرتشت مهر را بعنوان یکی از ایزدان پذیرفت.

در مهر یشت آمده میثر دارنده دشتهای فراخ را میستائیم او نخستین ایزد مینوی است که از فراز کوه هرا پیش از خورشید تیزاسب بیمارگسوی ماهیا آید.<sup>۲</sup> در اوستا مهر داناترین ایزدان است<sup>۳</sup> میثر مظهر نیکی است و میثرا در روز مظهر تباهاکاری است.<sup>۴</sup> اما باید گفت در باره بشارتها در زند و هومن یسن که متن اوستائی آن از میان رفته آمده و شرح آن در زندا است. بموجب این بشارتها که در آثار تورفانی نیز پیدا شده:

- ۱- مسیهر بارمنی و پهلوی شمالی گفته میشد و چنانکه مهر نرسی را مسیهر نرسی (سردار ایرانی) گفته‌اند.
- ۲- یشتها دفتر یکم
- ۳- مهر یشت بند ۱۴۲
- ۴- یسنای ۵۵ بند ۳

یک سودرسان (سوشیانت یاسوشیانس یاسیوشانس) یسا بختار (بخشنده گناهان) یار هاننده مهر را از هزاره اول پس از زرتشت انتظار ظهور داشته اند و پیش از ظهور محمد (ص) مهربان در مکه و مدینه و طائف بودند. و همه انتظار داشتند که در آغاز هزاره ای خواهد آمد و بگفته باباطاهر عریان:

بهر الفی الف قدی بر آید      الف قدم که در الف آمد ستم

کاوشهای تورفانی در سال ۱۹۰۰ در تون هوانگ در کان سوی، نزدیک شهر ختن آغاز شد. چنان بنظر میرسد در آغاز سده یازدهم میلادی کتابخانه ای آنجا پنهان شده باشد نخستین بار **سراورل شتاین** انگلیسی بآنها پی برد این اسناد بخط خروشتی، دیوانگاری، براهمی، سغدی، ختایی ایغوری، پهلوی اشکانی و چینی به ۲۳ گونه خط و هفده زبان است که پنج زبان آنها ایرانی و چند خط ناشناس مانده پیدا شده است.

**هنینگ** انگلیسی آنها را خط مانوی خوانده و اشتباه کرده است. اما مهر در سال ۱۴۶۸ پس از رسالت زرتشت بدنیامد.

در باره مهر باید گفت بخشی از تاریخ کلیسا با تاریخ مهر توام است باید دید پیش از آنکه اروپائیان عیسوی شوند چه دینی داشتند تا آن روشن نشود بخشی از تاریخ اروپا و کلیسا روشن نمیشود. این قسمتی از تاریخ است که اروپائیان از آن خوششان نمی آید و طفره میروند. آئین مهریک سده پیش از میلاد کنونی در سراسر آسیای کوچک و یونان و روم رواج داشته.

مهر در سال ۱۴۵۴ رصد زرتشت برابر ۲۷۲ پیش از میلاد ایشوع یاعیسی - ناصری<sup>۵</sup> از مادری بنام آناهیتا زاده شد (آناهیتا یعنی کسیکه لکه ندارد، ناهید نیز گفته شده) تخمه زرتشت مانند مروارید در گل نیلوفر آبی نهفته بوده است و دختری که در آب آبتنی می کرد. از آن تخمه

۵- در کتابهای مورخان اسلامی مانند تاریخ طبری و اخبار الطوال دینوری و مروج الذهب والتنبه والاشراف مسعودی دو عیسی آمده که یکی را چون اهل ناصره بوده ایشوع و عیسی ناصری خوانده اند.

باردار شده و مهر سوشیانس یا پیغمبر زاده میشود. مهر پرستی يك قرن پیش از میلاد در روم نفوذ یافت. نرون، تراژان، پمپه، کمدا، کاراکالا، دیو کلیشین، ژولین، اورلیان، گوردیان و والرین بدین مهر بودند و نقش مهر روی سکه‌های سده اول و دویم و سوم میلادی امپراتوری روم دیده میشود. نرون را میتدرات فرمانروای ایرانی ارمنستان مهری نمود (واژه میلادی یعنی میترداری و محرف آنست). دیو کلیشین شورایی فراهم آورد و دین مهر را رسمی کرد. در سال ۳۰۷ پیش از میلاد گالریوس ولی سی نیوس با قربانی برای پرستشگاه مهر حمایت مهر را برای روم جلب کردند.

ژولین در سال ۳۶۱ خود را فرزند مهر خواند.

بیشتر مورخان فرنگی هر جا باید از مهر پرستی سخنی گویند آنرا بت-پرستی نام میبرند؛ و زرتشتی را آتش پرستی؛ و از بردن نام دین زرتشتی و مهری و مانئی پرهیز دارند و تندیس‌های مهر را بت خوانده‌اند؛

**ورمازن هلندی مینویسد «سلسله هفت مراتب مهری در تمام امپراتوری روم معمول بود.»**

بعقیده برستک آئین مهر از ایران بمغرب زمین و تا کشورهای روم رفت و حتی پس از دین مهر رقیب عیسویت بود آنوقت نوشته‌اند که این دین را چند سرباز سیسیلی برم بردند!....

مورخان ایرانی دوره اسلامی مانند ابوحنیفه دینوری در اخبار الطوال-طبری، مقدسی، مسعودی، حمزه اصفهانی در سنی ملوک الارض والانبیاء در باره دین مهر چیزی ننوشته‌اند در صورتیکه رویدادهای پیش از آن و بعد را بدقت نوشته‌اند؛ مسعودی چند جادرا التنبیه و الاشراف و در مروج الذهب بصائبه اشاره میکند از جمله دین امپراتوران روم را پیش از نصرانی شدن صابئی میدانند<sup>۶</sup>

۶- مروج الذهب جلد یکم صفحه ۱۱۸۰ چاپ قاهره سال ۱۳۱۰ قمری



یعقوبی مورخ دیگر اسلامی نوشته «مطالبی هست که نوشتن آن برهن گران است»<sup>۷</sup>

در توقیعات تقویمهای تورفانی آمده است که: خلاصه آن نقل میشود:  
در سال ۵۱ پادشاهی اشکانیان روز آدینه پنجم بهار مادر مهر ببارداری  
بشارت مییابد و پس از گذشت ۲۷۵ روز روز شنبه شب ۲۵ دسامبر در سال ۱۴۵۴  
رصد زرتشت برابر ۲۷۲ پیش از زاد روز عیسی مسیح مهرزاده میشود و در  
هزاره یازدهم ظهور میکند. نام ماهی که مهر در آن ماهزاده میشود دیمه و در  
ماههای سیستانی کریشت گویند این تاریخ برابر است با ۲۷۲ سال پیش از زاد  
روز عیسی مصلوب و چنانکه گفته شد مفسران<sup>۸</sup> سوره آل عمران نیز ولادت  
عیسی را در سال ۶۵ ملك اسکندر و برابر ۵۱ اشکانی نهاده اند. پس برابر این  
حساب زادن عیسی مصلوب در سده سوم مسیحی می افتد که قرینه های دیگر از  
قبیل زمان حواریون عیسی مصلوب و غیره نیز این زمان را تأیید میکنند.

باین حساب عیسی مصلوب در زمان اردشیر ساسانی واقع میشود و برای  
این زمان دلیل های بسیار است از جمله ابوحنیفه دینوری مینویسد:

«... دستان سرکشان (خوارج) نخستین چنین بود که یکی از حواریون  
عیسی نزد اردشیر بابکان آمد. اردشیر سخن او باور داشت و دین عیسی را که  
در روزگار او ظهور کرده بود پذیرفت و وزیرش یزدان نام نیز از شاهنشاه  
پیروی کرد. ایرانیان بر اردشیر خشمگین گردیدند و بر آن شدند او را از  
پادشاهی براندازند پس اردشیر نشان داد از آنچه پذیرفته بود برگشته ازینرو  
او را پادشاهی باز گذاشتند.»<sup>۹</sup>

اینک پس از این مقدمه باید گفت که پیش از مسیحیت دین شاهنشاهی  
اشکانی و دین امپراتوری روم و اروپا و آسیای کوچک و بخشی از چین مهری

۷- تاریخ یعقوبی دفتریکم چاپ لیدن

۸- در معالم التنزیل بفشوری و تاریخ طبری و تفسیر ابوالفتح رازی

۹- نقل از الاخبار الطوال ابوحنیفه داود دینوری

بوده است و بخشی از ایران زرتشتی بوده اند. در سال ۵۳۹ میلاد مسیح اردشیر بابکان و بزرگان ایران بر آن شدند دین مهر را براندازند.

از نوشته‌های تورفانی چنین برمیآید که مسیح اول مردم را به بودا و زرتشت<sup>۱۰</sup> دعوت میکرد و در گفته‌های او بشارت بپرخان(مانی) و منواحمد-وزرك (احمد بزرگوار) دیده میشود.

سید مرتضی بن داعی در تبصرة العوام نوشته عیسی علیه السلام خلق را بزرتشت دعوت میکرد. در تاریخ کلیسا دسته‌های بسیار می‌بینیم که عقیده به عیسی مصلوب و حواریون ندارند.

صلیب در دین مهر نشانه اتفاق مردم چهارسوی جهانست و شاخه‌های آن برابر بوده و بعد مسیحیت آنرا گرفته و پایه آنرا کشیده بشکل دار درست کرده اند. بسیاری از رسوم و آداب امروزی دین عیسوی از مهر پرستی گرفته شده و هنوز برجاست از روز تولد مهر و روزیکشنبه همه از مهر پرستی گرفته شده است. بعقیده شادروان پورداود: «صلاح مسیحیت در آن بود که عادات و رسوم دین

مهر را که در قرون متمادی در روم ریشه دو انیده بود بپذیرد<sup>۱۱</sup>

مراحل هفتگانه دین مهر عبارتست از: کلاغ (پرنده، تیزرو) نهان، سپاهی؛ شیر، پارسا، پیک آفتاب و پیر و این نشانه‌ها و اشارات در بسیاری جاها دیده میشود و چنین است کلاه شکسته مهری که هنوز کلاه اسقف‌ها را می‌ترا میگویند.

۱۰ - زاد روز زرتشت برابر حساب‌های دقیق پس از هزاره دهم سال ۱۷۶۷ پیش از میلاد بوده و در سال ۱۷۲۵ پیش از میلاد هنگامیکه چهل و دو سال و پنجاه و پنج روز از زندگانی زرتشت میگذشت در نیمروز رصد نموده است که اساس حسابهای نجومی و تاریخ بر آن مبتنی است (تقویم و تاریخ در ایران از استاد بهروز دیده شود)

۱۱ - ادبیات مزد یسنی

برای این مراحل هفتگانه مهری شستشولازم است : « شستشویی کن و آنکه بخرابات خرام »

مراحل عرفانی هفت شهر عشق و مقامات سلوک و هفت خط جام جم همه نشانه های مهری است نام «درمهر» یا «برمهر» بمعنی درگاه مهر برای آتشکده از یادگارهای مهری است که هنوز به آتشکده زرتشتیان میگویند.

مهر شکست ناپذیر و نیروورسان بوده و مردم را از تشنگی میرهانده است. پرستشگاه مهر را مهرابه، میتران، مهران، خورآباد و خرابات و میترا ئوم خوانده اند که روبه تابش مهر بسامدادی گشوده میشده از اینرو هنوز به آتشکده درمهر گویند و پیشوایان مهری را گاه مغ خوانده اند. سه پادشاه اشکانی نام مهر و مهرداد و میترداد داشته اند اشک ۶-۹-۱۲ و این يك نام دینی است. پلوتارخ مینویسد در سال ۶۷ پیش از میلاد مردم غرب و رومیها با آئین مهر آشنا شدند در کتاب «گینزار با» کتاب بزرگ مندائیه مسیح رامشیهها گفته اند و مسیحا نام مهر است که در ادبیات ما بسیار وارد شده :

**حافظ** در چند غزل اشارات کامل به مهر و مهرپرستی دارد ۱۲ . از جمله:

یاد باد آنکه نهانت نظاری با ما بود رقم مهر تو بر چهره ما پیدا بود

یاد باد آنکه نگارم چو کلاه بشکستی در رکابش مه نو پیک جهان پیما بود

یاد باد آنکه خرابات نشین بودم و مست و آنچه در مسجد امروز کمست آنجا بود

که در این غزل رقم مهر و کلاه شکسته، پیک جهان پیما و خرابات همه نشانه ها و مقامات و اشارات مهری است. اهمیت و نفوذ دین مهر در اروپا و دین عیسی باندازه ای است که گاهی پژوهندگان غرب بو حشت افتاده و خواسته اند مهر را که سوشیانس و پیغمبری بوده که اینهمه در جهان و مسیحیت اثر گذاشته از زمین

۱۲- حافظ در سیر و سلوک که در مقدمه متن انتقادی حافظ یکتائی سال ۱۳۲۸ نگاشته

و انتشار یافته است دیده شود .

برداشته به آسمان برده و در شمار خورشید و ستارگان در آورند؟... و حتی از بردن نام آن پرهیز داشته نامهای آپولون، میترا، آفتاب و خورشید را بجای مهر گذاشته اند و شگفت آنکه برخی از مترجمان و مورخان ایرانی نیز ازین رویه پیروی کرده اند.

من در بیشتر کتابها و موزهها از جمله موزههای تاریخی تاشکند، دوشنبه، ایروان، تفلیس، ارمیتاژ لنین گراد و لوور دیده ام که بجای مهر پرستی بت پرستی و ستاره پرستی و آفتاب پرستی بکار برده اند و بجای زرتشت و دین مزدیسنی آتش پرستی! و نامهای دیگر بکار رفته است! و بجای پرستشگاه مهر که نام آن میتران و مهربه است آنرا معبد آفتاب و معبد آپولون و معبد ناهید (نام مادر مهر) و مانند آن نامیده اند که از آن متوجه مهر و پرستشگاه او نشوند که هزاران مهربه تنها در سراسر اروپا پیدا شده و تنها در شهر رم بیش از یکصد کلیسا یافته اند که روی مهربه ها بنا شده است.

چون پیغمبر مهر با نفوذ جهانگیر دینی که عرضه داشته از عقاید پیش از خود مانند میترائیسم و عقاید زرتشتی و بودائی استفاده کرده چنانکه در دین مزدیسنی مهر در شمار ایزدان آمده و مهریشت یکی از زیباترین یشتهاست که بیش از او آمده گروهی خواسته اند ازینراه نیز خلط مبحث کرده مهر را گاهی از خدایان و زمانی آفتاب و خورشید و ستاره و وقتی ایزد و فرشته نشان دهند تا توجه به مهر سوشیانس و مهر دین آور کمتر پیدا شود.

احتمال دیگر آنست که چون تاریخ یونان بیشتر آمیخته با افسانه خدایان است و پیش از دین مهر در یونان و روم میترائیسم پیشینه داشته ازینرو برخی از پژوهندگان غربی و نویسندگان دانسته و ندانسته اشتباه کرده مهر و اثرهای آنرا با میترائیسم آمیخته اند.

در نتیجه باید توجه داشت که هر جا گفتگو از مهر یا نامهای مختلف آن است باید از اهمیت مهر سوشیانس که یکی از پیشروان بزرگ ادیان بوده است غافل نشد.



روابط ایران و هلند

از

**خانبابا بیانی**

(دکتر در تاریخ)

# روابط ایران و هلند

در زمان صفویه

## سفارت موسی بیک

از

### خانبا با بیانی

(دکتر در تاریخ)

«استاد تاریخ دانشگاه تهران»

شاه عباس کبیر چون دست پرتغالیها و اسپانیاییها را از سواحل و آبهای خلیج فارس کوتاه کرد، در تعقیب و اجرای سیاست اقتصادی خود لازم دید برای حفظ ارتباط و مناسبات بازرگانی ایران با دنیای غرب و خنثی کردن عملیات دولت امپراطوری عثمانی در خلیج فارس، یعنی شاهراه حیاتی بازرگانی ایران، دوست و متحد دیگری از میان ملل اروپائی که بیشتر بنفع وی باشد پیدا کند. تصادفاً هلندیها که در این زمان پس از تصرف قسمتی از هندوستان شرقی و طرد پرتغالیها از این نواحی، بفکر افتاده بودند از راه خلیج فارس با دولت ایران

در روابط بازرگانی و اقتصادی داخل شده در سواحل دریای مزبور مراکز و پایگاههای بازرگانی برای خود تأسیس نمایند، منظور و هدف شاهنشاه ایران را عملی ساخت.

هلندیها، که بواسطه وضع جغرافیائی کشور خویش، در ارتباط با دریاهای بودند و افتخار میکردند که «فرزند ارشد اقیانوس بوده در پناه آن اهمیت و اقتدار و ثروت سرشار یافته اند» با وجود اینکه سالهای متمادی در قید رقیت امپراطوری هابسبورگ اسپانیا میزیستند، خود را در بهمنه اقیانوسها انداخته بکار صید ماهی و داد و ستد مشغول شدند. تعداد کشتیهای بازرگانی آنان روز بروز روبه افزایش میرفت و به این وسیله انواع کالاهارا از نقاط مختلفه جهان وارد کرده در بازارهای اروپا بفروش میرساندند.

در سال ۱۵۹۴ میلادی هلندیها برای پیدا کردن راهی از سمت شمال به مشرق زمین و مخصوصاً به هندوستان در دریای شمال بعملیات پرداختند<sup>۱</sup> و در نتیجه موفق شدند مراکز بازرگانی و اقتصادی در نزدیکی قطب شمال در شبه جزیره اسکاندیناوی تأسیس نمایند. ولی انتشار گزارشهای مسافرتی یکی از جهانگردان هلندی بنام لینشوتن دوهارلم<sup>۲</sup> که در سال ۱۵۸۳ میلادی بهمراهی رئیس روحانی پرتغالی بند گوآ<sup>۳</sup> به هندوستان رفته بود، رفت و آمد به آن کشور را از طریق افریقای جنوبی معمول و متداول کرد. در سال ۱۵۹۵ هلندی دیگری بنام کورنلیز فان هوتمن<sup>۴</sup> که در خدمت دریا نوردان پرتغالی بود از شرکتی که در آمستردام با اسم «شرکت سرزمینهای دور»<sup>۵</sup> تشکیل شده بود، چهار کشتی و شصت عراده توپ و دو بیست و پنج نفر ملاح گرفته از راه

۱- برای احتراز از برخورد با پرتغالیها و اسپانیاییها و انگلیسها که در این زمان در اقیانوسها تسلط کامل داشتند.

2— Linschoten de Haarlem.

3— Goa.

4— Cornelisz Van Houtmen.

5— Compagnie des pays lointains.

افریقای جنوبی بجانب مشرق عزیمت نمود. هومن پس از گذشتن از ماداگاسکار و مالاکا و جزایر سوندبه جاوه رسید و پس از دو سال مسافرت و گذرانیدن روزهای سخت و دشوار به هلند مراجعت کرد و اطلاعات مفیدی از مسافرت خود به ارمغان آورد.

دسته‌ای دیگر از کشتیها بتوسط شرکت بازرگانی آمستردام و زلند در زیر فرماندهی اولیویه فان نورت<sup>۶</sup> از طریق خط مسافرتی ماژلان و جزایر ملوک عزیمت دوردنیار را کرد و پس از سه سال مسافرت به هلند بازگشت (۱۶۰۰-۱۵۹۸). مسافرت این دو دریانورد به هلندیها ثابت کرد که انحصار بازرگانی ادویه و طلا از دست پرتغالیها و اسپانیاییها خارج شده هلندیها بتفوقی که در نیروی دریائی پیدا کرده‌اند میتوانند جانشین آنها بشوند. هلندیها در اواخر قرن شانزدهم میلادی بیش از ده هزار کشتی و صد و شصت هزار ملاح داشتند و سود سالیانه آنان بالغ بر بیست ملیون فلورن ( واحد پول هلندی) شده حدود پیشرفتشان تا ژاپن و آنام رسیده بود.

هلندیها با در اختیار داشتن تقریباً تمام کشتی‌هائی که در سواحل اروپا در حرکت بودند توانستند بازرگانی بیشتر نواحی مرکزی و شمالی اروپا را بنخود منحصر نمایند. از طرف دیگر طولی نکشید که بازارها و داد و ستد امریکای جنوبی و حتی کشور اسپانیا، که خود تابع آن بودند، بدست آنان افتاد. بازرگانان هلندی با صندوقهای مملو از طلا و نقره و سایر کالاهای قیمتی بکشور خویش مراجعت میکردند. آمستردام و روتردام بزودی جای لیسبون را در پرتغال و بندر آنورس<sup>۷</sup> را در پی‌بای جنوبی (بلژیک) گرفت و از مهمترین بنادر آن زمان اروپا گردید. تمام این ثروت سرشار مرهون قدرت اعتباری و در اختیار داشتن قسمت اعظم فلزات قیمتی و ایجاد پشتوانه اوراق بهادار در بانکها و رواج اسکناس، بوسیله هلندیها بود. بانک آمستردام انواع و اقسام پولها

6— Olivier Van Noort.

7— Anverse.



واوراق بهادار و چکها و سفته‌های تمام کشورهای را می‌پذیرفت و مورد معامله قرار میداد. بانک مزبور در سال ۱۶۶۰ بزرگترین قدرت مالی آن زمان را در سراسر جهان تشکیل داده قوانین مالی و معاملات خود را بتمام بانکهای بین‌المللی تحمیل میکرد.

هلندیها بر خلاف ملل استعمارگر اروپا مانند پرتغالیها و اسپانیائی‌ها و انگلیسها به اشغال سیاسی و نظامی اراضی جدید اعتنائی نداشتند بلکه هدف آنان بیشتر انحصار بازرگانی نواحی اشغالی بود و اگر مراکز و پایگاههایی در آن سرزمینها ایجاد میکردند فقط برای تمرکز و انبار کردن کالاها و توزیع آن در داخلهٔ کشورها و استفاده از منابع و ثروت آن نواحی بود. چون وضع اداری و سیاسی هلند با سایر کشورهای اروپائی تفاوت داشت برای درک مناسبات و روابط سیاسی و دیپلوماسی این کشور با سایر دولتها لازم دید برای روشن شدن ذهن خوانندگان گرامی بشرح مختصری از تشکیلات سیاسی و روش حکومت ایالات متحده هلند مبادرت ورزد.

جمهوری هلند را میتوان حکومتی ائتلافی از دولتهای مستقل دانست. تعدادی از ایالات بدون داشتن سرحدات دقیق بنامهای: گلدرا،<sup>۸</sup> هلند، زلند،<sup>۹</sup> اوترخت،<sup>۱۰</sup> فریز،<sup>۱۱</sup> اورایسل<sup>۱۱</sup> و گرونینگ<sup>۱۳</sup> تشکیل ایالات جمهوری هلند را میدادند که غیر از اتحادیه اوترخت<sup>۱۴</sup> هیچگونه علاقه و پیوندی ایالات

- 8—Gueldre.      9—Zelande.      10—Utrecht.      11—Frise.  
12—Ouerysse.      13—Groningue.

۱۴- اتحادیهٔ اوترخت Union Utrecht که بوسیلهٔ ژان دوناسو استاد هودر برای دفاع در برابر اقدامات سیاسی و نظامی دولت اسپانیا که در صدد بود نهضت استقلال طلبی هلندیها را منکوب نماید، تشکیل گردید (ژانویه ۱۵۷۹). اتحادیه مقرر میداشت:

- ۱- فراهم ساختن مقدمات برای استقلال جمهوریهای ایالات متحده
- ۲- ادامهٔ جنگ بر علیه سیاست فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا
- ۳- حفظ و نگاهداری تشکیلات قدیمی و تثبیت قدرت دولتهای جمهوری
- ۴- برقراری آزادی عقیده و مذهب در هر یک از ایالات

مزبور را بیکدیگر پیوند نمی‌داد. ولی بعد ها همین مقررات بصورت قانون اساسی برای تمام ایالات جمهوری هلند درآمد.

ایالات جمهوری بوسیله مجلس شورای طبقاتی<sup>۱۵</sup> که از نمایندگان ایالات تشکیل میشد، اداره میگردد. اختیارات این مجلس بسیار محدود بود زیرا ایالات جز در سیاست خارجی تماسی با یکدیگر نداشتند و اتفاقاً در همین موضوع بود که قدرت مجلس طبقاتی بحمد کمال رسیده بود. عقد معاهدات و تشکیل اتحادیه‌های سیاسی و نظامی و دادن دستورات به سفرا و تنظیم مبانی مذاکرات سیاسی و دیپلوماسی و تعیین تعداد نفرات ارتش و نیروی دریائی و انتخاب فرماندهان ارتش همه از اختیارات مجلس مزبور بود.

در مجلس طبقاتی، هر ایالت دارای يك رأی بود و تصمیمات باتفاق آراء گرفته میشد و قبل از اتخاذ تصمیم نمایندگان موظف بودند قبلاً نظر و موافقت ایالت و یا انجمن شهر حوزه انتخابی خود را جلب نمایند و مجلس نمیتوانست ایالات را به تبعیت از آراء اکثریت مجبور نماید. اشکالات اخذ تصمیم قطعی بهترین وسیله برای سفرا و مأمورین خارجی بود که میتوانستند با دادن رشوه به اسرار دولتی آگاه شوند و در مواقع ضروری و لازم نفوذ و عقاید خود را تحمیل نمایند. در حقیقت باید گفت که استقلال کامل در ایالات جمهوری در معنی وجود نداشت و ارتباط و پیوستگی آنها با یکدیگر علاوه بر اتحادیه او ترخت بیشتر از اشتراك منافع بود که در اثر منافع اقتصادی و وحدت زبانی و مخصوصاً توحید مذهب (کالوینیسم)، که در تمام ایالات ریشه دوانید، رائج شده بود، بوجود آمده بود. دو ایالت هلندوزلند که نصف جمعیت جمهوری را شامل و دارای بیست شهر مهم بود از سایر ایالات تواناتر و حکومتی مخصوص بخود (حکومت ملی) و مذهب رسمی (کالونی) داشتند و طبقات اشراف و ملاکین و بازرگانان بر سایر طبقات حکومت کرده بدانها برتری

15—Les Etats Généraux.

و مزیت خاص داشتند. علاوه بر مجلس طبقاتی شخص دیگری بنام «استادهودر»<sup>۱۶</sup> که قبل از اعلام استقلال بنام فرمانروای اسپانیا در پی باحکومت میکرد و پس از آن بعنوان نایب السلطنه، بدون اینکه پادشاهی باشد، زمام امور را در دست داشت. فرماندهی کل قوا و صدور فرمان عفو عمومی و عزل و نصب قضات از اختیارات وی بود. و در حقیقت میتوان گفت که زمامدار مطلق و مختار ایالات جمهوری بشمار میآمد.

در مقابل مقام استادهودری مقام دیگری وجود داشت بنام «رادپانسیوناریس»<sup>۱۷</sup> هر ایالت دارای مشاور حقوقی مخصوص بخود بود که در مجامع و شوراها و دولتی سمت ریاست را داشت، از میان مشاوران حقوقی سایر ایالات مشاور حقوقی هلند که در ضمن نمایندگی آن ایالت را در مجلس طبقاتی داشت، مهمتر و برجستهتر از دیگران بود که بلافاصله پس از تشکیل جمهوری و اعلام استقلال، مرکز ثقل سازمان اداری دولت قرار گرفت. مذاکرات سیاسی و روابط با دولتهای خارجی بعهده وی بود.

در اوایل قرن هفدهم جمهوری هلند مقام شامخی را در میان دولتهای معظم اروپا مانند فرانسه و امپراطوری آلمان و کشورهای اسکانندیناوی و انگلیس، دارا بود و بایک یک آنها ارتباط سیاسی و اقتصادی داشت.

از آغاز قرن هفدهم میلادی دسته‌ای از مسافران هلندی در دربار پادشاهان صفویه در رفت و آمد بودند که بیشتر صنعتگر و از این جهت طرف توجه شده بودند. یکی از آنها نقاشی بود بنام ژان لوکازون فان هاسلت<sup>۱۸</sup> که سالهای متمادی در دربار شاه عباس بسر برده خدمات شایانی برای تسهیل کار هم‌میهنان خود انجام داده بود. هلندیها که کشور ایران را بازار مهمی برای فروش کالاهای هندوستان دیده بعلاوه با اهمیت ابریشم آن پی برده بودند در صد

16—Stadhouder.

17—Raad-pensionaris.

18—G. L. Van Hasselt

بر آمدند بوسائل ممکنه بمقصود خویش نایل آیند و چون در موقع جنگهای ایران و پرتغال به نیروی دریائی انگلیس، متحد ایران، بافرستادن چند ناو کمک کرده بودند، باین بهانه از دربار اصفهان تقاضا نمودند که ایشانرا نیز در بازار گانی ایران و مخصوصاً در معاملات ابریشم، بادولتهای دیگر شریک سازد، شاه عباس هم چون در این زمان در گیر و دار جنگ با عثمانیها بود از نظر جلب متحدی دیگر بدون تردید پیشنهاد هلندیها را با دادن امتیازات چندی پذیرفت. کار پیشرفت هلندیها در ایران بجائی رسید که سر توماس روئه<sup>۱۹</sup> سفیر انگلیس در دربار اصفهان، نامه ای در تاریخ ۱۶۱۷ به شرکت هند انگلیس به این مضمون نوشت: « رفتار و اقدامات هلندیها که در صدند به حقوق ما تجاوز نمایند غیر قابل تحمل شده است»<sup>۲۰</sup>.

شرکت بازرگانی هند هلند چون موقع خویش را در دربار شاهنشاه صفویه استوار دید مصمم شد مراکزی در بندر عباس و در اصفهان برای امور بازرگانی خود تأسیس، نماید به این قصد سفیری بنام هوبرت ویسنیچ<sup>۲۱</sup> به اصفهان فرستاد. ورود این سفیر مصادف شد با پیروزی شاه عباس در جنگ با عثمانیها و طرح بیرون کردن پرتغالیها از خلیج فارس. پادشاه ایران با کمال گرمی و مهربانی از سفیر هلند پذیرائی نمود و حتی حاضر شد با پیشنهاد سفیر با وجود مخالفت شدید انگلیسها و طرفداران آنها در دربار معاهده ای مبنی بر آزادی اتباع و بازرگانان هلندی در ایران و با دادن امتیازات چندی از جمله واگذاری انحصار ابریشم به آن دولت با او امضاء نماید. (۲۱ نوامبر ۱۶۲۳ میلادی - ۱۰۳۳ هجری قمری).

19 - Sir Thomas Roe.

20 - Wilson (A. T.) *Golfe Persique*, trad. persane. p. -128.

21 - Huybert Visnich.

متن معاهده به این قرار است: ۲۲

- ۱ - اعلیحضرت به اتباع و بازرگانان هلندی اجازه میدهد که در سراسر خاک ایران رفت و آمد کرده آزادانه بداد و ستد مشغول باشند .
  - ۲ - هلندیها مجبور نیستند کالاهائی که مایل نیستند خریداری نمایند و اجازه دارند هر نوع امتعه ای را که بخواهند بخرند یا بفروشند .
  - ۳ - هلندیها از حقوق و عوارض گمرکی اعم از واردات و صادرات معافند (به استثنای حقوق راهداری)
- تبصره : ولی به آنها اجازه داده نمیشود بیش از مقدار احتیاج کالا وارد یا خارج نمایند .
- ۴ - مال التجاره و اموال هلندیها را نمیتوان چه در موقع ورود و چه در هنگام صدور در گمرکخانهها متوقف ساخت. هلندیها اجازه دارند آزادانه با اموال خود بهر کجای کشور که مایلند در رفت و آمد باشند .
- تبصره : احدی حق ندارد کالاهای وارده و صادره هلندیها را به استثنای کالاهای ممنوعه توقیف نماید .
- ۵ - هلندیها اجازه دارند واحد وزن و مقیاس و اندازه معمول در کشور خود را در موقع دادوستد بکار برند .
  - ۶ - زمانیکه یکی از اتباع هلندی بدون گذاشتن وارث و یا داشتن همراهی از اتباع هلندی در خاک ایران فوت نماید فرماندار محل موظف است داری او را نگاهدارد تا زمانیکه یکی دیگر از هلندیها به جانشینی او انتخاب شود یا مأموران رسمی شرکت هلند آن داری را مطالبه نمایند که در این صورت فرماندار محل موظف است تمامی آن اموال را به آنان تحویل دهد و اگر در هنگام فوت از اتباع هلندی در آن محل باشد تمام اموال متوفی بوی تحویل خواهد شد .

22— L'histoire de la Ccompagnie des Indes Orientales en Perse. T. 27.  
p. 679 et suiv.

- ۷ - اعلیحضرت وعده خواهند فرمود که کالاها و ائانه سرقت شده هلندیها و یا اتباع ایشان در خاک ایران از طرف دولت جبران شود .
- ۸ - هیچگونه اشکالی برای کرایه کردن شتر و قاطر و سایر چارپایان از طرف مأمورین دولت ایران برای هلندیها فراهم نخواهد شد ، بعلاوه تمام کاروانها موظفند کرایه حمل و نقل را به بهای متداول و معمول در کشور از هلندیها دریافت دارند .
- ۹ - مأموران هر محل موظفند برای هلندیها وسائل سکونت و خواربار و سفر را فراهم آورند و در صورت لزوم عدهای نگاهبان برای محافظت آنان در اختیارشان بگذارند .
- ۱۰ - خانه اتباع هلندی در ایران از هر گونه آزادی برخوردار است و احدی حق ندارد بدون اجازه وارد خانه های آنها بشود و در صورتیکه کسی بخواهد بزور داخل شود هلندیها اجازه دارند در مقابل تعرض از خود دفاع نمایند .
- ۱۱ - هلندیها حق دارند برای خود در خاک ایران کلیسا و معابد ایجاد نمایند .
- ۱۲ - هلندیها حق دارند بردگان مسیحی را خریداری نمایند مشروط بر اینکه بردگان مزبور از اتباع مجلس طبقاتی ایالات جمهوری نباشند .
- ۱۳ - اگر يك نفر هلندی بدین اسلام گروید مأموران هلندی حق دارند او را توقیف کرده اموالش را ضبط نمایند .
- ۱۴ - در صورتیکه يك نفر هلندی مرتکب جنایت و قتل بشود . مجنی و قاتل و مقتول از هرملتی باشد ، مرتکب از طرف رؤسای مربوط بخود محاکمه خواهد شد .
- ۱۵ - اگر يك نفر هلندی مرتکب خلاف منافی عفت شود از طرف رؤسای مربوط بخود محاکمه خواهد شد .

- ۱۶- هلندیها حق دارند در محله آرامنه گورستانی برای خود احداث نمایند
- ۱۷- مترجمان هلندیها دارای تمام حقوق اتباع هلندی میباشند.
- ۱۸- مستخدمین هلندیها از هرملتی اعم از ایران، ارمنی، یهودی و بنگالی که باشند از هرگونه تعرض در امان هستند.
- ۱۹- اگر در آبهای متعلق به ایران کشتی از هلندیها غرق شد استانداران و مأموران محلی موظفند لوازم و کالاهائی که از غرق نجات یافته حفاظت نمایند و عین آنها را بدون تقاضای جبران به مأموران هلندی تحویل دهند.
- ۲۰- هلندیها حق دارند اسب و سایر چارپایان را از ایران خریداری و صادر نمایند.
- ۲۱- مال التجاره های وارده بوسیله هلندیها در زمان انعقاد معاهده (۱۶۲۳) در شیراز و جزیره هرمز از تمام حقوق گمرکی معاف خواهد بود.
- ۲۲- راهداران حق ندارند از هلندیها مالیات راهداری مطالبه نمایند. تبصره: هلندیها اجازه دارند انواع کالاها را به استثنای اسب و سایر اجناس ممنوع الورد که قبلاً باید برای ورود آنها کسب اجازه نمایند، وارد خاک ایران نمایند.
- ۲۳- اگر سفیری از جانب دولت هلند برای گرفتن بعضی امتیازات به ایران بیاید اعلیحضرت وعده خواهند فرمود در صورتیکه تقاضاهای او مجاز باشد، موافقت فرمایند.
- پس از انعقاد معاهده که مفاد آن تماماً بنفع هلندیها بود و پادشاه ایران بنا بمصالح سیاسی با آن موافقت کرد، مجلس طبقاتی هلند نامه ای مبنی بر اظهار تشکر به این مضمون برای شاه عباس فرستاد: ۲۳
- «پادشاه با اقتدار و پادشاه پیروز مند.»
- «قادر متعال چنین خواست که سلاحهای ماعلیه دشمنانمان بکار بیفتد.»

پیوسته در صد این هستیم که با همسایگان و پادشاهان و فرمانروایان سرزمین-های دور دست روابط و مناسبات دوستانه برقرار نمائیم. بسیار جای خوشوقتی است که توانستیم با موفقیت دوستی آن اعلیحضرت را برای خود بدست آوریم.» «با کمال خوشوقتی بوسیله مدیر کل امور هند شرقی اطلاع یافتیم که بازرگانان ما مقیم با تاویا اجازه دارند از بنادر متعلق به اعلیحضرت شاهنشاهی دیدن نمایند.

«با کمال مسرت شنیدیم که اعلیحضرت موفق شدند دشمنان خود را از سرزمین های ایران طرد کرده جزیره هرمز که نهایت اهمیت را برای بازرگانی کشور شما دارد، از دست آنان بیرون آورند و به عقد معاهده ای که بنفع هر دو ملت است موافقت نمائید. عظمت و افتخار و پیروزی بردشمنان را برای آن اعلیحضرت خواستاریم. از آن اعلیحضرت استدعا داریم اجازه فرمائید اتباع و بازرگانان ما آزادانه و با اطمینان در کشور شما زندگی کرده بداد و ستد مشغول باشند و از تمام مزایای معاهده استفاده نمایند و از آن برخوردار باشند...»

شاه عباس با کمال حسن نیت با تمام تقاضاهای هلندیها به امید اینکه بتواند متحدی از این راه بدست آورد موافقت نمود و برای جلب دوستی و استحکام بیشتر روابط بین دولتین تصمیم گرفت سفیری به هلند بفرستد بهمین مناسبت یکی از درباریان خود را بنام موسی بیگ با دستوراتی روانه لاهه پایتخت هلند کرد. سفیر ایران در ۹ فوریه ۱۶۲۶ (۱۰۳۶ هجری قمری) به لاهه رسید و طبق فرمان شاه عباس با مجلس طبقاتی داخل در مذاکره شد و پیشنهادات دولت ایران را ضمن نامه ای بقرا ذیل تقدیم آن مجلس کرد:

«پادشاه ایران از مجلس طبقاتی تقاضا می کند که به اسرع اوقات سفرا و نمایندگان سیاسی و اقتصادی خود را از امپراطوری عثمانی خارج سازد. زیرا هلندیها بهیچوجه در امپراطوری مزبور آزادی عمل ندارند در حالیکه در ایران میتوانند با آزادی کامل به کسب و کار خود مشغول باشند.



« شاه به هلندیها اجازه خواهد داد در تمام کشور ایران آزادانه رفت و آمد نموده ببازرگانی اشتغال ورزند .

« پادشاه ایران بدولت هلند خاطر نشان مینماید، بواسطه حفظ منافع هلندیها در خلیج فارس بادولت و پادشاه اسپانیادر جنگ داخل شده جزیره هرمز و بندر گمبرون و جزیره قشم را از دست آنها بیرون آورده است بنابراین اجازه می دهد که کشتیهای هلندی آزادانه در خلیج فارس رفت و آمد نمایند .

« چون هنوز بعضی مواقع در خلیج فارس مانند مسقط ولارک و غیره در دست اسپانیائیه باقیمانده و از این راه ممکن است به بازرگانی و منافع هلندیها لطمه وارد آید، دولت ایران حاضر است باهمان شرایط که با انگلیس ها برای گرفتن هرمز معاهده بسته است، بادولت هلند نیز قرارداد می امضا نماید و بکمک یکدیگر از راه خشکی و دریا مواقع و استحکامات مزبور را از تصرف اسپانیائیه خارج نماید .»

عین نامه موسی بیک بخط خود او حاوی پیشنهادات دولت ایران مضبوط در آرشیو مجلس طبقاتی در لاهه ۲۴ باتمام اغلاط املائی و انشائی آنرا ذیلا متذکر میشود:

« واجب العرض بنده کمترین موسی .

« اول بعرض میرساند که مدعای نواب اشرف اقدس ارفع که هزار جانی گرامی فدای نامش باد آنست که قونسره های (قنسولها) خود را و دادوستد را از ولایت روم (عثمانی) بر طرف نمایند و هر چکه در اولکای ایشان میخرند از ولایت ما میروود درینجاها خرید و فروخت نمایند و مقرر نمایم که هر چکه ایشان خرید و فروخت کنند اول مردومی ایشان و بعد از آن مردومی ما خرید نمایند و هرمت (حرمت) و عزت ایشانرا تا قایت (غایت) در این ولایت چه قدر کرده اند بعد ازین پیشتر کنند و عمرای (امرای) عظام را سفارش نمایم که در

هرجا و هر مکان که روند خدمت و عزت ایشانرا بجا آورند و بعد ازین نوعی سلوک شود که در مابین ما و ایشان جدای در میانه نباشد.

« دیگر بعرض میرساند که چند سال شد که میانی ما و پادشاه پرتگال نزاع و جنگ است و هر مزر را با چند قلعی (قلعه) از ایشان ستاده ایم و میخواهم (میخواهم) که پاو آمد و رفت ایشان را ازین ولایت بر طرف نمایم و باشما و مردومی شما دوستی و یگانگی در میانه شود که تاروژی کارها (روزگارها) بماند و قلعی (قلعه) مشکست (مسقط) و لارک و غیره که درینجاها دارند بایتفاق (باتفاق) شما از دست ایشان بگیریم بنوعی که باجماعت انگلیس در هر مزر قرارداد ایم با ایشان نیز بهمان طریق سلوک نموده شود و اگر دادوستدی شما از هندوستان نیز بر طرف شده در هر مزر خرید و فروخت کنند که در زمان پرتگال جمعی (؟) هند و پارس و روم و غیره بود باز بهمان طریق شود بلکه دیگر پیشتر خواهد (خواهد) شده و بحصب (بحسب) تقدیری ایلاهی (الهی) چنین شده است که هر کسی که دشمن ماست و دشمن ایشان نیز شده است و آنچه لایق دولت باشد در مابین بعمل میاید آورد بنوعی که بخاطری مبارک رسد جنان نمایند و امر و علی. « تذکاریه موسی بیگ در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۶۲۶ تسلیم مجلس طبقاتی شد ولی مجلس جواب آنرا موکول به مشورت و باظهار نظر مدیران شرکت بازرگانی هند شرقی نمود. پاسخی که قرار شد به سفیر ایران داده شود به این مضمون بود :

« مأموریتی که آن مجلس عظمی در تعقیب پیشنهادات سفیر ایران در تاریخ ۲۶ آوریل به مدیران شرکت هند شرقی داده اند پس از بحث و بررسی کامل، به این نتیجه رسید که مدیران شرکت معتقدند که پیشنهادات مزبور بهیچوجه منافی را برای شرکت در بر ندارد زیرا مدتی پیش معاهده ای با دولت ایران منعقد شده است که دارای امتیازات کافی بوده و نظرات شرکت را دقیقاً تأمین مینماید و در خصوص احضار نمایندگان و مأموران هلندی از ترکیه نمیتوان

جوابی داد زیرا این مسئله بهیچوجه ارتباطی باماهیت امر ندارد، اما در باره دخالت نظامی، شرکت رسماً اعلام میدارد علاوه بر اینکه دخالت در جنگ فوق العاده دشوار و متضمن مخارج هنگفتی است از نظر سیاسی و اقتصادی هیچگونه منافی را برای شرکت نمیتوان در آن منظور داشت.»<sup>۲۵</sup>

جواب مجلس طبقاتی سفیر ایران را ناامید نکرد و در مراحل مختلف در صدد برآمد بلکه بتواند نظر موافق مجلس طبقاتی را در قبولاندن پیشنهادات دولت ایران، جلب نماید. در آرشیو لاهه اسناد فراوانی که حاکی از طولانی شدن مذاکرات بین دولت هلند و سفیر ایران است وجود دارد ولی متأسفانه بواسطه عدم اطلاع و آشنائی موسی بیگ بزبان هلندی و در اختیار نداشتن مترجم واردی که بتواند مراسلات و مذاکرات را برای سفیر ترجمه نماید، مأموریت ویرا بدون نتیجه گذاشت. این جانب چندین فقره از این اسناد را که در ذیل هر یک از آنها موسی بیگ باخط خود اذعان به نفهمیدن مطالب نامهها کرده است از آرشیو لاهه عکسبرداری نموده ام که عین متن نوشتههای او را ذیلا متذکر میشود:

در ذیل نامههای بشماره ۷ چنین می نویسد: <sup>۲۶</sup>

« بنده زبانی شما را نمیدانم اگر تقصیری شده است از بنده نیست. »  
 « و در اینجا هرچکه نوشته اند بنده در کاه موسی غلام خاصه شریف زبان نمیدانم اگر تقصیری در نوشتن شده باشد معزو (معذور) فرمایند امضا موسی. »  
 « بخدمت وزرا و ارکانی دولت جماعت اولنده (هلند) معلوم باشد که سخن بسیار است و بنده و ایشان زبان نمیدانیم که خود گفته و جواب بگیریم و نمیدانیم که آنچه ما گفته ایم همان را نوشته است یا هرچکه بخاطرش رسیده است

25—Arch. des Etats-Généraux. Document secret No. 1.

۲۶- در آرشیو لاهه، که شخصاً از آنجا دیدن کردم، راجع به ایران اسناد بسیاری موجود است که تماماً بزبان هلندی قدیم است که حتی فهم آن برای هلندیهای امروزه نیز بسیار دشوار است. برای نمونه چند فقره از آن اسناد را ضمن این مقاله منتشر می نمایم، امیدوارم بتوانم با فرصت کافی روزی اسناد مزبور را بوسایل ممکنه ترجمه کرده در دسترس بگذارم.

نوشته است العبدالعقل (الاقل) موسی غلام خاصه الشریفه زیاده سرورودعا «  
 وهرچکه نوشته اند بنده زبان نمیداند که بدانیم چه نوشته اند و اگر تقصیری  
 در نوشتن باشد معزور (معذور) فرمایند امضا موسی.»

فقط در ذیل یکی از نامه‌ها مطالبی به اینقرار نوشته که میرساند شاید تا  
 اندازه‌ای مضمون نامه را درک کرده است «بخدمت وزرا و دیوانعالی اولنده  
 معلوم باشد که چندسوداگری نواب اشراف اقدس همیون درینجا و در مصروم  
 (آمستردام) هست و می‌خواهند که خرید و فروخت نمایند و خرجی کم‌رک و  
 کشتی را میدهند اگر مکزاید و بیاس مبرید (؟) حکم نوشته بودهند که  
 ایشان خرید نمایند اگر نه از انگلیس نوشته اند که شمارا خاهم بردو دعا»  
 موسی بیک چون از گرفتن نتیجه مأیوس شد و نتوانست پیشنهادات  
 پادشاه خود را بمجلس طبقاتی و زمامداران هلندی بقبولاند در ۱۲  
 مارس ۱۶۲۷ به‌راهی ژان پی برز کوئن<sup>۲۷</sup> حکمران باتاویا بصوب  
 ایران عزیمت کرد.

مجلس طبقاتی پس از عزیمت سفیر ایران نامه‌ای در پاسخ پیشنهادات دولت  
 ایران در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۶۲۷ بدربار اصفهان فرستاد که خلاصه آن باین  
 قرار است.<sup>۲۸</sup>

«... دربارۀ پیشنهادات سفیر آن اعلیحضرت متذکر میشود :

«در خصوص فراخواندن نمایندگان هلندی از ترکیه و اطمینان به افتتاح  
 مناسبات بازرگانی بادولت اعلیحضرت باید بعرض اعلیحضرت برسانیم که  
 نمایندگان و مأموران هلندی در شهرهای ترکیه بخرج شرکت‌های بازرگانی  
 خصوصی میباشند و مأموریت آنان منحصرأً دفاع از اتباع هلندی است که

27— Jan Pieberz Coen.

28—Dunlop (H.) Hist. de la compagnie des Indes Orientales en  
 Perse \_ t. 72. p. 707-708.

به اسارت دزدان ترك درآمده اند. کنسولها و بازرگانان هر زمان که تشخیص بدهند میتوانند آزادانه در قلمرو حکومت اعلیحضرت بداد و ستد مشغول شوند و از مراحم ملوکانه برخوردار گردند با طیب خاطر باین کار اقدام خواهند کرد.

«در موضوع جنگ علیه پرتغالیها از حسن نیت آن اعلیحضرت بسیار مسرور و خوشوقتیم زیرا مدت پنجاه سال است که ما با این دشمن عمومی در جنگ و ستیز هستیم. بادر نظر گرفتن حسن نیت شاهانه بزودی سفیری بدربار اعلیحضرت اعزام میداریم و وی را مأمور میکنیم که در این مورد وارد مذاکره شده آنچه را که قدرت نظامی ما در هندوستان اجازه میدهد در اختیار شما خواهیم گذاشت. در خلال این مدت به حکمران هندوستان دستور داده ایم بوسیله ناوگانی که مأمور خدمت میان هندوستان و خلیج فارس هستند اسباب مزاحمت پرتغالیها را فراهم سازد...»

شاه عباس پس از مدتی انتظار چون از اعزام سفیری که مجلس طبقاتی در نامه جوابیه خود وعده داده بود خبری ندید نامه ای به این مضمون فرستاد<sup>۲۹</sup> که خلاصه آنرا متذکر میشود:

«نظاماً للسلطنته والشو کته والنصفه والعظمه والابته والاقبال پادشاه اندیس<sup>۳۰</sup>... بعد هذا مرفوع رأی محبت اقتضا میگرداند که چون میانه ما و حضرات سلاطین عظام عیسویه و پادشاهان رفیع مقام فرنگیه رابطه دوستی و وداد و ضابطه مصادقت و اتحاد مرعی و ابواب آمد و شد و رسل و رسایل مفتوح است

۲۹- این نامه یکبار در کتاب یکصد و پنجاه سند تاریخی ص ۳۱-۳۲ از انتشارات برای بار دیگر به انتشار قسمتی از آن مبادرت میورزد.

۳۰- چنانکه در مقدمه تاریخی متذکر شد در تشکیلات مملکتی هلند مقام سلطنت وجود نداشت، مجلس طبقاتی و مقام استاد هودری جانشین مقام سلطنت بوده اند. البته دربار اصفهان از این موضوع بی اطلاع بوده است.

همیشه مترصد آن بودیم که از جانب آنحضرت نیز اینقاعدہ مرعی بوده آثار یکانکی واتحاد بظهور آید. درینمدت برحسب تقدیر ایزدی اینصورت وقوع نیافت و کسی از جانب عالی بدین دیار نیامد درین اوقات که رافع مکتوب محبت اسلوب آمده (منظور نامه جوابیه مجلس طبقاتی است) بملازمت اشرف رسید و از حقایق حالات ایشان اطلاع حاصل شد موجب انواع مسرت و شادگامی و انبساط خاطر مهراگین گردید و فرستاده آن سلطنت عظمت پناه نیز از اوضاع و اطوار این دیار استحضار یافته مراجعت نمود وظیفه محبت و دوستی آنست که بعد از این برخلاف سابق این شیوه مرضیه را منظور داشته ابواب الفت و آشنائی مفتوح دارند و قواعد مصادقت و دوستی را بتواتر مکاتیب مودت آمیز و مراسلات الفت انگیز استحکام داده اصلا تجویز مغایرت و بیگانگی نفرمایند و ملازمان عالی و مردم مملکت خود را مقرر دارند که بفراغ خاطر و اطمینان قلب بدینولایت آمده بهر طریق خواهند خرید و فروخت و داد و ستد نمایند و بهر نوع رضا و اراده داشته باشند سلوک کنند که احدی را در قلمرو همایون قدرت بر ممانعت ایشان نخواهد بود و از امتعه واجناس این دیار را آنچه مردم ایشان خواهند و اراده نمایند اول ایشان خرید و فروخت نموده بیقضاء الهی مقضی المرام و آسوده حال مراجعت کنند و نوعی فرمایند که روز بروز فیما بین قواعد محبت و آشنائی مستحکم گشته شیوه مصادقت و دوستی ازدیاد پذیرد...»<sup>۳۱</sup>

برحسب تمایل شاهنشاه ایران مجلس طبقاتی فرمانروای باتاویا را مأمور کرد که سفیری بدربار اصفهان بفرستد. فرمانروای باتاویا هم ژان -

31- Arch. des Et.-Généraux. Doc. secret. Perse. No. 1.

اسمیت را برای این مهم انتخاب کرد و با دستورات لازم بایران فرستاد .  
اسمیت بهمراهی موسی بیك که در سورات (در هندوستان) منتظر ورود سفیر  
هلند بود در تاریخ ۱۲ مه ۱۶۲۹ ( ۱۰۳۹ هجری قمری) وارد اصفهان شد در  
حالیکه سه ماه از مرگ شاه عباس می گذشت.

مأموریت موسی بیك از بدو ورود به لاهه تا رسیدن او باصفهان مدت سه  
سال بطول انجامید به عملی که در فوق ذکر شد به نتیجه مطلوبی که شاهنشاه  
ایران از آن انتظار داشت مخصوصاً کمک به طرد قطعی اسپانیاییها و پرتغالیها  
از خلیج فارس و لطمه زدن به بازرگانی و اقتصادی عثمانی، فرسید. ضمناً از  
ذکر این نکته ناگزیر است که عدم اطلاع موسی بیك باوضاع سیاسی آن زمان  
و مخصوصاً بی سوادی و بی تجربگی او در امر خطیری که بوی وا گذار شده  
بود عامل مؤثر برای این عدم موفقیت بود . ولی در مقابل هلندیها از آن  
استفاده های زیاد برده موفق شدند وضع بازرگانی خود را در ایران با  
انعقاد معاهدات و گرفتن امتیازات مهمی در خصوص آزادی تجارت و ایجاد  
پایگاههای بازرگانی اصفهان و بنادر و جزایر خلیج فارس و رقابت شدید  
با اسپانیاییها و بخصوص با انگلیسها ، مستحکم نموده تا مدتها نفوذ خود را  
در آبهای اقیانوس هند و اطراف آن محرز و تثبیت نمایند.<sup>۳۲</sup>

در شماره بعد کوشش خواهیم کرد دنباله این بحث را بگیریم.

علاوه بر منابع مذکور در ذیل صفحات این مقاله از کتابهای ذیل استفاده

شده است.

Les relations de l'Iran avec l'Europe occidentale a l'epoque Safavide . p.Kh.  
Bayani. Paris 1937

۳۲- تاریخ عمومی (تفوق و برتری اسپانیا) تألیف دکتر خانابا بیانی .

جلد اول و دوم . چاپ دانشگاه تهران .

Breslau den 11 Junij 1626

H:

Hoehmugenden heeren staten - Ich heb voor desz als  
 u hoehmugende verfoecht mouded, aengaend de loop lieden  
 van sijz konnckelijck May<sup>te</sup> jarren 1600 vs mayz -  
 Verfoecht offe uwe Hoehm: gelitvz ordre te geve  
 dat de loopd: megen handed, de wotz de vopd van  
 konnckelijck made niet, also die armmeers die hijt sijt  
 want mayz verfoecht streebt voor vopd van d  
 konnckelijck want get via profijt vore dolo landz  
 sijz want d komp: van Engoel profontordz had.  
 Land B. sezoepuz om te koopd d vore vopd, made  
 iche dat op d. Der vrom Hollant had dient sulx  
 niet geve, datz stoll get ind' Handen vuz  
 (u Hoehm: Heeren staten, vtr vbaecht antvvoort

Middede tijt offe Monon begint te gen abidz daarom Biddend v:  
 Hoehm: dat haer gelijevd voort te Helpen offe andere sulld  
 sij moeten gaen dwerst atn genatn sijz want haer tijt maer  
 2 of 3 Maatndz vs, soo sig ich noch eens voor loop lieden van  
 konnckelijck. Maer mit voor alle andere hoop liedz offe  
 armmeers want binnd Amsterdam soo veel sijz get indz  
 dat ten heetb sekip onde laddz sude maer ich begere -  
 anderb niet abb alleend vorden hoemich, vth vbeetlich  
 vore, dat de komp: hgeen in tegen sijz made sij sulld d  
 de vracht van goederz betaldz, soo veel abb de komp:  
 sulld gelijevd u Hoehm: gelijest dat mte d ois v. d. d.  
 tot profijt van Holland sude sij maer mit tot schade  
 v. d. d. u Hoehm: goet beetlich

بخدمت و نداد دیوان ایالتی او اندر معلوم کند که بخواهد در این  
 نواب القوامی حضور در این شهر کند و در این شهر بماند و در این شهر  
 می شود و در این شهر می شود و در این شهر می شود و در این شهر می شود  
 بود و در این شهر می شود و در این شهر می شود و در این شهر می شود



Registre des 6 augusti 1626

De overzender des houts et altes generaal

Wespoeket als u overzender om Lout Hogedonckh vanden sachel  
vanden parricidens Captivens van sijns koninc & magestijt  
als u des amassadeurs van d'raem brich, nad de koninc van  
branc brich g'of g'weerd heeft & mij goet antwoert & g'weest  
soe is mijn verpoeket en u overzender dat ik daer in d'z  
soe van want het is niet g'arid iet d' d'z & g'weest  
sij want het is g'arid dat des amassadeurs van branc brich  
mij spint offe goet g'arid daerom soe is mijn vriendel  
verpoeket dat u overzender soe veel gelidig te d'z  
soe inant iust is naem van u overzender offe g'arid  
g'arid de d'z rijradadlet te d'z offe antwoert  
te g'arid van noon offe g'arid

Wespoeket aen haer overzender offe overzender  
soe veel gelidig te d'z & verpoeket mij g'arid  
van recommandatij vanden koninc & d'z d'z  
sij over d'z sijns magestijt g'arid f'avour soe d'z  
g'arid d'z d'z d'z g'arid mande d'z d'z  
& zij hiet d'z van recommandatij vanden d'z d'z  
g'arid d'z d'z d'z d'z d'z d'z d'z  
soe d'z d'z d'z d'z d'z d'z d'z  
d'z d'z d'z d'z d'z d'z d'z  
d'z d'z d'z d'z d'z d'z d'z  
d'z d'z d'z d'z d'z d'z d'z  
d'z d'z d'z d'z d'z d'z d'z

در بخواب کاتب  
علاء صابری  
نوشته شده کاتب  
در بخواب کاتب

*W. Hoochmogenden Heeren Staten  
generael: der vier eendige Nederlanden*

*W. E. Hoogmogende Staten generael: Van eedme honds conincs  
der vier eendige Nederlanden...  
Wende van dat den meynit...  
Soe socht ons dat...  
beziijft om dat...  
goet tweechde...  
aetick...  
fitt...  
Amsterdam...  
verzoeking...  
welck...  
contingent...  
wijten...  
contingent...*

*W. E. Hoogmogende Staten generael...  
over...  
in Amsterdam...*

*W. E. Hoogmogende Staten generael...  
tijdingel...  
dit...  
zij...  
pist...  
van...  
ghe...  
is...*

*Haer...  
dient...  
aeng...*

*W. E. Hoogmogende dienaar  
Moussa Saek:*

*Van...  
ambassad...  
en...  
w...*

*Handwritten notes in Persian/Arabic script at the bottom of the page.*

Spontaanlyc day 18 Juny 1626

was gecomplimenteer day 22 Juny 1626

Allen v hoockmoetende herten staten genraet  
gode ende des koninck slaue tot v hoockm:  
dient als de geringste slaue  
Elsij: Moïsa breck

**V**ersoeken aen vew Hoockmoetende vew staten generael  
dat v gisteren mijs doele ende mijs dienaar. als v hoockm:  
gesonden haer ontse versoeken vett myns vew  
winters die voverdeft vew hoockm: h's staten vew voverdrag  
te vew vew van des koninck off ambaſſadewich vett konſtati  
off hallowe off mijs daer inde koningrijck, mede vew  
vett off ende slaue vew vew als omme albt vett te vew  
vew vew, vew dat sijn bevrinchde magt sijn lant vew vew  
als albt omme mede lander off vew vew als vew vew vew  
dit is tyden dat iche versoeken aen vew hoockm: vew vew  
generael off vew vew vew hoockm: aengonemijde op dat  
vew vew des koninck mijs hoock moech sijn vew dat mijs vew vew  
ende mijs versoeken vew hoockm: aengonemijde vew off vew  
te vew vew, daer omme vew vew vew hoockm: dat vew hoockm:  
vew vew vew vew te des vew vew mijs vew vew vew vew  
sijn vew sijn d'v koninck mijs vew vew dat mijs vew vew vew  
mijs versoeken vew aengonemijde is gevore vew, ende op dit  
vew vew vew hoockmoetende mijs vew vew omme omme vew dat  
mijs versoeken niet aengonemijde gevore is vew vew des  
koninck mijs vew vew mijs vew vew vew vew vew vew vew  
loggde vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
dit is tyden dat iche versoeken aen dienste vew hoockm:  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew

Agenicht van d'v vew vew vew in vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew

mits van tyden dat iche sij vew vew vew vew vew vew  
omme vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew  
vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew vew

بخدمت ذوالارکانی دولت جلاله اولنده معلوم باکرمه سخن بسیار است و بنده و انان  
زبان نیندا که خود کند و جوان بکرم و بنید الهم که انجله ما کند اسمان الله نوره است  
یا هر که بخاطر اس رسیده است نوره است العبد القفل مولی علام حاضره الزمیه ربانم و در

# Hochmogende Staaten generaal

Hoogachtbare en weermogende gheleerde staten, off  
 haer weermogende gheleerde raad van weermogende  
 dienste van sij koninkrijk magesteent  
 Van parsijsche freijing di Oostindische Comp.  
 datse gelieve te hatfrenten off weest  
 met de freijing 15 dages, so full ich of  
 so koninkrijck vrydage van sijn constraict  
 niet orloff te dien, ind etc. Heve mogte  
 want ons dingh niet der sijn Amsterdam  
 gedag weerd, also ich mijn virtualin over  
 moet lofening, so dare mede sijn we  
 ich in so hangende want hinder dat  
 van ons sijn weerd heden heden  
 so in alle ic niet kan dat

Gede Heve mogende gelieve mij overlaten  
 teken te venging van weerd de muten also  
 de heer ambassad: mij so weerd daer so parsijsche  
 dat ich sijn niet met lading ten off ich over  
 get dat weerd de sijn ambassad: mandore  
 venging dat me de heer ambassad: so bestgeve raad  
 dat weerd de heer venging met so weerd

## Hochmogenden ditnatr.

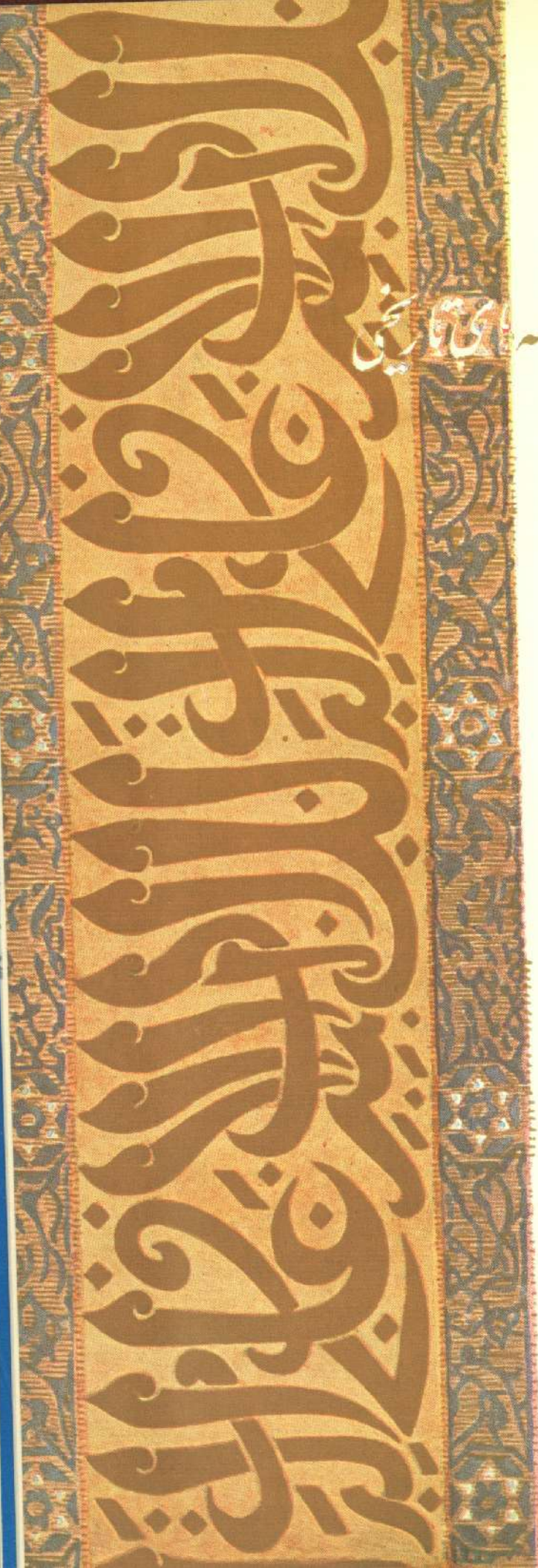
want de sijn weerd so ich de sijn  
 ambassad: venging weerd sijn de  
 de sijn weerd so de sijn weerd  
 weerd weerd sijn de weerd  
 niet sijn

موهبته  
 الكريمة  
 من  
 مولانا بکھ



نقشه جغرافیائی آسیا در زمان صفویه (مضبوط در موزه جغرافیائی در آمستردام)

اسناد و نامہ ای تاریخ



### مجله محترم بررسیهای تاریخی

باعث نهایت مسرت است که تعداد دیگری از اسناد و فرامین پادشاهان قاجار را که در مجموعه خصوصی اینجانب وجود دارد جهت چاپ در آن مجله وزین ارسال میدارم. امید است باین اقدام مهرها و طغراها و توقیع - های پادشاهان قاجار که نمونه‌هایی از آنها قبلاً درج شده است تکمیل گردیده و از طرفی این اسناد مورد توجه محققان و دانشمندان و خوانندگان محترم مجله قرار گیرد.

فرمان اول مربوط به اواخر ولیعهدی و اوائل سلطنت ناصرالدینشاه می باشد مهرا این فرمان تا کنون در هیچ جا چاپ و منتشر نگردیده و بهمین دلیل میتوان اظهار داشت فرمان‌هایی که دارای این مهر هستند نایاب میباشند. در حاشیه سمت چپ این فرمان خط مهد - علیا مادر ناصرالدینشاه که در تأیید فرمان ولیعهد دستوراتی به حکام ولایات صادر کرده است دیده میشود. فرمان دوم و سوم مربوط به مظفرالدینشاه است. قسمت بالای فرمان شماره ۲، خط دوران ولیعهدی

مظفرالدینشاه را نشان میدهد. این فرمان شاید بهترین نمونه خط شکسته مظفرالدینشاه باشد که تا کنون بچاپ رسیده است. مهر و حاشیه این فرمان با وضع ممتازی تذهیب شده است فرمان شماره ۳۳ مظفرالدینشاه با خط خود از باد کوبه برای میرزا عبداله خان نوشته است. فرمانهای چهارم و پنجم متعلق به محمدعلیشاه می باشد. هر دو فرمان، مهر دوران ولیعهدی او را که تا کنون ارائه نشده است نشان میدهد.

فرمان ششم مربوط به بهمن میرزا برادر محمدشاه و فرزند عباس میرزا می باشد او بعزت مخالفت با برادر خود بروسیه گریخته و تبعه آن دولت شد تا اینکه در سال ۱۳۰۱ هجری قمری در آنجا وفات یافت.

با تقدیم احترامات فائقه  
محمدعالی کریمزاده تبریزی



= ۱ =

## خط ناصرالدین شاه در دوره ولیعهدی

دومهر نزدیک هم، سجع (ناصرالدین)

هو

عالیجاه آقامحمد دائی چون قریه سنگسر و ده صوفیان و شهمیرزاد سمنان متعلق بتوبوده است دهات ملکی که در دامغان داری اینها را هم کمافی السابق بتووا گذار فرمودیم که در محافظت آنها ساعی باشی و مالیات آنجاها را باز - یافت نمائی و قدغن است که احدی دخل تصرف نکنند هر کس خلاف حکم کرده است البته مورد مأخذ خواهد شد. در ثانی بخان خانان حکم میشود که از قرار دستخط معمول داشته و امضای حکم ما را هیچ قسم دخل تصرف ننموده تا سرمشق سایر حکام لاحق بشود تا از قرار دستخط رفتار نمایند از هر جهت واگذار بعالیجاه مشارالیه بداند .  
فی شهر ذیقعدہ ۱۲۶۱

در پائین فرمان، خط مهد علیا مادر ناصرالدینشاه و مهر او که سجع آن « ولیعهد شهر را مهین مادرم » میباشد دیده می شود و نوشته شده :

چون آقامحمد مرد درست و خدمتگذاری است انشاءاله حکام سابق و لاحق از قرار دستخط سرکار ولیعهد رفتار خواهند نموده تخلف نخواهند نمود.  
(در انتها نیز مهر مهد علیا دیده می شود)

= ۲ =

هو

قسمت بالای فرمان خط شکسته مظفرالدین شاه:

هو الله تعالی شأنه چون حاجی غلامعلی مدتها است که عمر خودش رادر خدمتگذاری و جان نثاری در کمال درستی و صداقت صرف کرده است لهذا محض التفات و مرحمت مبلغ یکصد و بیست و پنج تومان بر مواجب سابق او افزودیم که به آسوده خاطر مشغول خدمتگذاری باشد.

در زیر همین نوشته مرقوم شده است. صحیح است

محل مهر

منشور حکمرانی بگرفت زیب آئین - از خاتم و لیعهد،

سلطان مظفرالدین.

حکم والا شد آنکه چون همواره مشمول مراحم و عنایات والا در حق عامه جان نثاران و خدمتگذاران که بسا کمال درستی و صداقت مشغول خدمتگذاری بوده و همه وقت دقایق جان نثاری را در مراحل خدمت کاملاً بظهور برسانند منظور نظر مرحمت اثر و مفطور خاطر عنایت گستر والا است که بمزید الطاف و اعطاف و الامستظهر و مفتخر بوده بامیدواری خود بیفزایند، من - جمله عالیجاه مجدت و نجدت همراه حاجی غلامعلی که مراتب خدمتگذاری و شایستگی او این اوقات که موکب مسعود والا برای تقبل استان سپهر بینان اعلی حضرت اقدس شهر یاری روحنا و روح العالمین فداء متوقف دار الخلافه - الباهره بود کما ینبغی مشهود و معهود گشته شایسته مشمول عنایت گردید علیهذا محض ملاحظه لیاقت و مزید امیدواری عالیجاه مشارالیه بموجب صدور این رقم مبارک مبلغ یکصد تومان نقد بدینموجب بصیغه (ارقام سیاق) علاوه بر مواجب از هذمه السنه پیچی ثیل خیرت تحویل و ما بعد هادر حق او عنایت داشتیم که همه ساله بعد از وضع رسوم جیره و علیق الدواب بموجب صدور [خواننده نشد]

اصلاً و اضافه از کار گذاران داده اخذ و دریافت داشته بفراغت مشغول خدمت باشد مقرر آنکه کار گذاران استان و الا مبلغ مزبور را همه ساله در وجه عالیجاه مشارالیه عاید دارند المقرر کتاب سعادت اکتساب دفترخانه مبارکه شرح رقم مبارک راثبت و ضبط نموده در عهده شناسند. فی شهر رمضان المبارک ۱۲۸۹

=۴۳=

مهر (العزة لله مظفرالدین شاه قاجار)

میرزا عبدالله خان انشاء الله تعالی احوال شما خوب است و میرزا احمد خان و سایر اخوان و خانواده و بستگان جناب اشرف صدراعظم صحیح و سلامتند از جانب ما احوال همه آنها را پرسیده مرحمت و التفات ما را به آنها ابلاغ داشته برسانید حاجی سقا باشی چه میکند التفات ما را باو ابلاغ دارید اگر حاجی امین السلطنه از زیارت مشهد مراجعت کرده است مرحمت ما را بمشارالیه برسانید ماهم دیروز وارد باد کوبه شده و پس فردا حرکت خواهیم فرمود و انشاء الله تعالی جائی دیگر معطل نشده و برای غره الی دوم ماه شعبان وارد دارالخلافه خواهیم شد از خدمات جناب اشرف صدراعظم هم کمال رضایت رداشته و در این سفر منتهای خدمت را از هر جهت بما کرده است ماهم کمال رضایت را از ایشان داشته و مرحمت و عنایت مخصوص راداریم و این دستخط را بانهایت التفات از باد کوبه بافتخار شما صادر و فرستادیم تاقرین مباهات و مستظهر باشید.

محل امضاء

فی ۲۴ شهر جمادی الآخر ۱۳۱۸ از باد کوبه

در حاشیه زیر مهر، مظفرالدین شاه دوباره بخط خودش به عبدالله خان

چنین نوشته است:

میرزا عبدالله خان با کمال مرحمت و التفاتی که مخصوصاً در حق شما داریم یک قطعه عکس تمثال خودمان را برای افتخار شما بتوسط مهندس الممالک مرحمت و ارسال فرمودیم تاقرین افتخار و مستظهر باشید.

توضیح: - خط مرحوم مظفرالدین شاه در نظر اول فوق العاده در هم و برهم بود ولی پختگی بخصوصی در آن مشاهده میگردد و خواندن و قرائت آن نیز تا حدی سهل و آسان میباشد.

= § =

محل مهر

سجع مهر :

بست چو از صدق باولای علی عهد

گشت محمد علی به شاه ولیعهد - ۱۳۱۴

## هو الله تعالی شأنه

حکم والا شد آنکه چون مراتب خدمتگذاری و جان نثاری مقرب-

الحضرة العلیه میرزا علی اکبر خان یاور در پیشگاه حضور مبارک بمنصه ظهور رسیده  
 لهذا نظر بتصدیق نور چشم ارجمند کامگار ظفر السلطنه امیر تومان رئیس کل  
 قشون مملکت آذربایجان و استدعای جناب جلالتماآب رفیع الدوله حاکم  
 دهخوارقان و اسکو بصدور این رقم قدر توام او را بدرجه سرهنگی افتخاری  
 سرافراز و بین الاقران و الامثال قرین مباحات و امتیاز فرمودیم که از روی کمال  
 صداقت بلوازم خدمتگذاری قیام و اقدام نماید مقرر آنکه معتمد و السلطان  
 لشکر نویسان عظام شرح رقم مبارک را ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند .  
 ۲۱ شهر شعبان ۱۳۱۶ .

= © =

محل مهر

سجع مهر :

الملك الله ولیعهد ۱۳۱۴

جناب امیر الامراء العظام پرنس دادیان مفتش کل نظام به الطاف نامتناهی  
 مستظهر و مباهی بوده بدانند چون از حسن خدمات و زحمات مجاهدانه  
 شما خاطر مبارک بندگان اعلی حضرت قوی شوکت قدر قدرت اقدس شهر یاری  
 ارواح نافداه خوشنود و همه وقت در خدمت و مراقبت اردوهای متعدده نظامی

خارج و خود شهر خوب از عهده برآمده و به کمال مواظبت امتحان داده اید، محض تشویق شما بموجب این رقم قدر توأم امر و مقرر میفرمائیم که باطلاع جناب مستطاب اجل اکرم وزیر مخصوص کما فی السابق با نهایت اهتمام باید در ادای تکالیف لازمه خود زاید اعلی باسبق ساعی و جهاد باشد و در خدمات راجع بخود و مفتش کل نظام از اردو شهر با کمال مراقبت مجاهد تا پس از ورود موکب مقدس همایونی شرح خدمات مجاهدانه شمارا بعرض خاکپای مبارک رسانیده استدعای شمول مرحمت مخصوص در حق شما بنمائیم .  
فی شهر ربیع الثانی ثیلان ثیل ۱۳۲۳ .

= ۶ =

### سجع مهر بهمن میرزا یگانه گوهر دریای خسروی بهمن

#### متن اصل فرمان

مباشترین قنات شاه چلبی سرافراز بوده بدانند که حسب فرمان همایون و رقم نایب السلطنه مغفور پانزده لوله آب از قنات مزبور بعالیجاه مقرب الخاقان یحیی خان مرحمت فرموده و واگذار شده است که بباغ خود برده احتیاج به آب سایر قنوات نداشته باشد حان از قراریکه بعرض رسید مطالبه وجه پانزده لوله آب را از مشارالیه مینمایند باید پس از زیارت این حکم بدون مطالبه وجه پانزده لوله آب را بجهت باغ عالیجاه یحیی خان داده بهیچوجه من الوجوه وجه مزبور را از او مطالبه ننموده و در عهده شناسند فی شهر رمضان ۱۲۶۲ .

در حاشیه مهر خصوصی بهمن میرزا با سجع: بهمن ۱۲۴۵  
 در زیر مهر، خط بهمن میرزا - مقرر آنکه پیش از آنکه قنات مزبور  
 بنواب جهانگیر میرزا مرحت شود این پانزده لوله آب به یحیی خان مرحت شده  
 است باید مطالبه وجه نشود.

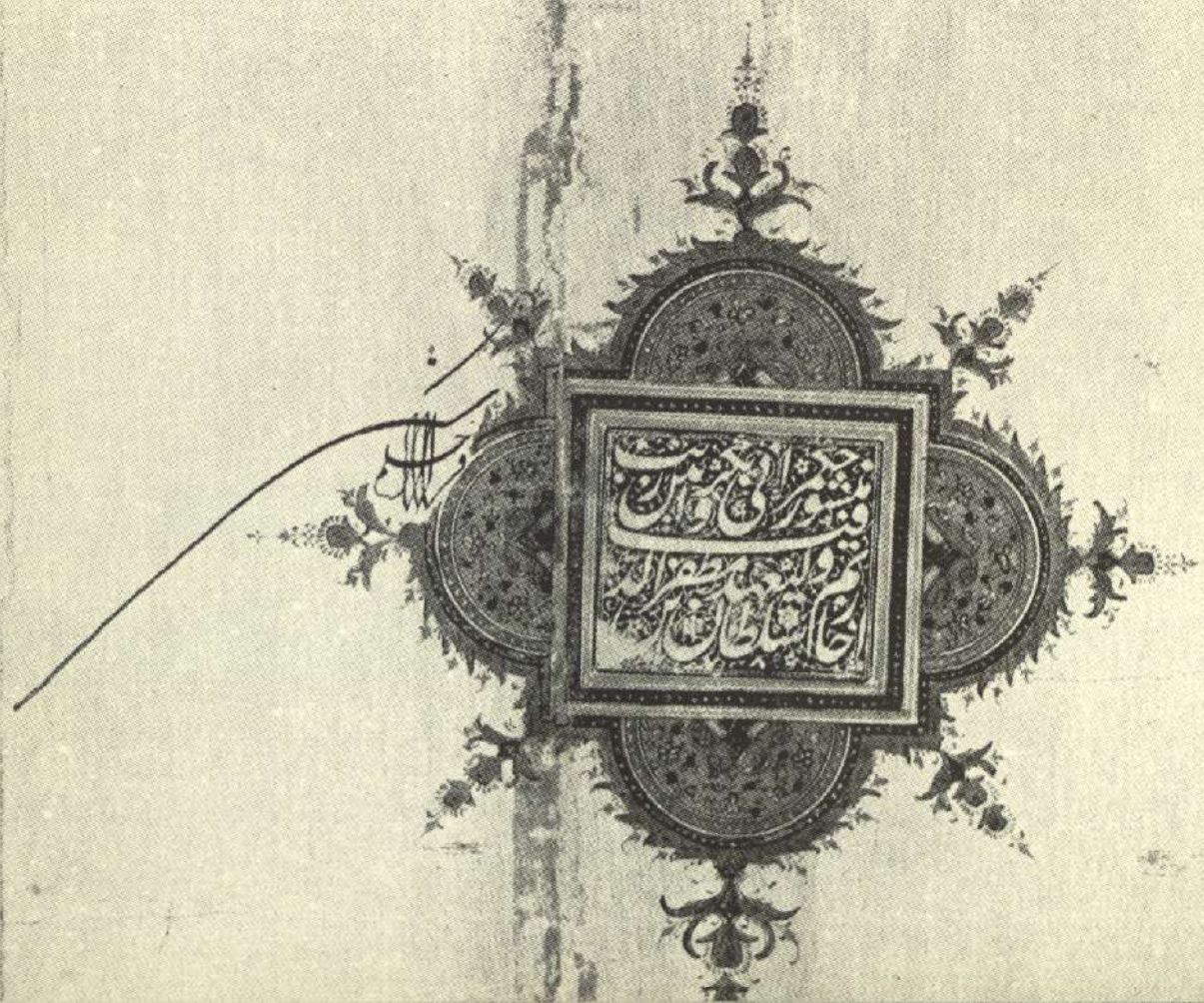
تاریخ: ۱۲۴۵  
 در روز: ...  
 در ماه: ...  
 در سال: ...

تاجیاد ایچون فرسنگ سروده کوی و همزادین  
 مسکن سیریه است در ایام در دامن دارانها همگام  
 کز از فرسنگ در حفظ انباشت سیریه است ایچون  
 قدغن است امر در معرفت مندر کس خط حکم کوه  
 سرورده خط فله شد در ما بنجانانان حکم سرورده  
 از قلم سید محمد و داشته در حکم مایه دارده  
 قسم در معرفت نموده تا سرش بر مقام لایق شد  
 در جلد دستخط خوار مانند از برهت و کز از ساجده  
 شکر الله برانند و در دفعه اول  
 در ایام در دامن دارانها همگام  
 کز از فرسنگ در حفظ انباشت سیریه است ایچون  
 قدغن است امر در معرفت مندر کس خط حکم کوه  
 سرورده خط فله شد در ما بنجانانان حکم سرورده  
 از قلم سید محمد و داشته در حکم مایه دارده  
 قسم در معرفت نموده تا سرش بر مقام لایق شد  
 در جلد دستخط خوار مانند از برهت و کز از ساجده  
 شکر الله برانند و در دفعه اول

۱- فرمان ناصرالدین شاه قاجار و خط مهید علیا در زیر آن







دو صد وقت شمول همه که از بر بوده و بقیه وقت

بهمه داری خود بخورند من جمله نگاهت در این سراسر راه

بگایمیر شود و شود شایسته شمول عیبت کرده خلیفه امیر

بوسه صد بر وفا صدقه از کار که امان دلا صد دور فرست

کاین خان سردار در محل خدمت کاملاً بطور برین منظور نظر حجت بود و عطور خاطر عیال کسر شد

آن مرد  
دار  
موقوف  
لین  
خداوند  
ح  
شیر  
عبدالله  
دار  
س  
چ  
دا  
ع  
در  
با  
شیر  
الس  
ح  
ص  
در  
ع  
س  
در  
س  
س

خداوند که کرب منگه اری و این ایستادین وقت که کوب شود و در انقدر استان پیران

قسم یک بند کعبه نون فخر بوجوب  
در وقت و غیره در راه  
در وقت و غیره در راه  
در وقت و غیره در راه  
در وقت و غیره در راه

که در وقت و غیره در راه  
که در وقت و غیره در راه  
که در وقت و غیره در راه  
که در وقت و غیره در راه

ماه قاجار

در پیشگاه حضور مبارک بنهضه ظهور



بشیرین قیامت چهره او را که  
در آن روز است

از نور نبوت است  
این با همه اولاد است  
باید که در این

پای زده لوله آب رفعت  
مزار را به صورت  
مستطابق

در باغ خوکچه اسب  
مستطابق

مستطابق وجه پای زده لوله آب  
مستطابق

بدون مستطابق وجه پای زده لوله آب  
مستطابق

و غیر مستطابق وجه پای زده لوله آب  
مستطابق

چند تلگراف تاریخی

از

عین الدوله

به

والی فارس

از

سرولان محمد کشمیر

« فوق لیسانسیه در تاریخ »

20  
چند تلگراف تاریخی از عین الدوله

به  
والی فارس

تلگرافاتی که اینک از نظر خوانندگان ارجمند می گذرد از جانب عبدالمجید میرزا ملقب به عین الدوله در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ هجری قمری به والی فارس مخابره شده است . بررسی دقیق این اسناد چگونگی نظم و امنیت، نحوه زیست مردم ، تعدیات حکام و زورمندان ، اختلافات طبقاتی، نحوه اخذ مالیات از مردم ، عدم استقرار امنیت در راهها و نقاط دور افتاده، قدرت یافتن روحانیون نحوه صدور دستورات به حکام ولایات ، چگونگی وضع ارتش ایران ، حقوق سربازان قزاق ، نحوه تفویض اختیار ، خط مشی کار استانداران در مورد اداره استان ، وضع عشایر ، چگونگی

از

سرطان محمد کشمیر

(فوق لیسانسیه در تاریخ)

اداره گمرکات کشور و نبودن کنترل صحیحی در مرزها، ورود غیر مجاز اسلحه و مهمات توسط سوداگران برای عشایر مملکت، وضع املاک، نحوه صدور دستورات به حکام ولایات و صدها موضوع دیگر را بخوبی آشکار مینماید و هربرگی از آن به گوشه‌ای از اوضاع اجتماعی و اداری کشور ما در آغاز انقلاب مشروطیت روشنی‌ها می‌افکند، زیرا رویدادهای واقعی را در آن زمان بخصوص بما نشان میدهد و در نتیجه قضاوت را بر پایه صحیحی استوار میسازد. در اینجا از آقای حسنعلی غفاری که این اسناد ارزنده را در اختیار ما گذارده‌اند سپاسگزاری مینمایم و قبل از درج آنها لازمست مختصری نیز درباره زندگی عین‌الدوله، شخصی که قبل و بعد از مشروطیت چندین بار به نخست وزیری ایران رسیده است یاد شود. چون در اینجا مقصود بیان وقایع زندگی خصوصی و سیاسی عین‌الدوله نمی‌باشد لذا برای آشنائی بیشتر خوانندگان محترم شرح حال او فهرستوار بیان می‌شود.

کرونولوژی زندگی سلطان عبدالمجید میرزا ملقب به عین‌الدوله که بعداً نیز لقب اتابک اعظم بوی داده شد بقرار زیر است.

۱۲۶۱ هجری قمری - در طهران متولد شد پدرش احمد میرزا عضدالدوله پسر فتحعلیشاه قاجار میباشد در نتیجه وی نوه فتحعلیشاه است.

۱۲۸۱ هجری قمری - به آذربایجان رفت و در آنجا به مظفرالدین میرزا که در آن زمان ولیعهد ایران بود معرفی شد.

۱- برای آگاهی بیشتر از زندگی عین‌الدوله به کتاب عین‌الدوله ورژیم مشروطه نوشته آقای مهدی داودی مراجعه شود.

- ۱۲۸۹ هجری قمری - دختر مظفرالدین میرزا رابزنی گرفت و داماد و لیعهد ایران گردید .
- ۱۳۰۷ هجری قمری - به حکومت شهرهای ارومیه (رضائیه) خوی، میانه و ساوجبلاغ منصوب شد .
- ۱۳۰۸ هجری قمری - به پیشنهاد و لیعهد، ناصرالدینشاه بوی لقب «عین الدوله» و درجه «امیر تومانی» داد .
- ۱۳۰۹ هجری قمری - بسمت پیشکاری و لایتههد انتخاب گردید .
- ۱۳۱۴ هجری قمری - بعد از سلطنت رسیدن مظفرالدینشاه شغل امیر آخوری را پذیرفت .
- ۱۳۱۴ هجری قمری - حاکم مازندران شد ولی بعد از مدت کوتاهی از کار کناره گرفت .
- ۱۳۱۶ هجری قمری - بحکومت تهران منصوب شد .
- ۱۳۱۷ هجری قمری - والی لرستان و خوزستان شد .
- ۱۳۱۸ هجری قمری - بطهران احضار گردید و مجدداً حکومت این شهر بوی سپرده شد .
- ۱۳۲۱ هجری قمری - وزیر امور داخله گردید .
- ۱۳۲۱ هجری قمری - نخست وزیر ایران شد .
- ۱۳۲۳ هجری قمری - مظفرالدینشاه بوی لقب «اتابک اعظم» داد .



۱۳۲۴ هجری قمری - بر اثر فشار آزادیخواهان مجبور گردید که از نخست-  
وزیری استعفاء دهد .

۱۳۲۶ هجری قمری - بعد از اینکه مدت دو سال در فریمان خراسان اقامت  
داشت توسط محمدعلیشاه بطهران احضار و والی آذربایجان شد .

۱۳۲۷ هجری قمری - بعد از نبرد شدید مجاهدین در آذربایجان مجبور  
گردید استعفاء دهد .

۱۳۲۹ هجری قمری - مجدداً بحکومت آذربایجان منصوب شد .

۱۳۳۱ هجری قمری - در کابینه میرزا محمد علیخان علاءالسلطنه بسمت  
وزیر امور داخله منصوب میشود .

۱۳۳۲ هجری قمری - به نخست وزیری ایران میرسد .

۱۳۳۳ هجری قمری - بر اثر استیضاحی که در مجلس انجام میشود مجبور  
می گردد بعد از هشت ماه صدارت از کار کناره گیری کند .

۱۳۳۴ هجری قمری - در کابینه مستوفی الممالک با سمت وزیر مشاور  
بکار مشغول می شود .

۱۳۳۶ هجری قمری - مجدداً نخست وزیر میشود .

۱۳۳۶ هجری قمری - از کار کناره گیری میکند .

۱۳۳۷ هجری قمری - بحکومت آذربایجان انتخاب میشود ولی عملاً در این  
مورد اقدامی نمی کند .

۱۳۳۹ هجری قمری - در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی بازداشت و زندانی می شود ولی بعد از يك هفته آزاد شده و احمد شاه او را احضار و از او استمالت میکند .

۱۳۴۶ هجری قمری - بیمار و بستری گردیده و در میگذرد و در جوار حضرت عبدالعظیم بخاک سپرده می شود .

### در مورد انتخاب وزیر برای وزارت تجارت

بعموم حکام ولایات مخابره شود . چون امر وزارت تجارت بموجب حسن انتخاب ذات اقدس ملوکانه روحانفداه بحضرت مستطاب اشرف ارفع امجد اسعد والاسرکار شاهزاده حاجی سیف الدوله دام اجلاله واگذار گردیده حسب الامر اقدس اعلی ابلاغ میشود که از این تاریخ ببعده کلیه امورات وزارت جلیله تجارت را به حضرت معزی الیه رجوع نموده بر حسب او امر مؤ کد بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی روحانفداه نسبت بمأمورین و نمایندگان وزارت تجارت نهایت تقویت و محبت بعمل آورده اسباب پیشرفت مقاصد علیه شاهانه روحانفداه را از هر جهت فراهم و رجوع این کار را بحضرت معزی الیه بعموم تجار اعلام و ابلاغ نمایند . سلطان عبدالمجید .

### در مورد انتخاب وزیر برای وزارت جنگ

حکام ولایات بغير عنوان و روابط تلگراف شود . باقتضای توجهات تامه که همیشه از جانب سنی الجوانب بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه در عمل نظام و ترتیب این اداره قشون مبدول است در این موقع که اراده علیه ملوکانه به تکمیل اصلاحات نظامی علاقه فرموده بحسن انتخاب ملوکانه شغل وزارت جلیله جنگ را در کمال اقتدار و استقلال از افواج و سواره و قورخانه و توپخانه و ذخیره و مخزن و اصطلبل توپخانه و اداره وزارت

در اسرار اوقات  
تاریخ نه از آن؟

لشکر بعهدہ بندگان حضرت ذی شوکت اسعد ارفع افخم امجد اکرم والا  
شاهنشاهزادہ اعظم آقای نایب السلطنہ امیر کبیر وزیر جنگ مرحمت و واگذار  
فرمودند و این است بر حسب امر قدر قدر مبارک ابلاغ میشود کہ از این تاریخ  
امورات نظامی کلیہ و بلااستثناء رجوع بشخص حضرت مستطاب معظم دانستہ  
کلیہ مطالب راجع بہ قشون را حضور مبارک حضرت معظم عرض و اظهار و این  
موہبت ملوکانہ را بہ عموم طبقات نظام ابلاغ و اعلام نمائید . سلطان عبدالمجید .

### در مورد وارد نمودن اسلحہ و مهمات و فروختن آنها بہ عشایر

جناب مستطاب اجل افخم آقای وزیر مخصوص دام اقبالہ . در ضمن اخبار  
تلگرافی بہبہان بعرض خاکپای مهر اعتلای مبارک اقدس ملوکانہ روحنافداه  
رسید ، تجار آنجا از طرف بنادر معشور و رامہرمز در خفا تفنگ و فشنگ  
وارد کردہ بالوار کوه کیلویہ بہ قیمت گزاف فروختہ در عوض روغن و گوسفند  
خریداری نمودہ بہ کویت و بحرین حمل کردہ موجب گرانی روغن و گوشت  
شدہ است . حسب الامر اکیداً مقرر است کہ تفصیل این فقرہ چیست البتہ  
بحکومت بہبہان قدغن اکید نمائید جلو گیری از این حرکات تجار نمودہ  
نگذارند تفنگ و اسلحہ وارد نمایند و از حمل روغن و گوسفند بخارجہ ہم  
ممانعت کردہ تلگراف التزام بگیریید کہ دیگر روغن و گوسفند بخارجہ حمل  
نکردہ اسباب ترقی روغن و گوشت را فراہم نکنند و نتیجہ اقدامات را در  
این باب اطلاع دهید .

بعرض برسد ، در اینجا ہم بادارہ گمرک ابلاغ شد کہ بمباشرین گمرکی  
اینجا تلگراف نمایند مراقبت کامل در این باب نمودہ نگذارند اسلحہ وارد  
شود و اگر کسی وارد کردہ باشد بر حسب حکم کلیہ ضبط نمائید .

سلطان عبدالمجید

## در مورد شورش بهبهان

جناب مستطاب اجل اکرم آقای وزیر مخصوص دام اقباله . دیشب بر حسب تلگراف حاکم بهبهان شرحی بجناب مستطاب عالی تلگراف کردم و لسی از قرار راپورت تلگرافی که امروز رسیده است معلوم میشود قتل نایب فوج فدوی و این اغتشاش بهبهان تمام از سوء تدبیر حاکم قبل بوده و به بهادر دیوانی و حسین قلیخان از تعدیات حکومت متظلم و در تلگرافخانه بستی شده اند . شهر بهبهان را بتوپ بسته و چند تیرشلیک کرده اهالی هم از این وحشت عموماً در تلگرافخانه متحصن هستند . البته مطابق همین راپورت بجناب عالی هم اطلاع داده اند و مستحضر شده اید ، چون این حرکت حکومت بهبهان خیلی بیقاعدہ بوده لازمست بوصول این تلگراف او را بشیراز احضار کرده و تحقیقات لازمه بعمل آورده اهالی را هم اطمینان بدهید که بمنازل خودشان برگردند و به بهادر دیوانی هم تلگراف کنید که مردم را ساکت نموده خودش مراقب نظم بهبهان باشد که اگر تا ورود حکومت جدید بی نظمی واقع شود شخص او مسئول خواهد بود . قاتل نایب فوج فدوی هم هر کس بوده است بساید گرفتار و تحت الحفظ بشیراز فرستاده شود . تلگراف من باینجا رسیده بود که تلگراف رمز جناب عالی هم در این باب رسید . عطاءالدوله را که برای حکومت بهبهان مأمور کرده اید بسیار خوب بوده است . در امر مالیات هم البته مطمئن شده و ترتیبی داده اید که به بابت مالیات امسال و سال نو از هر جهت اطمینان حاصل باشد .

عظام الملك را هم خیلی زود بشیراز بخواهید و تحقیق کنید چه علت داشته است برای تظلمات رعیت این اغتشاش و حرکت بیقاعدہ از او بر روز کرده فرضاً اگر رعیت شکایت داشته باشد فکر جلو گیری و شلیک توپ و این حرکات بی معنی چه بوده بهر حال باید مواخذه سخت از عظام الملك بشود و هر تعدیکه از او بر رعیت شده باید بدون ملاحظه رسیدگی کرده تعدیات وارده را بر رعیت

مسترد دارید . در عمل عطاءالدوله هم چون حال او معلوم است بهتر این بود ترتیب صحیحی در عمل مالیات میدادید که یا بگرفتن ضامن معتبر یا فرستادن یکنفر مأمور مخصوص برای عمل مالیات اطمینان کامل حاصل شود و البته این نکته را از نظر وقت خلع نکنید . سلطان عبدالمجید

### در مورد مراقبت از املاک

توسط نواب صفدر میرزای عطاء السلطنه . جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای وزیر مخصوص دام اقباله . مکرر در رعایت اداره و مراقبت املاک متعلقه بحضرت مستطاب اشرف ارفع امنع و الاشاهزاده معظم آقای شعاع السلطنه دامت شوکته بجناب مستطاب عالی تأکید و سفارش شده است باز هم توصیه میکنم که در این منتخب میل باطنی من این است که توجه مخصوص داشته باشید و محظورات رارفع کرده خاطر مبارک ایشان را قرین آسایش و اطمینان فرمایند . نواب صفدر میرزا عطاء السلطنه که از طرف حضرت معظم الیه دخیل و مأمور سرپرستی است باید مورد مهربانی و همراهی جناب مستطاب عالی باشد و از مراتب نگرانی خاطر ایشان رارفع فرمائید . چهار نفر قزاق هم به صفدر میرزای عطاء السلطنه بدهید که در بعضی کارها با او همراه باشند . سلطان عبدالمجید .

### در مورد تصرف املاک توسط اسماعیل خان شبانکاره و شرارتهای او

جناب مستطاب اجل اکرم آقای وزیر مخصوص دام اقباله . از قراریکه بعرض خاکپای جواهر آسای اقدس ملوکانه روحنافداه رسیده اسمعیل خان شبانکاره بنای شرارت گذاشته و تا بحال ملک شبانکاره را که بملکیت حضرت مستطاب اشرف ارفع اسعد افخم و الاشاهنشاهزاده اعظم آقای شعاع السلطنه دامت شوکته واگذار شده است بتصرف کار گذاران حضرت معظم له نداده و این اوقات که باغضنفرالدوله مشغول زدو خورد شده است سیاق کارهای خالصه داده و فعلا ملک طلق حضرت اقدس اشرف والا آقای شعاع السلطنه است . این

خودسری و شرارت اسماعیل خان در این موضع برای او نتیجه خوب نخواهد داشت البته باید بهر کس مقرر میفرمائید آنجا را وا گذار نمایند. هر گاه اسماعیل خان مثل سایر رعایای دشتستان سرتمکین و اطاعت پیش آورد و نزد صدیق الممالک برود و موافق دستور العمل او دست از شرارت برداشته به کار رعیتی مشغول شود مورد مرحمت حضرت معظم له واقع خواهد شد و برای حضرت اقدس و الایم البته در هر نقطه مباشر متقن و کاردان بسا کفایت لازم است و از او همه طور نگاهداری بفرمایند و اگر باز بخیالات واهی تمرد مخالفت را موقوف نکنند و از حضرت معظم له اظهار شکایتی شود صریحاً مینویسم بدریابگی و وصولت الدوله نوشته خواهد شد که جزای او را بدهند و این مسئله را هم باید بدانند که در مقابل تمرد و طغیان دولت از هیچ گونه تنبیه و سیاست صرف نظر نخواهد کرد و جان و مال و هستی او کلیتاً در معرض خطر خواهد بود. همین تلگراف مرا با مأمور مخصوص بفرستید به بیند و زودتر بطوریکه نوشته ام تکلیف خود را بدانند و بیش از این بخیالات بی معنی اسباب زحمتی برای خود فراهم نکند. منتظرم که هر چه زودتر جنابعالی در این باب اقدام کرده نتیجه هر چه شد اطلاع دهید که بعرض برسد. سلطان عبدالمجید

### در مورد شکایت یکی از اهالی فارس و دادن دستورات لازم برای رفع آن

جناب مستطاب اجل اکرم آقای وزیر مخصوص دام اقباله. شرحی که در مسئله حاج تقی دارابی بتوسط مستطاب اجل اکرم اقبال الدوله تلگراف کرده بود دیدیم در این باب تلگرافی هم عطاء السلطنه بحضرت مستطاب اشرف اسعد ارفع افخم و الایبندگان شاهنشاهزاده اعظم آقای شعاع السلطنه دامت شوکته عرض کرده است که عین آن را بجنابعالی می نویسم خانه زاد در این جهت معطل و مفتضح نفرمائید با این ترتیبات که مشاهده میشود ابداً حضرت اقدس والا صاحب ملک نخواهید شد حاجی تقی دارابی را دیشب در شهر نصر الدوله گرفته و هزار چوب زده مغلولاً بداراب فرستاده صریحاً مانع از

تصرف املاک است و جناب وزیر هم از هر جهت با او همراهی میفرمایند در این صورت خانه زاد کجا بروم و چه طور بروم اجازه بفرمائید بآستان مبارک شرفیاب شوم خانه زاد صفدر .

اگر چه در این موارد هر چه جناب عالی بگوئید بیشتر از راپورت های دیگر محل اعتماد من است اما در صورتی که این واقعه مطابق همین راپورت عطاء - السلطنه باشد و بدخالت نصرالدوله این کار واقع شده باشد این مطلب با آنچه سابقاً بجناب عالی توصیه شده و با ابتکاری که از جناب عالی در نظم املاک و آسایش کسان حضرت معظم له دارم خیلی منافات دارد . بالفرض اگر حاجی تقی عرب هم باشد و باین عنوان نصرالدوله او را محکوم تنبیه کرده است باز بسیار کار بی رویه بوده چرا که اولاً ممکن است این شخص سابقاً جزو ایل عرب بوده و حالا رعیت ملک خالصه شده است فقط باین عنوان تنبیه او صحیح نبوده ثانیاً بر فرض لزوم تنبیه صاحب حکم شما هستی و نصرالدوله چرا باید اینطور جرأت و جسارت کرده باشد و [ناخوانا] تأدیب او را خودتان شخصاً یا بوسیله عطاء السلطنه میگردید بهتر بود ثالثاً در تفحص حال این قبیل اشخاص نصرالدوله و مردمان مغرض هر چه بگویند قابل تصدیق نیست باید جناب عالی تحقیق و تتبع کنید که یک همچو اقدام بی رویه که اسباب زحمت خودتان میشود اتفاق نیفتد .

بهر حال چون جناب عالی را طالب آسایش کسان حضرت معظم له و یا خودم هم خیال میدانم اولاً یک توجه دقیق از جناب عالی بدون هیچ ملاحظاتی دورودراز میخواهم که جداً و حتماً قرار آسایش خیال بندگان حضرت معظم که مستلزم رضای خاطر من است بدهید ثانیاً حاجی تقی را قدغن نمائید نصرالدوله به عطاء السلطنه تسلیم کند و طوری نشود که اسباب بهانه برای مباشرین حضرت معظم فراهم کرده و چون نصرالدوله در این مقدمه کار صحیحی نکرده و بودن او و سالار السلطان با کمال مرافوق العاده بآنها متغیر خواهد کرد بوصول این تلگراف هر دو را به طهران روانه کنید که بهیچوجه بودن آنها در فارس مقتضی نیست و در کار املاک حضرت اقدس اشرف و الایم این مسئله را خاطر نشان

کنید که ترتیب این املاک بکلی تغییر نپذیرد و در هر حکم و هر قرارداد این خالصه‌جات با سایر خالصه‌جات خریداری مردم حکم واحد خواهد داشت جناب اقبال الدوله هم تلگرافی کرده‌اند و مطلع خواهید شد سلطان عبدالمجید.

### در مورد واگذاری اختیار برای پیشرفت امور ایالتی

جناب مستطاب اجلا کرم امجد آقای وزیر مخصوص دام اقباله. اگر چه شرح رضامندی خودم را از حسن اقدامات مکرر اظهار کرده‌ام و میدانید با آن عالم محبت و اتحاد تا صد درصد پیشرفت کار و استقلال جنابعالی را همیشه در مدنظر دارم باز تجدید مزید اطمینان خاطر شریف را در مساعدت و تقویت خود و مشمول مراحم ذات اقدس همایون ملوکانه روحنا فداء لازم دیده‌ام جملاً می‌نویسم و همانطور که از بدو ورود بمقر ایالت تا کنون تمام رفتار و اعمال خودتان را مطابق نیت مقدسه همایونی و دستورالعملهای حضوری من قرار داده‌اید بعد از اینهم باید با کمال اطمینان و استظهار بمراحم دولت کارهای خودمان را مرتب داشته و در نهایت استقلال هر کس را منشاء فساد بدانید تنبیه و تأدیب کرده در امورات محلی و وصول مالیات و ترتیبات صحیحه در مطلق کارهای ایالتی با امیدواری و دلگرمی تمام مشغول تکالیف خودتان باشید و مطمئناً بدانید که از جانب سنی‌الجوانب اقدس همایونی روحنا فداء وهم از طرف من اعلی درجه تقویت و همراهی نسبت بجنابعالی مبذول خواهد شد و چون شخصاً جنابعالی را طالب نظم و مایل پیشرفت خدمت دولت میدانم قطع دارم که در این مأموریت با تقویتی که از این طرف کاملاً بجنابعالی خواهد شد کارهای آنجا را بوجه صحیح منظم و از هر جهت در خاکپای جواهر آسای همایون روحنا فداء روسفید خواهید بود. سلطان عبدالمجید.



### در مورد رسیدگی به شکایت تعدادی از اهالی

جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای وزیر مخصوص دام اقباله . مطابق صورتیکه عارضین کلاته کبودان انارک و عروسان چاه خشک داده و همه روزه در دار الخلافه متظلمند قریب سه هزار تومان مال آنها را سارقین چهار راهی بسرقت برده و تا بحال استرداد نشده است مراتب از جناب جلالتمآب سردار فیروز تحقیق شد جواب دادند جزو اموالی که استرداد شده مال حضرات کلاته کبودان انارک نبوده است و جناب جلالتمآب قوام الملک میگویند دور نیست جناب نصرالدوله در آنجا پرداخته باشد و عرض عارضین مزبوره این است که سارقین مزبوره فعلا در حبس جناب نصرالدوله و تمام هستی آنها را خود نصرالدوله غارت کرده است. البته جنابعالی از نصرالدوله مطالبه کرده‌سند بخواهید اگر این مال را رد کرده و سند در دست دارد عین سند را گرفته بایست بفرستید والا زود اطلاع دهید و همچنین در باب هفده نفر شتر مسروقه حاجی محمد تقی مازاد که سارق احمد قلیخان عرب بوده و سه نفر از شترهای مزبوره استرداد شده و چهارده نفر آن باقی است اگر نصرالدوله سندی دارند که چهارده نفر آن را هم رد کرده باشند البته سند آنها گرفته بفرستید والا مراتب را زود اطلاع دهید که صاحبان مال خیلی اسباب زحمت شده‌اند. سلطان عبدالمجید .

### در مورد راهزنی در راه شیراز ، بوشهر

جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای وزیر مخصوص دام اقباله در ضمن اخبار تلگرافی بعرض خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس ملوکانه روحانفداه رسید یکنفر بازیاری را در یک فرسخی برازجان مقتول ساخته‌اند و از قرار معلوم قاتل آقاخان پسر میرزا علیخان ضابط سابق برازجان بوده است همچنین علی یار نام که از طایفه بابری برازجان و سالهاست که در کوه کیمکان مشغول

راهزنی و شرارت است دو یست رأس گوسفند اهالی برازجانرا به غارت برده است و نیز در راه مابین شیراز و بوشهر تفنگچیان کنار تخته نهایت و بی اعتدالی را نسبت بقوافل و عابرین نموده و از خود تلگرافچی که از آنجا عبور میکرده است وجهی مطالبه کرده اند و بزور يك پتو که هفت تومان قیمت داشته از او گرفته اند و همچنین پانزده رأس قاطر مکایان دوانی که بار برنج و انار داشته و جو حمل میکرده تفنگچیان ملامنصور در کنار تخته گرفته بسرقت برده اند حسب الامر مقرر گردید که تفصیل این فقره چیست و چرا باید تفنگچیان این طور بامردم سلوک نمایند البته قاتل بازیاری حتماً دستگیر کرده علی باز را هم هر جا است حتماً گرفتار کرده آنچه را که از مردم برده است مسترد و عاید داشته و از تفنگچیان کنار تخته هم مؤاخذه شدید نموده آنچه را هم که از قوافل و غیره گرفته اند استرداد نموده مرتکبین قتل و سرقت را هم محبوس داشته مراتب را اطلاع دهید بعرض برسد و حکم لازم در سیاست و تنبیه آنها صادر شود سلطان عبدالمجید .

### در مورد سوء تفاهم علمای شیراز درباره آمدن شعاع السلطنه

جناب مستطاب اجلا کرم امجد آقای وزیر مخصوص دام اقباله حضرت اقدس اشرف ارفع والا آقای شعاع السلطنه دامت شو کته چند روز برای زیارت حضرت معصومه علیها السلام اجازه مرخصی خواسته روانه شده اند و این دو روزه مراجعت خواهند فرمود. حالاً بعضی تلگرافها از شیراز رسیده و معلوم شد آقایان علما و غیره تصور کرده از این حرکت ایشان برای مسافرت فارس بوده، اگرچه خود من تلگرافاً از روی کمال تعجب این مسئله را تکذیب کرده ام باز لزوماً بجناب عالی هم مینویسم این چه وضعی است که هر روزی این قبیل مطالب باید شنیده شود. وقتی که دولت فرمود حضرت والا بفارس نمی آیند که موقع این عناوین نیست دورست تصور کنید دیگر اینطور مطالب چقدر از خاکپای مبارک [يك کلمه ناخوانا] است. البته جناب عالی هم به آقایان

علما مطلب را اظهار داشته بگوئید در تعهدات من کی تخلف دیده‌اند که حالا بحرف مردمان مغرض این مطالب را قابل اعتنا میدانند و خودشان را بی جهت بزحمت می‌اندازند بیش از این چه بگویم. سلطان عبدالمجید.

### در مورد تفکیک کارهای مراجعه‌کنندگان

بعموم حکام ولایات با تغییر عنوان و روابط تلگراف شده. بر حسب امر قدر قدر بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی شاهنشاه ارواحنا فداء محض آسایش عموم ارباب حقوق و عدم تعطیل و تأخیر رجوعات دفتری ابلاغ میشود که بعد از این کلیه امورات مرجوعه بدفترخانه مبارکه را از تظلمات ارباب حقوق و صورت حقوق متوفیات و استدعای برقراری در حق ورثه کلیتاً بلا استثناء آنچه راجع بکشور است مستقیماً بوزارت جلیله مالیه و آنچه راجع ببلشگریست مستقیماً بوزارت جلیله جنگ اظهار و جواب را از وزارت مزبوره بخواهند و ترتیبی که مقرر شده است این دو روزه تحقیقات خودشان با اظهار یککه شده است راپورت میدهند و جواب از جانب سنی الجوانب همایون روحنافداه مقرر و ابلاغ خواهد شد همانطوریکه امر و مقرر شده است عموم مردم را از این ترتیب که برای سهولت صادر جواب و سرعت انجام حوائج آنها داده شده است مطلع و مستحضر دارند. سلطان عبدالمجید.

در مورد قتل و غارت اهالی <sup>نقش رستم</sup> و دستورات لازم برای استقرار

### نظم و امنیت

جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای وزیر مخصوص دام اقباله از قرار راپورت تلگرافی که از کازرون بعرض خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس ملوکانه روحنافداه رسیده و تلگرافات دیگر که بتوسط جناب معاون التجار ملاحظه شد شب نوزدهم محرم کریم خان بویراحمدی و اسدخان باوی با جمعیت زیاد بمحل رستم که جزو ممسنی است ریخته چهل نفر از اهالی رستم را کشته و جمعی را زخم‌دار کرده و عبدالرضا خان مباشر آنجا را گرفته برده

مقدار کلی اموال آنهارا غارت کرده قلعه و برجهایی که محل مستحفظ بوده است تصرف کرده اند. وقوع این قضیه در خاکپای جواهر آسای مبارک محل تعجب گردید مقرر فرمودند چندی قبل هم کریمخان مرتکب این حرکات شده محل رستم را غارت کرده و چند نفر را هم بقتل رسانده بود که مقرر گردید حتماً او را دستگیر کرده بسزا برسانید حالاهم این راپورت و تلگرافات رسیده است چه اقدامی در این باب کرده اید البته سریعاً مأمورین مخصوص فرستاده اقدامات سریع به عمل آورده حتماً و بلاعذر کریم خان را دستگیر کرده آنچه را که از محل رستم بغارت برده است تمام و کمال گرفته رد کرده در خصوص مقتولین هم خون بست نموده دیه جراحات را گرفته رد کرده طایفه بویراحمد را از خاک رستم و محل مستحفظین خارج نموده عبدالرضا خان مباشر را که گرفته برده اند مستخلص ساخته تقویت لازم را در حفظ نظم ممسنی با مشارالیه فرموده مستحفظی که برای آنجا مرسوم و معمول است معین کرده در دستگیری کریم خان سعی و جهد بلیغ نموده نتیجه اقدامات را زود اطلاع دهید بعرض برسد.

سلطان عبدالمجید

### در مورد حقوق و فوق العاده قزاقهای مأمور فارس

بتوسط قاسم آقای میر پنجه جناب مستطاب اجلا کرم آقای وزیر مخصوص دام اقباله. از قرار صورتی که کلنل فرمانده بریگاد قزاق داده اند مبلغ چهار هزار و چهار صد و پنجاه و یک تومان و سه هزار، از قرار تفصیل ذیل از بابت حقوق و فوق العاده ایلان نیل سواره قزاق مأمور فارس مانده بوده هزار و صد هفتاد و پنج تومان دو قران فوق العاده، دو هزار و صد و سی پنجاه و هشت هزار گرایه هزار و صد و چهل تومان و سه هزار فیارو تا حال برسند غدغن فرمائید بطوریکه معین شده مبلغ مزبور را تحویل قاسم آقای میر پنجه نموده هر فقره را قبض مهمور جدا گانه دریافت دارند از آن قرار [ناخوانا] سند خرج از بابت اقساط فارس صادر خواهد شد. سلطان عبدالمجید.

### در مورد تشویق والی فارس بانجام وظایف محوله

جناب مستطاب اجل اکرم آقای وزیر مخصوص دام اقباله‌التهالی. از قرار بعضی راپورت‌ها که میرسد جنابعالی در پاره موارد آنطوریکه لازم است بمقتضای شرایط انتظام امور و حفظ حدود رفتار نمیفرومائید. این است بر حسب امر قدر قدر ملوکانه اعلیحضرت قویشوکت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء زحمت میدهم ایالت جلیله مستقله فارس بجناب مستطاب عالی مفوض و واگذار است و باید با کمال قدرت و تسلط رفتار فرموده این تلگراف را هم بعموم علمای اعلام و اشراف و اعیان و طبقه نظام و کسبه و تجار و عامه اهالی فارس ارائه داده از ساعت وصول این تلگراف ببعد باید بتکالیف فرمانمائی و ایالت رفتار کرده در جزو و کل ارواحنا فداء که ولینعمت کل و مالک الرقاب همه هستند بجناب عالی افاضه شده است که هر کس از حدود خود بخواهد سر موئی خارج شود اعم از طبقات نظامی و غیره در کمال سختی مؤاخذه و تنبیه کرده بلکه اخراج و تبعید بفرمائید و موجبات نظم مملکت و آسایش عامه اهالی و رعیت را بطوریکه مستلزم حصول مقاصد و منظور است خاطر مهر مظاهر اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء و تحصیل دعای ذات کامل الصفات مبارکست باید تدارک نمائید. یک قبضه شمشیر جواهر بافتخار جناب مستطاب اجل عالی مرحمت شد که برای مزید افتخار و امیدواری جنابعالی خیلی زود فرستاده میشود و البته آن طوریکه شایسته مقام و کاردانی و ولی نعمت شناسی و نمک پرستی خودتان است از این تاریخ ببعد باید معمول داشته و تکالیف خودتان را در موجبات نظم و امنیت و وصول مالیات دیوان اعلی مجری و معمول داشته و راپورت مطالب را کتباً و تلگرافاً اطلاع بدهید. سلطان عبدالمجید.

### در مورد اداره امور ایالت فارس

جناب مستطاب اجل اکرم وزیر مخصوص دام اقباله‌التهالی. تلگرافهای حضوری جنابعالی را بجنابان مستطابان اجل اکرم آقای اقبال الدوله و سپهدار دام-

اقبالهم دیدم اینکه منتخبی از بابت پیشرفت کار خودتان و تقویت دولت اشاره و اشعار کرده بودید این اظهارات را جزو لزوم مایتنرم میدانم زیرا شما از جانب دولت و نماینده دولت هستید خوب وبد و نظم و بی نظمی آنجا راجع بدولت است. در حفظ مقامات نظم و پیشرفت مقاصد و منظورات مقدسه همه قسم تقویت و همراهی خواهد شد که جنابعالی بامنتهای قدرت و استقلال از عهده انجام و اجرای تکالیف چاکری و ولی نعمت پرستی خودتان برآئید و موجبات نظم ولایت و آسایش عامه اهالی و امنیت مملکت را تدارك نمائید. قشون مأمور و متوقف فارس تمام در تحت حکم جنابعالی و امر نهی دولت خواهد بود و هر کس بخواهد از حد خود قدمی خارج بگذارد در کمال سختی باید مؤاخذه بفرمائید ملبوس هم موافق معمول سند ماضی بخرج آمده است و تفاوتی بهیچوجه نکرده است که محتاج بمذاکره باشد و البته تدارك بکنید حقوق قشون و خرج آمده کتابچه دستور العمل است، گذشته از مقامات ایالت از طرف قرین اشرف اقدس همایون شاهنشاهی ارواحناده بیک مأموریت موقتی جنابعالی میرفتید و مخارجی که بخرج دستور العمل آمده است هر تصرفات میگردید ابدأ محتاج باظهار نبود چه رسد بحالا که همه در تحت اختیار خودتان است. چون تلگراف جنابعالی در مبارک آباد رسید و یکی از مطالب جناب مستطاب اجل عالی بعرض خاکپای مبارک اقدس اعلی ارواحناده بود جواب آنرا بالضرورة بعدزحمت خواهم داد. سلطان عبدالمجید.

### دستورات لازم برای جلوگیری از اشرا

جناب مستطاب اجل اکرم آقای وزیر مخصوص دام اقباله. از قرار راپورتی که بعرض خاکپای مبارک رسیده این اوقات سارقین و اشرا فارس باز بنای شرارت و تاخت و تاز بحدود یزد گذاشته متعرض عابرین و قوافل میشوند و از جمله دو قافله را در حدود یزد زده و غارت کرده اند. تفنگچیهای مستحفظین

خاک یزد آنهارا تعاقب کرده اموال مسروقه را گرفته رد ویکنفر از تفنگچیها را هم سارقین بضر بگلوله مقتول کردند حسب الامر اقدس اعلی زحمت میدهم در این باب باید جداً اقدام در جلو گیری سارقین و اشرار خیلی زود اهتمام کنید که دیگر برای آنها مجال این قبیل حرکت نباشد و نظایر این اتفاقات واقع شود و لازم است خیلی زود اقدام کنید که اعاده نظم آن حدود بوجه کامل فراهم آید . سلطان عبدالمجید .

### دستورات مظفر الدینشاه و عین الدوله برای جلو گیری از اغتشاش در نواحی فارس

جناب مستطاب اجلا کرم افخم وزیر مخصوص دام اقباله . در ضمن راپورت تلگرافی بعرض خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس ملوکانه رو حنا فداه رسید بواسطه عداوتی که مابین اهالی برازجان و شبان کاره تولید شده است ، همه روزه طرفین در مقام قتل و غارت یکدیگر بر آمده اسباب نزاع و آتش زدن دهات را فراهم مینمایند از جمله میرزا محمد غضنفر السلطنه یکی از دهات ابواجمعی اسماعیل خان شبان کاره را غارت نموده و دوسه قریه دیگر از دهات ریزاده و شبان کاره را آتش زده است و همچنین اسماعیل خان تفنگچی فرستاده یکی از دهات ریزاد را چاپیده یکنفر از پسرهای محمد خان منسوب غضنفر السلطنه را دستگیر کرده مستعد نزاع و قتل و غارت هستند و برادر محمد خان و هشت نفر از اهالی شبان کاره و یکنفر از اهالی نظر آباد در میانه مقتول شده اند و فعلا راه و اطراف برازجان و شبان کاره در نهایت بی نظمی و اغتشاش است بطوریکه غلام تلگراف زیر خط تلگراف شبان کاره برای اصلاح هم نمیتواند برود . خود جناب مستطاب عالی هم شرحی در این باب اظهار کرده بودید . دستخط انجم لفظ

مبارک اینطور شرفصدور یافت. جناب اشرف اتابک اعظم بوزیر مخصوص تلگراف نماید چرا باید غضنفر السلطنه مرتکب این حرکات بشود اگر مابین خودشان اختلافی باشد نباید بدهات تعرض نمایند البته مؤاخذه سخت و جلوگیری از این فقرات نموده نگذارید بدهات اطراف خرابی و خسارت وارد نمایند و از مرتکبین شرارت تشبیه سخت نموده، قرار صحیحی در اصلاح مابین داده نگذارید رشته فساد و نزاع امتداد پیدا نماید و نتیجه تحقیقات و اقدامات را زود اطلاع دهید بعرض برسد. سلطان عبدالمجید.

#### در مورد انتخاب وزیر داخله

خط فارس. بعموم حکام ولایات به تغییر عناوین تلگراف شود. چون بر حسب اراده علیه همایون شاهنشاهی روحانفاده برای وزارت جلیله داخله انتخاب یک نفر از رجال محترم دولت لازم بود، نظر بکمال اعتماد ذات اقدس ملوکانه بمراتب امانت و دولتخواهی جناب مستطاب اجلا کرم حاج مجد الملک دام اقباله مطابق شرح دستخط انجم نقطه مبارک بشغل جلیل وزارت داخله مستقلاً بعهدہ کفایت ایشان واگذار شده حسب الامر اقدس اعلی باید عموماً جناب معزی الیه را باین سمت شناخته در مطالب مراجعه بداخله بایشان رجوع نمایند. سلطان عبدالمجید.

#### دستورات لازم برای برگرداندن اموال مردم

جناب مستطاب اجلا کرم افخم آقای وزیر مخصوص دام اقباله. تلگراف جناب مستطاب عالی در باب دو فقره اموال مسروقه یزدیها که سارقین آنها را از چهار راهی و آدمهای ابوالحسن خان بواناتی بوده اند قرار داده اید در مقابل سه هزار و شصت تومان سرقتمی که شده است یک هزار و دو بیست تومان گرفته بو کیل صاحب



مال بدهید و بطور صلح این کار را بگذرانید . در خصوص سرقت منتسب به آدمهای ابوالحسن خان هم مشغول تحقیقات بوده اند رسید و از مراتب مطلع شدم این چه رعایتی است که درین روی فرموده بصلح و اصلاح میخواهید مال کلی را در جزئی ختم نمائید . همین ملاحظاتست که مردم را بصدا میاورد مطابق عریضه تلگرافی که از صاحبان مال بعرض رسیده است ابدآباین قرارداد راضی نیستند البته بدین ملاحظه مال آنها را تمام کمال گرفته رد کرده قبض رسید بگیری و زیاده بر این معطل نگذارید . يك فقره هم که دزد سرجهانی بوده و سابقاً بجنابعالی تلگراف کرده بودم چرا معطل گذاشته اید باید حتماً بفرستید از مالک سرجهان بلاعذر گرفته تمام و کمال بعارضین رسانده قبض رسید گرفته نتیجه اقدامات را اطلاع دهید . سلطان عبدالمجید .



دوره

از تاریخ ... ۱۳۲۳

اطلاعات	تاریخ اصل مطلب	عدکلا	نمره
	روز و ساعت دقیقاً		

معموم حکام و علماء مختارین و جنابان کرامت داران محترمین که از طرف دولت محترم با این...

سازمان را در تاریخ ... در محل ... گردانیدند و با آنجا که در این...

در این تاریخ ... در محل ... گردانیدند و با آنجا که در این...

در این تاریخ ... در محل ... گردانیدند و با آنجا که در این...

در این تاریخ ... در محل ... گردانیدند و با آنجا که در این...

در این تاریخ ... در محل ... گردانیدند و با آنجا که در این...

در این تاریخ ... در محل ... گردانیدند و با آنجا که در این...

در این تاریخ ... در محل ... گردانیدند و با آنجا که در این...





از طرف

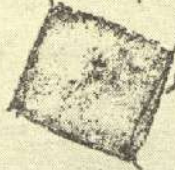
انوار مملکت اصفهان و اقلیة میرا

بک

مدرسه

نمبره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب	اطلاعات
		روم	
		ساعت	
		دقیقه	

حکام ولایت بعین عرفان در وادی تکالیف و بنفای توجهات تا آنکه بشود از جانب سنی جوانان و کان معصومین و شایسته های و خاندان  
 و غیر نظام و تربیت این دولت قوی بنه دولت و این برقع که اراده علیه مولکانه به عقیده جهلات نظامی عظامه فرجه کجین کتاب مولکانه سفیر وزارت  
 جلیله جنب او کمال قه از استقلال از افواج و لقا و در خانه و در خانه و غیره و مخزن و مطهر آینه و لقا و وزارت لکن سعید به کجا حضرت در وزارت  
 احمد رفیع فیم هم اکم و لقا شایسته بزرگه عظیم آقایی نایب بطه بهر کسیر وزیر جنب مرمت و لکن در دفتر این است بر حسب مقرر برایک اطلاع شود که در این  
 تاریخ امرات نظامی کجید و بلا شایسته برقع همچو حضرت نایب عظیم دانسته کجید مطالب رایج به ثبوت حضرت یک حضرت عظیم فرموده و اظهار این است مولکانه  
 را بر حسب طبعات نظام اطلاع و اعلام نمایند سلطان محمد سعید





از انکسار فی و علیہم

طهران

از

اطلاعات

ناشر اصل مطلب

عدکما

مقدمه

دو شماره ساعت دقیقه

۱۷۰

۹۱

جناب طبیب محترم نام آقا میرزا محمد باقر صاحب قلم در ضمن اخبار بخارا و سایر بلاد که در این شماره رسیده است از نظر فواید  
 مستور و غیر مستور در مقابلت و تشکیک دارد که در این شماره در بیان قیمت کراف و روشه در عرض روغن و در نقد خریداری نمودید که در این شماره  
 که در این روغن و در شربت حب الیاء که در این شماره در بیان قیمت است که بگوت بسیاران قمری که در این شماره در بیان قیمت است که در این شماره  
 نمک و اسفند که در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره  
 و در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره  
 نمک که در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره در این شماره



گفته شد

شماره

شماره ۲۳

بواسطه انکسار فی و علیہم



از طرف

انقلابی و علمیه ایران

به سر

مترجم	عدکله	تاریخ اصلا مطلب	اطلاعات
روز	ساعت	دقیقه	

خاسته از امر ارم و در حوض دام به دست بر طبق معرفت حاکم بهمان مروجی که علی  
مهرت کریم و از طرف اوست که به سر در سر است سند مردم و قدرت و روح و وی و این سخن  
بهمان نام از مردم هر حکم هر چه بود و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار  
نه بهمان مرتبه و چه هر شک که الی ام از آن جهت و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار  
و اوست که نام ضلع و لهام و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار  
و صد این طرف او بهر حضا که کشفات قدره بعد از این که الی ام و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار  
و گر نه و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار  
حکمت و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار  
سر از و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار و بهار

تاریخ شهر رجب ۱۳۲۲ هجری قمری



از امیرتکلیفی و عالیجناب

به

اطلاعات

تاریخ اصل مطلب

عدکما

متره

روز

ساعت

دقیقه

مهره

بمشرفان و کرامت ساجد و در برابر نام اعظمی که در نظر و اعظم که تمام است  
 سال نو از سر نو طهارت و عطر است عظم اکرام محضی رفوستر از خواب و تحفین که در وقت  
 از عطرات عطر امیرتکلیفی در وقت که از او روزی که فرضاً از عطر است که با کمال صلوات  
 در این مقامات نموده و بعد هر سال نیز در وقت اعظم اکرام نمودیم که از او عطر است  
 مربع مد خطه رسید که کرده تمام و بعد از آن ستر در دارم در عطر و الدوله هم چون سال است  
 بنام این بود در وقت که در برابر نام که ما که در این صفت و در سال که در عطر است  
 اطمان نام حاصل نمودیم که را از نظر وقت صلوات که در این صفت



بواسطه ملکه افغانه

تاریخ

شهر

سال

گفته شد



وزارت ارشاد

به شماره

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

از تاریخ

اطلاعات

تاریخ اصلاحت

عقد کتاب

شماره

روزها ساعت دقیقه

۱۳۴۴

۱۵

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
 در روز دوشنبه مورخه ۱۳۴۴  
 در ساعت ۱۵ دقیقه  
 در محل کتابخانه  
 در شهر تهران  
 در خیابان ولیعصر  
 در پلاک ۱۲۲  
 در طبقه اول  
 در قفسه ۱۰۰  
 در شماره ۱۵  
 در کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
 در شهر تهران  
 در خیابان ولیعصر  
 در پلاک ۱۲۲  
 در طبقه اول  
 در قفسه ۱۰۰  
 در شماره ۱۵

گفتند

شماره ۱۲۲

شماره ۱۲۲

تاریخ ۴

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



کتابخانه ملی ایران

از این

مؤلف	مؤلف	مؤلف	مؤلف
۱۴	۳۲۶	روز	اطلاعات
		دقیقه	

حضرت امیرالمؤمنین در خصوص امام فاطمه زهرا که در مرض صک جراحی بودی فرمودند که در وقت وفات خود در حضور  
 آن بزرگوار و سایر ائمه و با کمال کرامت و در راه ملک حضرت شریف ارفع هم چشم الله تعالی  
 آن شایع بطه و آنکه از حضرت معصوم که در آن حضرت ستم نه لعمریه این آقا که عظمه بطه شریف  
 حضرت سید الشهدا خالصه و طبع و فقه و علم و کرامت حضرت اقدس شریف و الله اعلم بالصواب این خود سری و سرارت محمد  
 در این مرض کبر ایجاب خوب بخوابید است این همه کس معجزه به شما را و الله اعلم به هر گاه محمد صلی الله علیه و آله  
 در میان بر طاعت و طاعت من و در خصوص بن امامت رسو و موافق رسو العبر اودت انوار است رسو که عظیم  
 رسو و حضرت محمد ستم و ارفع خواهد بود و لکن حضرت اقدس و ایدم که در هر نقطه شریف مقصد کاروان با کفایت و کرامت  
 و از او هر طریقی که از سر او اندر کار می کند و هر قدر و کفایت را در وقت غم و حضرت ستم که از هر طریقی

بنام مطهر کتابخانه	بتاریخ	شهر	کتابخانه
--------------------	--------	-----	----------





شماره ۱۰۰

از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اطلاعات	تاریخ اصل مطلب	عدد کلمات	نمونه
	دو ساعته		نمونه ۱

صراحتاً میسر میسر است و صورت اولی در سه حرات که فیلد اول است و میسر اول است و میسر دوم که در میسر اول است  
 در است از هم کرده است و یک طرف میسر خراب کرده و در میسر اول است و در میسر دوم که در میسر اول است  
 با میسر مخصوص میسر است و در میسر اول است که در میسر اول است و در میسر دوم که در میسر اول است  
 میسر خود است که میسر است و در میسر اول است که در میسر اول است و در میسر دوم که در میسر اول است  
 میسر است که میسر است و در میسر اول است که در میسر اول است و در میسر دوم که در میسر اول است







جواب دارد

از آله تکریم الی و اعلیٰ بیرون  
به

از طرف

اطلاعات	فان یخ اصل مطلب			عدکما	مور
	دقیقه	ساعت	روستا		له حرات

انها در فاس تقویت و در کار آمدن حضرت امیر کبیر فلاحه و در کار آمدن سید محمد باقر  
بسیار فاعله است خیر و در حکم دله و غیره است غایب قایل اند و در قرآن کهنه و طبع و ادب شده است



کتابخانه ملی و آکادمی ملی

به شماره

از طرف

مؤلف	مؤلف	مؤلف	مؤلف
۱۸	۲۵	روز	ساعت
		دقیقه	
اطلاعات	فایده اصل مطلب	اطلاعات	

این کتاب در مورد... (The text is a handwritten medical or scientific treatise, likely a translation or commentary on a classical work. It discusses various topics related to health, medicine, and the human body, written in a cursive script.)

تاریخ	شماره	کتابخانه
۱۸	۱۳۲۲	کتابخانه ملی

کتابخانه ملی



از کلاس ۱۱  
 ایالتی و انقلابی ۱۱  
 به شماره

اطلاعات	تاریخ اصل مطلب	عدکلا	نمونه
	روزها		۱۱
	ساعت		
	دقیقه		

در این مورد با دربار تقدیر که از این طرف که در کلاس است کارهای را در صورتی که در این جهت در کلاس است  
 همانند درجه که در این جهت در این جهت در این جهت



بواسطه مکتب افغان ۱۱  
 تاریخ ۱۱ شهر ۱۳۲۲ ۱۱  
 گرفته شد

ص ۱۱



کتابخانه

از

انجمن ملی وکلا ایران

طهران

از

مرد	عد کل	تاریخ اصل مطلب	اطلاعات
۹۱		روز	
		ساعت	
		دقیقه	

جناب آقایان محترم قاضی و سر محترم دادگاه مطبقی سرری که عارض کتابت کرده اند از آنجا که در میان ما به جهت و هم در روز در دادگاه تنظیم و ثبت  
 شده بر ذرات آن مال اعتبارات قرض چهارم این وقت به دو تالی است و او ثبت است بر این در جناب آقایان سرری در وقت جواب دادند خبر و آنرا  
 که است در دولت آن حضرات کلامت کرده اند از آنجا که ثبت و جناب جناب فرامه یک سکونه دولت جناب نصر الله اوله در این امر شده و من  
 عارضین سرری این است که سابقین سرری قضا و در جناب نصر الله اوله تمام سرری آنها را خود نصر الله اوله قضا کرده است البته جناب از نصر الله اوله تسلط کرده  
 بخیر این امر این مال را در کوه و سنه دست در روغن نهند را که ثبت بفرستید و الا رفو طلوع دید و همچنین در باب عقده نفر شتر سرری حلال  
 قلعی نازار که سابقین سرریان عرب به دست نفر سرری نازار است و او سرری آنها را ثبت کرده است و او سرری اوله سرری و از آن که چهار نفر آن را  
 هم زد و آن به سنه ایته نهند آن را که فرستید و الا رفو طلوع دید که صاحبان مال فیض است ثبت سرری سرری علیه السلام

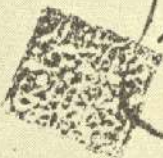


ای که تکرانی و علی بن ابراهیم

از طهران

مؤلفه	مؤلف	تاریخ اصل مطلب	اطلاعات
۳۴	۲۶۰	روزها ساعت دقیقه	

جانبت میرالم فخر آقایی در تخریص و ام قلمه در ضمن اخبار تکرانی در بعضی جاهای حدیثی میسازد و متأسفانه روحانواده رسید تغییر بازاری  
 را در یکفرنجی بر از جان معتقد است که نه فلا در روز سوم تره خان میرزیز علیخان ضابطه بن بر از جان به است همچنین علی با نام که از طایفه پارس می باشد  
 و اسامیات در که که کجایان شمول را نیز در وزارت است و دولت از کوهستان ایاز از جان و غیرت به است و نیز در زمان شریف در شهر علیان که کج  
 نهایت به عهد ایاز است بقدر و عارضین نفعه و از خود کلامی که از ایاز عبودیت است و جوی مطابقت که در نامه در بزرگ است که تحت قان قیت داشته  
 از او گفته اند همچنین بنامه از قاطر کجایان و دو ایاز که بارین و فار داشته و جو هر کوه علیان منصرف در کنار کوه گفته بر وقت بر و اند حب السلام هر که دیده  
 فیصل این فقره صحبت و جو ایاز کجایان این طریقه با مردم سلوک نماند البته قاتر بازاری می نماید و کثیر کرده علی با نام بر جهات قاتر کار کرده اند که در ایاز  
 به است سرد و عاید داشته در کجایان کنار کوه هم میزند و بنامه ایاز که از قوه فرشته گفته اند به سرد و او نموده بر چنین قدر و وقت ایاز محراب است  
 مراتب را اطلاع دهید بیرون رسد و حکم لازم در ایات و غیره آنها صادر شود و سلطان علیه السلام



بنام مطهر تکرانی خانده      تاریخ ۱۳۲۲      شهرم      گرفته شد



انجمن مصلحت ملی و علمیه ایران

به سر

از طرف

مقرر	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب	اطلاعات
		روز	
		ساعت	
		دقیقه	

خاستگاه اهل کرم محترم در خصوص داماد حضرت امیر شرف ارفع دادگاه استعلا  
 چه روز از این تاریخ حضرت معصومه علیها السلام از بهر حضرت جریه روانه شده اند و در روز شنبه  
 صبح عصر عکس از سر ایشان در مقوم کمان علما و غیره بگوشه از سر حرکت ایشان را صورت فانی  
 بعضی از مردم خود را در در حال تحقیر و تمسخر از آن کلمه باز کرده اند که نام مقدس این صفت است  
 این قبیل مطالب بسیار نادر و نیکو است فرمود حضرت امام فاضل که موقوف این عبادت است  
 و صد البته که منظور مطالب حضرت در حال مبارک که است نه حال هم با قیام علما مطلب را اظهار کرده  
 در مذهب است فریاد کثرت و نماز که حال کثرت که در این عرض این مطالب است تا بهر نسبت است  
 برکت مراد از این پیش از این که گویم مطلب است







در اسفند

از این روز تا روز ولادت امام علی علیه السلام به سرور

شماره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب		اطلاعات
۱		روز	ساعت	دقیقه

مردم محترم و ولایت با شمع خردان در وسط کربلا من حرب امرفه به کمان اعلی حضرت آمدن و در این روز است  
 من این مردم را با حقوق و عدم نظیر و خیر رجوع است مگر از این مردم که است هم در قمر غایت که را از  
 این حقوق و صورت حقوق تفریبات است به غیر فکلی و حق در کلمه به استثنای اخیر راجع به صورت است  
 و اخیر راجع به صورت است که در این روز است از وزارت سرزده بخوبی و در کلمه که سفر است هم در  
 کتب است خوشان یا آنها که است را است به نه و خوب است به خوب است با این روز که سفر و اطلاع  
 حرام است به نظر که مردم است مردم را از این است که برابر است صادر خوب است کام خوب است آنها که  
 طبع و سفر و لای سلطان به ایچا



چهارمین

به

آیا کتک کانی و کتک علی میرا

از هر

غزوه	عد کلک	تاریخ اصل مطلب	اطلاعات
۳۲	۲۲۰	روزی ساعت دقیقه	

خاسته است اصغر اکرم فخر نام در گرض و م ق به فرار از دست مگر در کار زدن بر نفس کجا جواب را می دانم  
 و کما حق الله به و کلمات دیگر در موطا است و این کتاب در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است  
 در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است  
 مع سوال آنها را عادت که گفته در ح نام در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است  
 کار که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است  
 تصدیق است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است  
 مع است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است  
 در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است

بوابه کتک کانی	تاریخ	شهر	سال	کتاب
			۱۳۲۴	گفته شد



مجلس

از آن روز که این کتاب را به

ایالات ایران و اعلیای آن

از آن روز

اطلاعات

فایده حاصل مطلب

در کتاب

مؤلفه

روزها ساعت دقیقه

ص ۳۲

کتاب در کتب فقه در احمد از افک است و مگر مختصر جامع نوعه الرضای است که در فقه مخلص و غیره در  
در حفظ مفسر است و در فقه مختصر که برابر است با مردم و مهم است پس که در دسترس است و در وجه بیست و پنجم  
امور است از فقه طالع در بعضی است و در بعضی است

گفتند

کتاب

شهر

تاریخ

نوامیس ملک افغانه



ایالتی که از او و اعلیایک بر

از طران

مؤرخه	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب		اطلاعات
۶۷		روزها	ساعات	

بسیار است که میسر نباشد چنانچه هر یک از اینها در خصوص دایره مورد نظر است که گذر زمان در یکجا و فراق و اینها در سنج چهار هزار چهار صد  
 بنا به یک قانون در هر دو مورد در اینها است حقوق و فروع اینها در فراق و سنج چهار هزار چهار صد که در فراق و قرآن  
 فروع و در هر دو مورد است برادر که در هر دو مورد است در هر دو مورد و اما حال رسیدن فروع و فروع که رسیدن  
 سنج هزار را تا همین که میسر نباشد فروع و اینها در هر دو مورد است در هر دو مورد و اما حال رسیدن فروع و فروع که رسیدن

صادر وزارت عدلیه در تاریخ ۱۳۲۴



ای ایالتی و اعلیٰ به سر

از طری

منوره	عدکلا	فانج اصل مطلب		اطلاعات
صحه		روزه	ساعت	دقه

دست امر ارم و در مضمون نام فله ای فریضه ایور تا که سر به جثا اور باره و باران طرکم  
 در این مضمون شرط ام مورد و خط دور و در این است که هر قدر در کانه اعلی حضرت  
 و زکات قدس باری است بنام او که هر چه در حق سیم است جمله سوره سنجی است به مقصود الله  
 و ما حاصل قدرت و نظیر و فریضه این طرف ایم سیم علم اعلا و سرف و عین و طبقه نظام و  
 شمار و عامه ای که سیر از این دایره است و صدها این طرف سیم ما میسایف و سرف و ایالت رفقا  
 که در فرود و در او چه در خاک عیس ای این است که این از این که در سیم است و سیم صفا  
 طرف فرس طرف قدس اعلی از این که در این است که در ایالت ایالت سیم سیم است که  
 افاضه است که هر کس از این وجود حکام سر و سر و خارج شود اعم از طبقات نظام است

بنام مطهر ملک الخانه	بنام پنج ۱۵	شهر صفر	سال ۱۳۲۴	کریه کندی
----------------------	-------------	---------	----------	-----------



دانشگاه

ایالات فکری و تعلیمی ایران به شماره

از ۱۰

اطلاعات	تاریخ اصل مطلب	عد کل	شماره
	روز		
	ساعت		
	دقیقه		

و غیره در حال محرز برضه و نه کله بلکه افراج و نه نفوسه در دست نظم حکمت و نه عیبه اما  
 در عین الزام که نسیم جسد خاصه و نظرات خاصه هر طریقه است و نه سن بدون است و نه از او خبر  
 و عادت که بصفت کسارت با بر مدارک است و نه یک قبضه کسیر حوام با قمار حاکم است و نه  
 حمت که بر آرزوی کس و نه داری خاست و نه اخس رفو و نه شمه شود و نه ان طوره که نشسته مفاد و کار را  
 و نه نیست نشانه و نه است برهنی خفون است از این تاریخ بعد به سمند نشسته و نه کیف فرضه خفون است و نه  
 بر حوت نظم و نه است در صدمات دیوان اعلی محرز و نه در امور است مطالب است و نه در امور است  
 بر سه سطح است و نه محرز





ایالتی کرامتی و اعلیٰ لیکن

آن طهران

اطلاعات

تاریخ اصل مصلحت

۱۳۲۴

منوره

دوینا

مناعت

دقیقه

لقد حصری

جناب صاحب کرم و در محضر منام قالیان علی بن محمد بن حیدری بخارا ایجاب استخوان اصل کرامتی قابل الدوله و سپهر درام قابل هم دیدم کینه فخری از باب  
 شرفت کار خندان تقویت دولت شاهه و شعار کرده بود بدین ظلمات را خبر و در دم تا تیرم تیرم زیر شاهان دولت و زمانه  
 دولت تیرم حزب و بد و نظم و نظمی استیلا راجع بدولت است در خط مفاات نظم و شرف مقاصد نظرات مقصدت فقهت فقهت فقهت  
 خرابی که خیال باطنی قدرت و استقلال از عهد تمام و جرای تعالیف چاکری و بی منت پرستی خندان آید و برجات نظم ذات و شیر عام  
 ایله و نیت مکت را نذارک نایند قشون امور و توقف فارس نام در حکم جنایا و امر نیت خولید و در سر کولها زده خود قدمی خارج کرد  
 در حال سختی اید و در خیر نهد کس هم موافق نموده منتهی به خروج است و نفاذی هیچ وجه ندرت که محتاج نذارک باشد و الله نذارک نیند  
 حقوق قشون و خرج است که در شهر است که نده نذات لیت از طرف قرین شرف استن با این مشایخ ار و خاندان بیک است  
 مرتبی جای فرستید و نماز که خرج کن که شهر است بر تصرفات بگردید اما محتاج با طایر و وجه رسد با لاکه در تحت خستیا خندان

گرفتند

۱۳۲۴

شهر

بنا تاریخ ۱۵

بنام مطهر کرامتی



مجلس

ایالت کربلی و اقلید

از طهران

اطلاعات	تاریخ ارسال مطلب	عد کلک	شماره
	روم		تقدیمی
	ساعت		
	دقیقه		

است چون کتاف بجایه دربار آباد رسید و یکی از مطالب خایه بی بی حاج میرزا علی مبارک است در امر او و اجازت  
 بود جواب آن را با ضرورت بعد از جهت اولم داد و سلطان محمد اسد







۱۳۰۴

ایالتی و قلمی

از طرف

به

اطلاعات	تاریخ اصل مطلب	عد کلما	نمره
	رومنه		۳۶
	ساعت		
	دقیقه		

حاجت صدر اکرم قادر محض دام فله از اراد و در امور که مندرج است در این برگه رسید به این وقت بهین و شرف از  
 در این امر است و جهت آنرا که در دو مورد که مندرج است در این برگه مندرج است در این برگه مندرج است در این برگه  
 بعد از آنکه خطین خاک بر او جاری است کرده است و در این برگه مندرج است در این برگه مندرج است در این برگه  
 پس از آنکه خطین خاک بر او جاری است کرده است و در این برگه مندرج است در این برگه مندرج است در این برگه  
 سال این مستر و کت تاریخ و نظایر این الفاظ واقع گردد و در این برگه مندرج است در این برگه مندرج است در این برگه  
 احمد فرازم ای سلطان عبد المجید





در بیان

### ایالات ایران و اقلیتها

از من

اطلاعات	تاریخ اصل مطلب	عدد کلمات	فهرست
	روز	۲۷۰	۹۱
	ساعت		
	دقیقه		

حیات افکار مردم و مخصوصاً دام و به در صبح رادری است که در معرض حال و حال این  
 اندیشه‌ها به رخ فوری که در طبع او آمده است. این آنگاه بر ارض و نشان که در این میان به روزه طریقی  
 موقوفات بعد از مریدان است. این نوع از روزه و اوقات مهم است از جمله مراجه عظیمه و نظایر آن  
 و اوقات دیگر که در این میان است. این نوع از روزه و اوقات مهم است از جمله مراجه عظیمه و نظایر آن  
 و همچنین اکتفا به این نوع از روزه و اوقات مهم است از جمله مراجه عظیمه و نظایر آن  
 که مستند به این نوع از روزه و اوقات مهم است از جمله مراجه عظیمه و نظایر آن  
 مستند به این نوع از روزه و اوقات مهم است از جمله مراجه عظیمه و نظایر آن  
 از خط مرفسان که در صدد آنستند که در این میان به روزه طریقی

بوم‌مطهر ملک الفخامه	تاریخ ۲۱	شهر ص	۱۳۲۲	گرفته شد
----------------------	----------	-------	------	----------

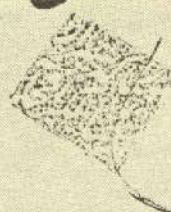


ایالت کلان ایران و انقلابیون  
 به شماره

از ۱۲

اطلاعات	تاریخ اصل مطلب	عد کلک	نمونه
	روشنی	مناحت	دقیقه

بخش فطریک منظور شرف صدور است و این است اعظم در هر فصل شرف است و هر چه  
 است این کار است سردار این خون خسته است تا هر دو است مرض است نه رفعت است و جلالت  
 از رفعت نمونه گذارند در است طرف فریب است و از است سر است تحت نمونه است  
 و صلاح است این دفعه گذارند در است در است آید اما در و کفیات است است از است  
 در است در است





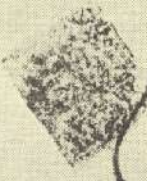
مجلس

رای اکثریت از کمیته ملی

از طهران

متره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب		اطلاعات
۹۹	۱۰۰	روز	ساعت	
		دقیقه		

خط فاش بمجرم دلايات به تعبير خداين بگزارف شود چون برب اراوه عليه بازين شمشيرى و خاندانهاى براى دولت صليده عليه  
اشتاب بگنيزد ز حال محترم دولت لازم بود نظر نگاهبان اعتمادات امير ملوكا به مرتب است و در توارى خيابان بگزارف حاج محمد  
دوم ناله سلطان شرح و مخطا بنم نطق مبارک شعبه صدر دولت چه تقصد سبب گفتاين بيان و گندار شرب با امر انما بايد عزم با جا  
تغريب الله را باين است شامه در مطالب را چه بگفته باشن رجوع نمائيد سلطان محمد





در اسرار

ایالتی و عالی پیرا به اسرار

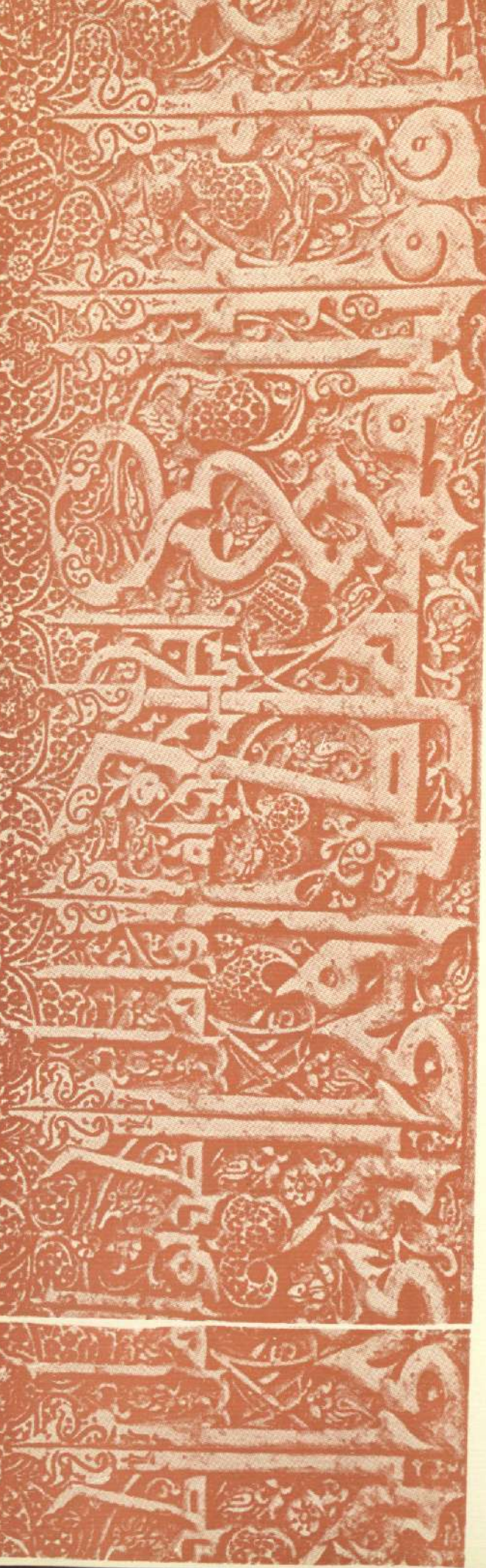
از کون

اطلاعات	تاریخ اصل مطلب	عد کلک	نمبره
	دو شنبه	ساعت	دقیقه
			۴۲

خط ابصر اكرم چشم در معرض دام است كه تهر و خاستگاه دراجت فردا بفرودگاه  
 بقیان ۱۶ از چهارم وادعای ابراهیم خان برانای نقطه فرار و اعلام در خدمت مملکت و شنیدن  
 حضرت کهر از دست ایشان گرفته و بکسر صاحب مال است بطور صریح بفرمانده است و خصوصیت  
 وقت از دست ایشان هم بکسر کفایت نموده است و از این بطن است هم از سر رعایت است از این  
 و بصر و صبح بخواب مال کل را در خزانه ختم است باین خط است که مردم را بصر است و در  
 عرصه طلوعی که از حاکم الیروض است براه فرار و در صورتی که بفرمانده است بفرمانده است  
 که بفرمانده است که در این بصر بفرمانده است که در این بصر بفرمانده است که در این بصر  
 بفرمانده است که در این بصر بفرمانده است که در این بصر بفرمانده است که در این بصر

بواسطه تکران افغانه	تاریخ ۱۶	شهر بهرام	۱۳۲۴	گرفته
---------------------	----------	-----------	------	-------

بسیح الاول ؟



معرفی

# چند آثار تاریخی

تبریز

بقلم

سروان مجید وهرام

## معرفی چند آثار باستانی تبریز

بقلم

سروان مجید وهرام

در شماره‌های گذشته شمه‌ای از جغرافیای تاریخی تبریز از نظر خوانندگان گرامی گذشت. اینک باعث نهایت مسرت است که برای تکمیل مقالات پیشین تعدادی از آثار باستانی مهم تبریز را با گراورهای جدیدی بدوستاران آن معرفی نمایم. چون نمیتوان تمام آثار باستانی و شرح دقیق و فنی آنها را در این مختصر گنجانید لذا کوشش شده است ضمن رعایت اختصار نمونه‌هایی مصور از آنان ارائه شود.

بجرات میتوان گفت که بزرگترین دشمن ابنیه تاریخی تبریز قهر طبیعت بوده است و افزون بر آن هجوم‌های پی در پی بیگانگان نیز سهم بزرگی رادر

تخریب آثار ارزشمند آن داشته است.

آثار باستانی تبریز را میتوان بدو دسته تقسیم بندی نمود:

الف- ابنیه ای که تا چندین قرن پیش وجود داشته ولی متأسفانه بطور کلی ویران شده و از بین رفته اند ولی خوشبختانه نام و نشانه آنها در کتب تاریخی باقی مانده است.

ب- آثاری که هنوز پابرجا و با بصورت نیمه ویران و متروک و یا تعمیر شده باقی هستند.

### ابنیه بسیار قدیمه:

از آنجا که سابقه بنای تبریز به روزگاران بسیار کهن میرسد در این شهر نیز بی شک مانند سایر شهرهای مهم قدیمی، قلعه های نظامی و باروهای مستحکمی نظیر آنچه خسرو ارشاکی حکمران ارمنستان در آغاز ساخته بود وجود داشته که بتدریج دست چپاول گرزمان حتی نامی هم از آنها بجای نگذاشته و چون رودی خروشان و بی رحم آنان را بکلی شکسته و نابود کرده است. یاقوت- حموی در معجم البلدان می نویسد: «تبریز شهر بلاد آذربایجان و شهری آباد و زیباست، باروهای محکمی دارد که با آجر و گچ بنا شده...» ۱۰۷

هنگامی که غازان خان در تبریز زمام امور را بدست گرفت این شهر باروی مستحکم شش هزار گامی داشت که در عهدوی بنا به نوشته لغت نامه دهخدا تا ۵۴۰۰۰ گام افزایش یافته بود. ۱۰۸ متأسفانه از قلعه ها و حصار و بارو و پنج دروازه وسیع و رفیع و هشت دروازه کوچک قدیمی اثری این شهر اکنون بجای نمانده است.

### شب ۱۰۹ غازان

غازان خان پسر ارغون یکی از ایلخانان بزرگ و معروف مغول بشمار

۱۰۷- معجم البلدان ذیل ماده تبریز- تاریخ تبریز مینورسکی ص ۱۶.

۱۰۸- مینورسکی در تاریخ تبریز طول باروی غازانی را ۲۵۰۰۰ گام ذکر کرده است.

۱۰۹- در فرهنگ های فارسی کلمه شب (شام) به فتح شین و گاهی به ضم آن به معنی گنبد و قبه آمده است. ظاهراً لغت شب بدین معنی در فرهنگ فارسی قدیم وجود ندارد بلکه



میآید. او پس از بازگشت از لشکر کشی شام در محل ارغونیه که در زمان پدرش قصری در آن بنا شده بود، تصمیم به آبادی آن گرفت و در نظر داشت آنجا را بصورت شهری بزرگ در آورد. برای اجرای ط-رح خود از مهندسان و معماران ایرانی و خارجی استمداد جست و بپشتکار زیادی در احداث قصری بسیار زیبا و رفیع و چندین واحد ساختمانی از قبیل مقبره گنبد دار و مسجد و مدرسه دارالسیاده، رصدخانه، کتابخانه، دیوانخانه و چند گرما به همت گماشت. خواجه رشیدالدین فضل الله می نویسد: «غازان در شنبه شانزدهم ذی الحججه سال ۶۹۶ هجری در میان باغ عادلیه در محله شم بنیاد قبه و گنبد بلندی را نهاد و در آن کارهوی و شعفی تمام داشت و همهواره بر سر استادان بنا و معامله تردد میکرد. مهندسان سؤال کردند که در چند موضع جهت روشنائی روزن بگذاریم فرمود که از بهر چه، گفتند تا زیر زمین (یعنی محل قبر) روشن باشد جواب داد که روشنی آنجا از اینجا می باید برد والا روشنائی عارضی در آن موضع سودی ندهد... ۱۱۰ و نیز در جای دیگر مینویسد که آنجا را اختیار فرمود در خارج شهر در جانب غربی در موضع شنب، خوبستن طرح کشیده، آن را بنیاد نهاد و این زمان چند سال است تا بعمارت آن مشغولند. و از گنبد سلطان سنجر سلجوقی به مرو که معظمترین عمارت عالم است بسیار با عظمت تر، سپس صاحب جامع - التواریخ صورت موقوفات آن بنای عظیم را بتفصیل ذکر میکند.» ۱۱۱

این لغت در زمان حکومت حکمرانان مغول مانند بسیاری از لغات مغولی دیگر وارد زبان فارسی شده است که بعد از ساختن گنبد مقبره غازان خان آنرا باین نام خوانده اند. این لغت در جامع التواریخ رشیدی (شم) و در تاریخ و صاف و نزهة القلوب «شام» آمده است. ولی آقای دکتر محمد جواد مشکور در مقاله خود درباره شنب غازانی که در مجله باستانشناسی و هنر شماره ۳ سال ۱۳۴۸ بچاپ رسیده نوشته اند که در زبان آذری فهلوی در نواحی آذربایجان زمینهای هم سطح رودخانه و مسطح که برنج کاشته میشود «شام» نامیده میشود.

۱۱۰ - جامع التواریخ رشیدی ج ۲ ص ۹۳۳.

۱۱۱ - مجله باستانشناسی و هنر شماره سوم سال ۱۳۴۸ ص ۲۴ مقاله شنب غازانی نوشته دکتر محمد جواد مشکور.

اولیا افندی Oliya Efendi که در قرن نوزدهم شنب‌غازان را دیده مینویسد: «... برجی است سر به فلک کشیده. وقتی آنرا دیدم قسمتی از دروازه در اثر زلزله کمی آسیب دیده بود» ویلبر بنقل از گدار نوشته است «... مقبره مزبور برج بلندی بود که روی آن گنبد ساخته بودند و بیشتر به برجهای مراغه شباهت داشت تا به مقبره سلطان سنجر یابه مقبره اولجایتو در سلطانیه». ۱۱۲

مشارالیه روایات چند نفر از سیاحان و نویسندگان ایرانی و خارجی را بررسی نموده و اظهارات گدار را تأیید نموده است.

تاریخ و صاف درباره ساختمان شنب‌غازان بررسی بیشتری بعمل آورده است می نویسد: «در سال ۷۰۲ هجری غازان خان برای ساختن شام تبریز (شم یاشنب) که قبه الاسلام است مهندسان را از اطراف حاضر کرد و آهن و آرزین (قلع) از روم بیاورد و از آن شمشها و طوقها ساختند و حجاران سنگها بتراشیدند و با سنگهای تراشیده بنیانی هر چه استوارتر بر آوردند و چون دایره بنا مقداری از زمین بالا رفت دیواری از آجر بر روی آن بساختند. ضخامت هر دیوار پانزده گز برابر باسی و سه آجر چسبیده بیکدیگر بود که هر کدام از آن آجرها به تنهایی ده من تبریز وزن داشت. در این بنا هر روز چهارده هزار و چهار صد عمه کار میکردند که سیزده هزار تن از آنان مستمراً و هزار و چهار صد تن بعنوان کمک استخدام شده بودند». ۱۱۳

ارتفاع گنبد مقبره غازانی یکصد و سی گز و طول دیوارهای آن هشتاد گز و همچنین طول هر یک از اسپرهای سطح جانبی بنا در حدود ده گز و محیط دایره گنبد پانصد و سی گز بوده است. ۱۱۴

۱۱۲ - ر.ک. به کتاب ویلبر ترجمه دکتر عبدالله فریار ص ۱۳۶.

۱۱۳ - مجله باستانشناسی و هنر شماره سوم سال ۱۳۴۸ و برای آگاهی بیشتر به تاریخ و صاف جلد ۳ ص ۳۸۵ و ص ۹۱ و تاریخ تبریز تألیف نادر میرزا و نیز به چهل مقاله حاج حسین نخجوانی ذیل مقاله شام غازان مراجعه شود.

۱۱۴ - تاریخ و صاف الحضرة جلد ۳ ص ۳۸۵.

از نوشته‌های تاریخ و صاف و حبیب‌السیر چنین استنباط می‌گردد که بنای مقبره شام‌غازان طرح منشور دوازده ضلعی داشته و هر ضلع آن بشکل برجی ساخته شده بود و بنای مقبره‌غازان در وسط ابنیه دیگر بطرز بسیار عظیم و شگفت‌انگیزی ساخته شده و درون آن بساتزئینات زیبای جالبی آرایش یافته بود.

دیگر از بناهای باشکوه شب‌غازانی بستانسرا و قصر عادلیه نام داشته است که در روی دیوارهای آن نقوش گونه‌گونی را نقاشی نموده بودند. این قصر از نظر تزئینات و بکار بردن اسباب و آلات زینت از قبیل قندیل‌ها و لگن‌ها، شمعدان‌های زرین و سیمین در آن روزگار بی‌نظیر بوده است.<sup>۱۱۵</sup>

در حبیب‌السیر چنین مسطور افتاده است که هشتاد عدد قندیل زرین و سیمین که وزن هر یک از آنها بیش از پانزده من بوده در مقبره آویخته و برای نقاشی سقف و سطح درونی آن بالغ بر سیصد من لاجورد صرف کرده بودند. علاوه بر مقبره و قصر عادلیه چندین واحد ساختمانی بشرح زیر در محوطه شام‌غازان در زمان حیات وی احداث گردیده بود:<sup>۱۱۶</sup>

- ۱- مسجد جامع
- ۲- خانقاه درویشان
- ۳- مدرسه‌ای برای دانش‌آموزان و دانشجویان مذهب شافعی اسلام.
- ۴- مدرسه‌ای برای پیروان و طالبان مذهب فقه حنفی
- ۵- بیمارستان (دارالشفاء)
- ۶- خانه‌ای برای متولی مقبره‌غازان خان (بیت‌المتولی) که همه روزه در آنجا مأمور تدبیر منزل و ترتیب مصالح مردم و منزل دادن بایشان بود.

۱۱۵- مجله باستانشناسی و هنر شماره سوم سال ۱۳۴۸ نوشته دکتر محمد جواد مشکور ص ۲۴.

۱۱۶- تاریخ و صاف جلد ۳ ص ۳۸۵ و چهل مقاله حاج حسین نخجوانی ذیل مقاله شب‌غازانی.

۷- ساختمان کتابخانه

۸- رصدخانه

۹- مدرسه حکمتیه جهت اقامت حکما و تعلیم علم حکمت و فلسفه

۱۰- حوضخانه و آب انبار

۱۱- بیت القانون جهت گذاردن دفاتر و قوانین که غازان خان وضع کرده بود.

۱۲- بیت السیاده یا دارالسیاده که مهمانخانه‌ای مخصوص پذیرائی سادات بوده است.

۱۳- گرمابه‌ها و غیره برای مسافرین.

۱۴- باغهای اطراف ابنیه غازان خان ۱۱۷

شاهزاده نادر میرزا با استفاده از حبیب‌السیرو و تاریخ و صاف و جامع التواریخ و دانسته‌های خویش اطلاعات دقیقتری در این باره می‌دهد. وی مینویسد: «... آهن و روی بسیار به بنیان این عمارت بکار بردند. چون بازمین مساوی شد دیوار کسر عرض آن جدار به سی و سه عدد آجر بیکدیگر چسبیده مقرر کرد که پانزده ذرع بود و هر آجری ده من بوزن تبریز بود در هر دوری چهارده هزار و چهارصد خشت انداز بکار بود بالای قبه معبد منبع و یکصد و سی ذرع طول، جدار آن هشتاد ذرع «...»<sup>۱۱۸</sup> ولی متأسفانه بنائی بدین عظمت را که غازان خان با کوششی بسیار برپا ساخت مانند اکثر ابنیه تبریز نتوانست در مقابل آسیبها و صدمات پی‌درپی زلزله و بخصوص سایر عوامل ویران‌گر مقاومت کند. با توجه به نوع مصالح و آجرهایی که بدانگونه در ساختمان شم بکار رفته بعید بنظر میرسد که تقریباً در هیچ شرایطی زلزله بتواند آنرا ویران کند. زیرا حتی در صورت وقوع سخت‌ترین زلزله‌ها بایستی لااقل باندازه سایر ابنیه تبریز که از نظر استحکام بمراتب از آن سست‌تر بودند باقی میماند. باید

۱۱۷- چهل مقاله حاج حسین نخجوانی بکوشش یوسف خادم‌هاشمی نسب ص ۴۲.

۱۱۸- ر.ک. به ص ۹۰ تاریخ نادر میرزا.

تعصبات مذهبی از يك سو و فراوانی و ارزشمندی مصالح این بنا را از سوی دیگر از مهمترین عوامل ویرانی آن بحساب آورد. مثلاً در مورد اینگونه تخریب‌ها شاهزاده نادر میرزا چنین مینویسد: «این بنا باقی بود تا بسال... (؟) از هجرت پادشاه اسلام پناه (؟) صفوی بسبب این وهم که لشکر عثمانی شنب‌غازان مأمّن و محکمه کند حکم بانهدام (آن) فرمود. اطراف حصار به لشکر ایرانی تقسیم شد به چهار روز بنیاد این حصار استوار را برافکنند.»<sup>۱۱۹</sup>

کاتب چلبی در سال ۱۰۴۵ که با سپاهیان عثمانی به تبریز آمده بود در کتاب جهان‌نمای خود از عظمت مقبره غازان خان و آبادی اطراف آن سخن رانده و شرح مبسوطی درباره باغها و اشجار قصر عادلیه آورده است.

تاورنیه نیز در سال ۱۰۴۶ بایران آمده و بنای شام‌غازان را دیده و آنرا ستوده است. وی می‌نویسد با وجود اینکه این بنا نیمه خراب است ولی هنوز ارتفاع آن خیلی زیاد و قطر محور آن ۵۰ قدم میشود و نیز اضافه میکند که دیوارهای بسیار بلندی دارد و چمنزار اطراف آن دلالت بر قدمت آن مینماید. این بنا در سال ۱۶۵۱ میلادی در اثر زلزله ویران شده و برج آن از بالا تا پائین شکاف برداشته است، حتی قسمتی از آنهم فرو ریخته است و می‌مانند سایر سیاحان اشاره بخطوط قرآنی نموده و مینویسد اسماء الله در گچبریهها نوشته شده بود و نیز از گچبریههای این عمارت و آجرهای منقوش آن جمله (غازان قآن) (خلد الله ملکه) و لفظ جلاله و سایر اسماء الله را بخط کوفی نوشته بودند از این قبیل نوشته‌ها در غازانیه بسیار دیده شده است حتی اکنون هم یافت میشود<sup>۱۲۰</sup> و برپیشانی این مقبره با کاشیهایی باخط بسیار عالی چند سطر در تعریف غازان-خان و توصیف بنا و تاریخ ساخت آن نقش گردیده بود که عین خطوط خواننده

۱۱۹- د.ک. کتاب تاریخ داد السلطنه تبریز

۱۲۰- این سیاحتنامه را اخوی زاده دکتر عباس نخجوانی در اروپا دیده و این قسمت را از آن کتاب یادداشت کرده است- ص ۴۳ چهل مقاله حاج حسین نخجوانی.

شده که دارای اهمیت تاریخی فراوان است در مقاله آقای دکتر محمد جواد مشکور در مجله باستانشناسی و هنر شماره سوم سال دوم (۱۳۴۸) در صفحه ۲۶ مضبوط میباشد.

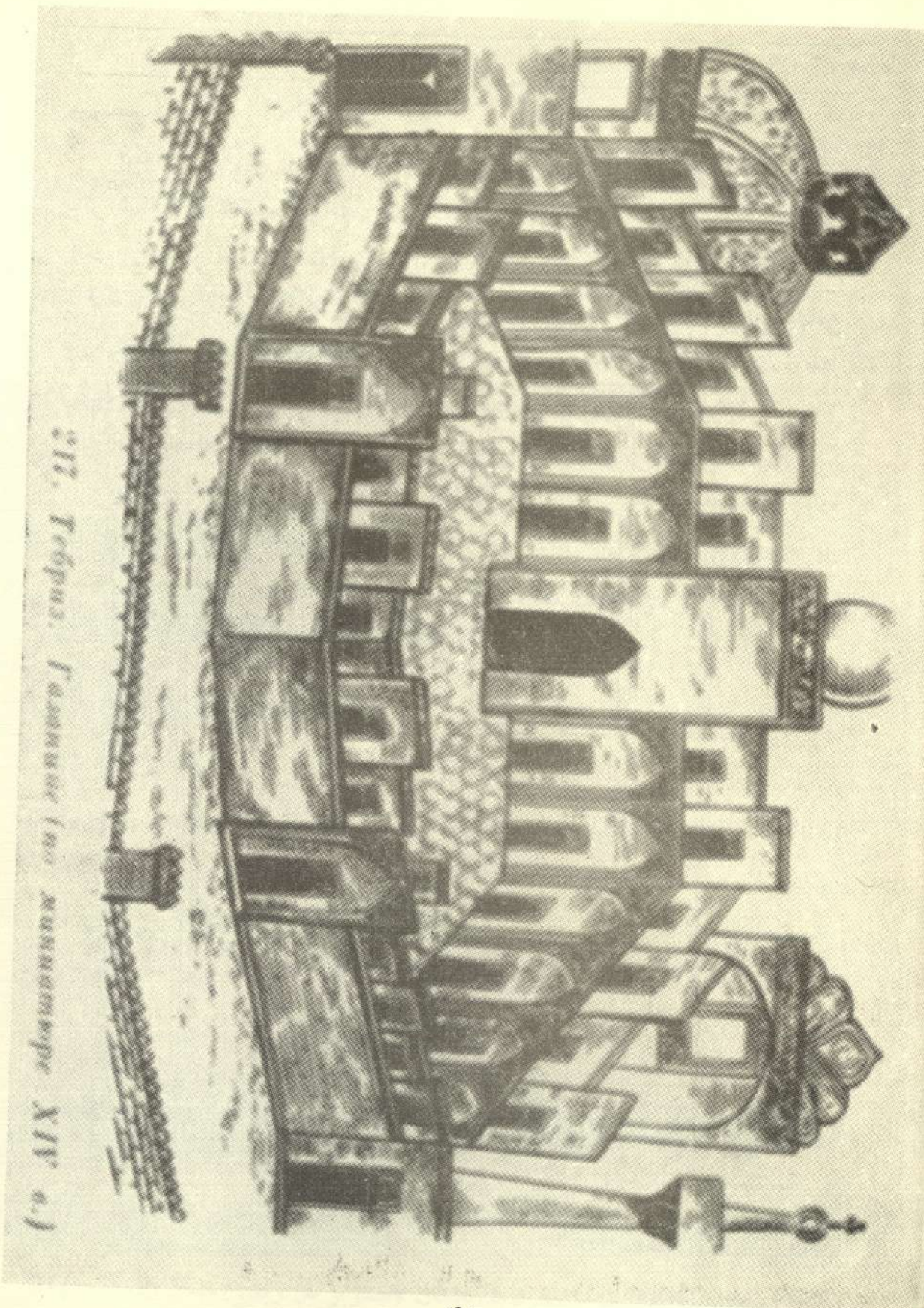
بطور کلی اکثر سیاحانی که در سده نهم و دهم هجری بایران آمده اند در سفرنامه های خود راجع به بناهای شنبغازان مطالبی ذکر کرده و تقریباً متفقاً از عظمت و جلال و شکوه بنای غازانی سخن رانده اند ولی متأسفانه تقریباً هیچ يك به جز «ویلبِر» مدارك جالبی از طرح و نقشه و چگونگی بنای آن ارائه نداده اند. طرح شکل (۱)

ژان شاردن سیاح فرانسوی که در سال ۱۶۷۳ میلادی در زمان شاه سلیمان صفوی تبریز را دیده مینویسد: «... از مقبره غازان خان امروز فقط يك منار شکسته بلند باقی است و منار غازان خان نامیده میشود.»<sup>۱۲۱</sup> از این گفته بخوبی پیداست که این بنا با سرعت شگرفی در مدتی کمتر از پنج قرن تقریباً با خاک یکسان شده است.

در حال حاضر دیگر هیچ اثری جز تلی خاک از این بنای باشکوه باقی نمانده، تنها بعضی از مصالح آن بویژه آجرها و کاشیهای آنرا میتوان بطور پراکنده در سایر ابنیه تبریز یافت بخصوص در بنای مسجدی که در مجاور آن ساخته شده و قسمت اعظم مصالح مسجد از شام غازانی تهیه شده است.

در بازدید که ویلبِر در سالهای ۱۹۳۷ از این محل بعمل آورده موفق به جمع - آوری قطعاتی گردیده که کار تحقیق وی و دیگر باستانشناسان را آسان تر ساخته است مشارالیه می نویسد: «... در محل ساختمان آجرهایی به ابعاد ۲۷ سانتیمتر مربع و به ضخامت ۷ سانتیمتر در خاک افتاده بود و همچنین قطعاتی با حروف کوفی پیدا شد و نیز تعداد زیادی آجر که پوشش لعابدار آبی دارند و شاید زمانی

۱۲۱ - ر.ک به ص ۲۹۰ سیاحتنامه شاردن.



117. Тегрус, Фахрусе (по миниатюре XIV в.)

۱- طرح بنای غازانی (تصویر از کتاب معماری آذربایجان)

در سطح گنبد بکار رفته بوده اند.

قطعات سفالی فراوان شامل قطعات آبی و نیلی و کاشی سیاه بود. این رنگها با ترکیببات مختلف در طرحهای تسمه‌ای و بانقوش گنجانیده شده در ساختمان آجری، بکار میرفته است. و کاشیهای لعابدار که بشکل کثیرالاضلاع و قطعات باد بادک مانند در آورده شده نیز پیدا شد. بعضی نقاشیهای بازمینه لعابی و برخی جلای فازی دارند... بعلاوه قسمتی از شرح مقبره توسط رشیدالدین نشان میدهد که پنجره‌های سرداب از سطح زمین بالاتر بوده و بنابراین کف اطاق مقبره می‌بایست از سطح زمین بلندتر بوده باشد. ۱۲۲ و یلبیر با اظهار این بیان که اطاق مقبره بلندتر از سطح زمین بوده خواسته است ثابت کند که طرح گنبد غازانی از طرح برجهای مخصوص مقابر آسیای صغیر ملهم گردیده است و تقریباً با همان مقیاس طرح گنبدی خیالی را ترسیم نموده است. (شکل شماره ۲)

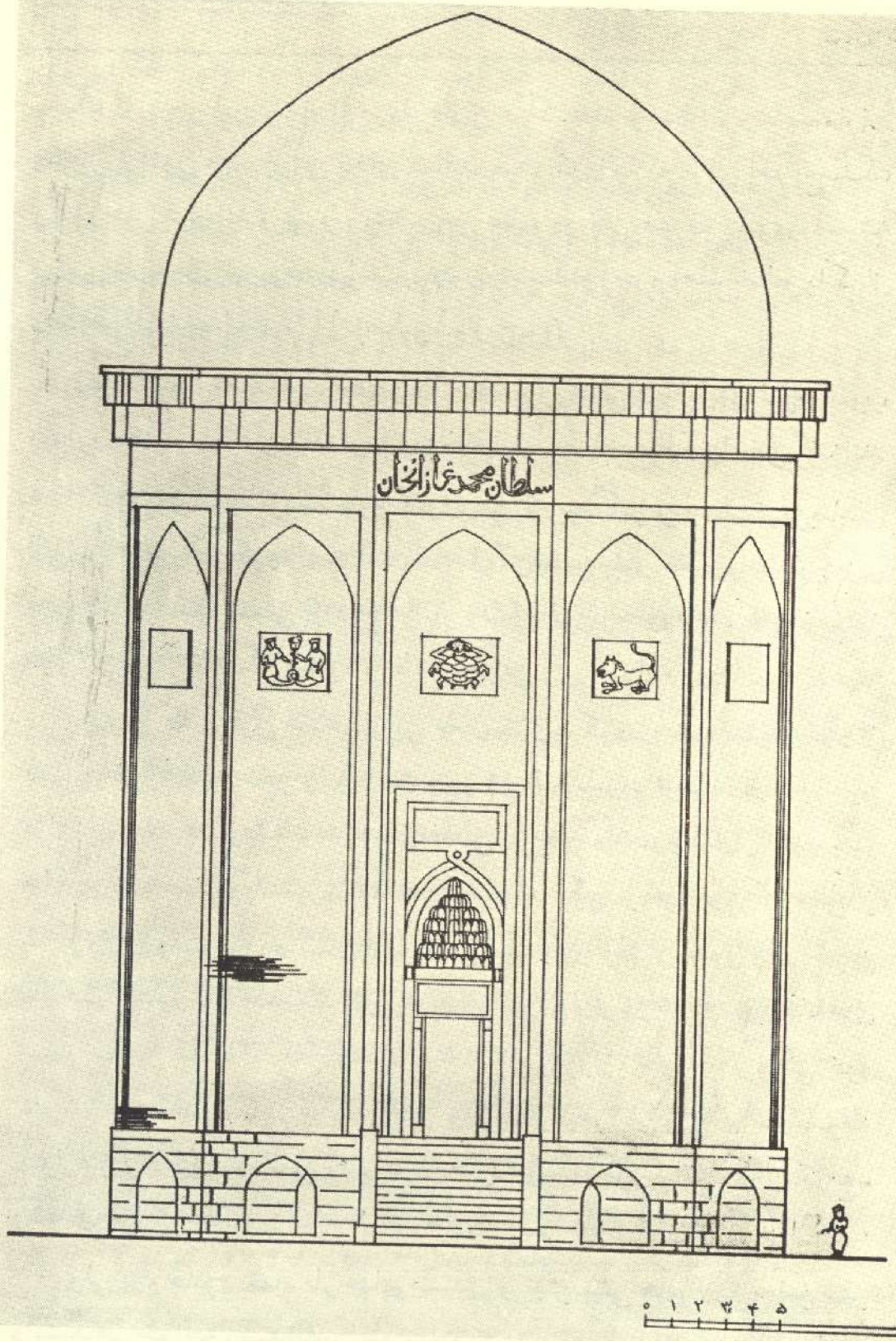
#### ربع رشیدی :

دیگر از بناهای باستانی تبریز ربع رشیدی میباشد که اختصاراً درباره آن در شماره چهار-سال پنجم سخن رفته است. مجموعه این شهر دانشگاهی بفرمان خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر غازان خان بنا گردید. ولی آن بنای عظیم نیز مانند شنب غازانی در اثر زلزله‌های سهمگین و دیگر حوادث تاریخی بکلی ویران شده و امروزه جز خرابه‌ای از آن چیزی باقی نمانده است. وای چنانکه در تواریخ مسطور است روزگاری خود تقریباً شهری عظیم و مستحکم بوده و تنها در زمان غازان خان ۳۰۰۰ خانانه و ۱۵۰۰ دکان و ۲۴ کاروانسرا، حمام، آسیاب، کارخانه، ضرابخانه، صباغخانه و باغ زیادی در اطراف آن احداث گردیده بود ۱۲۳ «طاقها و دیوارها بیشتر مقرنس و سنگها همه یکرو تراش کرده و باصل دیوارها بکار برده، بومیان تبریز اینجا را رشیدیہ گفتندی.

۱۲۲- ر.ک به کتاب معماریهای اسلامی ایران در دوره مغول تألیف دونالد ویلبیر ترجمه دکتر عبدالله فریار.

۱۲۳- تاریخ تبریز مینورسکی و معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان تألیف دونالد ویلبیر ترجمه دکتر عبدالله فریار.





۲- طرح مقبره غازانخان (تصویر از ویلیس)

سنگ و آجر این بنا [را] مردم نادان برکنندند و بکار بردند بعمارات خویش اکنون هیچ از آن بجای نمانده مگر گودالها که برای اخراج سنگ و آجر حفر کرده اند و پی و ریشه برجی عظیم در تلی مشرف بکوی باغمیشه و این بنا بشمال تبریز محلی است. چون باسنگ و آجر و آهک خالص با کمال دقت عمارت شده است. «۱۲۴ (عکس شماره ۳-۴)

این بنا تا دوره صفویه پایرجای و سالم مانده بود و مدتی جزو ابنیه دولتی محسوب میگردد و اکثر سیاحان متفقاً از کثرت اطاقها و استحکام حصار آنها سخن گفته اند. کلاویخو در سفرنامه خود آنرا یکی از بزرگترین و عظیمترین بناهای آن روزگار ذکر کرده است، متأسفانه از آن چنین بنای عظیم و استوار چیزی باقی نمانده فقط قسمتی از برج آن در وسط باغی برجای مانده که باز هم از نظر تزیینی نمایشگر شکوه و عظمت دیرین آن میتواند بود.

شاردن که در قرن هفدهم از این محل بازدید کرده در سیاحتنامه خود از قصری بنام رشیدیه سخن رانده است و نیز دو نالدویلبرمی نویسد: «رشیدالدین برای پیشرفت علم و صنعت طرحهای مفصلی در نظر داشت و قبل از سال ۱۳۰۰ میلادی به ساختمان یک شهر دانشگاهی دست زد. یکی از مورخین که زمانی از شاگردان و دست پروردگان او بوده می نویسد در زمان مغول وقتی تبریز پایتخت کشور شد، جمعیت شهر رو به افزایش نهاد و در حومه شهر خانههای بسیار ساخته شد تا اینکه بالاخره در خارج هر دروازه حومه به بزرگی خود شهر به وجود آمد ... سپس در بالای شهر و در کنار تپه لیان و در داخل محوطه دیوار غازان خان رشیدالدین وزیر غازان خان، حومه دیگری ساخت که بنام ربع-رشیدی معروف گشت و در این محل قصرهای مجلل و ساختمانهای بزرگ بنا کرد.» ولی با وجود تمام طرحهای مستدل و پیش بینی های لازم، این شهر دانشگاهی خواجه رشیدالدین نتوانست پس از قتل وی نقش عمده ای داشته

۱۲۴- ر.ک به ص ۱۲۲ تاریخ تبریز تألیف نادر میرزا.

باشد و با احتمال قوی بعد از مرگش امور اداری رشیدیه از هم پاشید و پس از مدتی پسرش در اداره آن همت گماشت و ساختمانهایی بآن افزود. در زمان پادشاهی تیمور حکومت تبریز به پسرش محول گردید که چنانکه گذشت آن شاهزاده مغرور و نیمه دیوانه بی جهت دشمن آبادانی بود و مانند سایر بناهای عظیم که در زمان او بویرانی کشیده شد امر بتخریب رشیدیه نیز صادر کرد. اطراف و حومه رشیدیه مانند مقبره غازان خان و سایر ابنیه تاریخدانان دوره مغول قطعاتی شامل کاشیهای هشت گوشه لعابدان نیلی و آبی که بعضی از قسمتهای آنها کنده کاریها شده و همچنین طرحهای تسمه‌ای باباریک‌های سفال نیلی و آبی که حفره‌های آنها با گچبری پر شده و قطعات کتیبه که با کندن و تراشیدن لعاب زمینه آنها بصورت حر و ف در آمده است یافت میشود و نیز تعدادی از کاشی‌های دوره صفویه در این محل بدست آمده است. ولی در حال حاضر بجز پایه برجی که بگمان قوی مربوط به بنای رصدخانه‌ای بوده بنای دیگری مشاهده نمیگردد.

ویلبر مینویسد: «..... در پایه‌های برج‌های یکی شایان توجه مخصوص است این پایه از دیگران بزرگتر و از لحاظ نقشه با آنها فرق دارد. زیرا شامل مقطع مستطیلی است و نیز با دقت بیشتری ساخته شده است، زیرا روی پی سنگ ناصاف آن قطعات سنگ تراش قرار داده شده است. قسمتهای بزرگ قطعات روی بنا، هنوز در محل خود باقی است و نشان میدهد که قسمت بالای برج پیش آمدگی داشته است، اغلب این قطعات مرمر سیاه است و اگر همه آنها دوباره بکار برده نشده باشند، بعضی از آنها مستعمل است، پایه‌های ستون از زمان اشکانیان است و تعدادی سنگ قبر از دوره اسلامی در آنجا وجود دارد.» ۱۲۵

علاوه بر پایه برج و قطعات سفال لعابدان و سنگ مرمر خط دیوار

۱۲۵- ر.ک به کتاب معماریهای اسلامی ایران در دوره مغول ترجمه دکتر عبدالله فریار

استحکاماتی در اطراف حومه بر روی ارتفاعات و بزرگترین تپه‌های آن ناحیه دیده میشود که بنا بنوشته ویلبر گمان می‌رود که این استحکامات هماننهایی باشند که در زمان شاه عباس در اوائل سده هفدهم میلادی بنا گردیدند ۱۲۶ (عکس شماره ۵ - ۶)

#### مسجد جامع تبریز و مدرسه طالبیه :

مسجد جامع تبریز که اکنون دایر بوده و هنوز در آن نماز گزارده میشود در پشت بازار و وسط مدرسه طالبیه ساخته شده است. در این چهار مسجد ۱۲۷ دیده میشود و بنظر میرسد که علت تعدد این مساجد مربوط بتعصبات و اختلافات مذهبی فرقه‌های مختلفه دین اسلام بوده است که هر یک از این فرقه‌ها مسجد خاصی را برای نماز خویش اختصاص داده اند.

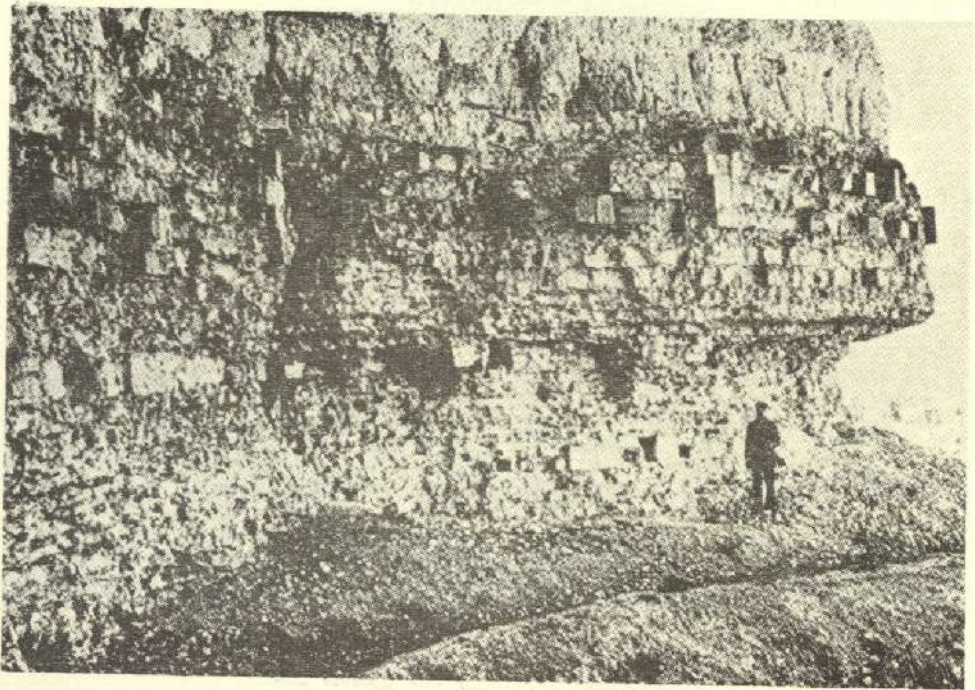
بنای یکی از این چهار مسجد بسیار قدیمی بوده و تاریخ دقیق ساختمان اولیه آن بدرستی معلوم نیست ولی این مسجد بر روی بنائی که احتمالاً در دوره سلجوقی ساخته شده تجدید ساختمان گردیده است. مسجد مزبور دارای طاق کوتاهی است و بهمین دلیل مردم محلی آنرا الحاق مسجد (مسجد کوتاه) مینامند.

بعلت تعمیراتی که در دوره های نسبتاً جدید بعمل آمده، این مسجد کلیه ویژگیهای تاریخی خویش را از دست داده و بکلی از صورت ابنیه باستانی خارج شده و بصورت بنای جدیدی در آمده است و نام فعلی آن بمسجد میرزا صادق-آقا مجتهد مشهور است.

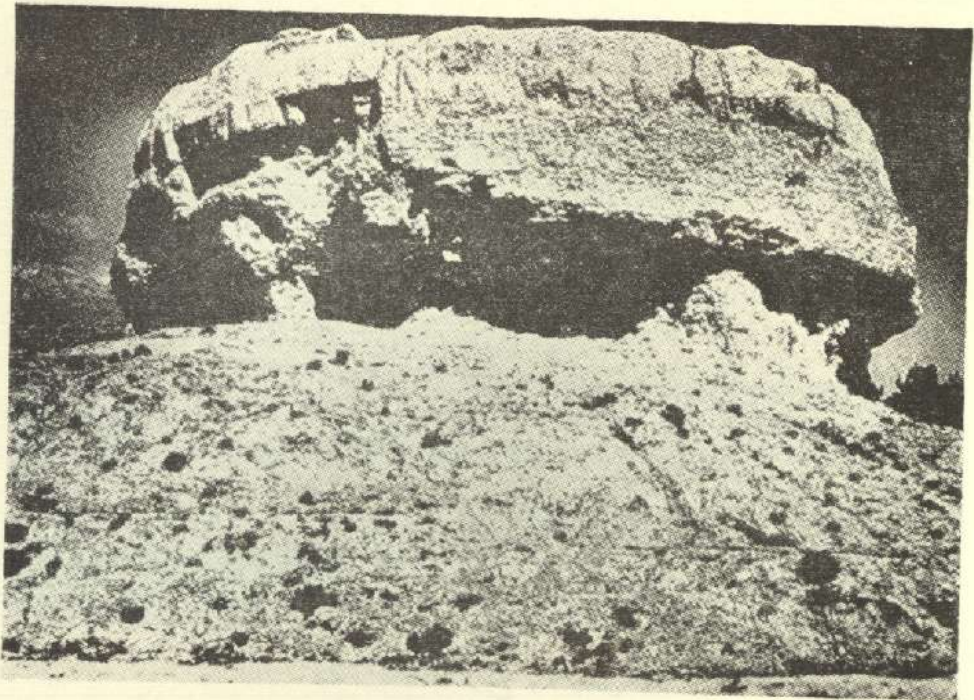
دومین مسجد که مسجد کوچکی باستونهای سنگی و طاق های ضربی آجری است در جنوب دالان مدرسه ساخته شده و اکنون بمسجد اسماعیل-خاله اوغلی معروف است و سابقاً آنرا مسجد ملاحسن پیش نماز میخواندند.

۱۲۶ - همان کتاب و همان صفحه .

۱۲۷ - شاهزاده نادر میرزا در کتاب تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز بعلت نامعلومی تعداد این مساجد را سه عدد ذکر کرده است .



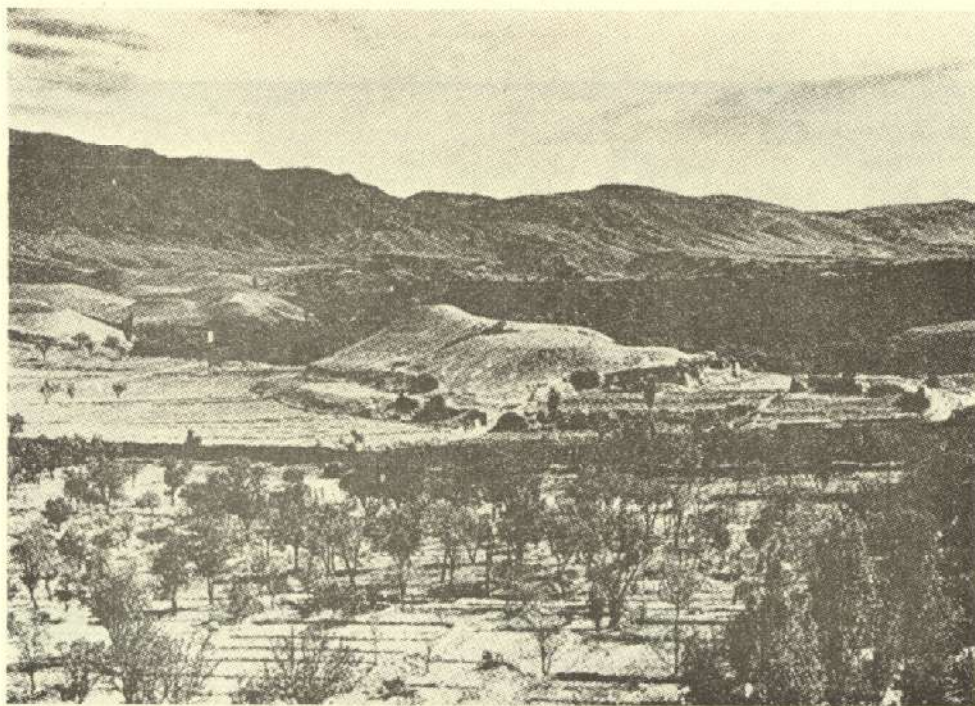
۳- ربع رشیدی جزئیات رده‌های فوقانی از قطعات سنگی تراشیده شده دیده میشود



۴- خرابه پایه مدور یکی از بناهای رشیدیه



۵- سمت شرقی ربع رشیدی



۶- شمال ربع رشیدی  
(۱۶)

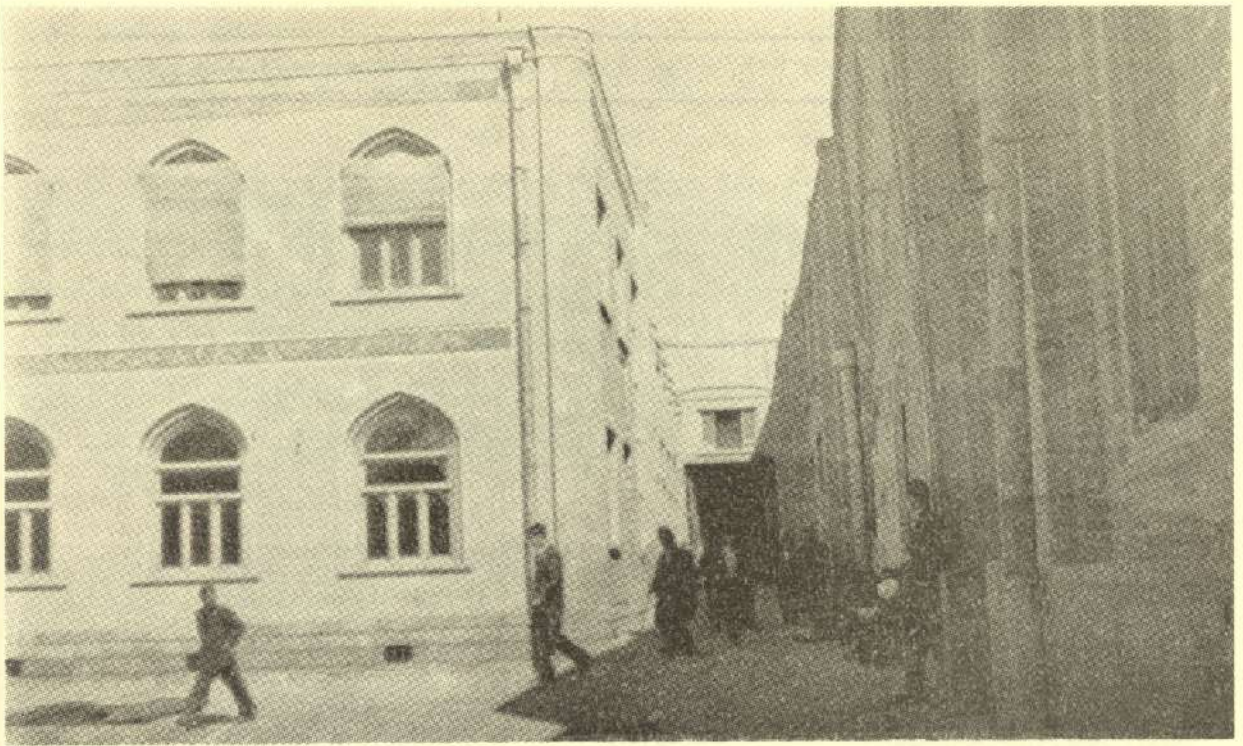
مسجد سوم یا مسجد جامع که پنجره های شمالی آن بحیاط مدرسه طالبیه مشرف بوده و در مغرب مسجد اسمعیل خاله اوغلی ساخته شده جدیداً معروف بمسجد مجتهد شده است. (عکس ۷)

چهارمین مسجد که بسیار قدیمی است و چندین بار در آن تغییراتی داده شده و اکنون بمسجد حجة الاسلام معروف است ستونهای آن از سنگ کبود دوباره سازی شده است و در سمت مغرب مسجد جامع واقع و پنجره های شمالی آن بصحن مدرسه باز میشود.

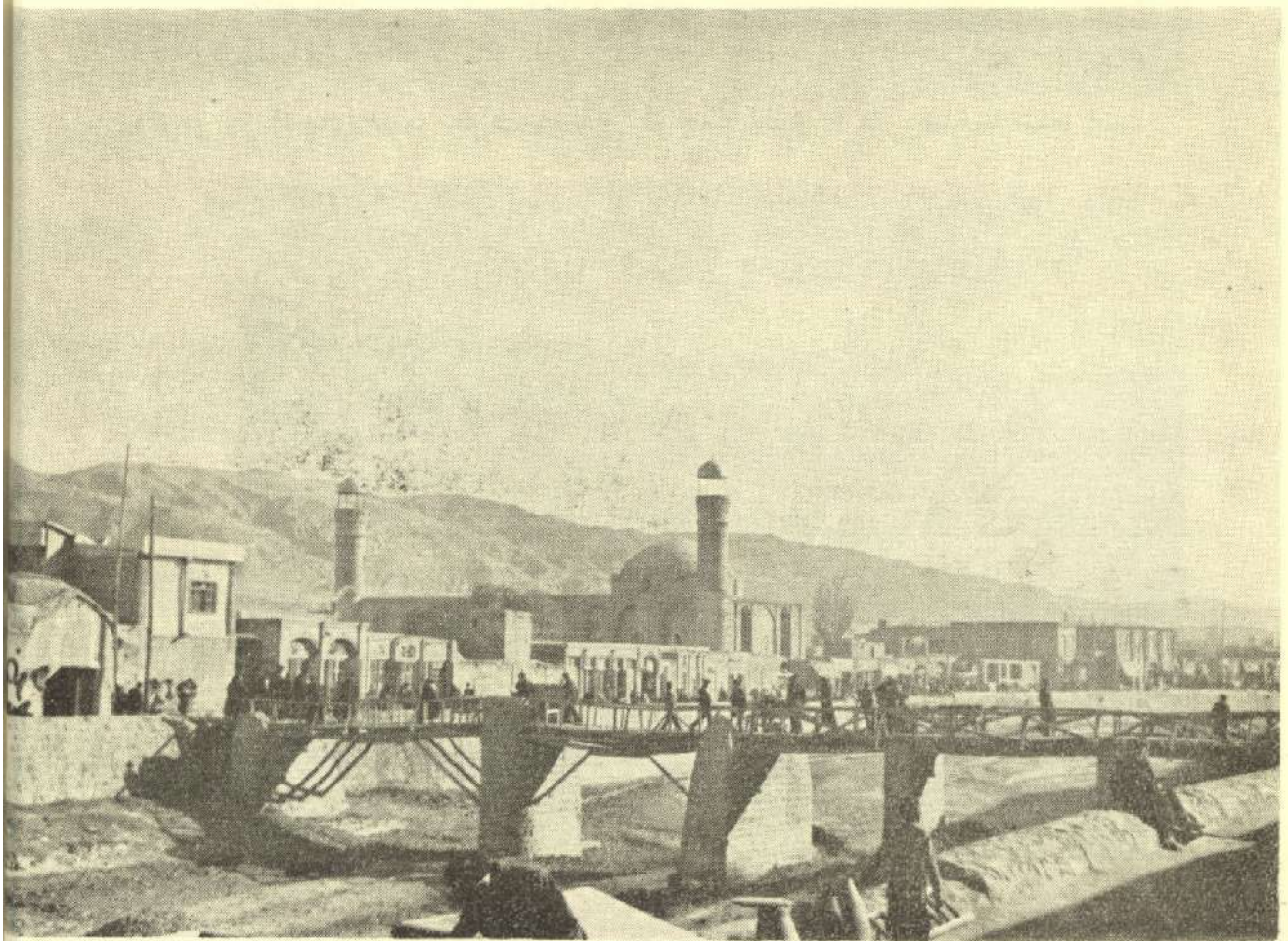
بانی اولیه این مسجد شناخته نشده ولی پس از اینکه بوسیله زمین لرزه ویران گردید، توسط حسینعلیخان دنبلی مجدداً بر همان سبک قدیم بنا شده است. طول این مسجد را میتوان بدو قسمت تقسیم کرد: طول قسمت اولی ۲۸ متر و در انتهای هر دو طرف دو طاق کوچک بطول ۲ متر ساخته شده است. قسمت دوم که عرضش زیادتر از ۱۵ متر میباشد، ۳۲ متر طول دارد و بوسیله دو جرزرعریض و برآمده از قسمت اول مشخص شده است.

محراب در انتهای این قسمت (عرض جنوبی) واقع و در هر یک از دیوارهای شرقی و غربی پنج طاق بعرض ۳/۶ متر و طول ۴/۶ متر، هنگام تعمیرات مسجد اوایل دوره قاجاریه اضافه شده است. در پشت دیوار شرقی این قسمت مسجد بزرگ و تاریکی بر پایه ها و طاقهای ضربی آجری بنا شده که به مسجد زمستانی معروف و فعلاً پایه ها و طاقهای آن فرو ریخته است.

در بالای مسجد جامع و همچنین در سردر مدرسه طالبیه (عکس شماره ۷) کتیبه های برجسته از سنگ مرمر نصب شده که شرح تعمیرات انجام یافته در دوره قاجار و موقوفات مدرسه و فرمانی در باب منهیات روی آنها حک شده است.



۷ - مدرسه طالبیه



پل قدیمی مهرانرود و نمائی از صاحب الامر



میرزا جعفر سلطانی القرائی بنقل از تاریخ دنبلی مینویسد « . . . اکنون همه آن آثار قدیمه خرابست و شهر یار سعید شهید احمد خان دنبلی بعمارت مسجد جامع بزرگ بودند تمام نشده بروضه رضوان شتافتند و حالا هم ناتمام است ولی نادر میرزا تعمیر آن معبد را از حسین قلی خان پسر احمد خان دنبلی دانسته است. مسجدیکه نادر میرزا از آن بمسجد ملا محمد حسن پیشنهاد تعبیر کرده بنظر من همان است که در جانب شرقی مسجد جامع و در طول (آلچاق مسجد ساخته شده است) و آن در این ایام بمسجد میرزا اسمعیل خاله اوغلی معروف است، وقتی در این مسجد حاج میرزا عبدالعلی آقا پسر حاج میرزا محمد معروف به بالا مجتهد که یکی از برادران آقا میرزا صادق آقا مجتهد (ره) بود اقامه جماعت میکرد» \*

در این مسجد سه لوح سنگی وجود دارد. یکی در بالای در شرقی صحن مسجد جامع که از خارج در رو بجانب خاوری در زیر طاق در سال ۱۲۱۶ هجری قمری کار گذاشته شده و درباره احکام اوایل سلطنت فتحعلیشاه قاجار باخط ثلث نوشته شده و دیگری که از هر دو آنها بزرگتر است در زمان شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۶ هجری) در پانزده سطر بخط ثلث بسیار زیبا نوشته شده و سومی در یکی از طاقهای کم عرض طرف غربی قسمت اول مسجد سنگ مرمر صافی بابعاد (۱/۱۲ × ۱/۷۲) متر بدیوار جنوبی طاق نصب شده که شرح تعمیرات انجام یافته و رویای صالحه شاه طهماسب اول صفوی در دوازده سطر بخط ثلث در سال ۹۷۲ هجری قمری توسط علاءالدین محمد تبریزی برشته تحریر در آمده است.

\* - تاریخ تبریز مینورسکی ص ۹۸

## آقای سلطان القرائی متحمل زحماتی شده و

شخصاً سنک نوشته خوانده و مینویسد :

« فرمان قضا جریان شاه ستاره سپاه خاك آستانه خیرالبشر مروج مذهب ائمه اثنی عشر غلام امیر المؤمنین حیدر علی بن ابیطالب السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه شرف نفاذ یافت آنکه بنا بر رؤیای صالحه که در شب پنجشنبه دوازدهم شهر شعبان اودئیل اثنی و سبعین و تسعمائه حضرت حجة قائم صاحب الامر و الزمان. صلوات الرحمن علیه رادرواقعه دیدم قامت اشرف آنحضرت بلند و روی کشیده و محاسن شریف يك قبضه و موی محاسن و شارب خرمائی و چشم و ابروی آنحضرت سیاه وضعفی در بشرة مقدس آنحضرت ظاهر بود چنانچه گویا ریاضت کشیده اند و تاج سقرلاط قرمزی بی دستار بر سر اشرف داشتند و جامه قلمی آجده که ظاهراً رنگ آن نخودی بود و بالاپوش قلمی آجده که غالباً سفید بود پوشیده بودند و چاقشور تیماج زرد در پای مبارک داشتند و هیچکس آن حضرت را نمیدید و آواز مبارک آنحضرت را با اینکه بلند سخن میفرمودند غیرمن کسی نمی شنید و بعد از ظهور آنحضرت فی الحال من فریاد کردم و کسی نشنید و آنحضرت بعد از بیرون آمدن در ایوان طاق بندی که تخمیناً طول آن ده زرع بوده باشد و روی آن ایوان بقبله بود بوجهی که پشت مبارک آنحضرت بجانب میان مغرب و قبله بود منحرف نشستند و کف پایها را نزدیک یکدیگر روبرو بر وجهی که کف بکف نرسیده بود نهادند ، پس رفتم پیش و پای راست آنحضرت را میان بند پای مبارک وی و بند چاقشور بوسیدم بعد از آن آنحضرت برخواستند (کذا) و فرمودند که این تمغاها را که بخشیده بسیار خوب کرده و اظهار خوشنودی فرموده ، فرمودند که تتمه را هم ببخش و فرمودند که ما از تو راضی ایم یا از تو راضی میشویم

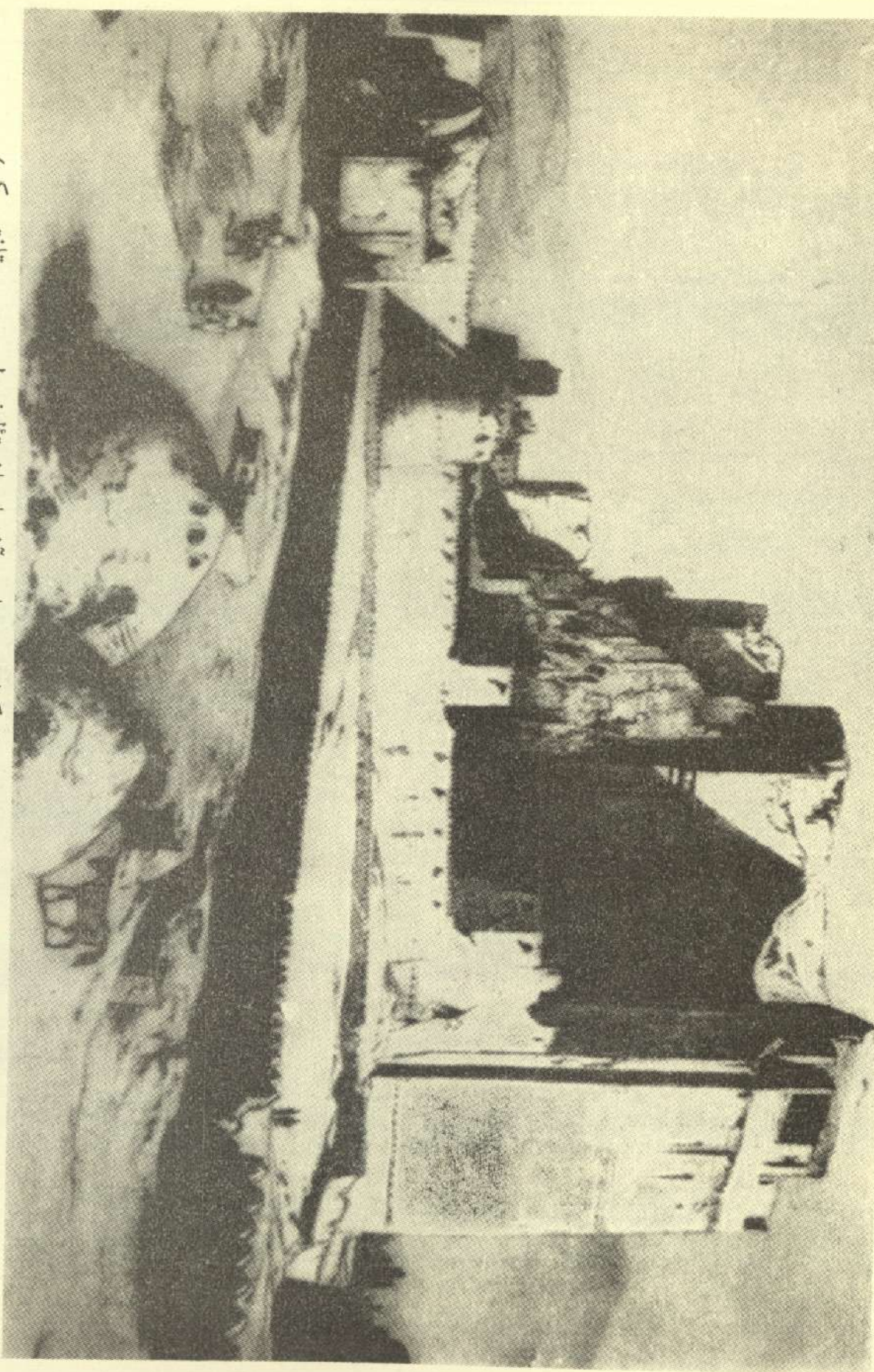
و بیادم نماند که از این دو عبارت کدام فرمودند بعد از آن فرمودند که روز بروز عمرت زیاده میشود و دولتت زیاده میگردد من عرض کردم که چون این امر مقبول شما است تتمه تمغاها را هم بخشیدم بعد از آن ، آن حضرت غایب شد بر وجهی که من ندانستم که چون غایب شدند لاجرم در روز پنجشنبه مذکور حسب الامر آنحضرت صلوات الله علیه تتمه تمغاوات جمیع ممالک محروسه را در آذربایجان و عراق و فارس و خراسان و شیروان و گیلان خصوصا تمغای دارالضرب طلا و نقره که تا غایت بخشیده نشده بود مؤکد به لعنت نامه بخشیدم و ثواب آنرا بحضرات چهارده معصوم صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین هدیه کردم و ثواب این اهداء را بحضرت صاحب الامر صلوات الله علیه هدیه کردم بنا بر این باید که ابواب جمع دارالسلطنه تبریز و شوارع ارض روم و عراق را که بمبلغ سه هزار و هشتصد و هشتاد و پنج تومان و هشتصد دینار در آن ملک جمع است از تاریخ واقعه مذکوره مسدود دانسته اصلا طلبی از هیچ آفریده نمایند و این بدعت سیئه را در آن ملک بدستور کل ممالک برطرف دانند مستوفیان عظام دیوان اعلی من بعد در دفاتر سنوات جمع آنرا نویسند و اسم و رسم آنرا از صحائف دفاتر محو گردانند حاکم و اکابر دارالسلطنه تبریز مضمون حکم اشرف و اعلی را مؤکد به لعنت نامه دانسته یقین دانند که هر کس از مضمون آن تجاوز نموده من بعد بهر صیغه و عنوانی که باشد از آن ابواب چیزی گیرد و هر کس بدان رضا دهد و کسی که بر حقیقت آن مطلع شود معروض ندارد .... و آن جماعت را بر وجهی سیاست خواهیم فرمود که باعث عبرت دیگران گردد فمن بدله بعد ماسعه فانما ائمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم از جوانب بر این جمله روند و از فرموده عدول نورزند فی عشر ثالث شهر شوال اودئیل الثنی و سبعین و تسعمائه کتبه علاءالدین « .

## مسجد جامع علیشاه معروف به ارك:

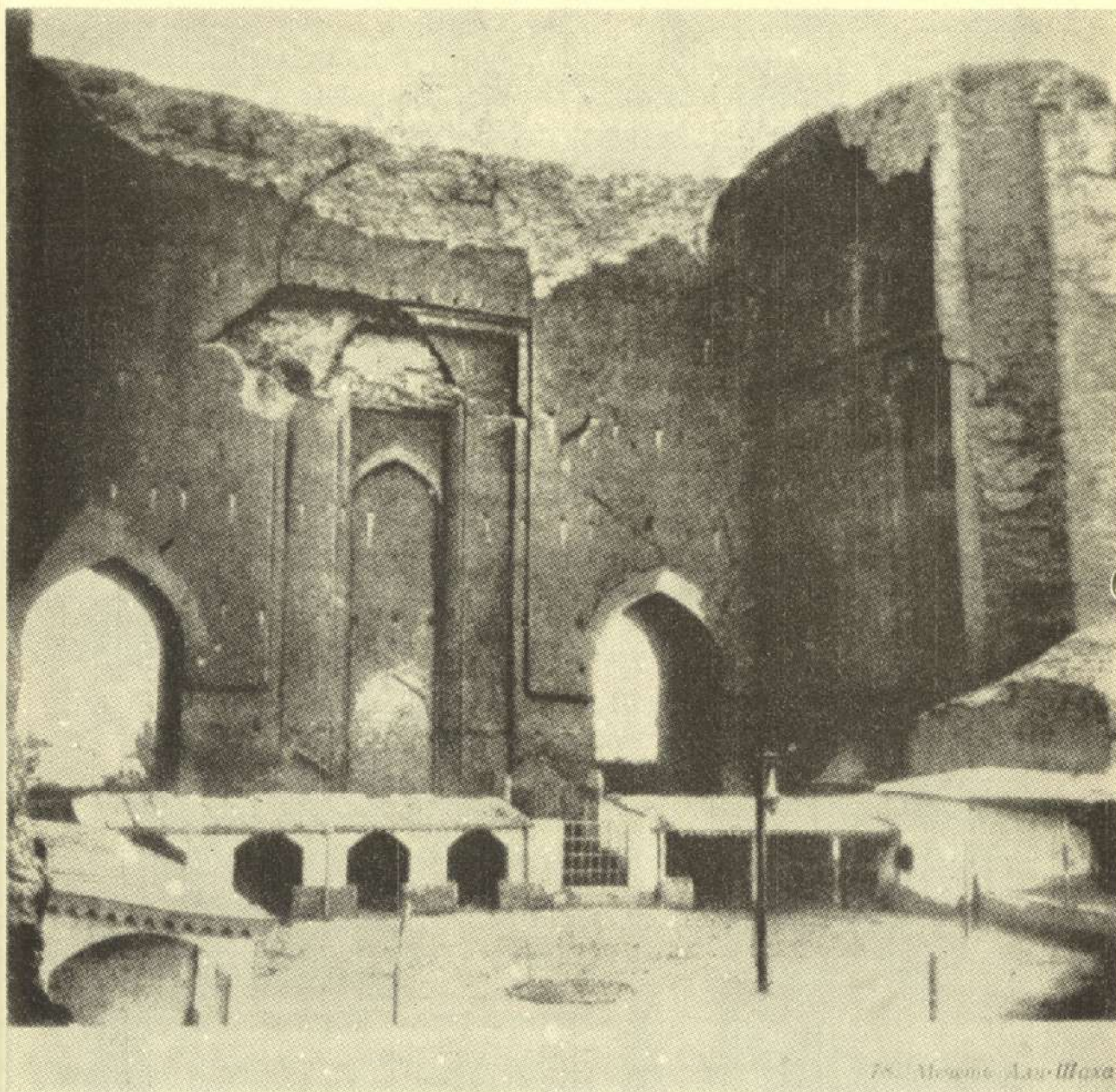
یکی دیگر از ابنیه قدیمی عظیم و شکوهمند تبریز که بی شک از شاهکارهای مسلم هنر معماری اسلامی بحساب میآید مسجد تاج الدین علیشاه وزیر اولجایتو معروف به مسجد جامع یا ارك علیشاه میباشد. این بنا متأسفانه بسر نوشتن کثرا بنیه باشکوه تبریز دچار شده و بوسیله دست بیرحم و ویرانگر زلزله خراب شده و اکنون از آن تنها دیوارهای عظیم برجای مانده است. ولی حتی از خلال همین ویرانهها نیز میتوان به زیبایی و شکوه روزگار آبادانی آن پی برد و دریافت که این سخن حمدالله مستوفی در کتاب خویش که بسال (۷۲۷ هـ ۱۳۳۵ میلادی آنرا نگاشته و در توصیف این بنا گفته است: «... قسمت داخلی مسجد جامع، که توسط علیشاه در تبریز ساخته شد، بزرگتر از ایوان مدائن بود...»<sup>۱۲۹</sup> حرفی بگزارفته نبوده است. عکس (شماره ۸) تقریباً هیچ نوشته ای را که درباره آثار باستانی آذربایجان نگاشته شده باشد نمیتوان یافت که در آن عظمت و بزرگی این بنای تاریخی باعث شگفتی محققین نشده باشد. در میان انبوه این آثار، نوشته های حمدالله مستوفی و ابن بطوطه (که بین سالهای ۱۳۳۰-۱۳۳۵ میلادی نوشته شده) و یکی از همراهان سفیر قاهره که بدربار سلطان ابوسعید میرفته از همه دقیق تر است، این مسجد بین سالهای ۷۱۱-۷۲۴ هجری (۱۳۱۰-۱۳۲۲ میلادی) در زمان حکومت سلطان ابوسعید بوسیله وزیر زیرك و کاردانش خواجه تاج الدین علیشاه جیلانی با

۱۲۸- ر.ک به ص ۱۰۹ تاریخ تبریز تألیف نادر میرزا.

۱۲۹- ر.ک. به معماریهای اسلامی ایران در دوره ایلخانان - ذیل عنوان مسجد جامع علیشاه و نیز ن.ک به مجله هنر و مردم - شماره ۹۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ - مقاله مسجد علیشاه جیلانی نوشته دکتر محمد جواد مشکور.



۸- قدیمی ترین عکس مسجد علیشاه (تصویر از کتاب معماری آذربایجان تألیف ل. س. یرتانیسکی)



78. Aywan-e Masjed-e Elyshah

۹- ایوان مسجد علیشاه (تصویر از کتاب معماری آذربایجان از سده ۱۲ تا ۱۵ میلادی تألیف ل. س. یرتانیسکی چاپ مسکو سال ۱۹۶۶)

کممک های خواجه رشیدالدین فضل الله ساخته شد و چنانکه پیداست بنای آن قریب به سیزده سال طول کشید .

با توجه به آنچه که از این بنا باقیمانده و نیز با مراجعه به انبوه سفرنامه ها و نوشته ها و روایات با ارزش میتوان گفت که ایوان عظیمی به عرض ۳۰/۱۵ متر ساختمان اصلی بنا را تشکیل میداده است . (عکس شماره ۹)

دیوارهای این بنا که دارای ارتفاع سرسام آور ۲۵ متر میباشد تماماً از آجر ساخته شده و ۱۰/۴۰ متر ضخامت دارند. بدون شك این دیوارها در روزگار آبادانی مسجد، کاشی کاری و تزئینات دیگری چون سنگ مرمر و گچ بری داشته اند که اکنون چیزی از آنها باقی نمانده. حمدالله مستوفی در این باره چنین می نویسد: «..... خواجه تاج الدین علی شاه جیلانی در تبریز در خارج محله نارمیان مسجد جامع بزرگی ساخته که صحنش ۲۵۰ گز در ۲۰۰ گز و در او صفه ای بزرگ، از ایوان کسری بمدائن بزرگتر. اما چون در عمارتش تعجیل کردند [سقف آن] فرود آمد. در آن مسجد انواع تکلفات به تقدیم رسانیده و سنگ مرمر بی قیاس در او بکار برده و شرح آنرا زمان بسیار باید.....» ۱۳۰

بر روی این دیوارها طاقی بسیار عظیم و رفیع ساخته بودند. ارتفاع خط آغاز طاق از کف ۲۵ متر و ارتفاع فرضی بلندترین نقطه آن از زمین احتمالاً ۶۵ متر بوده است. اما ظاهراً خواجه علی شاه از بیم مرگ و اینکه ساختمان مسجد نیمه تمام بماند بقول حمدالله مستوفی فرمان داد تا در بنای آن عجله کنند و همین مسأله سبب شد که طاق مزبور از استحکامی چنانکه باید برخوردار نشده و فرو ریزد .

۱۳۰- نزهة القلوب نوشته حمدالله مستوفی به تصحیح محمد دبیر سیاقی ص ۸۷.

عظمت این طاق به حدی بوده که بعضی از مورخین<sup>۱۳۱</sup> اصولاً نتوانسته‌اند تصور وجود گنبدی بآن بزرگی را بمغز خویش راه دهند و آنرا اصولاً فاقد سقف دانسته‌اند، بدلائیل متعددی این نظریه خطا است. نخست آنکه مورخین قدیمی چون حمدالله مستوفی و ابن بطوطه و کاتب چلبی و غیره صریحاً بوجود سقف اشاره کرده و حتی آنرا با طاق کسری مقایسه کرده ثانیاً ژان شاردن سیاح فرانسوی که حدود سال ۱۶۷۰ از تبریز بازدید کرده در شکل (شماره ۸) که از این بنا کشیده طاق نیمه مخروبه آنرا بطرز نمایانی مجسم ساخته است و در سفرنامه خویش تصریح کرده که ارتفاع آنچه که از طاق مانده بحدی است که از فاصله بسیار دور اولین بنائی است که از شهر تبریز بچشم میخورد. عکس (۱۱)

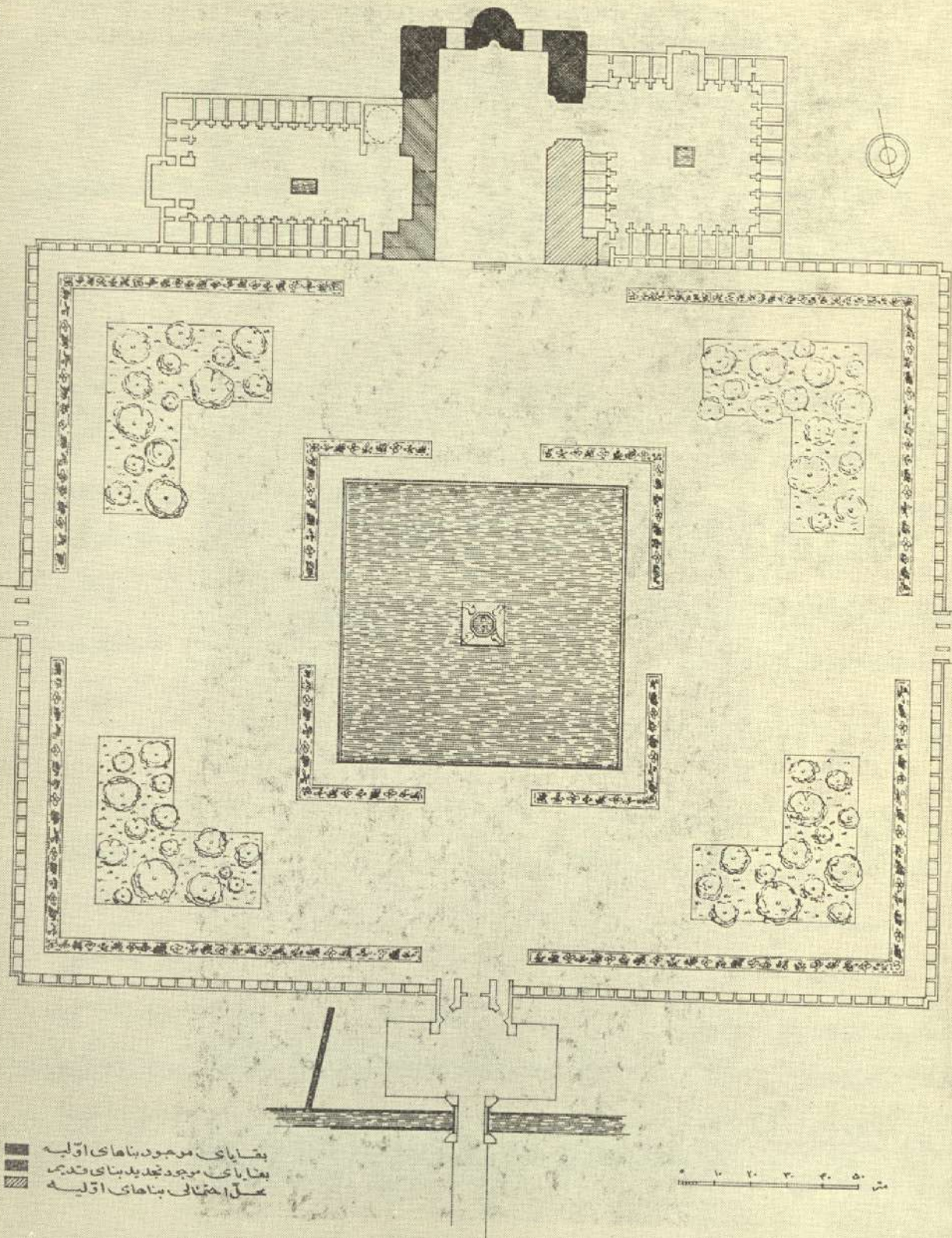
گذشته از این از نظر معماری این بنا نمیتوانسته است بدون طاق باشد زیرا دیوارهایی آنچنان مستحکم که بعرض ۱۰/۴۰ متر از آجر ساخته شده باشند محققاً برای نگهداری آنچنان طاقی بنا شده است.

دونالد ویلبر تحقیق جامعی درباره این بنا بعمل آورده و باتوجه بکلیه مدارک موجود نقشه مفروض ساختمان اصلی مسجد و ابنیه مجاور آنرا رسم کرده است (شکل ۱۰) ناحیه‌ای که در نقشه دوبار قلم زده شده و تیره مینماید باعتقاد ویلبر قسمتی از ساختمان اصلی ایوان بوده که از بقایای بنای اولیه است ولی نواحی کمرنگ‌تر از بقایای تجدید بنائی است که در دوره‌های قدیم صورت گرفته و ناحیه‌ای که در سمت راست ایوان قرار دارد و یک‌رج هاشور خورده

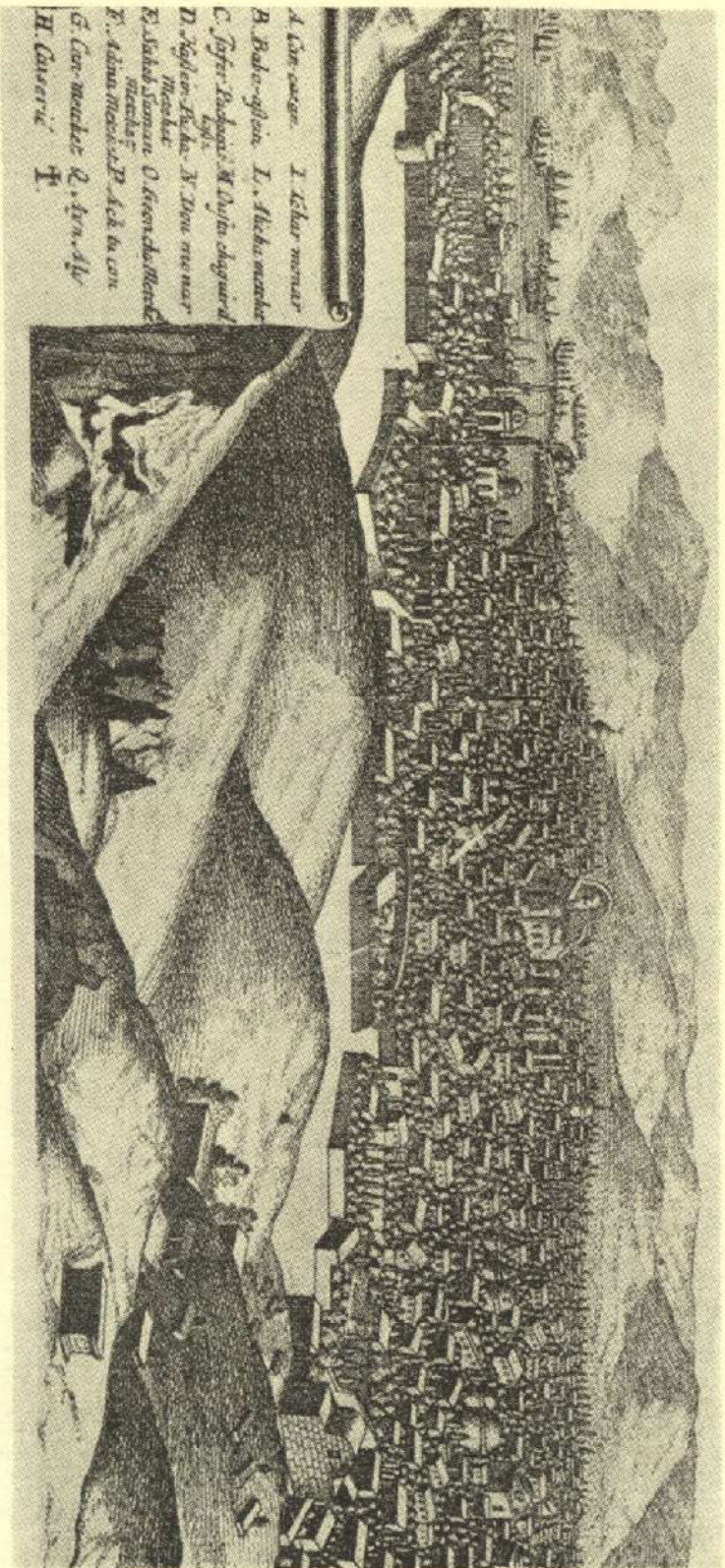
۱۳۱- مانند شاهزاده نادر میرزا که بنقل از عموی خویش مرتضی میرزا این بنا را فاقد

سقف دانسته است.





۱۱- نقشه فرضی ساختمان اصلی مسجد جامع علیشاه و ابنیه مجاور



۱- منظره شهر تبریز بطوریکه شاردن در نیمه دوم سده هفدهم کشیده است (تصویر از کتاب دو نالدویلر)

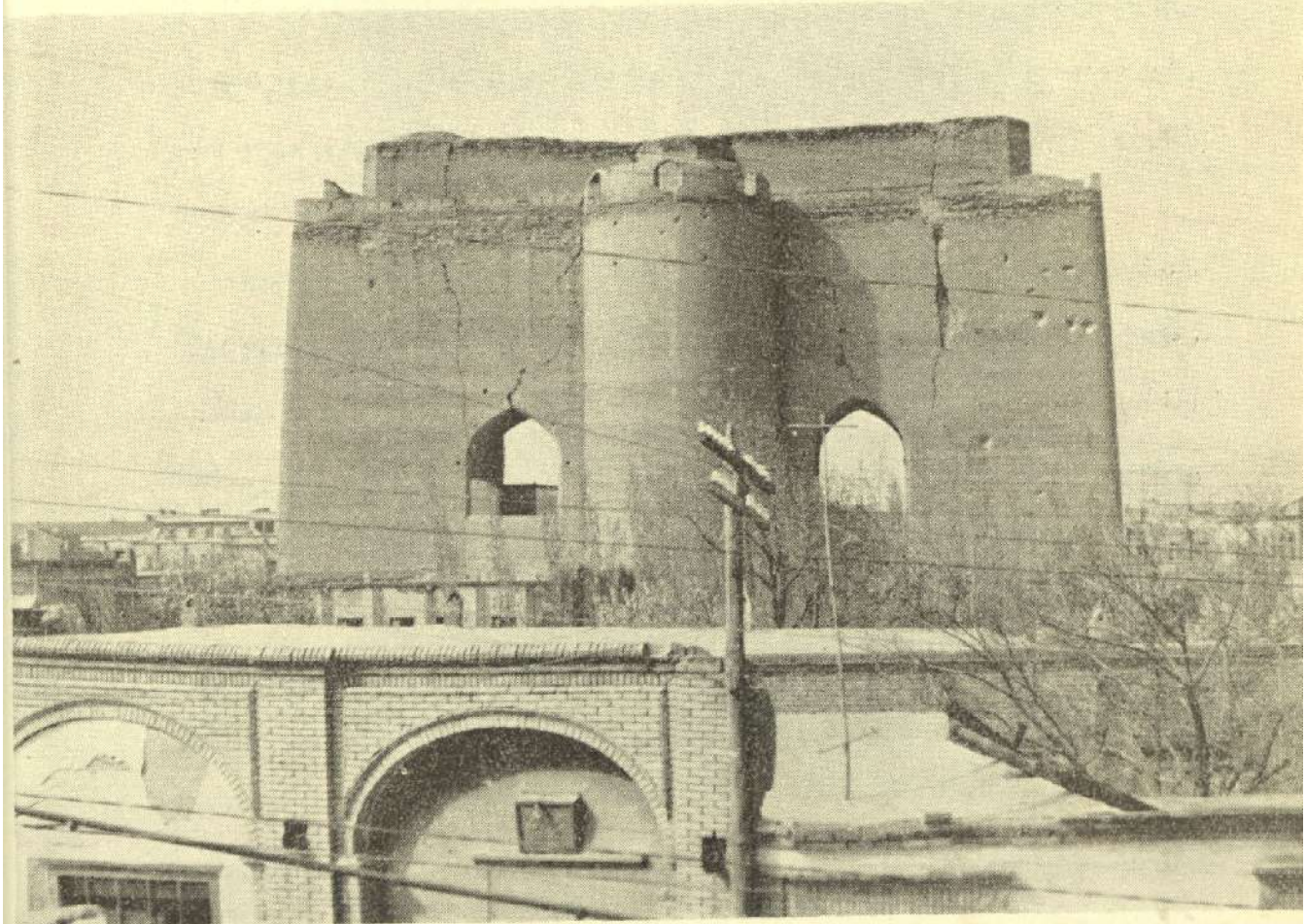
ظاهراً کوششی برای پر کردن شکل نقشه اصلی ایوان است. وی در مورد تزئینات داخلی بنای مزبور چنین مینویسد: «... منابع موجود اطلاعاتی درباره تزئین داخلی سطوح دیوار ایوان میدهد ولی بآن اندازه نیست که تصور کاملی بدست دهد. جوان مصری مشاهده کرده است که طاق نوک محراب با طلا و نقره تزئین و نقاشی شده بود و احتمال می‌رود که آنچه او دیده است محراب سفالین بوده که جلای فلزی داشته است. کسانی که در اوایل این ساختمان را دیده‌اند، از تزئین سفالی بر تمامی صحن صحبت داشته‌اند... هر سطوح دیوارهای آجری داخلی سوراخهای چوب‌بست در فواصل منظم دیده میشود. سوراخهای دیگر بر سطح دیوار وجود دارد، ولی تعداد آنها باندازه‌ای نیست که بتوان آنها را نقاط اتصال سفال یا پوشش دیگری محسوب داشت. ایوان تابالای کف اصلی از خاک خرابه پر شده بطوریکه اثری از ازاره دیده نمیشود، ولی احتمال می‌رود که ازاره اطاق از سنگ تراش یا مرمر بوده است. ممکن است که سطوح دیوارهای داخلی با گچ سفیدکاری شده بوده ولی احتمال قویتر آن است که روی آنها پارچه بافته آویزان میکرده‌اند...» ۱۳۲

مادام دیولافوا طاق مزبور را چنین تعریف می‌کند: «این بنای با عظمت که ۲۵ متر ارتفاع دارد و قبل از ورود بشهر در فاصله زیاد نظر مسافرین را جلب میکند، در مرکز میدان وسیعی قرار دارد و دیواری بشکل کثیرالاضلاع آنرا محصور کرده و دارای برجهای مرتفعی است و اطراف آن خندق عریض و عمیقی بوده که اکنون یک قسمت آن پر شده است. دیوار آن با مهارت خاصی ساخته شده اگر بطور مایل بآن نگاه کنند درزهای قائم آجرها بشکل موازی بنظر می‌آیند که تمام متساوی البعد و در هر جا فاصله مابین آنها یکسان است.

۱۳۲ - ن. ک. به معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان ص ۱۵۹-۱۶۰.



۱۲- ایوان وپله های مسجد عیشناه (ارك) وقبر سربازگمنام كه بعد از جنگ  
بین المللی دوم احداث شده است



۱۲- مسجد عیشناه یارك در حال حاضر

در اطراف این بنای نیمه خراب ابنیه نظامی جدیدی برپا شده که مخصوص سربازان ساخلوی تبریز است و یک کارخانه توپ ریزی هم هست که اکنون متروک و بدون استفاده مانده است. پلکان خرابی منتهی بام میگردد و در بالای بام دو منزلگاه کوچکی است برای دیده بانها که بنوبه در آنجا باید ناظر باشند و حریق و سایر حوادث را اطلاع دهند. \*

اشارات متعددی بوجود مناریامناره‌ها در این مسجد شده ولی هیچ یک وضوح و روشنی کافی ندارند مثلاً جوان مصری در سفرنامه خویش بوجود دو مناره یا برج که هر کدام هفتاد ذرع بلندی و پنج ذرع عرض داشته‌اند اشاره میکند ولی بهیچوجه محل دقیق این مناره‌ها را ذکر نمی‌کند از آن گذشته در تصویرشاردن هم کوچکترین نشانه‌ای از وجود برج یا مناره بچشم نمیخورد و فقط در تصویر او دو برج مدور که روی آنها گنبد کوتاهی قرار دارد و در دو طرف نمای ایوان واقع هستند، از سطح زمین شروع شده و تا حدود خط آغاز طاق بالا رفته‌اند. بنظر میرسد که اگر هم این مسجد مناره‌هایی داشته تقریباً اندکی پس از ساختمان آن احتمالاً همزمان باریزش طاق ویران شده‌اند.

بطور خلاصه میتوان گفت که این بنا بخوبی نمایشگر اوج قدرت حکومت مغول در ایران و گواه عظمت منابع اقتصادی و استحکام نهادهای اجتماعی ایران در آن دوره بشمار می‌آید و همچنین از خلال ویرانه‌های آن مهارت و چیره دستی معماران هنرمند آن روزگار بخوبی پیداست و نیز این بنا نمونه‌ای عالی از تلفیق معماری اسلامی و معماری ساسانی بحساب می‌آید زیرا سازندگان آن کوشیده‌اند که با فرمها و معیارهای هنری زمان خویش بنائی شبیه به طاق کسری بسازند.

#### مسجد جهان‌شاه (مسجد کبود) :

یکی از زیباترین شاهکارهای معماری ایران مسجد کبود تبریز است

که از یادگارهای سده نهم هجری بحساب می آید، نام این مسجد را بلهجه محلی (گوی مسجد) و در فارسی کنونی مسجد کبود ضبط کرده اند. اما سابقاً بخاطر کتیبه ای که در طاق درگاه آن قرار داشته و اکنون نیز باقی است و بر روی آن جمله «العمارة مباركة المظفرية» نقر شده است آنرا مسجد و عمارت مظفریه میخواندند. بانی این مسجد میرزا جهانشاه بن قرايوسف تر کمان، سومین پادشاه طایفه قره قویونلو است. (عکس شماره ۱۴ و ۱۵)

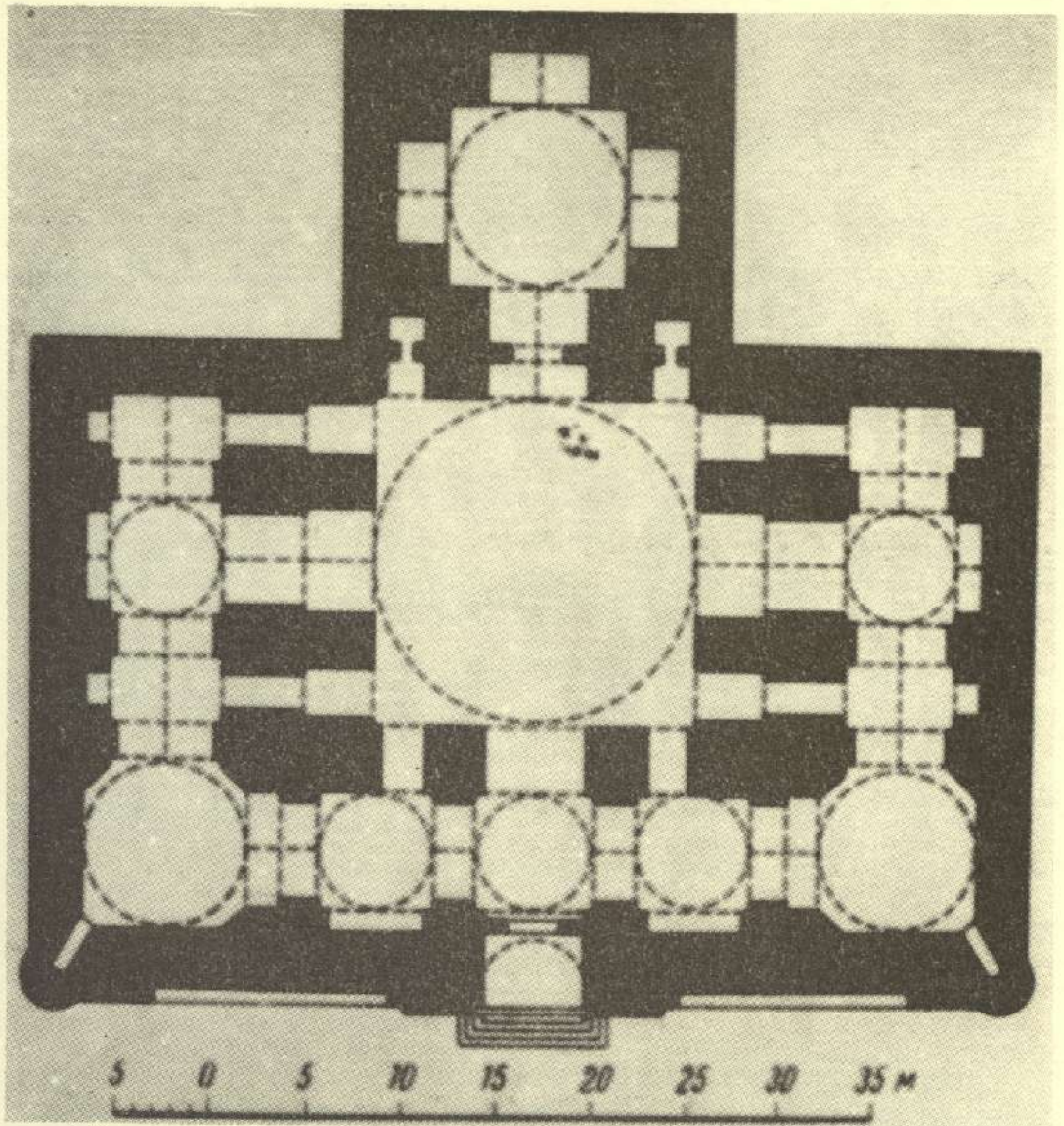
شاهزاده نادر میرزا وضعیت این بنا را چنین توصیف میکند: «... ارتفاع طاق جلوی این بنا پانزده ذرع تبریز است و دهنه این طاق هفت ذرع و یک چارک کم، صفة جلوی این طاق پنج پله که ارتفاع هر پله یک ذرع چارک کم میباشد طول صفة الی در مسجد چهار ذرع و نیم، دهنه در طاق مسجد سه ذرع و نیم است و طول فرش انداز این مسجد از دهنه در مسجد الی دهنه طاق مسجد بیست و چهار ذرع، عرض مسجد بیست و یک ذرع و نیم است، و دور گنبدی که محیط این گنبد بوده پنجاه و پنج ذرع...» ۱۳۳

چنانکه از اندازه های این بنا معلوم میشود این مسجد برخلاف اکثر بناهای تبریز عظمت و بزرگی قابل توجهی نداشته اما نباید فراموش کرد که تزئینات داخلی این مسجد یکی از زیباترین شاهکارهای کاشیکاری ایران بحساب می آید، بطوریکه زیبایی هنر تزئینی آن هر بیننده ای را مبهور کرده است. از بین سیاحانی که از تبریز دیدن کرده اند تاورنیه فرانسوی ۱۳۴ دقیقتر از همه ظرایف هنر کاشیکاری این مسجد را توصیف کرده است. وی در این باره می نویسد: «... دیوارهای آن [از خارج] همه از کاشی اعلای رنگهای مختلف پوشیده شده و از طرف داخل با نقش و نگارهای عالی بسبک معماری اعراب ۱۳۵ و

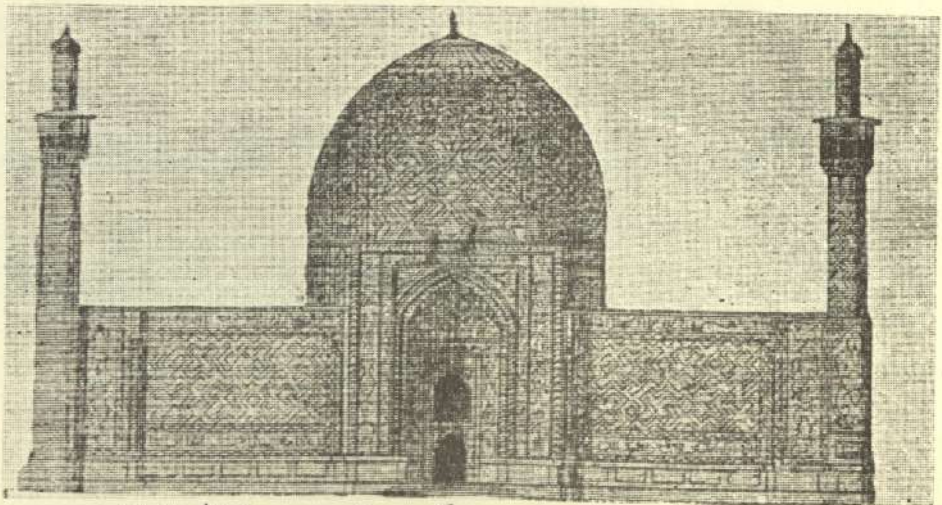
۱۳۳- ر.ک. به تاریخ دارالسلطنه تبریز تألیف نادر میرزا ص ۷۸ و ۷۹.

۱۳۴- این جهانگرد در سال ۱۰۴۶ هجری از تبریز بازدید کرده است.

۱۳۵- بنظر میرسد که منظور تاورنیه معماری اسلامی باشد زیرا تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد در کشورهای عربی کمتر چنین بناهایی رامیتوان دید.



۱۴ - نقشه زمینی مسجد کبود (تصویر از کتاب معماری آذربایجان تألیف ل. س. یرتائیتسکی چاپ مسکو)



۱۵ - طرح اولیه مسجد کبود (تصویر از تاورنیه)  
(۳۳)

کلمات بسیار بخط عربی از طلا و لاجورد زینت یافته... تمام گنبد [آن] از مینای بنفشه رنگ است که روی آن اقسام گلهای صاف نقاشی شده سطح خارج هر دو گنبد هم از همین کاشیها مستور ولی نقاشی آنها برجسته است. روی گنبد اولی گلهای سفید روی زمینه سبز و گنبد دومی ستاره‌های سفید روی زمینه سیاه و همه رنگها به باصره لذت میدهد. « ۱۳۶ ( تصاویر شماره ۱۶ و ۱۷ )

آنچه که تاورنیه شرح داده مربوط به بیش از سیصد و پنجاه سال پیش است ولی متأسفانه بعدها این بنا تقریباً بکلی ویران شد ولی پس از چندی دوباره بطرز جدیدی تعمیر گشته است. آنچه که مسلم است در روزگار شاهزاده نادر میرزا یعنی در حدود سال ۱۳۰۱ هجری قمری هنوز آثار قابل توجهی از این بنا بچشم میخورده زیرا وی با دقت قابل تحسینی مسجد کبود را چنین ذکر میکند: «... کاشی دیوارهای مسجد بار تفاع يك ذرع و نیم از زمین ببالا را با کاشی فیروزه رنگ که خوش رنگتر از فیروزه اصل است کاشی کاری نموده و میان این کاشیها را با کاشی سیاه و زرد بطور حصیر بافی کاشی بری کرده بالای این کاشی را بعرض نیم ذرع حاشیه قرار داده، بقدر چهار انگشت از این حاشیه را با کاشی کبود کاشی نموده و میان این کاشی را با کاشی سفید و زرد و فیروزه و سیاه بطور اسلیمی شاخ و برگ و گل و بوته طرح سازی و کاشی بری نموده است... بالای این حاشیه را بعرض يك چارك حاشیه دیگری قرار داده است که متن این حاشیه را هم با کاشی کبود کاشی سازی نموده است. وسط این کاشی را با کاشی سفید بخط ثلث بسیار خوش خط که بعرض يك انگشت پهنای خطوط است سورمبار که قرآن را کاشی بری کرده است و جمیع اطراف مسجد بهمین نحو بيك میزان کاشی- کاری شده است...» ۱۳۷ ( عکس شماره ۱۸ )

شاهزاده نادر میرزا واقعاً با وسواس و دقت قابل تمجیدی تمامی ریزه کاریهای تزئینات مسجد کبود را وصف کرده و بخوبی از عهده بیان و تشریح آن بر آمده است.

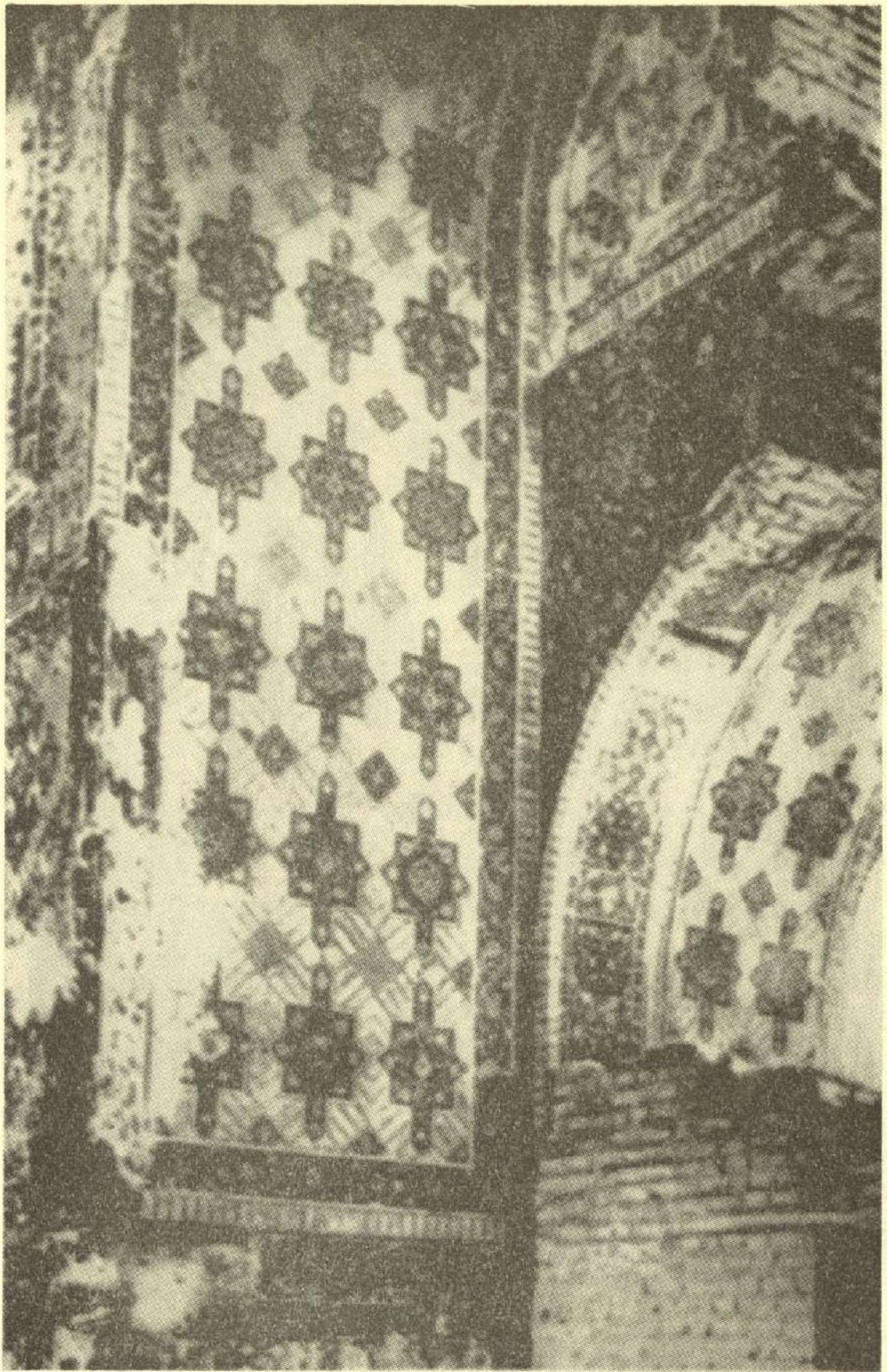
۱۳۶- چهل مقاله نخجوانی ص ۹۸ و نیز نگاه کنید به سفرنامه تاورنیه ذیل ماده تبریز.

۱۳۷- تاریخ تبریز تألیف نادر میرزا ص ۷۹.





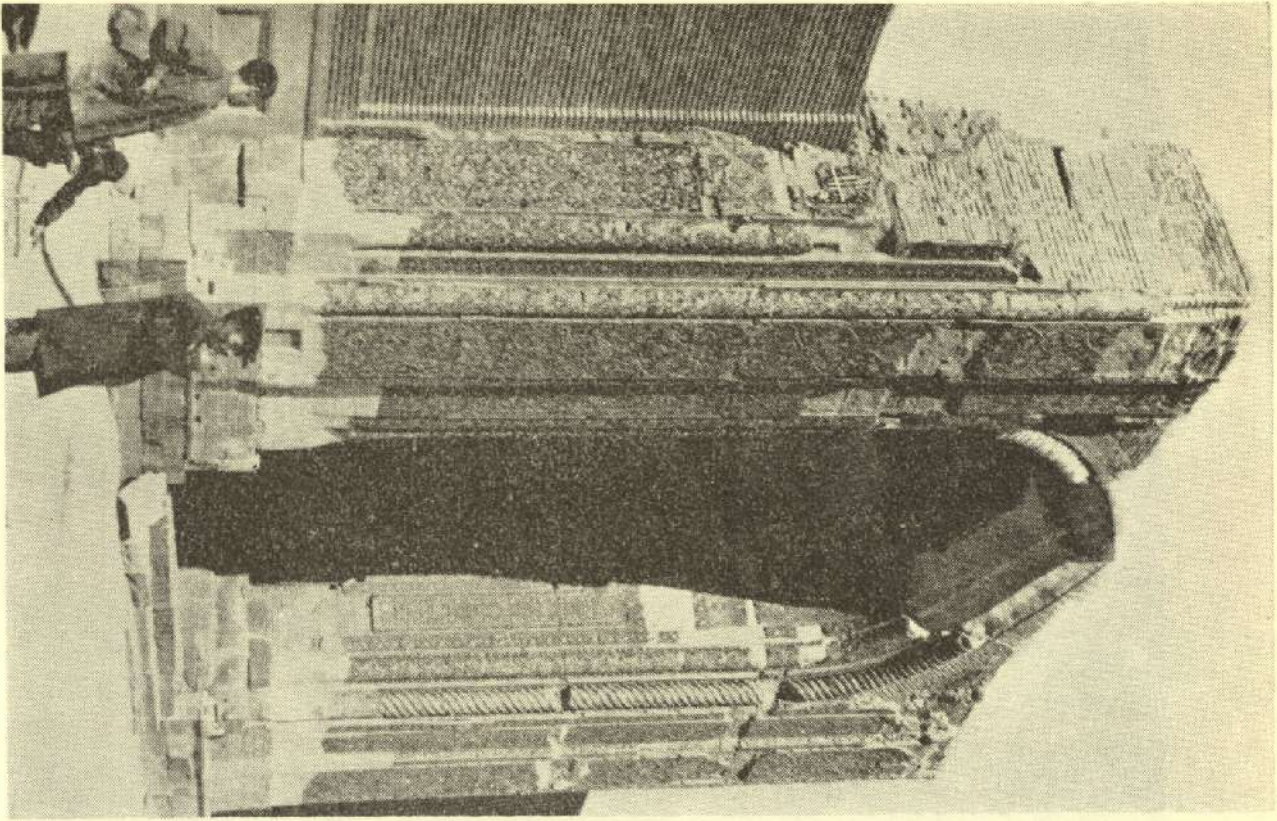
۱۶ - کاشیکاری‌های درونی مسجد کبود (تصویر از کتاب معماری آذربایجان)  
«چاپ مسکو»



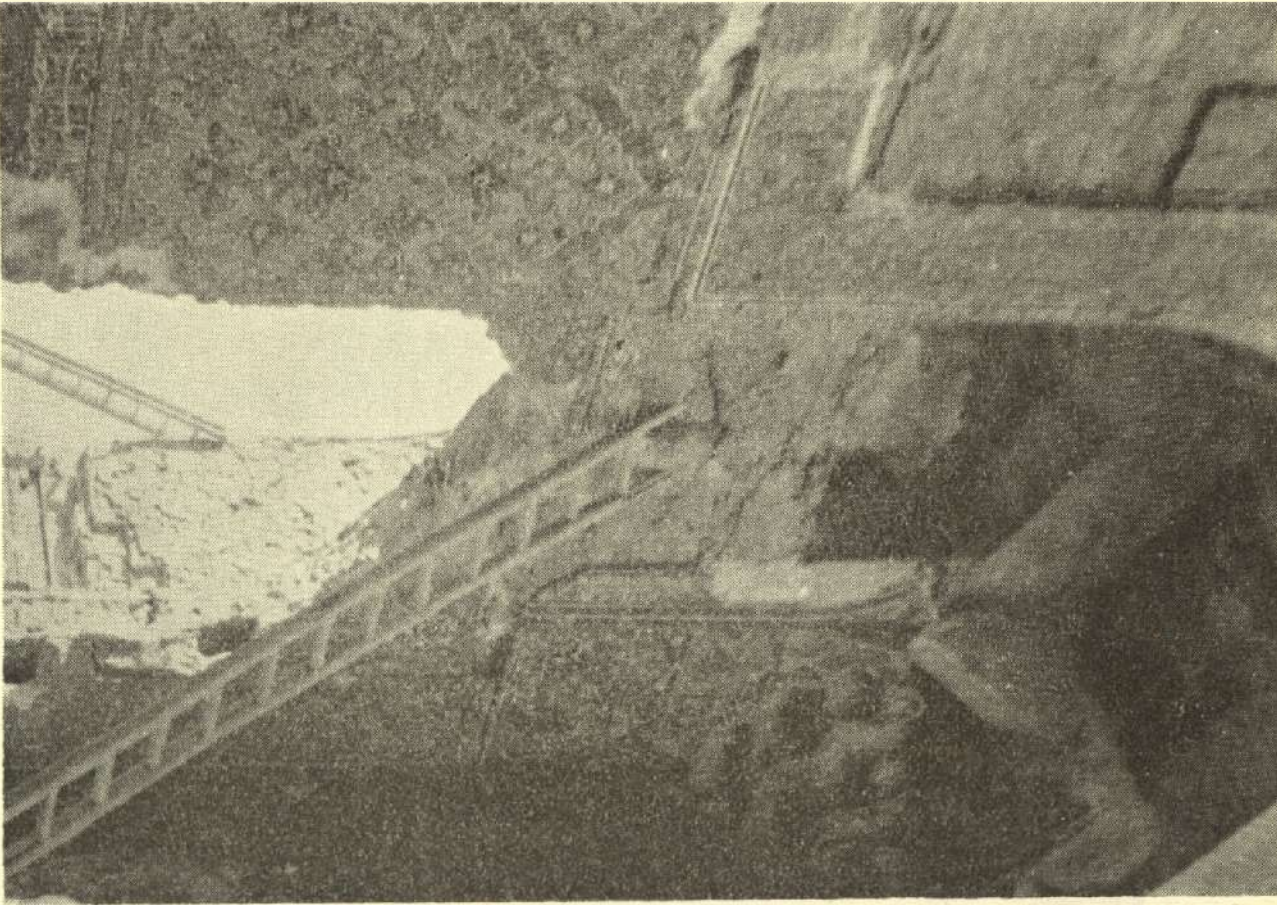
۱۷ - قسمتی از کاشیکاریهای نزدیک محراب مسجد کبود (تصویر از کتاب  
معماریهای آذربایجان)



۱۸ - ویرانی مسجد کبود (تصویر از کتاب معماری آذربایجان)



۲۰ - سردر مسجد کبود



۱۹ - داخل سردر مسجد کبود

ولی متأسفانه در تجدید بنای این مسجد قسمت اعظم زیبایی و شکوه هنرکاشی کاری آن از بین رفته و تنها توانسته اند طرح کلی بنا را تا حدودی حفظ کنند. (عکس شماره ۱۹ - ۲۰)

#### مسجد استاد شاگرد:

این مسجد که در زمان امیرحسن چوپانی بنای آنرا نهاده اند اکنون در محله میارمیار و در غرب خیابان فردوسی در محل مسجد سلیمانیه که از بناهای قدیمی تبریز بوده و در اثر زلزله بکلی ویران شده و از بین رفته بنا گردیده و تاریخ ساختمان آن به حدود سال ۷۴۲ هجری قمری میرسد و از آنجا که کتیبه های مسجد نیمه بوسیله خواجه عبدالله صیرفی که از خوشنویسان معروف بوده نوشته شده، بقیه را شاگردوی با تمام رسانیده است.

#### مسجد حسن پادشاه

اوزون حسن اولین پادشاه آق قویونلو مسجدی عظیم با آجر و سنگ مرمر و کاشیهای مغرق<sup>۱۳۸</sup> بنا کرده بود ولیکن زلزله بکلی آن را ویران ساخت و اکنون در میدان صاحب الامر محل بنای سابق آن، مسجد جدیدی ساخته اند که بهمان نام نامیده شده ولی مطلقاً فاقد ارزش هنری و تاریخی است.

#### صاحب الامر

بنای صاحب الامر در شمال مهرانرود در مجاورت میدانی که بهمین اسم نامیده میشود واقع است. این بنای تاریخی شامل یک مدرسه علوم دینی و مقبره صاحب الامر و یک مسجد میباشد. گنبد و دو مناره آن تلفیقی از معماری اسلامی و معماری دوره صفوی بشمار میرود. این بنا در زمان شاه طهماسب اول صفوی ساخته شده ولی متأسفانه بدست سپاهیان عثمانی ویران گردیده است و بعدها مجدداً تجدید بنا گردیده است. در حال حاضر دو طاق مرمری زیبا و یک سنگ

۱۳۸ - این نوع کاشیکاری بنام مغرق (باغین بدون نقطه) مشهور است لیکن فاضل دانشمند مرحوم عباس اقبال آشتیانی در شماره سال دوم مجله ایران امروز ص ۲۶ با دلایل مستحکمی اثبات کرده که آنرا باید مغرق (باغین نقطه دار) نوشت

نوشته که مربوط به لغو عوارض و رفاه حال مردم آن ایام میباشد دیده میشود. (عکس ۲۱)

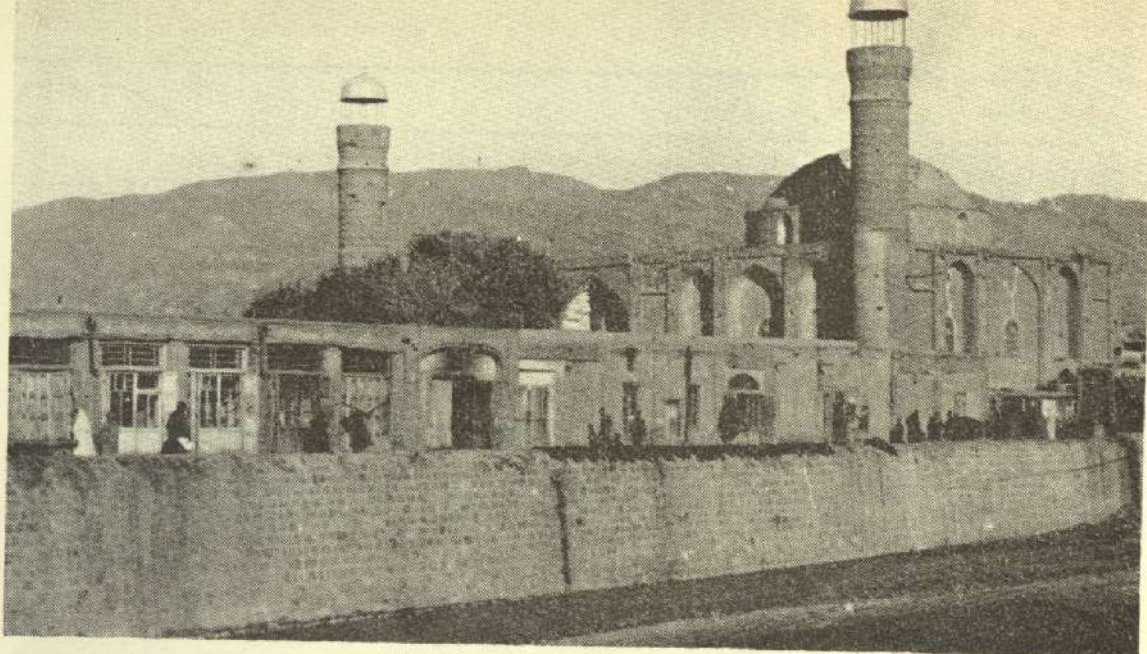
#### مقبره سید حمزه

این مقبره که در کوی سرخاب واقع است. سید حمزه از اولاد امام موسی کاظم (ع) بوده که بدست مغولان مقتول و در همانجا مدفون گردیده است. این بقعه در قسمت جنوب شرقی مسجد معروف سید حمزه قرار دارد و دارای مناره و گنبد بزرگی است. از تزئینات مرمری و کاشیکاری باقیمانده این بنا چنین استنباط میشود که روزگاری دارای شکوه و عظمت معماری بوده است. مقبره سید حمزه بسبب اهمیتش حجرات و اطاقهای متعددی مخصوص اقامت و تحصیل طلاب علوم دینی داشته است. (عکس ۲۲)

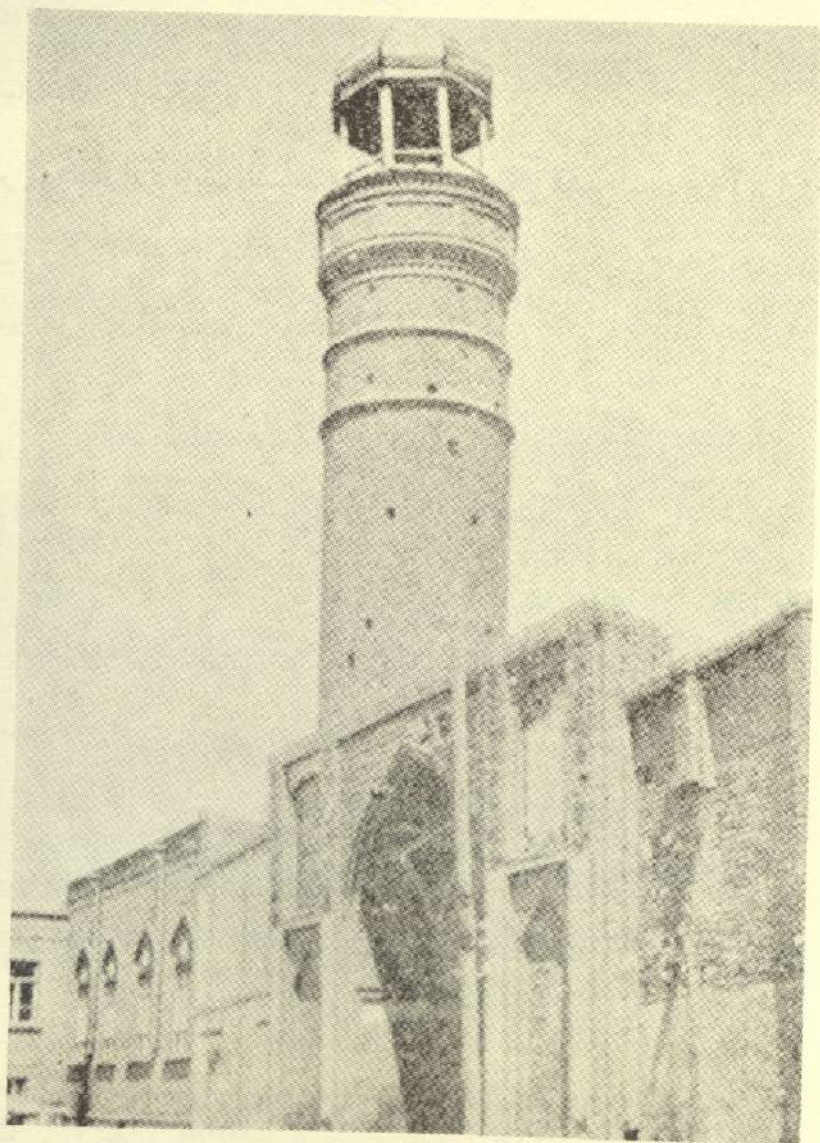
بطور خلاصه در تبریز شاید متجاوز از دویست و پنجاه مسجد قدیمی وجود داشته که مسلماً حتی ذکر نام آنها نیز خارج از حوصله این مقال است. گذشته از آن در تبریز تعداد بسیار زیادی امکانه مقدسه و مقابر متبر که و زیارتگاههای مؤمنین وجود داشته است مانند ( زیارتگاه عون بن علی و زید بن علی) که مردم تبریز آنرا عینلی و زینلی مینامند و زیارتگاه معتبری بشمار میرود. این زیارتگاه در بالای کوهی که بهمین نام معروف است ساخته شده است. (شکل ۲۳)

آقای حافظ حسین کر بلائی تبریزی کتاب بسیار قطوری بنام روضات الجنان و جنات الجنان در توصیف و معرفی تاریخچه این بقاع نوشته است و اخیراً فاضل گرانقدر آقای جعفر سلطان القرائی پس از تصحیح و تعلیق آنرا در دو جلد بوسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر کرده است.

چنانکه در شماره‌های پیش مذکور افتاد تبریز از اوایل قاجاریه بخصوص زمان شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه که ولیعهد نشین شده و بدار السلطنه ملقب گشت، حیاتی دوباره یافت و اکثر ولیعهدان قاجار در آن شهر ابنیه و عماراتی ساختند که از آن میان بناهای عباس میرزا و ابنیه ناصرالدینشاه که بهمت امیر کبیر ساخته شده از همه مهمترند.



۲۱ بنای تاریخی صاحب الامر



۲۲ - مقبره سید حمزه  
(۴۱)

عباس میرزا که علاقه فراوانی بآبادانی و عمارات داشت ابنیه فراوانی از خویش در تبریز بیاد کار نهاد.

### باغ شمال

یکی از جالبترین کارهای عباس میرزا تکمیل بنای باغ شمال است. این بنا که در زمان سلطان یعقوب آق قویونلو بنیاد نهاده شده و در دوره صفویه مجدداً تعمیر گشته بود در اثر گذشت زمان رو بویرانه گذاشته بود، اما بهمت این شاهزاده تجدید بنا شد و باغ بزرگی که مقدار اراضی آن چهل خروار تخم افکن است،<sup>۱۳۹</sup> در اطراف آن احداث کرد و در آن عماراتی عالی و استخری بزرگ بنیاد نهاد. (عکس ۲۵ و ۲۶)

دیگر از عمارات نایب السلطنه ساختمان عالی قاپو است که آنرا به تقلید عالی قاپوی تبریز و اصفهان احداث کرد که این عمارات اکنون به بناهای جدید تبدیل شده اند. ۱۴۰ (عکس ۲۷)

### شاه گلی

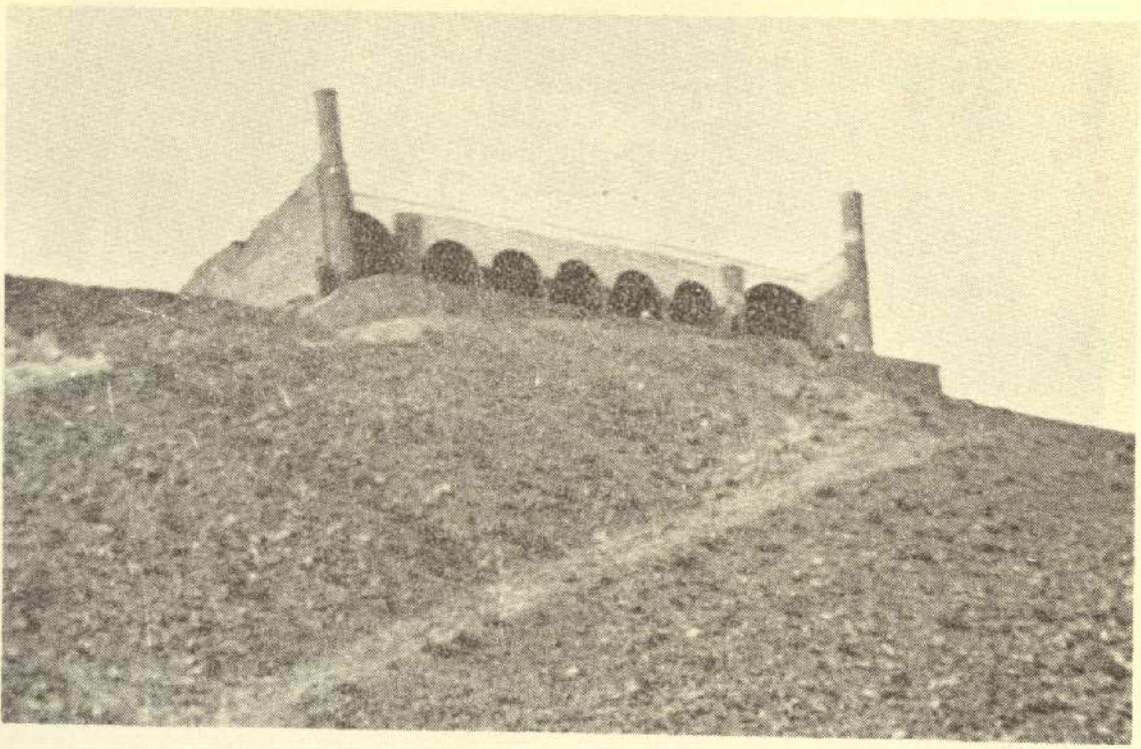
عمارات شاه گلی نیز از بناهای جالب دوران قاجار است که بوسیله شاهزاده قهرمان میرزا پسر عباس میرزا در میان استخری بزرگ که بدریاچه ای شبیه است. بطرز زیبایی بنا گردیده که اکنون هم تفرجگاه تبریزیان است. (عکس ۲۸)

از آغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر تبریز نیز مانند اکثر شهرهای ایران مشمول برنامه نوسازی کشور واقع شد و چهره آن دگرگون گشت و اکنون بصورت کاملاً نوینی در آمده است.

۱۴۰ - استخر شاه.

۱۳۹ - تاریخ نادر میرزا ص ۱۸۸.

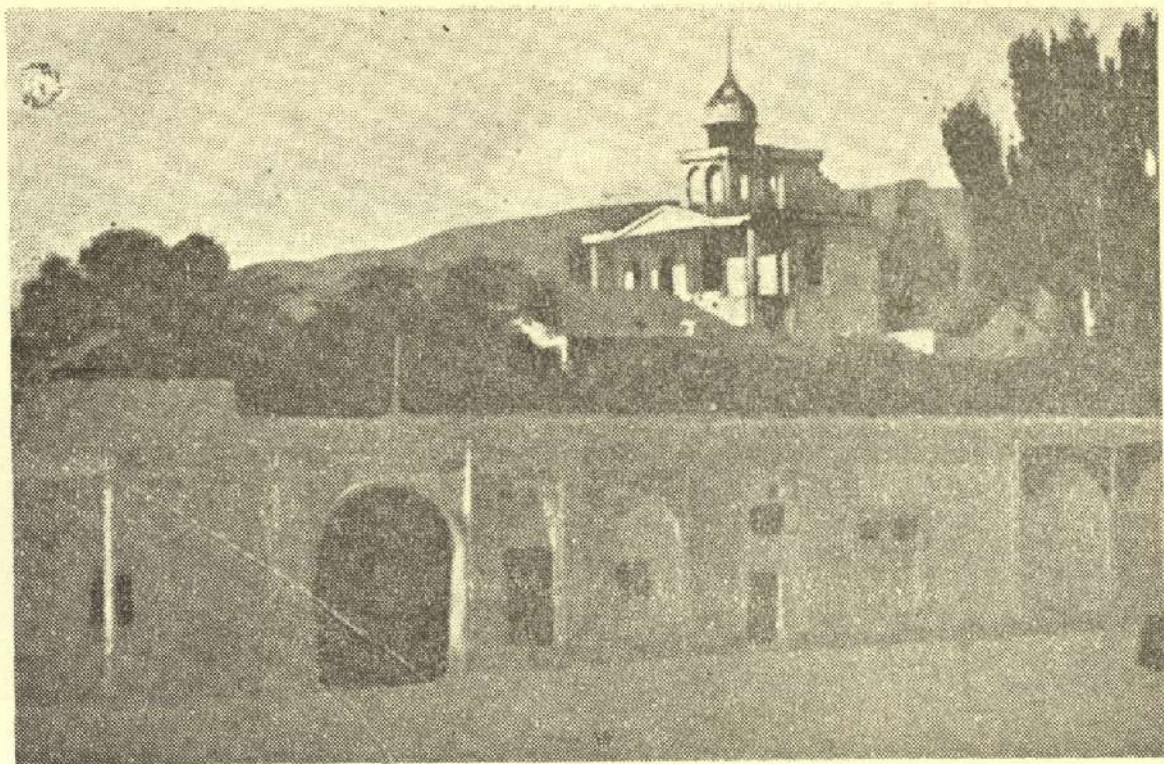




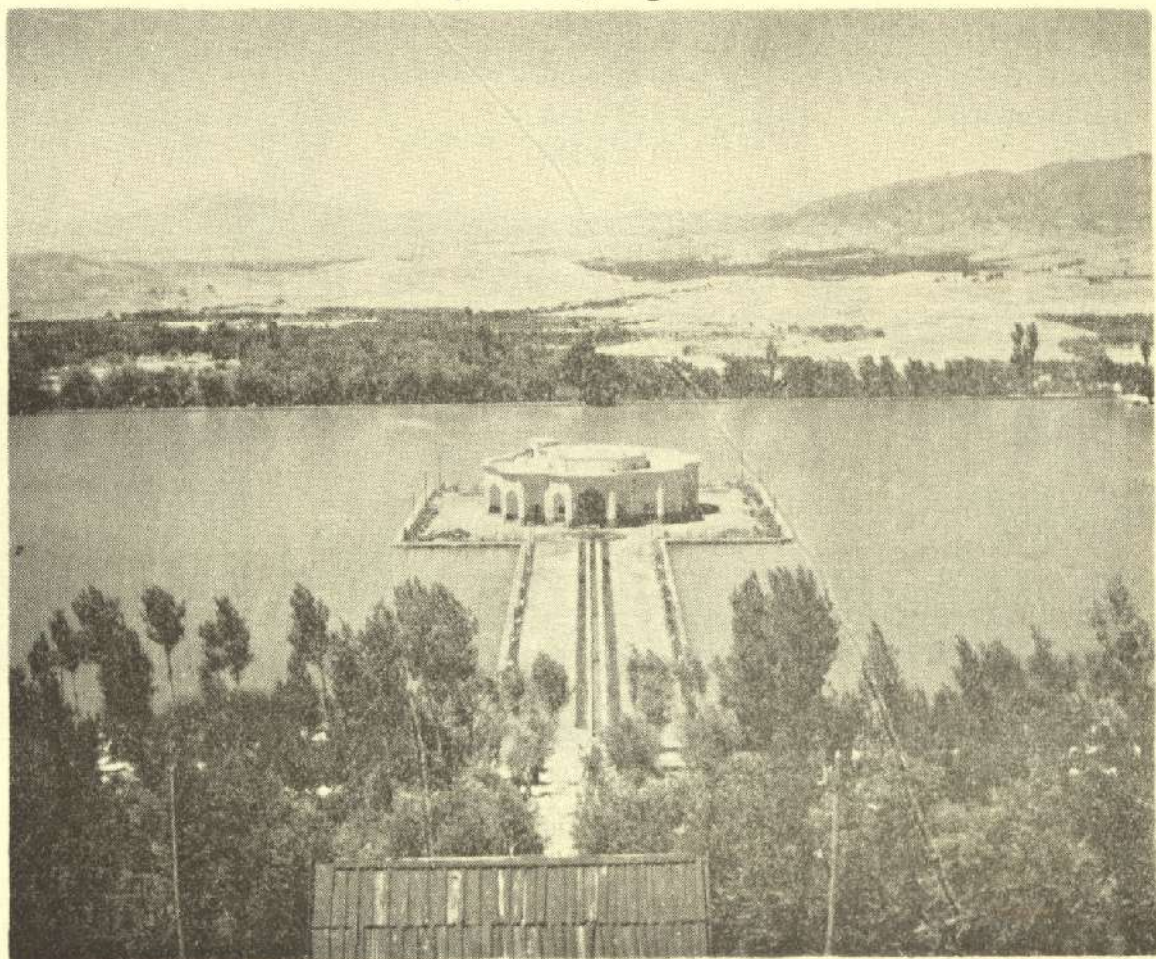
۲۳ - زیارتگاه عینلی و زینلی



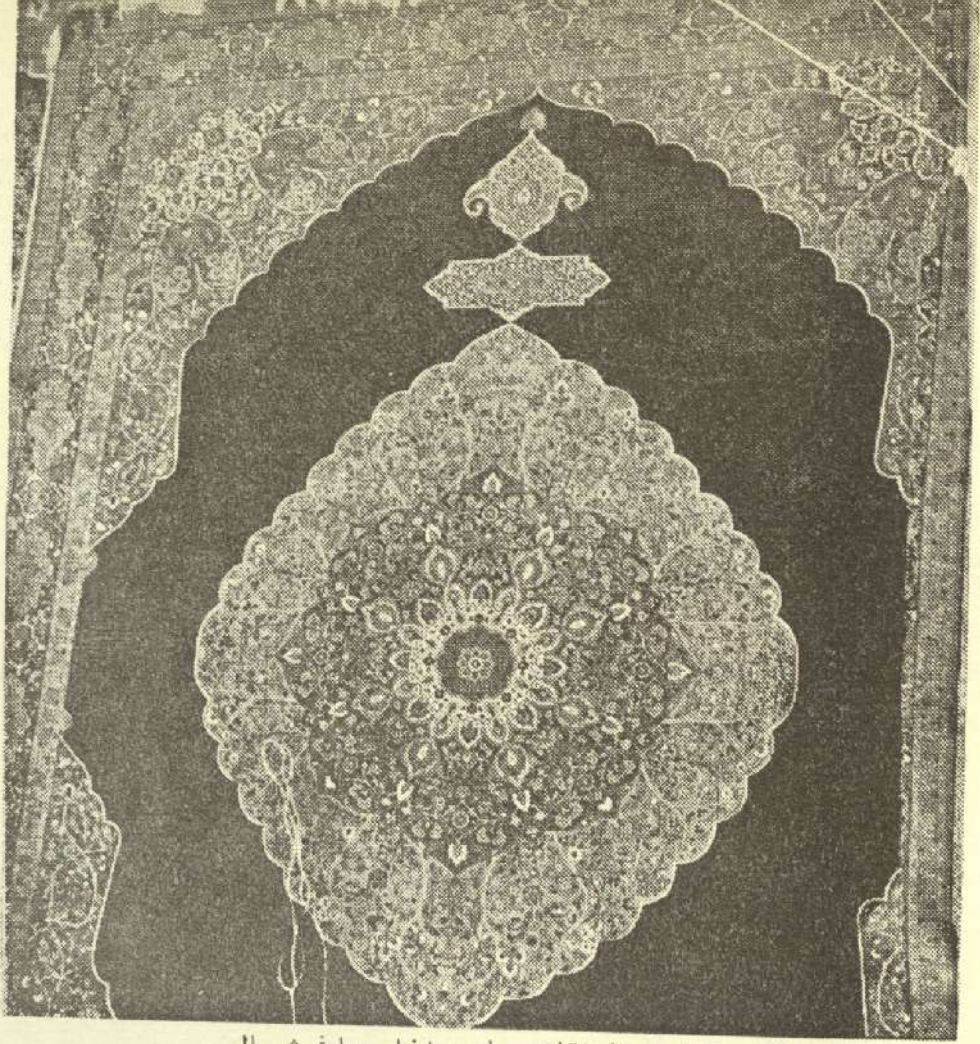
۲۴ - میدان شهرداری تبریز



۲۷ - عالی قاپو و شمس العماره



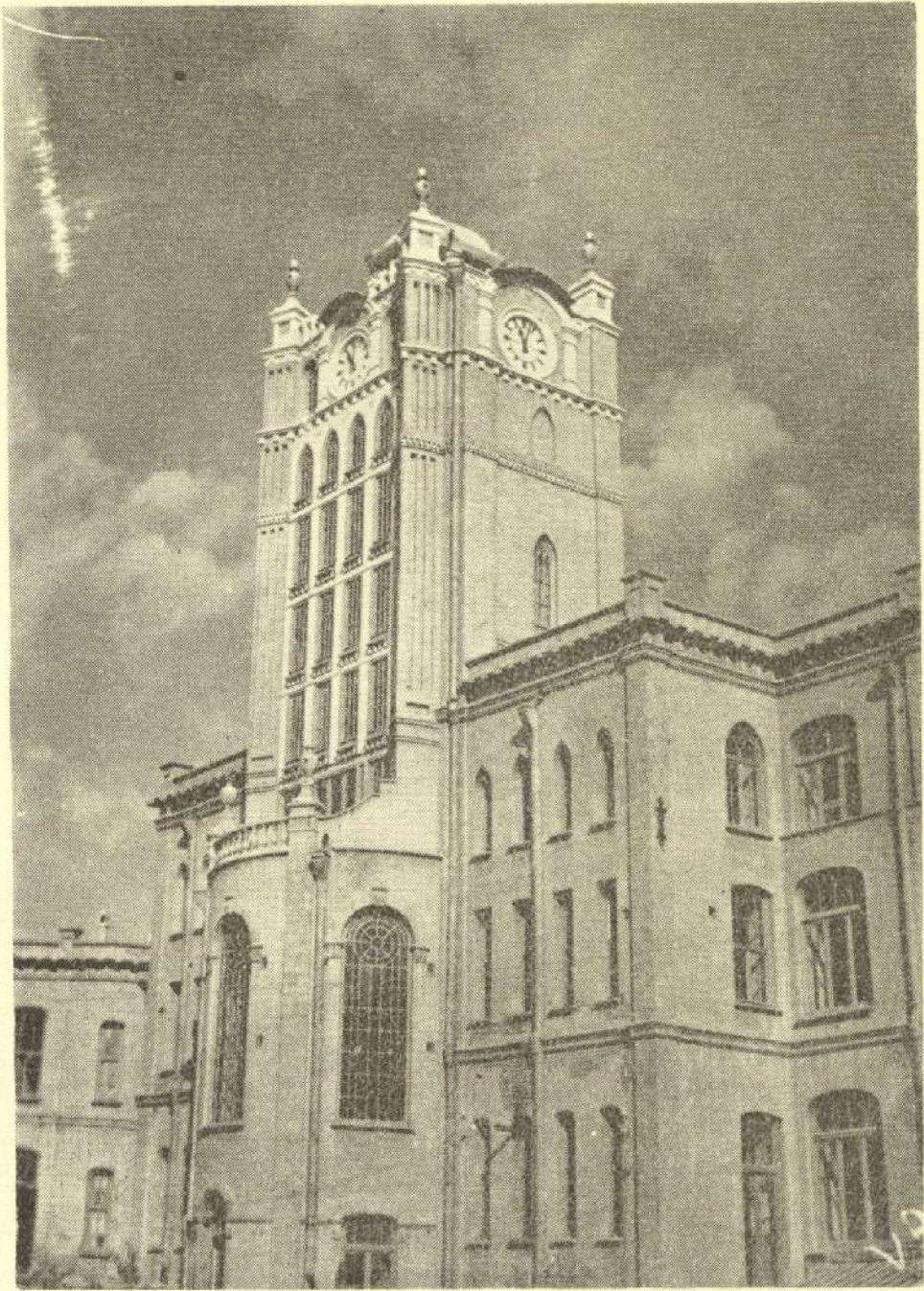
۲۸ - استخر شاه (شاه گلی)  
(۴۴)



۲۵ - بعضی از نقاشیهای داخلی باغ شمال



۲۶ - عمارت مرکزی باغ شمال  
(۴۵)



ساختمان شهرداری

سندی درباره

سفارت ژنرال یرملوف

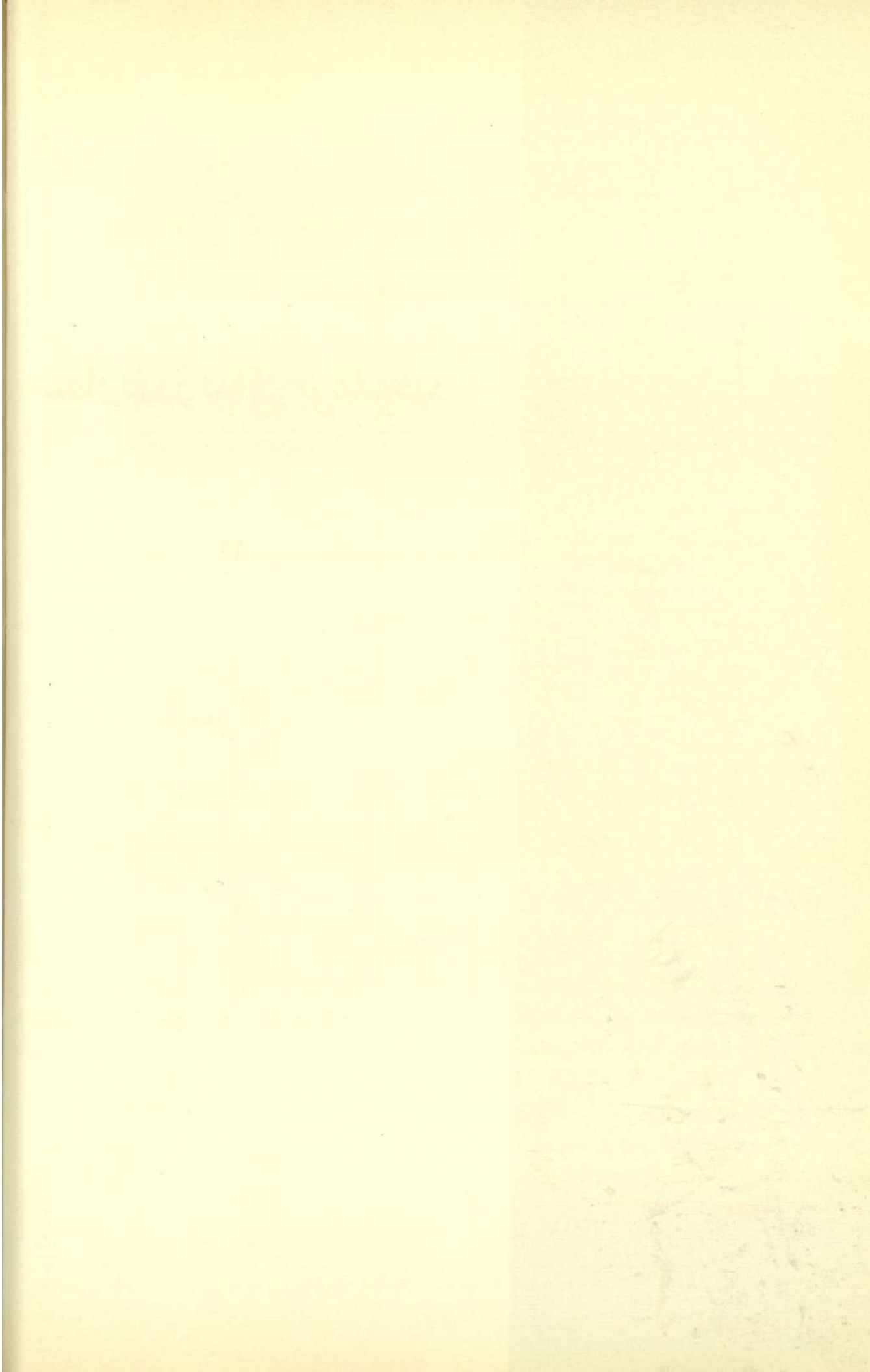
به

ایران

بمقام

سرینت جهانگیر قاسم مقامی

دکتر تاریخ



# سندی در باره

## سفارت ژنرال یرملوف به ایران

در میان انبوه اسنادی که در گنجینه گرانبهای فاضل محترم آقای کریمزاده تبریزی موجود است. سندیست مورخ به شعبان ۱۲۳۲ هجری قمری که فرمانی خطاببست<sup>۱</sup> و از طرف فتحعلیشاه خطاب به عباس میرزا نایب السلطنه در مورد پذیرائی از ژنرال یرملوف سفیر روسیه صادر شده است.

بم

سرنگ جهانگیر قائم مقامی

فرمان مزبور بطول ۱۴ × ۳۲/۵ سانتیمتر و متضمن یازده سطر بخط خوش است که طغرا ندارد و مهور به مهر چهار- گوش و کوچک فتحعلیشاه با سجع «السلطان فتح علی» میباشد.<sup>۲</sup> اهمیت این سند بیشتر از

(دکتر تریاخ)

۱- فرمانهای خطابی نوعی از فرمانها هستند که خطاب باشخاص صادر میشده اند و طغرا نداشته و فقط بمهر پادشاه میرسیده اند و اختلاف آنها بانامه ها و مکاتبات در رکن خاتمه آنهاست که متضمن عباراتی حاکی از دستورات و روشهای معمول دیوانی می بودند مانند عبارت «حسب المقرر عمل نمود و.....» در عهد شناسند». این نوع فرمانها بعد از صفویه معمول شد و در دوره قاجاریه استعمال فراوان یافت.

۲- برای آگاهی انواع مهرهای فتحعلیشاه و سجع آنها به مقاله مهرها و طغراها و توفیقهای پادشاهان ایران از ایلخانان تاپهلوی پایان قاجاریه در مجله بررسیهای تاریخی ش ۴ سال ۴ رجوع کنید.

دو نظر است: یکی آنکه وجود آن صحت قسمتی از مندرجات برخی از تاریخهای دوره قاجار مثل ناسخ التواریخ و روضه الصفای ناصری و فارسنامه ناصری را تأیید مینماید. دیگر آنکه میرساند، بست و گشود امور آذربایجان و حل مشکلات و دشواریهای حاصل از روابط ایران با دولت روسیه کلاً به عباس میرزا نایب السلطنه واگذار بوده و فتحعلیشاه با اعتقاد راسخ، نایب - السلطنه و دستگاه او را در این موارد صاحب نظر میدانسته است.

موضوع فرمان مزبور دستور و سفارشی است که فتحعلیشاه درباره استقبال و پذیرائی از ژنرال الکساندر یرملوف سفیر روسیه که بانسخه امضاء شده عهد - نامه گلستان بایران می آمد صدور یافته است و فتحعلیشاه در ضمن آن نیز سفارش میکند «هر گاه از ایلچی مشارالیه حرفی در کار دولت سرزند او هم بمقتضای وقت عمل نموده جوابی در مقابل گفته باشد» و ما اینک ضمن توضیحاتی که درباره سفارت مزبور خواهیم گفت بنقل متن و چاپ عکس فرمان مزبور نیز مبادرت خواهیم کرد:



جنگهای ده ساله ایران و روسیه بالاخره بر اثر میانجیگری و تلاش سرگور او زلی بر اونت سفیر انگلیس پایان یافت<sup>۳</sup> و قسمتهائی از خاک ایران در تصرف روسها باقی ماند. دولت ایران برای پس گرفتن اراضی مزبور اصرار می ورزید ولی سفیر انگلیس که با اقتضای سیاست دولت متبوع خود میخواست بپهنحویست بجنگ روس و ایران پایان دهد با مواعید بسیار فتحعلی شاه را حاضر به بستن عهدنامه صلح نمود.

سرگور او زلی وعده صریح داده بود که بعد از بسته شدن معاهد، اگر دولت ایران سفیری بدربار روسیه بفرستد، او نیز با فرمانفرمای کل قفقاز

۳- ر.ک به تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم تألیف محمود

محمود جلد یکم صفحه ۱۲۳، ۱۲۵



متفقاً واسطه خواهند شد که امپراطور روس شهرها و نواحی از دست رفته ایران را پس دهد.<sup>۴</sup>

بر اثر این مواعید ، دولت ایران میرزا ابوالحسن خان شیرازی را برای سفارت بدربار روسیه تعیین کرد و سرگوراوزلی نیز آمادگی خود برای حرکت بلندن ازراه روسیه اعلام نموده و باز یادآور شد که چون بدربار امپراطور برسد دربارهٔ استرداد نواحی ایران گفتگو خواهد کرد اما با آنکه فتحعلیشاه اصرار داشت او و میرزا ابوالحسن خان همراه یکدیگر باشند ، سرگور اوزلی بعد از اینکه عده همراهان آنها زیاد است و این مسأله مشکلاتی در طول راه فراهم خواهد ساخت ، دو ماه زودتر حرکت کرد.<sup>۵</sup>

بدین ترتیب سفرای ایران و روسیه در سال ۱۲۲۹ هجری قمری بسوی روسیه حرکت کردند<sup>۶</sup> و سرگور اوزلی در هفتم رمضان آن سال (۲۳ اوت ۱۸۱۴) و میرزا ابوالحسن خان در حدود هفت ماه بعد (در دهم آوریل ۱۸۱۵ = ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۳۰ قمری وارد سن پترزبورگ شدند).<sup>۷</sup>

در روسیه امپراطور از مساعی و اقدامات سرگور اوزلی که در انعقاد معاهدهٔ گلستان بهمه جهت مصالح امپراطوری روسیه را محفوظ و تأمین نموده بود ، قدردانی کرد و در ملاقات با او گفت: «این صلح با ایران به بهترین شکلی از حیث منافع و شرافت انجام گرفته است . من بانهایت میل و شغف آنرا قبول نموده‌ام و این غیر ممکن است که من بتوانم احساسات درونی خود را بشما اظهار بدارم» و سرگور اوزلی در جواب گفته بود: «اعلیحضرتا ، این خدمت مختصر من که سعادت مرا بانجام آن یاری نموده تا در ایران بجا آورم

۴- محمود محمود : ج ۱ ص ۱۳۱

۵- همان کتاب ص ۱۳۲ بنقل از سیاحتنامه موریر .

۶- عبدالرزاق بیک مقتون: مآثر السلطانیه در شرح وقایع سال ۱۲۲۹ هجری قمری

و محمد حسنخان صنیع الدوله . منتظم ناصری جلد سوم ص ۱۰۶

۷- محمود محمود : ج ۱ ص ۱۳۸ و ۱۴۱ بنقل از یادداشت‌های سرگور اوزلی صفحه ۱۰۰

فقط قسمتی ازوظائف من بوده واینها در اثر اطاعت از اوامر دولت پادشاهی انگلستان میباشد که بمن دستور داده شده بود. حال اگر این خدمات من مورد قبول اعلیحضرت امپراطور واقع شده است در این صورت بدون تردید آرزوهای قلبی از طرف خداوند بر آورد شده است. من اینک سعادت مندترین افراد بشر هستم<sup>۸</sup>. و بالاخره امپراطور روسیه بمناسبت خدمت بزرگی که سرگوراوزلی با فراهم ساختن مقدمات و زمینه مساعد برای انعقاد عهد نامه گلستان، در حفظ مصالح و منافع امپراطوری روسیه انجام داده بود، او را باعطای يك قطعه نشان الکساندر نویسکی مفتخر نمود.<sup>۹</sup> میرزا ابوالحسن خان نیز از طرف دولت روسیه با گرمی پذیرفته شد<sup>۱۰</sup> اما در مورد نواحی متصرفی مثل ارمنستان و گرجستان و قراباغ، روسها نه تنها روی موافق نشان ندادند بلکه امپراطور گفت «در باب رد بلاد متصرفی ما، گماشتگان ماهیچ يك را بقهر و غلبه نگرفته اند بلکه حکام هر يك بطوع و رغبه بنزدینارال ما آمده استندعا کردند که ولایت خود را بتصرف ما دهند...»<sup>۱۱</sup>

بنا بر این از سفارت میرزا ابوالحسن خان نتیجه مطلوب بدست نیامده فقط بعد از آنکه عهد نامه به امضاء و توشیح امپراطور روسیه رسید، مقرر گردید سفیری از جانب امپراطور با عهد نامه، بدربار ایران گسیل گردد و بر وفق مندرجات عهد نامه قرارهای لازم داده شود و ژنرال الکساندر یرملوف

۸- به نقل از کتاب محمود محمود ص ۱۳۹ ج ۱ و برای آگاهی بیشتر از جزئیات مذاکرات امپراطور و سرگوراوزلی و جریان تشریفات که بمناسبت ورود او انجام شده بود بهمان کتاب از ص ۱۳۸ تا ص ۱۴۰ رجوع کنید.

۹- همان کتاب ص ۱۴۰

۱۰- ر.ک به روضه الصغای ناصری چ نهم ص ۲۲۱-۲۲۲

۱۱- همان کتاب ص ۲۲۲ و صاحب فارسنامه ناصری نیز مطالبی بهمین مضمون نوشته و اضافه کرده است که امپراطور در پایان سخن خود گفته بود «در باب گنج و شیروان و طالش مضایقتی نیست ولی باید ایلچی مختار ما که سردار جدید گرجستان است رفته بداند که رضای اهالی آن سامان بر چیست» (کتاب اول صفحات ۲۶۴-۲۶۵)

ضمن انتخاب بسرداری گرجستان، بعنوان سفارت فوق‌العاده به ایران تعیین گردید. ۱۲

بدین ترتیب الکساندر یرملوف و میرزا ابوالحسن خان بسوی ایران روان شدند ولی یرملوف برای انتظام امور قفقاز در تفلیس متوقف شد و چند تن از اعضای سفارت خود را بهمراه میرزا ابوالحسن خان روانه ایران نمود تا ترتیب ورود او را بدهد و این عده بعد از عید نوروز سال ۱۲۳۲ هجری قمری در تهران بحضور فتحعلیشاه رسیدند<sup>۱۳</sup> و بطوریکه رضاقلیخان هدایت مینویسد: «بعد از گذرانیدن عریضه و هدایا و رخصت مراجعت و یافتن جواب و خلعت، مقرر شد که سفیر مذکور در اواسط فصل بهار در چمن سلطانیه بحضور سلطان کامکار در آید و احکام قضا نظام بافتخار نواب شاهزاده و الاجناب نایب السلطنه و نواب ملکزاده عبدالله میرزا متخلص به دارا، فرمانروای خمسه و زنجان و حسین خان سردار ایروان صدور یافت...»<sup>۱۴</sup>

باین منظور عسکرخان افشار ارومی بمهمانداری او تعیین گردید و میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط و چند تن دیگر از مستوفیان دربار مأمور شدند به خمسه رفته، پس از ورود سفیر، او را در چمن سامان ارخی واقع در شش کیلومتری سلطانیه پذیرا شوند.<sup>۱۵</sup>

از میان فرمانهائی که دربارهٔ ورود سفیر روسیه صادر شده و صاحب‌روضه الصفا و دیگر تاریخ‌نویسان دورهٔ قاجار بآنها اشاره نموده‌اند فرمانیست که مقاله حاضر دربارهٔ آن است و در آغاز این مقاله نیز بآن اشاره شده است و چنان که گفتیم اصل آن ضمن گنجینهٔ بسیار گرانبھائی از صدها فرمان و نوشته و

۱۲- ناسخ التواریخ کتاب قاجاریه ج ۱ ص ۱۶۷ و منتظم ناصری ج ۳ ص ۱۱۵ و روضه-

الصفا ج ۲ ص ۹

۱۳- همان مدارک و همان صفحات

۱۴- روضه الصفا ج ۹ صفحات ۲۲۲ و ۲۲۳

۱۵- منتظم ناصری ج ۳ ص ۱۱۵

دستخط پادشاهان ایران در تصرف آقای کریمزاده تبریزیست و معظم له بسا گشاده روئی و سعه صدری خاص آنرا برای مدتی بالنسبه دراز در اختیار نگارنده قرار دادند و از این بابت نگارنده بسیار سپاسگزار ایشان است. اینك متن فرمان مزبور را باعکسی از آن باندازه اصلی فرمان در اینجا نقل میکنیم:

### محل مهر فتحعلی شاه

### السلطان فتح علی

[۱] فرزند ارشد اسعد بیهمال نایب خلافت بیزوال عباس میرزا موفق و مؤید بوده بدانند که چون درین اوقات که عالیجاه ایلچی بزرگ [۲] دولت روسیه وارد چمن سلطانیه می گردید و در آنجا اقامت میورزید تا هنگام نزول رایسات ظفر آیات بچمن مزبوره قریب [۳] بیک ماه امتدادی می بود و در این مدت از طرف قرین الشرف پادشاهی مطلقاً بحال او نپرداختن و او را بیمحل ساختن [۴] خلاف رویه و قانون مینمود لہذا فدوی ارادت مآب معتمد الدوله العلیه میرزا عبدالوہاب رامامور و روانه چمن مزبور فرمودیم [۵] کہ تا هنگام ورود موکب مسعود در آنجا بوده عالیجاه ایلچی مشارالیه راملاقات و او را از مراحم خاطر سینه آگاه و مطلع ساخته [۶] دلگرم دارد و هر گاه از ایلچی مشارالیه حرفی در کار دولت سرزند فدوی معزی الیه نیز بمقتضای وقت عمل نموده [۷] جوابی در مقابل گفته باشد چون آن فرزند ارشد سعادت مند از رفتار و کردار باین طایفه اطلاعی کامل حاصل کرده بلدیت [۸] تامی از مزاج ایشان دارد هر نوع

صلاح داند دستورالعملی در خصوص هر کار بقدوی معزی‌الیه داده اورا [۹] از طریقهٔ رفتار و گفتار بسا عالیجاه ایلچی و همراهان او آگاه سازد تا معزی‌الیه نیز از سیاق دستورالعمل [۱۰] آن فرزند سعادت‌مند آگاهی بهمرسانیده از آن قرار معمول دارد [ یک کلمهٔ ناخوانا] حسب‌المقرر عمل نموده و مراحم کاملهٔ خاطر خطیر [۱۱] اقدس رادر بارهٔ خود بسرحد کمال دانسته در عهده شناسد.

«تحریراً فی شهر شعبان المعظم سنهٔ ۱۲۳۲»

واما یرملوف پس از دو ماه توقف در تفلیس روانهٔ ایران شد و موریس کوتزبو Maurice Cotzbuه نیز، که از شاهزادگان آلمانی میبود، بهمراه هیات یرملوف بایران آمد. اود سفرنامهٔ خود بنام «مسافرت بایران بمعیت سفیر کبیر روسیه در سال ۱۸۱۷» تفصیل این مسافرت را شرح داده است.<sup>۱۶</sup> وی مینویسد: روز سوم مه (۱۹ جمادی الثانی ۱۲۳۲ قمری) از شهر ایچمیا زین خارج شدیم و در واسط راه ایروان «حسن خان حکمران ایروان با چهار هزار نفر<sup>۱۷</sup> به استقبال ما آمد که غالبشان کرد بودند»<sup>۱۸</sup> و مؤلف روضهٔ الصفا ی ناصری در شرح این استقبال مینویسد: حسین خان سردار برادر حسن خان نیز «خود در خارج شهر خیمه و خرگاه وسیع و رفیع برافراخت که مشتمل بر پنج عمود طویل بود و بزمی مهنا مهیا ساخت و تا دو فرسنگ راه پیاده و سوارهٔ ایلات در کمال جلال ستاده

۱۶- ترجمه این کتاب توسط محمود هدایت بفارسی و در سال ۱۳۱۰ خورشیدی بچاپ

رسیده است.

۱۷- مؤلفان فاسخ‌التواریخ و روضهٔ الصفا ی ناصری می‌نویسند: حسینخان با پنج هزار سوار با استقبال یرملوف رفت ( فاسخ‌التواریخ ج ۱ کتاب قاجاریه ص ۱۷۲ و روضهٔ الصفا ج ۹ ص ۲۲۶).

۱۸- ص ۶۴

بودند و خود با ابهتی تمام درخیمه مقام داشت.<sup>۱۹</sup> کوتزبو در وصف و اهمیت این استقبال چنین اضافه کرده است: «اهالی محل متحیر مانده بودند که این مرد متکبر که شاه را بزور استقبال میکند [یعنی حسن خان سردار]، چه شده که بسفیری اینقدر احترام میگذارد»<sup>۲۰</sup>

و بعد میافزاید: «مراسم استقبال ماخلیلی مفصل و باشکوه بود. بعد از سفیر عده ای قزاق با موزیک حرکت میکرد سپس اعضای سفارت و عده دیگری هم قزاق بعد از آنها در حرکت بود. مردم ایران نظیر آنرا ندیده بودند و برای دیدن ما بیکی دیگر فشار می آوردند»<sup>۲۱</sup> اما کثرت همراهان سفیر<sup>۲۲</sup> و شکوه حرکت هیأت سفارت و نیز طرز معامله و استقبالی که از طرف حسن خان سردار از او بعمل میآمد مردم را متوهم ساخته بود.<sup>۲۳</sup>

بهر حال هیأت با این وضع وارد خاک ایران شدند و از آنجا دیگر میهمان دولت ایران بودند. فتحعلی شاه امر کرده بود تمام مخارج حمل و نقل و خواربار روزانه آنها بوسیله میهماندار پرداخته شود<sup>۲۴</sup> و بدین ترتیب روز ۱۶ رجب (۱۹مه) هیأت مزبور وارد تبریز شدند.<sup>۲۵</sup>

در تبریز نیز از سفیر استقبال و پذیرائی گرم و شایانی بعمل آمد که شرح

۱۹- ج ۹ ص ۲۲۶ روضة الصفا و به ناسخ التواریخ ج ۱ ص ۱۷۲ نیز رجوع کنید.

۲۰- ص ۶۶

۲۱- ص ۶۹ برای آگاهی از جزئیات پذیرائی که در ایران از سفیر بعمل آمده است به همان کتاب از ص ۶۹ تا ص ۷۶ رجوع کنید.

۲۲- کوتزبو می نویسد: «اعضای رسمی سفارت یرملوف مرکب از شش نفر بودند و علاوه بر خدمه سفارت، عده ای هم سرباز و قزاق و یکدسته موزیک نیز همراه سفارت بود و جمعاً در حدود سیصد نفر میشدند» ص ۴۲

۲۳- رضاقلی خان هدایت نوشته است: «مردم را در باره او توهمات و افروظنون متکثر

میرفت» ص ۲۲۶

۲۴- کوتزبو ص ۸۱

۲۵- همان کتاب ص ۹۳



فرمان شاه جهان به حضرت میرزا علی قاسم میرزا کریم که به سبب این اوقات در حال حج است

در این وقت که در این سفر است و در این اوقات که در این سفر است

بیک جهت که در این سفر است و در این اوقات که در این سفر است

صفت این قانون نیز در این سفر است و در این اوقات که در این سفر است

که به سبب این اوقات که در این سفر است و در این اوقات که در این سفر است

و لکن در این وقت که در این سفر است و در این اوقات که در این سفر است

جواب در این وقت که در این سفر است و در این اوقات که در این سفر است

بتر از این که در این سفر است و در این اوقات که در این سفر است

از طریق دیگر که در این سفر است و در این اوقات که در این سفر است

در این وقت که در این سفر است و در این اوقات که در این سفر است

۱۲۳۲  
اصول  
میرزا کریم

فرمان فتحعلیشاه خطاب به عباس میرزا در مورد پذیرائی از ژنرال برموف (اصل فرمان در موزه آقای محمد علی کریم زاده تبریزی میباشد)

مفصل آنرا در کتاب کوتزبو باید خوانند<sup>۲۶</sup> و تاریخ نویسان ایرانی هم مطالبی در این باره نوشته اند از جمله عبدالرزاق بیگ مفتون دنبلی مینویسد :

«از قریه سهلان تا در دولتخانه نایب السلطنه پانزده هزار سرباز و بیست و پنج هزار سوار از مجاهدین، بیست هزار پیاده و مجموع شصت هزار کس و چهل عراده توپ باز داشته بنظام و ترتیب آر میدند و چهل هزار کس از غریب و بومی اهل تبریز از اصناف و غیره بتماشا حاضر و بورود ایلچی ناظر و این همه مردم و اصناف و خلایق بترتیبی و آئینی صف کشیده بودند که نه جنبشی از ایشان پدیدار بود و نه صدائی آشکار.»<sup>۲۷</sup>

هیات سفارت یکم هفته بیشتر در تبریز نماندند و روز ۲۳ رجب از تبریز حرکت کردند و روز ۲۵ آن ماه به چمن او جان رسیدند<sup>۲۸</sup> و در انتظار رسیدن شاه در آنجا توقف نمودند ولی در او جان خبر رسید که فتحعلیشاه بمناسبت فرا رسیدن ماه رمضان نمی تواند هیأت سفارت را قبل از پایان ماه بپذیرد<sup>۲۹</sup> بدین جهت هیأت سفارت بیشتر از این در او جان که هوایش به مزاج آنها سازگار نشده بود نمانده و روز سوم شعبان (۵ ژوئن) او جان را ترك گفتند و به آهستگی بجانب زنجان و از آنجا بسوی چمن سلطانیه عزیمت نمودند و چنانکه کوتزبو نوشته است در نزدیکی های سلطانیه در انتظار ورود فتحعلیشاه متوقف شدند. ۳۰ (اوائل رمضان)

مقارن این احوال فتحعلیشاه هم از تهران بقصد چمن سلطانیه حرکت کرد (۲۷ شعبان). بطوریکه از نوشته ناسخ التواریخ برمی آید، همراهان و

۲۶- ص ۹۴ ص ۱۰۸

۲۷- مائرا السلطنیه ص ۳۲۹ - ص ۳۳۰ و ناسخ التواریخ ص ۱۷۲ و روضة الصفا

ص ۲۲۶ و ص ۲۲۷.

۲۸- کوتزبو : ص ۱۱۶ و ص ۱۱۷

۲۹- همان کتاب : ص ۱۱۹

۳۰- از صفحه ۱۲۰ تا ۱۴۲



سپاهی که در این سفر در رکاب فتحعلیشاه به سلطانیه آمدند با ابهت و شکوه بیشتر و تعداد افزونتر از سالهای پیش بوده است که شاه تابستان را در چمن سلطانیه می گذرانیده است و میتوان استنباط کرد فتحعلیشاه برای آنکه قدرت و عظمت خود را به سفیر روسیه نشان داده و او را مرعوب سازد، در این سال بر تعداد و استعداد همراهان و سپاه ملتزم رکاب خود افزوده بوده است. مؤلف ناسخ التواریخ می نویسد: شاه در «جمعه هفدهم رمضان وارد چمن سلطانیه گشت و از توپخانه و سوار و سرباز و شاهزادگان و امرا چندان انجمن بودند که کمترین وقت بدین ازدحام و انتظام سپاهی بسادید آمد ویرملوف بسا لباسی دگرگون از یک سوی بیرون شده نظاره و سپاه و رسیدن پادشاه را بدان شوکت و حشمت همی کرد»<sup>۳۱</sup>

روز ورود شاه، توپهای پی در پی شلیک شد و کوتزبو که خود در آنروز در چمن سلطانیه حضور داشته است می نویسد: چندتن از اعضای سفارت در صف مستقبلین بودند و همینکه چشم شاه به آنها افتاد «روی رکاب بلند شده مکرر فرمودند خوش گلدی (خوش آمدی) ایرانیان میگفتند که تا حال اعلیحضرت نسبت بهیچ کسی چنین لطف و مرحمتی مبذول نفرموده اند خصوصاً تا امروز دیده نشده بود که برای کسی روی رکاب بلند شوند»<sup>۳۲</sup> و در اینروز سفیر نیز بالباس مبدل در جمع تماشاچیان حضور یافته بود.<sup>۳۳</sup> در همین روزها هدایائی که امپراطور روسیه برای پادشاه ایران فرستاده بود نیز از راه هشرخان و دریائی خزر به سلطانیه رسید.<sup>۳۴</sup> ولی سفیر بمناسبت تصادف با روزهای ماه رمضان نتوانست بحضور شاه بار یابد فقط در روز ۲۵ رمضان (۲۶ ژوئیه) از اردوگاه خود بسلطانیه وارد شد و تشریفاتی که بمناسبت

۳۱- ج ۱ - کتاب قاجاریه ص ۱۷۲

۳۲- کوتزبو : ص ۱۵۵

۳۳- ناسخ التواریخ ص ۱۷۲

۳۴- کوتزبو ص ۱۴۳ و شرح هدایا در صفحات ۱۵۷ تا ۱۵۹ همان کتاب.

ورود او اثر کرده بودند بطوریکه کوتزبو شرح آنرا در سفرنامهٔ خود آورده بسیار مفصل و باشکوه بوده است.<sup>۳۵</sup>

چند روز بعد از ورود سفیر، ملاقات او و صدر اعظم صورت گرفت و بالاخره روز سی‌ام رمضان (۳۱ ژوئیه) برای شرفیابی بحضور شاه تعیین گردید.<sup>۳۶</sup> جزئیات این شرفیابی را نیز کوتزبو در سفرنامهٔ خود بتفصیل آورده است.<sup>۳۷</sup> و در کتاب او مطالب و نکات دیگری هم از قبیل شرح تماشای صدر اعظم از هیأت سفارت و میهمانی سفیر از اولیای ایران و بالاخره جزئیاتی از جشن و سوارکاریها و آتش‌بازیها ذکر شده است که بسیار جالب میباشد.

اما در ملاقاتهاییکه بین ژنرال یرملوف با صدر اعظم و اولیای دولت ایران بعمل آمد، سفیر روسیه از دولت ایران خواست که اولاً با دولت روسیه متحد و در جنگ با عثمانی که روسها در این موقع با آنها در جنگ بودند وارد شود و اگر دولت ایران حاضر بکنج با عثمانی نیست همکاری و کمک هم با آنها نکنند ولی دولت ایران پاسخ داد در فصول یازده گانه عهدنامه گلستان از این موضوع ذکر نرفته است و «چون سرحدات ایران و ولایات آل عثمان را با یکدیگر اتصال است، همکاری ایران با روسیه موجب خواهد شد که بوسیله عثمانیها در مرزهای ایران بی‌نظمیها و اختلالاتی پدید آید و بعلاوه امکان زیاد هست که منجر به بروز اختلافات مجددی بین ایران و روسیه شود.<sup>۳۸</sup>

دوم آنکه دولت ایران اجازه دهد نیروی نظامی روسیه از راه دریای خزر باستر آباد و از آنجا به خیمه برای سرکوبی خوارزمیها برود. پاسخ دولت

۳۵- ص ۱۵۶ - ص ۱۵۷

۳۶- همان کتاب ص ۱۵۹ و ۱۶۴

۳۷- از ص ۱۶۴ تا ص ۱۷۰ به ناسخ التواریخ - ج ۱ ص ۱۷۲ و روضة الصفا ج ۹ صفحات

۲۲۷-۲۲۹ نیز رجوع شود.

۳۸- روضة الصفا ص ۲۸۸ و ۲۲۹ و تاریخ محمود محمود ج ۱ ص ۱۶۷

ایران در این مورد نیز چنین بود که در عهدنامه گلستان از این موضوع سخنی  
بمیان نیامده است.<sup>۳۹</sup>

سوم آنکه کنسولی از طرف دولت روسیه در رشت مقیم شود تا بکارهای  
بازرگانی بین اتباع دو دولت رسیدگی کند. این پیشنهاد هم از طرف دولت  
ایران قبول نشد.

و بالاخره چهارمین پیشنهاد روسها این بود که ارتش ایران بوسیله افسران  
روسی تحت تعلیم قرار گیرند و دولت ایران این پیشنهاد را نیز نپذیرفت.<sup>۴۰</sup>

در نتیجه، روسها هم با پیشنهاد ایران دائر بروا گذاری نواحی و اراضی  
که توسط روسها تصرف شده موافقت نکردند و بدین ترتیب نتیجه‌ای قاطع  
از سفارت یرملوف بدست نیامد و هیأت سفارت روسیه روز ۲۹ شوال از سلطانیه  
بطرف زنجان حرکت کردند که بروسیه بازگردند و در ۱۱ ذی قعدة به  
تبریز رسیدند. پس از یازده روز توقف در تبریز در بیست و دوم همان  
ماه تبریز را ترك گفته و روز ۲۶ از رود ارس گذشتند و در روز اول ذی حجه  
(۲۹ سپتامبر) به ایروان و در چهارم ذی حجه (دوم اکتبر) بسرحد روسیه  
رسیدند.<sup>۴۱</sup> از طرف دیگر فتحعلیشاه نیز بناچار میرزا ابوالحسن خان را بسفارت  
بدربار انگلستان گسیل داشت تا بی نتیجه بودن مذاکرات باروسیه را اعلام  
و مواعیدی را که سرگوراوزلی درباره استرداد نواحی از دست رفته ایران داده  
بود، یادآور شود.<sup>۴۲</sup>

۳۹- روضة الصفا ص ۲۲۹

۴۰- محمود محمود: ج ۱ ص ۱۶۷

۴۱- کوتزبو ص ۲۱۰

۴۲- محمود محمود ج ۱ ص ۱۷۰ ص ۱۷۳

# گزارشی دربارهٔ بنیادهای تاریخی

## ارتش خشایارشا

آغاز هزارهٔ اول قبل از میلاد را باید سالهای پراهمیتی در تاریخ جهان بطور اعم و ملل آسیای غربی بطور اخص بحساب آورد. زیرا وقوع دو حادثهٔ بزرگ تاریخی را در این دوره میتوان ابتدای عصر جدیدی دانست. این دو واقعه یکی مهاجرت آریائیها که شعبه‌ای از نژاد هند و آریائی بودند بداخل فلات پهناور و مراتع سرسبز و بسکر ایران و هندوستان،<sup>۱</sup> و دیگری استعمال روز افزون آهن در میان اقوام ساکن خاورمیانه و آسیای غربی بود. نیمهٔ اول هزارهٔ اول پیش از میلاد را میتوان در تاریخ بشر مرحله‌ای قاطع بحساب آورد زیرا در این عصر مرکز ثقل تمدن

بسم

محمد قلی اشتری

۱- تفصیل این مهاجرت را اکثر مستشرقین و مورخین نگاشته‌اند. مثلاً رجوع کنید به «ایران از آغاز تا اسلام» نوشته ر. گیرشمن ترجمهٔ دکتر معین «و تاریخ ملل شرق و یونان» نوشته آلبرماله و ژول ایزاک ترجمهٔ عبدالحسین هزیر و «ایران باستان» نوشته مشیرالدوله تقریباً همه این مورخین مبداء آریائیها را نواحی قفقاز ذکر کرده‌اند ولی با تحقیقات جدید باستانشناسی گویا باید در صحت این عقیده شك کرد، زیرا دلایل نسبتاً متقنی بدست آمده که بر طبق آن مبداء آریائیها و حرکت تمدن را از نواحی شرقی ایران ذکر کرده‌اند.

و سیاست جهانی از دلتای نیل و جلگه‌های بین‌النهرین به دامنه‌های زاگروس منتقل شد، و این مناطق مرکز اصلی مبارزه برای کسب قدرت گردید.

گروهی از اقوام مهاجر آریائی که متوجه نواحی غربی ایران شده بودند، در حوالی کردستان و آذربایجان کنونی ساکن شدند که دامنه نفوذ آنان تا حدود ری و خراسان و گرگان کشیده شد. این طایفه همان قوم ماد است که هرودت طوایف اصلی آنها را چنین ذکر کرده است: «... عده طوایف مادی شش است: بوس‌ها، پارتاگنها، ستروخاتها، آری‌سانت‌ها، بودی‌ها و مغها»<sup>۲</sup> مادها قومی صلح‌جو و آرامش‌طلب بودند که با گله‌داری و کشاورزی روزگار می‌گذراندند و هنوز صاحب هیچ نوع تشکل اجتماعی نشده و نظام بدوی قبیله‌ای، با تمام ویژگی‌های آن، در میان آنان، حکمفرما بود. اما خوشبختانه آنان در همسایگی یکی از متجاوزترین و زورگوترین و جنگ‌جوترین کشورهای دنیای آن روزگار یعنی آشوریه قرار داشتند. (خوشبختانه از این نظر که همین همسایگی با همه ویرانیها و اسارت‌هایی که برای مادیها همراه داشت، بشرحی که خواهد آمد، بزرگترین نقش را در تبدیل مادیها از قومی ساده و کشاورز بیکی از بزرگترین قدرتهای دنیای قدیمی بازی کرد.)

سرزمین ایران بعلت دارا بودن معادن سرشار آهن و مس و لاجورد، و از سوی دیگر بسبب وجود دشتهای و مراتع و جلگه‌های سرسبز و حاصلخیز و همچنین پرورش بهترین نژاد اسب در آن سخت‌مورد توجه حکومت جنگ‌جو و توسعه طلب آشور بود. البته دولت آشور دلایل کافی سیاسی و نظامی نیز برای هجوم به همسایه شرقی خویش داشت، زیرا قدرت گرفتن قوم تازه نفس ماد از هیچ نظر بصلاح

۲- تاریخ هرودت- کتاب ۱- بند ۱۰۱- و نیز نگاه کنید به «ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم» تألیف حسن پیرنیا مشیرالدوله - چاپ اول- شرکت مطبوعات- جلد ۱- ص ۱۷۵

و صرفه آن نبود. بهمین دلیل قوم ماد در ابتدای اسکان خویش مرتباً با حملات مداوم و وحشیانه آشوریان روبرو می شد و پادشاهان آشور مکرراً در کتیبه های خویش شرح غارتها و کشتارهای خود را داده اند «معمولاً سفرهای جنگی آشوریان ( به سرزمین ماد ) مهاجماتی بشهرها بود . برای اسیر گرفتن افراد، غارت کردن ، سوختن ، اخذ ذخایر فلزی یا احجار نیمه قیمتی و حمل اسبان و چارپایان . سکنه این نواحی برای نجات خود به کوهها پناه میبردند و پس از بازگشت سپاهیان آشوری، بمساکن خود بر میگشتند [اما] آشوریان فاتح ، بندرت بنتایجی که منشیان آنها ادعا کرده اند رسیده اند تقریباً همیشه آنان با اندازه کافی نیرو در میان اقوام مغلوب باقی می گذاشتند تا پس از مدت کوتاهی بتوانند محاربه را آغاز کنند.»<sup>۳</sup>

### بنیاد تاریخی يك ارتش قدرتمند

مهاجمات آشوریان قرنهای طول کشید و قوم ماد تا مدتها این اسارت و غارت و کشتار و بردگی را تحمل کرد. اما بررسی تاریخ جهان نشان می دهد که ملتها همیشه تا حد بخصوصی می توانند تجاوز را تحمل کنند و دیر یا زود در شرایط خاص تاریخی، بیامی خیزند و بانیروئی خرد کننده و ویران کننده زنجیرهای بردگی را پاره میکنند ، بعبارت بهتر هر گز نمیتوان ملتی را برای همیشه در زبونی و ناتوانی نگهداشت. تاریخ جهان در ادوار مختلف زندگی بشر، نمایش گرایین انقلابات اصیل ملی است، بتدریج با گذشت زمان اقوام ماد بیشتر بفکر ایستادگی و محاربه بامتجاوزین آشور افتادند و بدین ترتیب

۳- « ایران از آغاز تا اسلام » تألیف ر. گیرشمن - ترجمه دکتر محمد معین - از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ص ۸۶ - و نگاه کنید به «تاریخ ملل شرق و یونان» اثر آلبر کاله و کورش نامه نوشته گزنفون .

و سیاست جهانی از دلتای نیل و جلگه‌های بین‌النهرین به دامنه‌های زاگروس منتقل شد، و این مناطق مرکز اصلی مبارزه برای کسب قدرت گردید.

گروهی از اقوام مهاجر آریائی که متوجه نواحی غربی ایران شده بودند، در حوالی کردستان و آذربایجان کنونی ساکن شدند که دامنه نفوذ آنان تا حدود ری و خراسان و گرگان کشیده شد. این طایفه همان قوم ماد است که هرودت طوایف اصلی آنها را چنین ذکر کرده است: «... عده طوایف مادی شش است: بوس‌ها، پارتاگنها، ستروخاتها، آری‌سانتها، بودی‌ها و مغها»<sup>۲</sup>

مادها قومی صلح‌جو و آرامش‌طلب بودند که با گله‌داری و کشاورزی روزگار می‌گذرانیدند و هنوز صاحب هیچ نوع تشکل اجتماعی نشده و نظام بدوی قبیله‌ای، با تمام ویژگی‌های آن، در میان آنان، حکمفرما بود. اما خوشبختانه آنان در همسایگی یکی از متجاوزترین و زورگوترین و جنگ‌جویترین کشورهای دنیای آن روزگار یعنی آشور بیا قرار داشتند. (خوشبختانه از این نظر که همین همسایگی با همه ویرانیها و اسارت‌هایی که برای مادیها همراه داشت، بشرحی که خواهد آمد، بزرگترین نقش را در تبدیل مادیها از قومی ساده و کشاورز بیکی از بزرگترین قدرتهای دنیای قدیمی بازی کرد.)

سرزمین ایران بعلت دارا بودن معادن سرشار آهن و مس و لاجورد، و از سوی دیگر بسبب وجود دشتهای و مراتع و جلگه‌های سرسبز و حاصلخیز و همچنین پرورش بهترین نژاد اسب در آن سخت‌مورد توجه حکومت جنگ‌جو و توسعه طلب آشور بود. البته دولت آشور دلایل کافی سیاسی و نظامی نیز برای هجوم به همسایه شرقی خویش داشت، زیرا قدرت گرفتن قوم تازه نفس ماد از هیچ نظر بصلاح

۲- تاریخ هرودت- کتاب ۱- بند ۱۰۱- و نیز نگاه کنید به «ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم» تألیف حسن پیرنیا مشیرالدوله - چاپ اول- شرکت مطبوعات- جلد ۱- ص ۱۷۵

و صرفه آن نبود. بهمین دلیل قوم ماد در ابتدای اسکان خویش مرتباً با حملات مداوم و وحشیانه آشوریان روبرو می شد و پادشاهان آشور مکرراً در کتیبه‌های خویش شرح غارتها و کشتارهای خود را داده‌اند «معمولاً سفرهای جنگی آشوریان (به سرزمین ماد) مهاجماتی بشهرها بود. برای اسیر گرفتن افراد، غارت کردن، سوختن، اخذ ذخایر فلزی یا احجار نیمه قیمتی و حمل اسبان و چارپایان. سکنهٔ این نواحی برای نجات خود به کوه‌ها پناه می‌بردند و پس از بازگشت سپاهیان آشوری، بمساکن خود برمیگشتند [اما] آشوریان فاتح، بندرت بنتایجی که منشیان آنها ادعا کرده‌اند رسیده‌اند تقریباً همیشه آنان با اندازه کافی نیرو در میان اقوام مغلوب باقی می‌گذاشتند تا پس از مدت کوتاهی بتوانند محاربه را آغاز کنند.»<sup>۳</sup>

### بنیاد تاریخی يك ارتش قدرتمند

مهاجمات آشوریان قرن‌ها طول کشید و قوم ماد تا مدت‌ها این اسارت و غارت و کشتار و بردگی را تحمل کرد. اما بررسی تاریخ جهان نشان می‌دهد که ملت‌ها همیشه تا حد بخصوصی می‌توانند تجاوز را تحمل کنند و دیر یا زود در شرایط خاص تاریخی، بیامی خیزند و بانیروئی خرد کننده و ویران کننده زنجیرهای بردگی را پاره می‌کنند، بعبارت بهتر هرگز نمیتوان ملتی را برای همیشه در زبونی و ناتوانی نگه داشت. تاریخ جهان در ادوار مختلف زندگی بشر، نمایش‌گر این انقلابات اصیل ملی است، بتدریج با گذشت زمان اقوام ماد بیشتر بفرکر ایستادگی و محاربه بامتجاوزین آشور افتادند و بدین ترتیب

۳- «ایران از آغاز تا اسلام» تألیف ر. گیرشمن - ترجمه دکتر محمد معین - از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ص ۸۶ - و نگاه کنید به «تاریخ ملل شرق و یونان» اثر آلبر کاله و کورش نامه نوشته گزنفون .



هسته اولیه نخستین سازمان ارتش در میان این قوم آرامش طلب و کشاورز ریخته شد، بطوریکه با گذشت زمان دیگر هجوم به دامنه های زاگروس برای آشوریان آسان نبود، بخصوص که چنانکه از نقشهای هنرمندان آشوری، که تقریباً همواره شاه خویش را سوار بر گردونه در حال عبور از جاده های نظامی نشان داده اند، استنباط میشود، عمده قوای ضربتی آشوریان را ارابه های جنگی تشکیل می داد و این سلاح در جاده های ناهموار و دره های عمیق کوهستان زاگروس، تقریباً ارزش جنگی خویش را ازدست میداد، بویژه که مادیها دارای اسبان تیزرو و سواران چابک بودند و چون هنوز قدرت مرکزی نیرومندی که آنها را متشکل سازد نداشتند، بیشتر از شیوه های جنگهای چریکی سود می جستند و بصورت سواران پراکنده ضربه های مهلکی بارتش منظم و سنگین اسلحه و کم تحرک آشور، وارد آورده، بسرعت در میان کوهها ناپدید می شدند، این تا کتیک ارتش آشور را به تجدید سازمان نظامی واداشت و بدین ترتیب رسته جدیدی در آن ارتش بنام سواره نظام پدید آمد.<sup>۴</sup> پیدایش سواره نظام صحنه جنگ را بکلی تغییر داد، زیرا از یک سو آشوریان امکان یافتند که تا اعماق ایران پیشرفت کنند، و از سوی دیگر مادیها را وادار نمود که بیش از پیش ب فکر تجهیز خود بیفتند و راه حلی اساسی برای دفع این متجاوزین بیابند.

۴- پروفیسور گیرشمن مستشرق فرانسوی در کتاب خود (ایران از آغاز تا اسلام)

در این مورد چنین مینویسد :

«پیش از سلطنت آشور نصیرپال (۸۸۴-۸۶۰ قبل از میلاد) سواره نظام هنور در قشون آشور بکار نمی رفت. قوه ضربت زننده وی گردونه های جنگی بود... ایرانیان چند قرن پیش از آنکه خود را مهای محاربه با رومیان کنند و آنها را مجبور به تکمیل سواره نظام سازند، در جنگهای خویش با آشور، قوم اخیر را به پذیرفتن این تغییر ملزم نمودند.

یکی از بزرگترین دلایل پیروزی آشوریان، عدم وحدت بین طوایف ششگانه ماد و وجود نوعی نظام ملوک الطوایفی بین آنان بود، و این خود فرصتی گرانبها برای کشورگشائی شاهان آشور بحساب می‌آمد. مثلاً شمشى<sup>۵</sup> پنجم پادشاه آشور که در سالهای ۸۱۰ تا ۸۲۳ پیش از میلاد حکومت می‌کرده، در یکی از کتیبه‌های خود، از شکست یکی از رؤسای طوایف ایرانی « که از مردم شمال دریاچه ارومیه» بوده، با هزار و دویست تن جنگجویان وی ذکر می‌کند. از این کتیبه چنین بر می‌آید که در این دوران مادیها هنوز بشکل قبایل پراکنده میزیسته‌اند و معمولاً هر طایفه قوای کمی از سواره نظام که تعداد آنها بین دو تا سه هزار تن بود داشته‌اند. بطور کلی میتوان گفت که رقابت بین سران قبایل ماد و عدم تشکیل و وحدت قومی، بزرگترین عامل پیروزی آشوریان بحساب می‌آمده است.

دیا کویا دیو کس بگفته هرودت نخستین کسی است که کوشش پی گیر و همه‌جانبه‌ای را جهت متحد کردن طوایف ماد بعمل آورده است وی که هنوز در خویش قدرت مقابله با آشوریان را نمی‌دید تمام هم خود را مصروف آن کرد که از نفرات پراکنده امرای مختلف مادی، ارتشی نسبتاً یکنواخت و متحد گرد آورد. حتی وی نام نخستین شهری را که بنیاد نهاد هگمتانه یعنی محل اجتماع خوانده است.<sup>۶</sup>

« یکی از نخستین کارهای دیو کس پس از انتخاب او بشاهی این بود که قراولان و مستحفظینی برای خود ترتیب داد و بعد مردم را بر آن داشت که شهری

۵ - Shamshi ( که در ترجمه انگلیسی ایران از آغاز تا اسلام «شمسی ادد پنجم»

ذکر شده )

۶ - ن . ک به ایران باستان مشیرالدوله ص ۱۷۷

تأسیس کند.»<sup>۷</sup> در حقیقت تمام دوره طولانی حکومت دیوکس (بگفته هرودوت قریب ۵۳ سال) صرف برقراری اتحاد و تشکیل هسته اولیه ارتش ماد گردید بطوریکه وی تا پایان عمر با وجود کینه شدیدی که از آشوریان داشت بخاطر حفظ ارتش جوان و تازه سازمان یافته خویش و جلوگیری از انهدام کامل آن از حمله بدولت مزبور خودداری کرد ولی جنگ با آشور بصورت آرزوی دیرینه برای مادیها در آمده بود و همین خود بزرگترین محور و پایه اساسی تشکیل آنان بحساب میآمد.

پس از دیوکس پسرش فرورتیش<sup>۸</sup> بیادشاهی رسید او قبل از هر چیز پارس را هم با اتحاد کامل و اداشت و این بقدرت نظامی وی پیش از پیش افزود، گذشته از آن او موفق شد که قوای چریکی ماد را کاملاً بصورت ارتش منظم و نوین در آورد، ارتش ماد تا پیش از فرورتیش بصورت قبیله ای اداره میشد بدین ترتیب که در هنگام جنگ قبایل ششگانه ماد هر یک سپاه وابسته بخود را که مرکب از افراد مختلف نظامی آن روزگار یعنی پیاده نظام و سواره نظام و غیره بود بصورت

#### ۷- ایران باستان مشیرالدوله ص ۱۷۷

۸- نام این پادشاه راهرودوت فراورتیس یاد کرده ولی داریوش کبیر در کتیبه بیستون او را فرورتیش نوشته است اصولاً در مورد تاریخ ماد و پادشاهان آن بین مورخین قدیم اختلاف نظر شدید و غیر قابل تطبیق وجود دارد مثلاً هرودوت نام پادشاهان ماد را چهار نفر بشرح زیر و دوره حکومت آنان را ۱۵۰ سال یاد کرده: دیوکس ۵۳ سال فراورتیس ۲۲، کیا کسار ۴۰ سال و آستیاگس ۳۵ سال. در حالیکه مورخ دیگر یونانی کتزیاس دوره حکومت مادها را جمعاً ۳۱۵ سال و شاهان آنرا بدین ترتیب یاد کرده است: آربا کس ۲۸، مانداکس ۵۰، سوسارمس ۲۸، آرتی کاس ۵۰ سال، آربیان ۲۲، آرتی کاس ۴۰، آرتی کاس ۲۲، آستی بارامس ۴۰، آس پاراس یا آستی گاس (آستیاگن؟) ۳۵، چنانکه پیداست بین گفته های این دو مورخ اختلاف شدید است. نولد که معتقد میباشد که چون کتزیاس فهرست خویش را با نظر اقوام ماد نوشته است آنان بعلت حساسیت قومی این چنین بتاریخ خویش افزوده اند.

نظامی میگردید. زیرا نفرات فاقد هماهنگی و همبستگی کافی بوده و بعلت عدم وجود ستاد فرماندهی هر یک از رؤسای قبایل برای سپاهیان تحت فرماندهی خود دستورات مجزا و مستقلی صادر میکردند. اما فرورتیش این سیستم را در هم ریخت و سپاهی تخصصی ورسته‌ای بوجود آورد یعنی اینکه کلیه سواران و پیاده نظام را در رسته‌های متفاوت با رعایت یگان‌بندی و سلسله‌مراتب فرماندهی متمرکز ساخت و از رؤسای قبایل ماد نوعی ستاد فرماندهی مشترک تشکیل داده و خود نیز فرماندهی عالی ارتش را بعهده گرفت. وی مصمم شد که با چنین سپاه‌یانی با رزوی دیرینه ماد جامعه عمل بپوشد بهمین دلیل از اطاعت آشور سرپیچی کرده و بجنگ اورفت با وجود شجاعت و جانفشانی کم‌نظیر سربازان ماد بعلت عدم ورزیدگی و بخصوص که آنان هنوز با این تاکتیک جدید، یعنی جنگیدن افراد قبایل مختلف دوشادوش یکدیگر، آشنائی نداشتند، در این لشکر کشتی توفیقی نیافتند، بویژه که شاه شجاع و بلندپرواز ماد خود در این نبرد کشته شد، و از آنجا که کشته شدن فرمانده در ارتشهای قدیم فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر بحساب می‌آمد، ارتش ماد دچار پراکندگی و آشفتگی شده و پس از دادن تلفات سنگین عقب‌نشستند. در این هنگام پادشاهی به‌خوشتر<sup>۹</sup> رسید که وی را باید یکی از بزرگترین سیاستمداران و نوابع کم‌نظیر نظامی دنیای کهن دانست. او که با اهمیت و ارزش قدرت نظامی بعنوان عامل تعیین‌کننده و قطعی در سیاست جهانی پی‌برده بود، تمام تلاش خویش را مصروف اصلاحات ارتش کرد. از میسان سواره نظام خود

۹ هرودوت نام این پادشاه را کوآکسار (کیا کزار) یاد کرده است ولی داریوش

کبیر در کتیبه بیستون نام او را هوختر نوشته و این بحقیقت نزدیکتر است.

گروهی کمانداران و تیراندازان ورزیده، برای نخستین بار تشکیل داد و از آنجا که اسبان مادی در سرعت و استقامت و زیبایی در دنیای آن روزگار مشهور بودند، پس از مدتی تمرین موفق شدند و مندترین سواره نظام جهان را در آن ایام بوجود آورد. مادی هازره‌های خوب و مستحکمی می‌ساختند. اولین قومی که اسب به گردونه بسته و در بار کشتی و در جنگ از آن استفاده کردند، مادی‌ها بودند (این گردونه‌ها چیزی و رای ارا به‌های آشور بودند زیرا بسیار بزرگ بوده و حتی در حمل و نقل نیروها و بار و بنه از آنها سود می‌جستند). استفاده از نفت در جنگ را نیز به این قوم نسبت داده‌اند آنان نوك پیکانهای خویش را به کهنه آلوده به نفت، مجهز کرده و آنانرا بنوعی مشعل مشتعل تبدیل می‌کردند و بمدد این سلاح در اندک مدتی سراسر اردو گاه دشمن را به آتش می‌کشیدند. بعدها یونانیان از این ابتکار مادیها سود جستند و نوعی مشعلهای بزرگ نفتی ساختند که بوسیله کمان یا گردونه بسوی دشمن پرتاب میشد. ۱۰

بدین ترتیب مادیها يك رسته آتش انداز که تقریباً نقش توپخانه امروز را بازی می‌کرد، تشکیل دادند که رعب و وحشت فراوان در دل دشمنان بخصوص آشوریها ایجاد می‌کرد.

هرودوت درباره این اسلحه گفته است که ایرانی‌ها تیرهای بزرگ مخصوصی را بار و غن سیاهی که زود مشتعل می‌شد، آلوده نموده و نوك آنها آتش می‌زدند، و با کمان بطرف دشمن پرتاب می‌کردند که حتی با آب هم آتش آنان خاموش نمی‌شد. پیدا است که منظور هرودوت همان «آتش مادی» بوده است که ماده اصلی آن نفت سیاه بود و بوسیله گردونه یا کمانهایی که توسط دستگاهی اهرم

۱۰- ر. ک به مجله «مهنامه ارتش» سال ۴۶ - شماره ۱۰ - مقاله «سیری در تاریخ

شاهنشاهی ایران - سرزمین ماد و مادها» - نوشته ستوان یکم مجید کاتب

مانند کشیده می شد و میتوانست تیرهایی به اندازه نیزه، و یامشعلهای بزرگ فروزان را تامسافتهای طولانی برساند، پرتاب میکردند .

هوخشتر از تجربه تلخ جنگ با آشوریها و شکست و مرگ پدرش، میدانست بزرگترین عامل شکست همانا وجود سپاهیان چریکی ماد بوده که هرگز از عهد نبرد با جنگجویان ورزیده و قدرتمند آشور برنخواهند آمد، به این دلیل بود که در آغاز حکومت، تقریباً تمامی توجه خود را به تشکیل یک ارتش منظم و تربیت آنان معطوف کرد و ارتشی مجهز، به سبک قشون آشور ترتیب داد.

این ارتش رسته‌های پیاده نظام و سوار نظام و تیراندازان و کمانداران و آتش اندازان و نیزه داران و مسئولین آذوقه و غیره داشت که دارای بهترین نفرات و سلاحهای آن روزگار بودند . سوار نظام ماد تیراندازان ماهری بودند که :

« . . . از کودکی به اسب سواری، تیراندازی و قیچاج زدن، مانند سواران پارتی چند قرن بعد، عادت کرده بودند . اسبهای مادی در قدیم معروف آفاق بود، بخصوص اسبهای نسا (نیسایه) که از حیث قشنگی، تند روی و بردباری مانند نداشتند . . . »<sup>۱۱</sup> بطور خلاصه سازمان و اسلحه ارتش مادی در زمان هوخشتر بدین قرار بود : سربازان به دو دسته بزرگ و مجزای سواره نظام و پیاده نظام، تقسیم میشدند . کوچکترین واحد پیاده نظام وی به گفته گزنفون دسته‌های پنج نفری بودند که تحت فرماندهی یک سر جوخه قرار داشتند و هر دو دسته پنج نفری یک، جوخه ده نفری را تشکیل میدادند و ترتیب سلسله مراتب بصورت دسته‌های صد نفری، هزار نفری و ده هزار نفری بود . اسلحه آنان را سپری از نی، که بسیار محکم ساخته شده بود، (جنس سپر را برای سبکی از نی انتخاب میکردند) نیزه‌ای بلند و شمشیری سنگین و برنده و

۱۱- «ایران باستان» نوشته مشیرالدوله - جلد اول - ص ۱۸۱

خنجر و گرز تشکیل میداد و نفرات پیاده نظام کلیه قسمتهای حساس بدن خویش را بازوهای آهنی و کلاه خود فولادی میپوشاندند. سلاح اصلی سواره نظام را تیر و کمان تشکیل میداد و شمشیر، زوبین، (نیزه های کوتاه) زره سراسر برای خود و اسبانشان (برگستوان) نیز داشتند. نیرومندی ارتش ماد بیشتر مدیون انضباط سخت و دوران طولانی تربیت سربازان بود: «... به سربازان ساده توجه مینمود که اطاعت از مافوق و تحمل و جسارت و بردباری و انضباط را شعار خود سازند. آنها را به رموز فنی سربازی، آشنا میکرد و نگهداری و مراقبت از سلاح و آمادگی و پختگی را سفارش مینمود. بسر جوخه ها فرمان میداد که خود را بمانند سربازان آماده و چابک نمایند و پنج نفری را که تحت فرمان خویش دارند، [مرتباً] بیازمایند، بسر دسته های ده نفری نظم و انضباط و بسر دسته های صد نفری و هزار نفری توصیه میکرد که از فنون و رموز کار خود، آگاهی تمام حاصل کنند. بالاخره سر کردگان و رؤسا را، بمأموریت خطیرشان آشنا میساخت. مقرر داشت که پیوسته مراقب حال خود و زیردستان خویش باشند و همان رفتاری را که زیردستان باید نسبت به آنان معمول دارند، خود نسبت بمافوق رعایت کنند.»<sup>۱۲</sup>

گزنفون شرح مبسوطی راجع بتربیت کودکان و جوانان مادی و پارسی نوشته است که ذکر پاره ای از آن ضروری بنظر میرسد. بر طبق گفته او آنان کودکان خویش را از سنین طفولیت و آغاز بلوغ و جوانی و امید داشتند که در اطراف پناهای دولتی زندگی کنند و «... این سنت، بدینجهت مجری میشد که

۱۲- «کوروش نامه» - نوشته گزنفون - ترجمه مهندس رضا مشایخی - از انتشارات بنگاه

ترجمه و نشر کتاب - ص ۵۸

هم بناهای دولتی را حراست نمایند و هم به اعتدال مزاج خوبگیرند. ....» ۱۳

شکار حیوانات نیز یکی از مهمترین و اساسی ترین ارکان تربیت جوانان را تشکیل میداد، زیرا در واقع صرف نظر از لذت، این کار تمرینی مهم و دقیق برای جنگ بحساب می آمد. هر گاه که شاه بعزم شکار بیرون میرفت (و این واقعه چندین بار در ماه اتفاق می افتاد) اکثر این جوانان را در التزام رکاب خویش میبرد و آنان بایستی: «.... کمان و تر کشی پرتیر، در کمر خود و شمشیری در غلاف (و؟) خنجری داشته باشند. علاوه بر این، سپری از نی و دو نیزه با خود بر میداشتند که یکی را پرتاب کنند و دیگری را در صورت ضرورت بدست گیرند.». ۱۴ برای شاهان ماد، شکار تقریباً بمنزله یک جنگ بود، حتی همراهان خود را آرایش جنگی میدادند و دقت کامل داشتند که کلیه جوانان و وظایف خود را با دقت و مهارت کافی انجام دهند، بدین منظور آنان را عادت میدادند که «.... صبح زود از خواب برخیزند، از تحمل گرما و سرما هراسی به دل راه ندهند، به پیاده روی عادت کنند، در اسب سواری صاحب مهارت باشند، برگرده اسب تیراندازی نمایند و در پرتاب نیزه در حین تاخت جلد و چالاک باشند.». ۱۵ از آن گذشته از آنجا که غالباً آنان در مقابل حیوانات درنده و خشمگین و وحشتزده قرار می گرفتند، شجاع و موقع شناس و حاضر الذهن و دقیق بار می آمدند. عادت می کردند در موقعیتهای دشوار خود را نبازند و در کوتاهترین مدت بهترین تصمیم را بگیرند. گروه دیگری که در شهرها

۱۳- کورش نامه ص ۷

۱۴- همان کتاب ص ۷

۱۵- همان کتاب - همان صفحه



می‌ماندند تقریباً سراسر روز را به تمرینات مداوم از قبیل تیراندازی و شمشیربازی و نیزه پرانی می‌گذراندند و حتی با استفاده از حس رقابت بین جوانان، مسابقات متعددی برای آنان ترتیب می‌دادند. «گاهی از اوقات [این مسابقه‌ها] درملاء عام به‌نمایش گذارده می‌شود و جوایزی بین برندگان مسابقه، توزیع می‌نمایند. قبیله‌ای که در بین افراد خود بیشتر از این جوانان ممتاز در علم و چابکی و مهارت و رشادت و اطاعت داراست، مورد ستایش و تمجید اقران قرار می‌گیرد.... این جوانان در صورت ضرورت از طرف بزرگان شهر مأمور حفاظت [شهر] و کشف بدکاران، تعقیب دزدان و این قبیل امور که محتاج به چابکی و نیرومندی است می‌شوند.»<sup>۱۶</sup>

این پادشاه که جلوس وی بتخت، مقارن با زمانی بود که مادیها از آشوریان شکستی فاحش خورده و امیدآنان برای رسیدن با استقلال کامل به یأس مبدل شده بود، با وجود این مشکلات از پای ننشست و بالاخره توانست پایتخت آشور را محاصره نماید و حتی با وجود آنکه کشورش در بحبوحه جنگ با هجوم وحشیانه سکاها روبرو شد ولی این قوم سلحشور و تازه نفس را از ایران راند و حتی نینوا، پایتخت آشور را بتصرف درآورد. با تصرف قسمت اعظم از قلمرو حکومت آشور، حدود دولت ماد را به‌رود هالیس (قزل ایرماق) رسانید و آنرا بزرگترین دولت آسیائی کرد.

ولی متأسفانه سرنوشتی که تقریباً تمامی فاتحین جهان بدان دچار میشوند، دولت ماد را نیز از پای درآورد. مادیها پس از آنکه بمدد ارتش سازمان یافته و نیرومند خود امپراطوری عظیمی را تشکیل دادند، براساس این حکم کلی که «قدرت فساد می‌آورد»، در سراسر آسیی سقوط و انحطاط غلطیدند.

در زمان آژدی هاك آخرین پادشاه مادی، در بار ماد کپیبه در بار آشور شده بود، قصور عالی و باشکوه، باغها و شکارگاههای وسیع، پیشخدمتها و خادمان و غلامان و کنیزان متعدد با «لباسهای سرخ و ارغوانی» طوقها و کمر بندهای زرین، انواع بازیها، تفریحات، همه نوع وسایل عیش و عشرت و لهو و لعب، آنان را از کارهای مملکتی غافل میکرد بویژه که ارتش ورزیده و نیرومند هوخستر، در اثر سالهای طولانی بیکاری و عاطل و باطل ماندن تمامی تحرك و خصوصیات و ارزشهای جنگی خویش را از دست داد و آن سربازان چالاک و چابک و جنگجو، بمردان خوشگذران و بیحاصلی تبدیل شدند. بخصوص که دوران سقوط ماد، با قدرت گرفتن قومی تازه نفس و جوان که بعلت زندگی ساده کوهستانی خود مردانی خشن و مقاوم بار آمده بودند (پارسیها) همزمان شد و بهمین دلیل میبینیم که این پدیده عجیب تاریخی بوقوع پیوست یعنی مادیها ناگهان در اوج قدرت و شوکت خویش در مدتی بسیار کوتاه، بسراشیب زوال و نابودی سقوط کردند و برادران لایق پارسی آنان براریکه قدرت تکیه زدند.

پارسیها نیز مردمانی آریائی نژاد بودند که تاریخ دقیق ورود آنان بایران معلوم نیست ولی با احتمال قوی آنها نیز همزمان با مادها، وارد این سرزمین شده بودند و نخستین بار در کتیبههای آشوری ذکر این قوم آمده است. تا قبل از ظهور کورش این طایفه بصورت یکی از قبایل دست نشانده ماد زندگی میکردند اما کورش نه تنها اوضاع پارس بلکه تاریخ جهان را دگرگون ساخت.

بدون تردید کورش کبیر از هر نظر بزرگترین و درخشانترین چهره دنیای کهن است نام بزرگش در کتیبهها و نوشتههای تمام ملل جهان، به نیکی آورده شده و حتی تنها انسانی است که بآن پایه از عظمت رسیده است که

یکی از کتب آسمانی (تورات) اورا منجی و نجات دهنده و حتی مسیح موعود خوانده است .

کوروش، پس از آنکه توانست با قدرت فرماندهی و رهبری صحیح از مردان ساده و روستائی پارس دلیرانی شجاع و بی باک و جهانگشا بسازد و بمدد آنان بسرعت امپراطوری مادر را به زانو در آورد، متوجه جهانگشائی شد. کشور-های لیدیه، آسیای صغیر، قسمتی از یونان و بخشی از سرزمین قبایل وحشی شرق ایران یکی پس از دیگری در مقابل نبوغ نظامی و تحریک و قدرت و جنگندگی ارتش وی، بزانو در آمدند و در مدت کوتاهی بزرگترین امپراطوری جهان گردید .

کوروش در فنون نظامی و آرایش جنگی نیز نبوغ و روش حیرت آوری داشت. تصویری که گزنفون در « کوروش نامه » خود از یکی از آرایشهای جنگی کوروش بدست می دهد در نوع خود نمودار یکی از عالی ترین طرق فرماندهی و آرایش جنگی و حرکت سپاه است و بخوبی نمایشگر قدرت ارتش کوروش می باشد . او یکی از فرامین کوروش را که مشعر به چگونگی حرکت ارتش است، چنین نقل کرده است : « توای گریزانتاس بسمت فرمانده سپرداران منصوب می شوی و باید یشاپیش ستونها حرکت کنی چون راه هموار و باز است، باید صفوف از جبهه حرکت کنند هر گروهان در یک صف با سرعت زیاد حرکت کند . من مایلم سربازان سبک اسلحه پیشتاز باشند . . . ( آرتاباز ) پیاده نظام و سواران پارسی را فرماندهی خواهد کرد و ( هاند امیاس ) پیاده نظام مادسارا ( امباس ) فرمانده دسته های ارمنیان « آرت سوکاس » فرمانده هیرکانیان است . ( تامبر اداس ) پیاده نظام ساسیها و « داتاماس » پیاده نظام کادوزی را فرماندهی خواهند کرد . همه سپاهیان باید به نحوی حرکت کنند که پیاده نظام تیر انداز

در يك جبهه ، در صفوف مقدم باشند . کمانداران در جناح راست هر ستون و  
 وتیراندازان در جناحین ستونها . . . . پس از پیشتازان ، باید سربازان سنگین  
 اسلحه راه پیمائی کنند . برفرمادهان دسته هاست که شب ، کلیهٔ تجهیزات هر  
 دسته را در يك محل ، قبل از اینکه باستراحت بپردازند ، بیابانند و قبل از  
 طلوع صبح ، همهٔ تجهیزات خود را بردارند و قبل از سرزدن آفتاب ، همه در  
 صفوف خود با نظمی کامل حرکت کنند . متعاقب سنگین اسلحه ها ، سواره نظام  
 تحت فرماندهی «ماراتاسی» پارسی حرکت خواهند کرد . در رأس هر یگان  
 سوار ، يك رسد ، سوار خواهد بود . همان آرایش را خواهند داشت که پیاده نظام  
 در صفوف مقدم دارند . متعاقب صفوف مقدم سواره نظام ، گروه متراکم سوارها  
 تحت فرماندهی «رامباکاس» مادی قرار خواهد گرفت . سپس نوبت سواره نظام توای  
 (تیسگران) خواهد بود . سپس سواره نظام کادوزی و سائیس ، کادوزیان در صفوف  
 آخر قرار خواهند گرفت . باید همه افراد مهر سکوت بر لب گذارند . شب  
 هنگام هوشیار باشند . چه شب هنگام که چشمان سرباز قدرت دیدندارد باید  
 گوش او مراقب باشد . مبدا هنگام شب نظم خود را برهم زنید زیرا مرتب  
 کردن صفوف ، شب هنگام بمراتب مشکل تر است از روز ، بدین لحاظ بهتر  
 است آرایش جنگی خود را شب نیز کم و بیش حفظ کنید و سکوت در همه جا  
 حکمفرما باشد . قراولان و پاسداران شب باید متعدد و هوشیار باشند پاسداران  
 باید آهسته حرکت کنند تا خواب سربازان بی جهت مختل نشود و استراحت  
 کنند ، چون صبح فرار سید شیپور آماده باش از هر سو ظنین انداز شود ، هر  
 سرباز بمحض اینکه آهنگ شیپور را شنید باید با تجهیزات ، بیدرنگ آمادهٔ  
 حرکت شود . هدف ما برای سربازان دلیر بابل است . جمله گی بان سو متوجه  
 باشید و بکوشید تا پرچم «پیروزی را برافرازید»<sup>۱۷</sup>

گذشته از این، وی در سازمان ارتش و تسلیحات آن نیز تغییرات بزرگی داد. مثلاً در یک دسته که از پانصد ارابه جنگی تشکیل میشد، پانصد مرد ورزیده و جنگی، دوهزار رأس اسب و پانصد ارابه‌ران می‌بایستی از بین بهترین افراد انتخاب شوند و این عده نه تنها قدرت ضربه‌ای کافی نداشتند و عملاً قادر نبودند که لطمه مهلك و مؤثری بدشمن وارد سازند خود نیز هر آن در معرض خطر نیستی و نابودی قرار داشتند بدین جهت کورش تصمیم گرفت که بکلی شکل و فرم و ساختمان ارابه‌های جنگی را تغییر داده و آنان را به نحوی آماده سازند که بتوانند بعنوان نیروی مؤثری در جنگها، وارد صحنه مبارزه شوند. «کورش» چرخهای (ارابه‌ها را) قوی‌تر و محکم‌تر ساخت تا در میدان کارزار مقاومت بهتری داشته باشد و دیرتر از محور خود منحرف [شده] یا واژگون گردد یا بشکند، طول محور را زیادتر کرد، محل جلوس در ارابه را از چوب ضخیم بمانند برجی ساخت تا راننده بهتر و با آزادی بیشتری اسبها را براند. ارابه‌ران دارای کلیه سلاحهای لازم بود و فقط چشمانش آزاد بود تا به راحتی به بیند. در دو انتهای محور چرخها دو قطعه آهن به شکل داس برنده قرارداد و در زیر آن قطعه دیگری نصب کرد تا دستجات دشمن را به راحتی مضمحل سازد. این شکل ارابه هنوز در دسته‌های سپاهیان پادشاهان پارسی معمول است»<sup>۱۸</sup> دیگر اقدامات مهم وی تشکیل دسته جمازه سوار بود او در جنگ با پادشاه لیدی برای نخستین بار از آنان در کارزار سودجست زیرا از آنجا که سواران کروزوس پادشاه لیدی در تمام دنیا در مهارت و چابکی مشهور بوده و لرزه براندام کلیه دشمنان می‌انداختند کورش برای درهم شکستن آنها ابتکار تازه و عجیبی بکار برد بدین ترتیب که گروهی جمازه

۱۸- کورش نامه نوشته گزنفون ص ۲۰۸

سواران چابک تشکیل داد که در روز نبرد با شمشیرهای آخته فریاد کشان بسوی سواره نظام گروزس هجوم بردند اسبان سپاه لیدی که تا آنروز شتر ندیده بودند با دیدن هیكل عظیم و قیافه عجیب شتران و فریادهای جمازه سواران رم کردند و سواران وحشت زده و دست و پاگم کرده و باین سو و آنسو میگریختند و بدین ترتیب کورش توانست بآسانی آنان را درهم شکسته و بافسانه شکست ناپذیری سواره نظام لیدی پایان بخشند .

مطالب فوق روشنگر بسیاری از واقعیتها است که مهمترین آنها اولاً عظمت سپاه کورش است ، چنانکه خواهد ، آمد از چندین طایفه و ملت تشکیل یافته بود و دیگر رستههای منظم این سپاه است که بنظر میرسد کورش نظام سپاه هوشتر را دگرگون ساخته باشد ، زیرا می بینیم که مجدداً سپاهیان بصورت قبیله ای و قومی و به روشی کاملاً نوین درآمده اند و نیز قدرت بی نظیر فرماندهی کورش را آشکار میسازد ، زیرا رهبری چنان ارتش عظیمی که ترکیبی از دهها ملت گوناگون با آداب و رسوم و زبان و اسلحه و روش جنگی خاص خود در چنان جنگ بزرگی به نوعی که به پیروزی کامل بیانجامد کاری بس خطیر و دشوار است .

همین آراستگی نظامی بود که به کمبوجیه اجازه بزرگترین و عجیبترین فتوحات دنیای قدیم را داد و او توانست بمدد يك چنین نیروئی دولت مصر را پس از سه هزار سال استقلال و سلطنت ۲۶ سلسله بزانو در آورد . اما متأسفانه بعلت اشتباهات فراوانی ، منجمله دوری ممتد از ایران و کشتار بی رحمانه نزدیکان و سرداران کشور و لشکر کشیهای بی حاصل در داخل

صحاری بیکران افریقا که قسمت اعظم قوای وی را تلف کرد ۱۹ هم کشور را دچار آشفتگی ساخت و هم لطمات سختی به ارتش خویش وارد آورد بطوری که شاید اگر شخصیتی چون داریوش کبیر به سلطنت نمی‌رسید شاهنشاهی هخامنشی خیلی زودتر از حمله اسکندر منقرض میشد.

داریوش هنگامی زمام مملکت را بدست گرفت که آشفتگی عجیبی در سراسر ایران حکمفرما بود و تقریباً، نتیجه کلیه زحمات کورش کبیر بباد رفته بود. بعلت آنکه گنوماتای مغ مردم را از پرداخت مالیات و دادن سرباز معاف کرده بود. خزانه دولت تهی و سازمان ارتش از هم پاشیده شده بود و اکثر ولایات ایران سر به شورش برداشته و دعوی خودمختاری میکردند. قسمت اعظم اوایل سلطنت داریوش صرف سرکوبی این شورشها گردید.

### تأثیر دوران شاهنشاهی داریوش از نظر نظامی

داریوش را باید بنیان گذار ارتش نوین ایران ( در دوران کهن) بحساب آورد در زمان وی ایران مجدداً عظمت و شوکت عصر کورش را یافت و سپاهیان ایران هولناکترین قوای نظامی بشمار می‌آمد که تا آن روزگار جهان بچشم دیده بود. تمام آسیای غربی و قسمت مهمی از آسیای مرکزی و مصر و قسمتی از شمال آفریقا تحت فرمان حکومت ایران بود. مسلم است که چنین مملکت پهناور وسیعی احتیاج به چه نیروی نظامی مهمی دارد.

داریوش باز دیاد نفرات ارتش و به شکوه و قدرت آن اهمیت فراوان میداد تعداد سربازان ایران بقدری زیاد و نیرومند بود که هیچ حریفی را توانائی مقابله با آن نبود. مهمترین رکن این ارتش و هسته مرکزی آنرا گروه ده هزار نفری پیادگان جاویدان (یا پیاده نظام فنا ناپذیر) تشکیل میداد، در حقیقت داریوش

۱۹- منجمه کمبوجیه یکبار بخاطر فتح لیبی پنجاه هزار تن از سربازان خود را بسمت صحرای مخوف لیبی گسیل داشت که همگی در زیر ریگهای روان تلف شدند و بار دیگر از گروه عظیمی از لشکریانش را تحت فرماندهی خود روانه صحرای بی آب و علف ناپاتا کرد که اکثریت آنها از تشنگی و کمبود خواربار تلف شدند.

نخستین کسی بود که در ایران ارتش بمعنی حقیقی کلمه را بوجود آورد. تا قبل از وی ایران فاقد نظامیانی ثابت و ورزیده و همیشگی بود زیرا معمولاً افراد ارتش را مردان داوطلب یا اجیر تشکیل میدادند اینان در زمان صلح بزراعت و کارهای شخصی میپرداختند و بمجرد آمدن جنگی باصدور فرمان بسیج همگانی بصفوف ارتش فرا خوانده میشدند و نه تنها حقوقی دریافت نمیداشتند بلکه اکثراً موظف بودند که اسلحه و اسب و خوراک و علیق اسب خویش را شخصاً تهیه کنند و تنها احتمالاً در اثر پیروزی و فتح از غنائم جنگی بهره مند میشدند و پیداست این روش چه اشکالات فراوانی ببار میآورد. مانند آماده نبودن سپاهیان، وقت گیری بسیج عمومی، هماهنگ نبودن اسلحه و تجهیزات سپاه، نداشتن انضباط و تعلیمات نظامی و تحرك كافی که هر يك بنوبه خود در متزلزل ساختن اساس و بنیان ارتش و روحیه افراد و کاستن ارزش جنگی نفرات نقش مهمی داشت.

داریوش با رأی تیزبین و دوراندیش خود بخوبی این نقص بزرگ را دریافت و با کوشش پیگیری درصدد تشکیل يك سپاه منظم و همیشگی برآمد که سپاهیان جاویدان حاصل این تلاشها بود.

سپاه جاویدان از ده هزار نفر تشکیل میشد و بدین علت این افراد را فنانا پذیر میخواندند که هر گاه یکی از آنان میمرد یا مستعفی میشد و یا بعللی اخراج میگردد، بلافاصله محل خالی وی از میان گروه بی شمار داوطلبان پر میشد، زیرا از آنجا که افراد این گروه از میان فرزندان نجبا انتخاب شده و دارای مقامی عالی بودند و گذشته از اینکه سخت مورد توجه شخص شاه بودند از امتیازات اجتماعی و اقتصادی خاصی برخوردار میشدند. عضویت این نیرو، افتخاری بزرگ بحساب آمده و خدمت در این سپاه بزرگترین آرزوی تمام





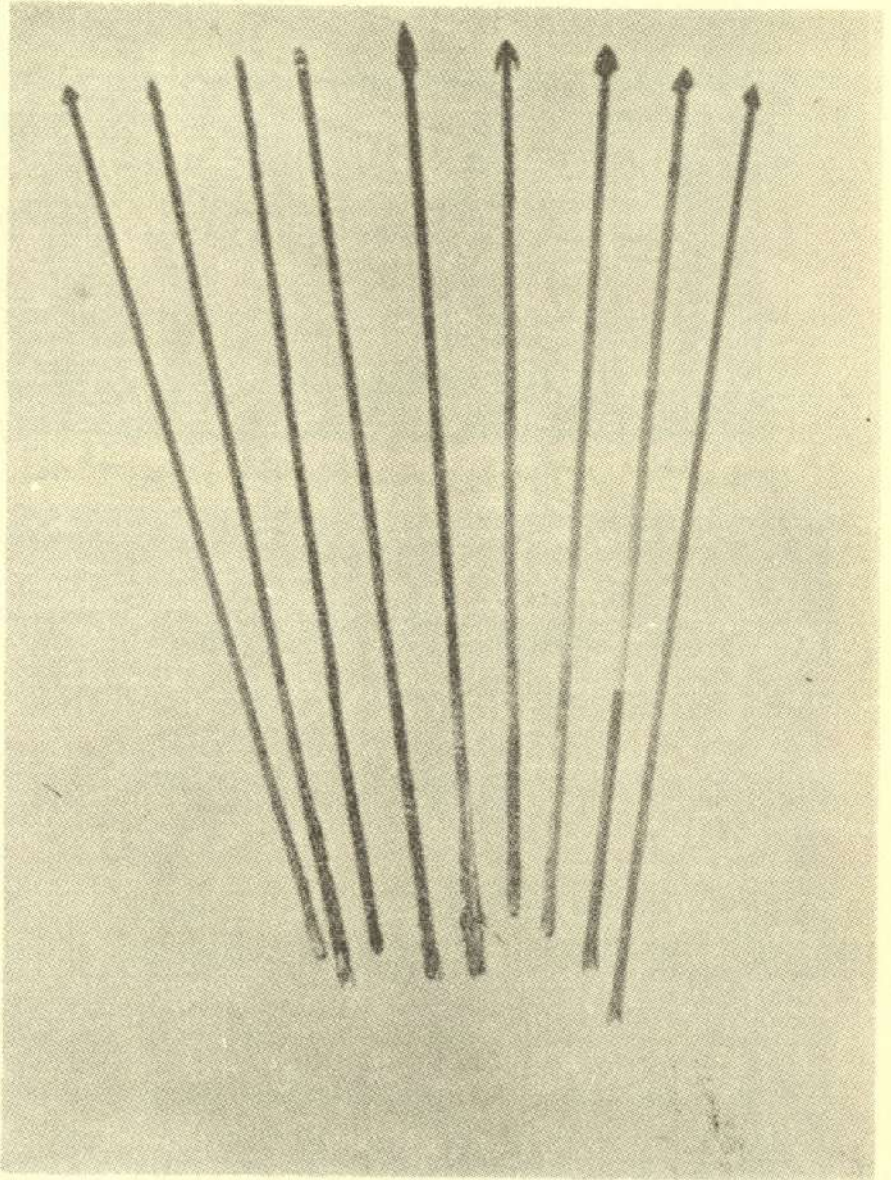
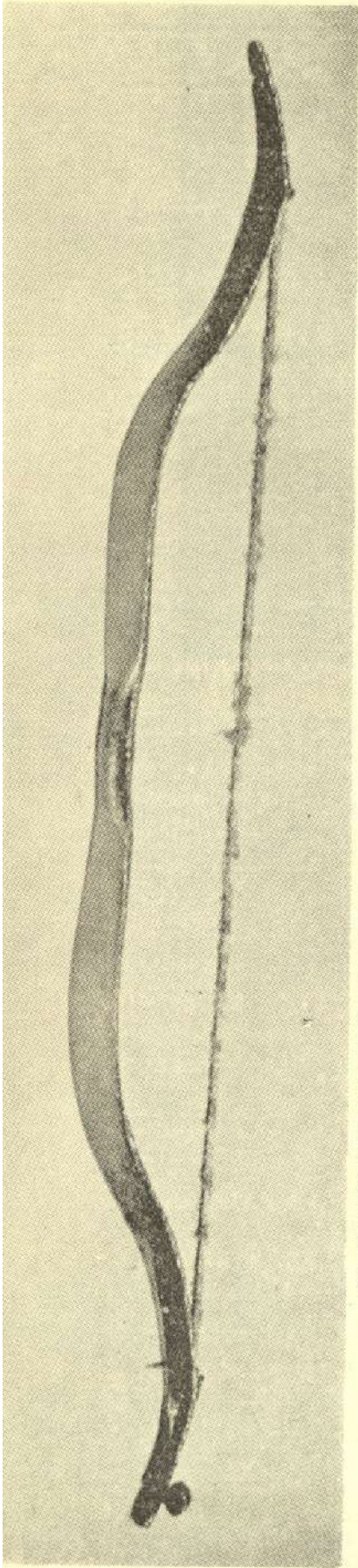
تصویری از پیاده نظام پارسی و مادی



گروهی از سربازان «سپاه جاویدان»

جوانان پارسی بود. داریوش برای افراد گارد جاویدان اسلحهٔ يك شکل و اسب و حقوق مکفی تعیین کرده و مقرر داشت که آنان جز بامور سپاهیگری و تمرینات نظامی مطلقاً به هیچ کاری دیگر دست نزنند و فرماندهی کلی آنها نیز به رئیس یکی از هفت خانوادهٔ اصیل پارسی سپرد و بدین ترتیب نخستین ارتش منظم و حرفه‌ای ایران را با سازمانی دقیق و پیش‌بینی شده و هیأتی با شکوه بوجود آورد. افراد سپاه جاویدان که هستهٔ اصلی سپاه هخامنشی را تشکیل میدادند همیشه در آرایش جنگی در قلب سپاه قرار میگرفتند و از آنجا که از زبده‌ترین جنگاوران دنیای قدیم بودند، قلب سپاه ایران را شکست‌ناپذیر میساختند. آنان همگی کلاههای پشمی بر سر داشتند و قباهای بلند آستین‌دار و رنگارنگ میپوشیدند، زرهی فلزی که بطرز بسیار زیبا و مستحکمی بافته شده بود و ساق بندهای فولادی و سپرهای بزرگ چوبی که ببازو می‌آویختند، و سائل دفاعی آنان را تشکیل میداد. اسلحهٔ تهاجمی آنها را نیزه‌ای بلند و کمان و ترکشی پرتیر و شمشیری کوتاه و پهن و سنگین و خنجر تشکیل میداد.

گذشته از سپاه جاویدان افواج بیشماری از کلیهٔ ملل تابع شاهنشاهی رسته‌های دیگر ارتش را تشکیل میدادند که آرایش جنگی آنها متفاوت بود، در بعضی جنگها افواج را بایکدیگر مخلوط کرده و دو دسته اصلی پیاده و سواره نظام را بوجود می‌آوردند، در این صورت پیاده نظام مسلح به تیرو نیزه و خنجر و کمان و فلاخن و کمند و سپر و شمشیر بود. افراد این دسته کلاه‌نمدی مدوری بر سر می‌گذاشتند و پیراهن چرمی بلندی در بر می‌کردند که تازانوی آنها میرسید و آستین‌های بلند داشت. شلوار ایشان نیز از چرم بود و چون



کمان و نمونه‌هایی از پیکانهای مختلف در دوره  
ماد و هخامنشی - (تصویر از کتاب زین ابزار - استاد پورداود)

به ساق پا میرسید تنگ میشد و بساقه کفش چرمی آنها منتهی میگشت . « ۲۰ »  
سوار نظام خود بدو دسته سبک اسلحه و سنگین تقسیم میشد ، سواران سبک  
اسلحه علاوه بر سلاح پیاده نظام . زوبین کوچکی را نیز حمل میکردند . مهارت  
و چابکی آنان در سرعت و تحرك و قيقاج رفتن و تيراندازی بود . بهمین دلیل  
جنگ در دشتهای و میدانهای وسیع برای آنان آسانتر بنظر میآمد ، وظیفه اساسی  
سواران سبک اسلحه حمله و تهاجم بوده .

### سواره نظام سنگین اسلحه:

قسمت دیگر از سواران ارتش هخامنشی را سواره نظام سنگین اسلحه  
تشکیل میداد ، تقریباً سرپای آنان غرق در آهن و فولاد بود و ازدور مانند یک  
دژ جنگی متحرك بنظر میآمدند . زره سراسری و کلاه خود و ساق بندهای  
فولادین می پوشیدند و حتی اسبان خویش را نیز بوسیله زره مخصوصی  
(برگستوان) حفاظت میکردند اسلحه اصلی آنان نیزه بلند و شمشیر و خنجر و  
گرز بود . بدیهی است که این سواران بعلت داشتن سلاح سنگین فاقد  
سرعت و تحرك کافی بودند ، بهمین دلیل وظیفه اصلی آنان دفاع و پشتیبانی از  
پیاده نظام بود . معمولاً هنگامیکه فاصله بین نبرد های متخاصم کم میشد و کار  
بجنگ تن بتن میکشید وارد صحنه نبرد میشدند و چون بعلت پوشش خوب از  
بیشتر ضربه ها در امان بودند اکثر کشتار مهیبی برآورد می انداختند . اما عیب  
بزرگ آنان این بود که بسبب نداشتن سرعت کافی بخصوص اگر پشتیبانی  
سواره نظام سبک اسلحه را از دست میدادند ارتباط آنها قطع شده و بمحاصره  
در میآمدند .

۲۰- تاریخ دوهزاروپانصد ساله ایران - تألیف عباس پرویز جلد ۱ ص ۱۲۳

گذشته از این نفرات، داریوش شاهنشاه بزرگ هخامنشی برای حفاظت سرزمینهای وسیعی که تصرف کرده بود تقریباً در تمام نقاط دور دست ایران ساخلوهائی نگهداری میکرد و در کلیه ساتراپها پادگانهای نظامی بوجود آورده بود. افراد این پادگانها مستقیماً تحت فرمان فرماندهی بودند که داریوش خود از پایتخت برگزیده و روانه ایالات میکرد. مثلاً در ساخلوی مصر بگفته هرودوت قریب ۲۴۰ هزار سپاهی جنگجو وجود داشته است.

### اقدامات دیگر داریوش

یکی از بزرگترین کارهای داریوش در زمینه تشکیلات نظامی، ساختن جادههای بزرگ و طولانی و پرازش برای حمل و نقل بوده و بخوبی به اهمیت حمل و نقل نیروهای خویش پی برده بود و میدانست که برای حفظ امنیت و آرامش چنان سرزمین وسیعی محتاج بوجود راههای عریض و مناسب است که بتواند در هر لحظه سپاه خویش را با سریعترین سرعت ممکن بمنطقه بروز خطر برساند. وی برای حفظ ارتباط بین مراکز مختلف شاهنشاهی و پایتخت، شبکه ای از جادههای سراسری تشکیل داد که وسعت و اهمیت آن چندان بود که مدتها در شاهنشاهی ایران پایدار ماند. این جادهها که در درجه اول برای امور اداری بکار میرفت مرتباً و دقیقاً بازرسی و مراقبت میشد. البته مهمترین ارزش این جادهها از نظر، موقعیت نظامی بود ولی با مرور زمان ارزش فروان اقتصادی و تجاری نیز یافتند بطوریکه بعدها همین جادهها از معروفترین شاهراههای اقتصادی جهان محسوب شدند.

با وجود گذشت قرنها باز هم میتوان مسیر این جادههای بزرگ را تقریباً بطور دقیق رسم کرد یکی از مهمترین این راهها جاده معروف «شاهی» بود که از شوش شروع شده و از دجله عبور میکرد پس از گذشتن از آسیای صغیر و

حران در دامنه کوهستان زاگروس امتداد یافته به ساردس (سارد) رسیده و از آن نیز می گذشت و تا افسوس امتداد می یافت. طول این راه عظیم بیش از دوهزار و ششصد و هشتاد کیلومتر بود و «... شامل صد و یازده ایستگاه یا منزل بود که هر یک با اسبهای تازه نفس یدکی برای پیکهای شاهی مجهز بود. بقول مورخان قدیم کاروانها نود روز، طول میکشید تا این جاده را از اول تا انتهم طی کنند در صورتیکه پیکهای شاهی این راه را در یک هفته مییمودند»<sup>۲۱</sup>

این گزارش بخوبی اهمیت دستگاه ارتباطی و خبرگیری داریوش را نشان میدهد زیرا به این تریب شاهنشاه هخامنشی در کوتاهترین مدت ممکن از اوضاع دور دست ترین مناطق کشور خویش باخبر میشد و این در نیای قدیم حائز اهمیت فراوان بود گذشته از این دستگاه منظم، بفرمان داریوش گروهی مشعلداران در بلندیها و قلعهها در فواصل معین در جادهها بودند که اخبار بسیار فوری و کوتاه را با علائمی شبیه (الفبای مرس) بوسیله شعله آتش و دود بیکدیگر مخابره کرده در زمانی بسیار کوتاه بپایتخت میرسانیدند.

دیگر از جادههای مهمی که در آنروز گار ساخته شد یکی جاده بابل بود که از راه کرخمیش بمصر می پیوست و نیز راهی که از بابل و حلوان و بیستون گذشته به همدان می پیوست. علاوه بر این شاهراههای بزرگ و اسامی تقریباً اکثر شهرهای بزرگ و مهم کشور بوسیله یک شبکه وسیع خطوط ارتباطی و جادههای درجه دوم بیکدیگر وصل میشد که از آن میان باید از جادهای که شوش را به تخت جمشید متصل میساخت نام برد که در حوالی بهبهان بعضی قطعات سنگ فرش شده آن کشف گردیده است.

۲۱- ایران از آغاز تا اسلام - نوشته پروفیسور - گیرشمن ص ۱۵۸

## خشایارشا و ارتش .

خشایارشا که وارث همه قدرت و شکوه حکومت هخامنشی شده و از تمام کوششها و زحمتهای کوروش و داریوش سود جسته بود میل شدیدی را که به جلال و عظمت پرستی داشت، در نظام تشکیلات ارتش خویش نیز اعمال کرد بدین ترتیب که در زمان او سپاه ایران به عظیمترین و بزرگترین نیروی نظامی که در سراسر دنیای آن زمان نظیر نداشت تبدیل شد برای درک عظمت ارتش ایران و روش جنگی و نوع اسلحه و تجهیزات که قشون کشی خشایارشا را بیونان متذکر می‌شویم . شاهنشاه ایران که پس از تردید و مشورت‌های فراوان بالاخره تصمیم حمله به یونان را گرفته بود تا نامرادی پدرش را جبران کند بخوبی می‌دانست که بدون داشتن نیروی دریائی مجهز و کشتی‌های جنگنده کاری از پیش نخواهد برد ۲۲ بنابراین با کوشش و تلاش پی‌گیری توانست قویترین بحریه جهان آنروز گار را بوجود آورد .

لشکر عظیم خشایارشا دارای بهترین مهندسیین نظامی و نقشه کشان آنروز گار بود که در جنگهای این پادشاه کارهای حیرت‌انگیزی از آنان سر زد . پلی را که این گروه مهندس از کشتی بر روی تنگه دارد ائل ساخت بی‌تردیدی از بزرگترین شاهکارهای نظامی و مهندسی جهان بشمار می‌رود . آنان ۳۶۰ فروند

۲۲ - البته دلایلی در دست است که داریوش کبیر نیز به تشکیل نیروی دریائی توجه تام داشته است . مثلا هرودوت تعداد کشتی‌های داریوش را در لشکر کشی به یونان و جنگ ماراتن ۶۰۰ فروند نوشته و پیدا است که این نیروی دریائی بس عظیم است ولی خشایارشا جدآهم خود را مصروف تقویت نیروی دریائی ساخت زیرا میخواست بهر قیمت که شده آرزوی پدرش را که گوشمالی دادن یونانیها بود برآورد بهمین دلیل توانست عظیمترین ناوگان جهان را بوجود آورد .

کشتی پنجاه پاروئی را در طرف دریای سیاه<sup>۲۳</sup> و ۳۱۴ کشتی دیگر را در دوسوی تنگه داردانل تنگه داردانل بکمک لنگرهای بزرگ و وزین طوری ساکن نگه داشتند که در مقابل هجوم امواج و بادهای شدیدی که از جانب دریای سیاه می‌وزید مقاومت می‌کردند و این کشتی‌ها را باطناب بیکدیگر بستند «... طنابها را باماشینهای چوبی که در خشکی بود کشیدند و این دفعه طنابهایی که استعمال کرده بودند برخلاف دفعه اول ساده نبود، (بلکه) طنابهای کتان را دوبدو و طنابهایی را که از پوست درخت بیبلوس (Byblos) ساخته بودند، چهار بچهار تا بداده بودند طنابهای آخری ظریف و دارای یک پهنا بود، ولی طنابهای کتان خیلی ضخیم مینمود و یک آرش آن یک تالان وزن داشت (حدود ۲۷ کیلوگرم) همینکه پل حاضر شد، چوبهای بزرگی موافق عرض پل بریده یکی را پهلوی دیگری روی طنابها نهادند. بعد روی این چوبها را با تخته بی‌آنکه درزی پیدا شود، فرش کردند و چون این کار هم انجام شد بر این تخته‌ها خاک ریخته پل را صاف و همواره داشتند. بعد از هر طرف پل، نرده‌هایی کشیدند، تا اسبها از دیدن دریا نترسند.»<sup>۲۴</sup>

در جنگها برای برقراری نظم و یکنواختی معمولا سربازانی که از همه ولایات و ساتراپیهای ایران آمده بودند در دو دسته عظیم سواره نظام و پیاده نظام تقسیم می‌شدند و این بمنظور یکنواخت ساختن ارتش انجام می‌گرفت. ولی گه‌گاه فرمان شاهنشاه سپاهییانی که از سرزمینهای مختلف ایران گرد می‌آمدند هر یک خود مستقلا در واحدهائی مجزا و جداگانه قرار می‌گرفتند و جنگاوران هر سرزمین لباس خاص خود را می‌پوشیدند و با سلاح ویژه خویش

۲۳ - ن. ک به ایران باستان پیرنیا - ذیل جنگ ایران و یونان .

۲۴ - همان کتاب - ص ۷۲۰



می جنگیدند. در اینصورت ارتش عظیم ایران به مجموعه رنگارنگ و زیبائی تبدیل می شد که شکوه و جلال و هیبت خاصی داشت. یکی از عجیب ترین و بزرگترین اردو کشیهای جهان که با این تاكتيك صورت گرفت لشکر کشی خشایارشا به یونان بود. هنگامی که داریوش موفقیتی آنچنان که میل داشت در جنگ ما را تن بدست نیاورد تا دم مرگ بزرگترین آرزویش جبران این عدم پیروزی بود و پسرش خشایارشا پس از مدتها تردید و دو دلی و مشورت عازم جنگ با یونان شد متأسفانه منابع فارسی در مورد این اردو کشی بی نظیر و عظیم همگی سکوت کرده اند و آنچه برای ما بجا مانده فقط نوشته های یونانیان نظیر هرودوت و کتزیاس و گزنفون و دیودور و ژوستن و کرنلیوس نیپوس و غیره است و پیدا است که بعلت احساسات ملی و وطن پرستی نویسندگان آن نمی توان به این منابع اعتماد کرد. تقریباً کلیه آنان این جنگ را بزرگترین واقعه تاریخ دانسته اند. البته واضح است که برای کشور کوچکی چون یونان این نبرد دارای اهمیت و ارزش بوده است ولی برای شاهنشاهی ایران حادثه ای بسیار معمولی بنظر می آمد با وجود آنکه، چنانکه گذشت، به اکثر گفته های این مورخین نمیتوان اعتماد کرد<sup>۲۵</sup> ولی نوشته هرودوت بخصوص آنها که سپاهیان ایران را توصیف می کند برای نشان دادن نفرات و تجهیزات و سازمان بندی تشکیلات ارتش ایران در زمان خشایارشا بسیار قابل اهمیت و جالب توجه است. در این لشکر کشی سربازان ایران را اهالی ۴۷ ملیت مختلف که همگی تحت فرمان شاهنشاه ایران زندگی می کردند تشکیل میداد که هر يك با لباس و اسلحه و روش جنگی خاص زاد گاه خویش در این

۲۵- مثلا تمام مورخان بخصوص هرودوت بدلیل جانبداری از هموطنان خود در تعداد سپاهیان ایران در نبرد ماراتن وهم در جنگ خشایارشا بسیار غلو کرده اند

اردو کشی شرکت کرده بودند. از بسیاری نظرها این جنگ از پدیده‌های عجیب تاریخ دنیای کهن است اولاً از نظر تعداد نفرات شاید تا زمان خویش بزرگترین لشکر کشی تاریخ جهان باشد. عده سپاهیان خشایارشا را مورخین بصورت‌های مختلف ذکر کرده‌اند. هرودوت تعداد آنها را چنین ذکر کرده است (پیادگان ۱۷۰۰۱۰۰۰ نفر سواران ۱۰۰/۰۰۰ نفر، ملوانان و افراد نیروی دریائی ۵۱۰/۰۰۰ نفر و جمع کل آنها ۲/۳۱۰/۰۰۰ تن)<sup>۲۶</sup>. بطور قطع این رقم سخت اغراق آمیز است و چنانکه گذشت این مبالغه بیشتر بخاطر نشان دادن شجاعت و پایداری یونانیان و اهمیت جنگ آنان بوده است زیرا وقتی در نظر بگیریم که این افراد با اسبان خویش به چه مقدار نفرات و قوای امدادی و خدمه و مسئولین تهیه آذوقه و غیره احتیاج دارند رقم سپاهیان خشایارشا تقریباً به حدود پنج میلیون نفر میرسد و حرکت این عده در جاده‌های قدیم و بادر نظر گرفتن امکان دنیای کهن از نظر حمل و نقل و خوراک سربازان و علیق اسبان و حتی کنترل و اداره سربازان و حفظ ارتباط بین نیروها عملاً غیر ممکن می‌گردد.

ولی از آنجا که ایرانیان از عهد کورش به بعد به جلال و شکوه و تعداد نفرات ارتش خویش اهمیت فراوان می‌دادند و بویژه خشایارشا در این زمینه از همه اسلاف خویش تند رو تر بود و با مقایسه کردن نوشته‌های سایر مورخین میتوان گفت که نفرات این سپاه بطور قطع بیش از ۸۰۰/۰۰۰ یا یک میلیون نفر نبوده است و اگر ملوانان و خدمتگذاران و مسئولین آذوقه و غیره را کسر کنیم در حدود چهارصد تا پانصد هزار نفر مرد جنگی باقی می‌ماند که در صفوف مختلف می‌جنگیدند و تدارک و تهیه و حرکت این تعداد نیرو

۲۶- «ایران در عهد باستان» - تألیف دکتر محمد جواد مشکور - ص ۲۱۷

نیز بی تردید بزرگترین لشکر کشی دنیای قدیم بوده است. بنا به نوشته هرودوت ترتیب تقسیم‌بندی حرکت این جنگجویان بشرح زیر بوده است:

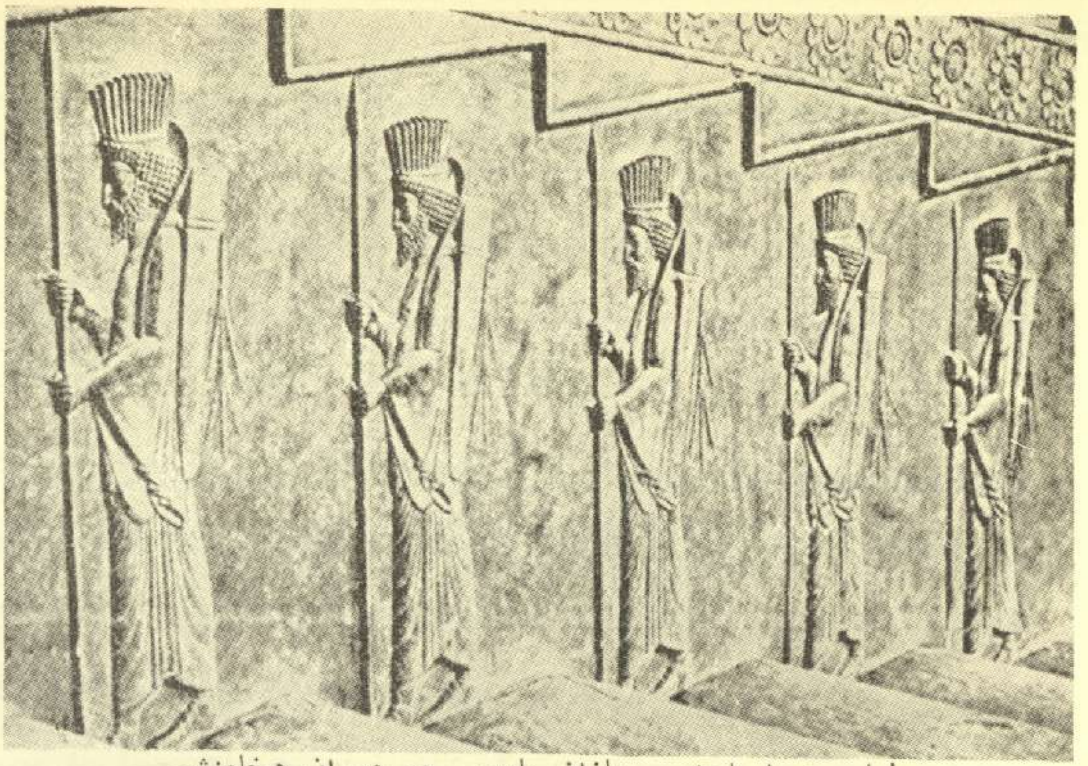
۱ - پارسی‌ها - که قلب سپاه را تشکیل میدادند زبده‌ترین و برگزیده‌ترین و شجاعترین افراد این ارتش را تشکیل میدادند بخصوص که وجود تعداد ده‌هزار نفری سپاه جاویدان به این گروه شکوهی فوق‌العاده می‌بخشید لباس آنان بدین ترتیب بود «کلاه‌نمدین که خوب مالیده و آنرا تیا له می‌گفتند بر سر، قبائی آستین‌دار رنگارنگ در بر، زرهی که حلقه‌های آهنین آن به فلس‌های ماهی‌شبهت داشت بر تن، شلواری از چرم که ساق‌ها را میپوشیده در پا داشتند...»

اسلحه آنان را سپری سبک که آنرا از ترکه‌های بید بافته بودند. ترکشی پراز تیرهایی که از نوعی فی مخصوص ساخته شده و نوک آنها به پولاد آبدیده و تیزی مسلح بود، کمان بلند و زو بین‌های کوتاهی که همواره آنرا در دست داشتند و قمه‌ای کوتاه که آنرا از سمت راست کمر بند خویش می‌آویختند، تشکیل میداد «سپاهیان پارسی را اتانس<sup>۲۷</sup> همسر آمس‌تریس<sup>۲۸</sup> زن خشایارشا فرمان میداد»

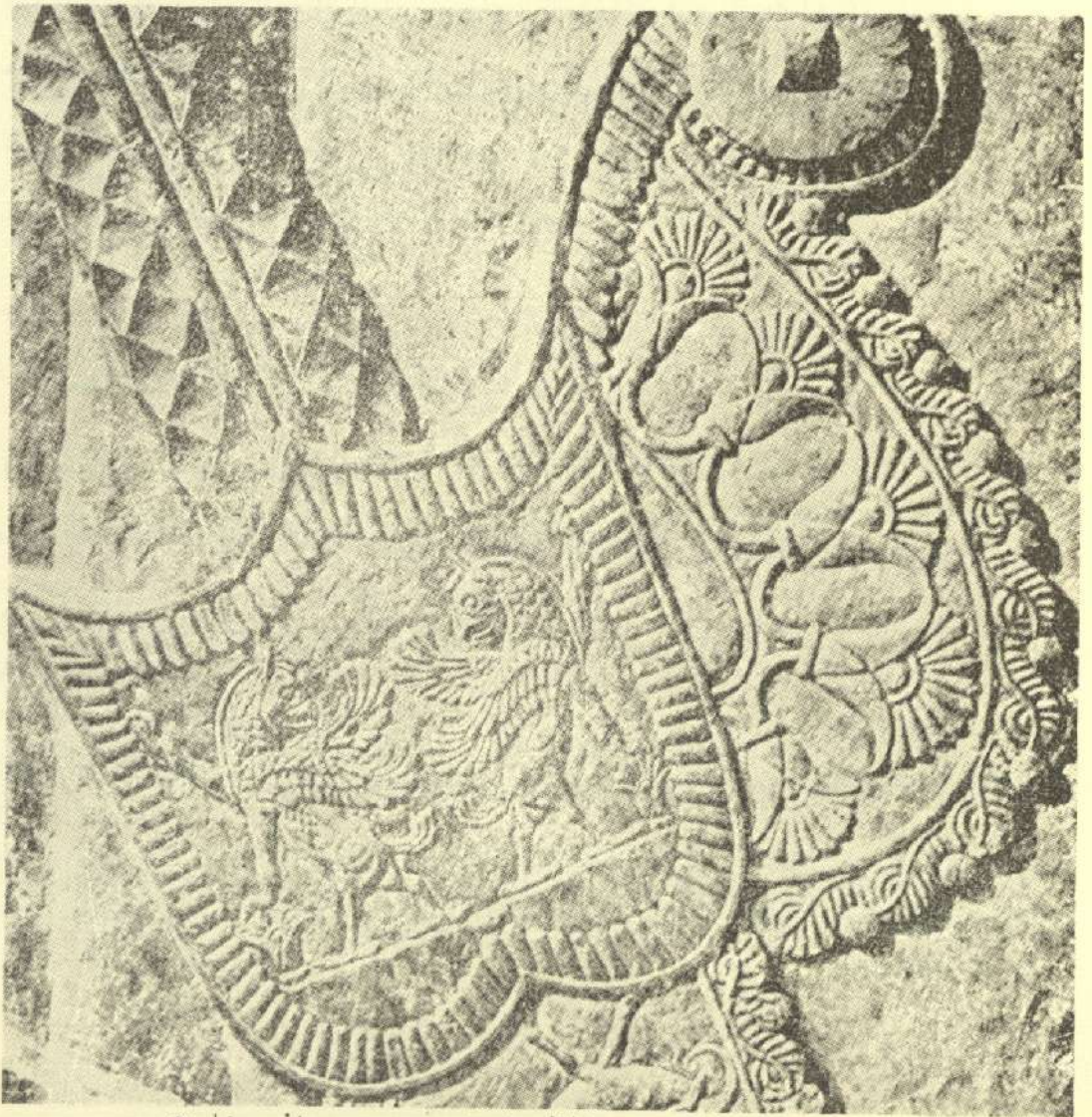
۲ - مادیها - از آنجا که اقوام ماد و پارس در اصل از یک ریشه و با یکدیگر برادر بودند آداب و رسوم و پوشش و سلیح آنان شبیه یکدیگر بود و در حقیقت اسلحه پارسیها که وصف آن آمد اسلحه خاصی بوده است «فرمانده مادیها تیگران هخامنشی بود.»

27 — Otaness

28 — Amestris



لباس و اسلحه سربازان پارسی در دوران هخامنشی



نقوش برجسته قبضه و غلاف شمشیر در دوران هخامنشی

۳ - کیس‌سی‌ها که همان اقوام قدیمی و اصیل ساکن فلات ایران بودند و سلیح و لباس آنان نیز کاملاً شبیه به پارسی‌ها و مادیه‌ها بود باین تفاوت که بجای کلاه تیار مخصوص پارسی‌ها، کلاه بلند و نوک تیز مخصوصی به سر می‌گذاشتند که خود آنرا میترا<sup>۲۹</sup> می‌نامیدند. فرماندهی آنان بعهد «آمافس<sup>۳۰</sup> فرزند اتانس<sup>۳۱</sup> بود». هیرکانیه (ساکنان دشت گرگان و شمال خراسان) نیز با همان اسلحه و پوشش در این واحد آرایش داده شده بودند و فرماندهی آنان با مگاپان<sup>۳۲</sup> بود.

۴ - آسوریها - خودی بسیار زیبا و مخصوص بخود داشتند که آنرا بطرز بسیار عجیب و زیبائی از سیم‌های مسین بافته بودند و مسلح به سپر، نیزه و قمه، علاوه بر آن، گرز خاصی داشتند که میخهای زیادی بر روی آن می‌کوبیدند. لباس آنان را نیز پیراهنی سراسری از کتان بافته تشکیل میداد که بر روی آن جوشنی می‌پوشیدند. کلدانیها نیز با همین هیئت در گروه آسوریها قرار داشتند و «فرمانده هر دو (دسته) اوتاسپس<sup>۳۳</sup> پسر آرتاچه<sup>۳۴</sup> بود».

۵ - باختریها که به کلاه خودی شبیه به خود پارسیها و کمانی محکم و پیکانهای کوتاه مسلح بودند.

۶ - ساکها (سیکتها و یا سکاها) کلاههای بلند نم‌دین و نوک تیز بر سر می‌گذاشتند و شلواری رنگین بپا می‌کردند. سلاح اصلی آنان را کمان

29 — Mitre

30 — Amaphes

31 — Otaness

32 — Megapan

33 — Otaspes

34 — Artache

مخصوص بومی و قمه‌های کوتاه و بسیار تیز و تبرزین برنده و هولناکی بنام ساگاریس<sup>۳۵</sup> تشکیل میداد فر مانده هر دو گروه باختریها و سکاها «هیستاسپ<sup>۳۶</sup> پسر داریوش از آتادختر کورش بود» .

۷ - هندی‌ها که ملبس به لباسی از پنبه بودند و کمانی از نی و تیرهایی نیز از همان جنس که نوک آنها با فولاد آبدیده مجهز بود و شمشیری بسیار محکم و برنده و زیبا داشتند (اصولاً هندیها در فولادسازی بسیار متخصص بودند و تیغ هندی تا همین اواخر نیز معروف بود) «رئیس آنها قاپ‌نازاتر<sup>۳۷</sup> پسر ارته‌بات<sup>۳۸</sup> بود» .

۸ - آریائیها (هراتیها) که کمانی پارسی داشتند و سایر سلیح آنها شبیه به باختری‌ها بود و «رئیس آنان را سی‌سامنس<sup>۳۹</sup> پسر هی داپ‌نس<sup>۴۰</sup> می‌نامیدند» . البته پارتیها، خوارزمیها، سغدیها، گنداریها، و دادی کس‌ها نیز تقریباً با همان تجهیزات و پوششها در این گروه قرار داشتند .

۹ - کاسیائیها - که بر روی لباس خویش جلیقه‌ای زیبا از پوست بز می‌پوشیدند و بتیر و کمانی از نی و قمه‌ای کوتاه و پهن مسلح بودند . «رئیس آنها آریومرد<sup>۴۱</sup> برادر آرتنی‌فیوس<sup>۴۲</sup> بود» .

۱۰ - سرنگی‌ها (ساکنین زرننگ یا زرنج یا سیستان) که دارای لباس

35 — Sagaris

36 — Histaspes

37 — Phapnazatres

38 — Artabate

39 — Sisamnes

40 — Hidapnes

41 — Ariomarde

42 — Artepheuse

بسیار زیبا و رنگارنگ بودند و نیم چکمه ای از چرم گاو که تا به زانو میرسید در پای داشتند و کمان و تیر وزوبینی چون مادیها داشتند فرمانده آنان «فرن دات»<sup>۴۳</sup> پسر مگامبیز (بغابوخش) بود .

۱۱ - پاکتیکها لباسی به فرم بوهی از پوست بز دربر داشتند و به تیر و کمان و قمه مسلح بودند . «فرمانده اینها را آرتینت»<sup>۴۴</sup> پسر ایتمتر<sup>۴۵</sup> می نامیدند .

۱۲ - اوتیمان و میسین و پاریکانین<sup>۴۶</sup> که ساکنان نواحی جنوب غربی ایران (بلوچستان و پاکستان) بودند و آنان نیز مانند پاکتیکها آرایش داشتند و فرمانده آنان آرسامنس<sup>۴۷</sup> پسر داریوش بود ،

۱۳ - اعراب که عبائی می پوشیدند و بر روی آن کمربندی چرمین می بستند ، آنان کمانهای بسیار بلندی داشتند که آنها را از شانه راست خویش می آویختند و بعالت بلندی بطرف چپ کشیده می شد .

۱۴ - حبشیها که ملبس به لباسهایی از پوست حیوانات و حشی بخصوص شیر و پلنگ بودند، کمانهایی بسیار بلند از شاخه های نخل که طول آن در حدود چهار گز بود داشتند و تیرهایی بلند از نی می ساختند. نوك این تیرها را بجای پولاد یا آهن از سنگ نوك تیزی مجهز میکردند، زوبینهایی بلند که نوك آنها به شاخ تیز شده غزال منتهی میشد، داشتند و گرزى سنگین که آنها را میخ کوبی می کردند نیز حمل میکردند «ایمان وقتی که بجنگ می روند، قبل از جدال نیمی از تن خود را گچ میمالند و نیم دیگر را ورمیلون»<sup>۴۸</sup> فرمانده اعراب و حبشیهای ساکن شمال مصر آرسام پسر داریوش از آرتس تن دختر کورش بود .

43 — Phrendate

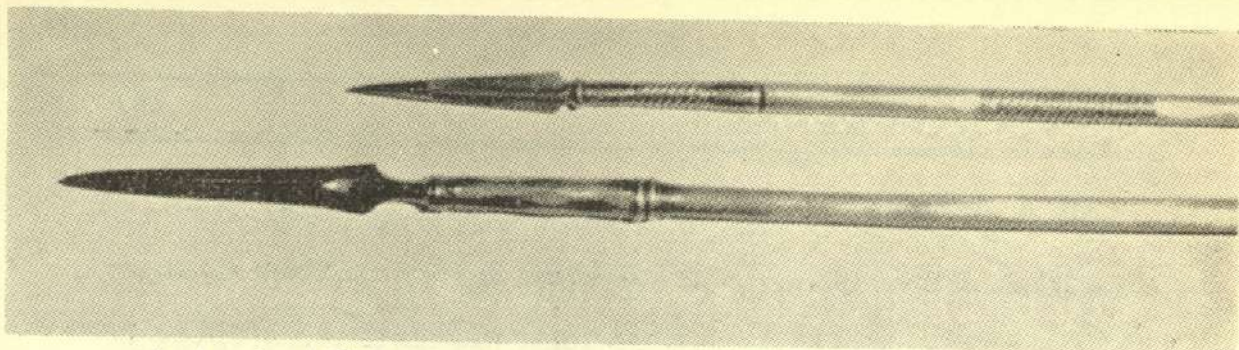
44 — Artynte

45 — Ithamatre

46 — Paricaniens-utiens-myciens

47 — Arsamenes

48— Vermillon (ترکیبی از گوگرد و جیوه)



نمونه ای از نیزه و زوبین در دوره هخامنشی (تصویر از کتاب زین ابزار -  
استاد پورداود)



شمشیر و کنده کاری غلاف آن در دوره هخامنشی



۱۵- حبشیهای شرقی که در صفوف هندیها قرار داشتند و اسلحه آنان نیز شبیه به هندیها بود فقط بجای خود کلاهی پوستی بر سر میگذاشتند که از پیشانی اسب با گوشها ویال کنده شده بود. گوشهای اسب راست می ایستاد و یال اسب جای پرهای خود را میگرفت و به آنان هیبتی ترسناک می بخشید. برای دفاع نیز سپرهای از پوست درنا داشتند.

۱۶- لیبیها که لباس از پوست حیوانات دربر کرده و نیزه هائی داشتند که انتهای آنرا می سوزاندند «رئیس آنها ماساگس<sup>۴۹</sup> پسر آریز<sup>۵۰</sup> بود». چنانکه گذشت خشایارشا میدانست که بجنگ دولتی دریانورد میرود زیرا ساکنین اصلی یونان را بیشتر ساحل نشینان و جزیره نشینان مدیترانه تشکیل میدادند و از دیرباز بعلل جغرافیائی بادریا و خوی و خصایص آن نیک آشنا بودند و از مدت هائیکه بعلت نیاز طبیعی، قایق های خویش را بسینه پهناور دریا می انداختند. گذشته از همه اینها جنگ مارا تن و سارم موفقیت داریوش امپراطور نیرومند هخامنشی برای خشایارشا سندی بس بزرگ و تجربه ای گران بها بود زیرا ضعف نیروی دریائی بزرگترین عامل شکست داریوش محسوب میشد. بهمین دلیل شاهنشاه ایران داشتن بحریه ای نیرومند را بزرگترین قوی ترین ضامن پیروزی خویش بحساب می آورد و بخوبی آگاه بود که لشگر کشی به یونان بدون اتکاء به نیروی نیرومند دریائی بیهوده و غیر ممکن است بهمین دلایل وی در آغاز حکومت، هم خویش را مصروف تهیه کشتی های جنگی و ملوانان آزموده نمود.

وسعت کشورهای تابع شاهنشاهی و تنوع آنها این امر را آسان مینمود زیرا گروهی از چابکترین و زبده ترین دریانوردان دنیای آن روزگار چون فینیقی ها و مصری ها تحت تسلط ایران میزیستند و حاضر بودند که در این لشگر کشی سهمی قابل توجه داشته باشند.

49- Massages

50- Oarize

اساسی ترین و مهمترین قسمت نیروی دریائی شاهنشاهی را مصریها تشکیل میدادند، آنان بادویست کشتی سه ردیفی که هر یک غول شناور و جنگنده‌ای را بخاطر می آورد در پیشاپیش خط حمله ایران قرار داشته و مانند لباس ملوانان مصری را « زرهی سراسری، شمشیری دراز، کلاه خودی بافته، سپر گودشده بالبهٔ پهن، نیزهٔ خاصی که فراخور جنگ دریائی ساخته شده بود و زوبین سیخ دار و بزرگ تشکیل میداد»<sup>۵۱</sup>

فنیقی‌ها، آناتولی‌ها و یونانیهای تابع ایران نیز با کشتیهای سه ردیفی تقریباً شبیه ناوهای مصری خود به ناوگان بزرگ پیوسته بودند که مجموعاً تعداد آنها به یک هزار و دویست کشتی بزرگ جنگی میرسید علاوه بر این تعداد کثیری کشتیهای نسبتاً کوچک و تندرو که در حدود سی تا پنجاه پارو زن داشتند و نیز گروه کثیری کشتیهای باربر، برای حمل سرباز و آذوقه و اسب که جمع آنها در حدود سه هزار فرزند میشوند در این نیروی دریائی عظیم شرکت داشتند.

فرماندهی این نیروی بزرگ را خشایارشا به چهار دریا سالار مورد اعتماد خودش سپرده بود- «ا کمنس برای مصریها، آریا بیگنس سرداریوش و دختر گبریاس (گویریاس) برای یونان و پرکساس پسر فرزند اسپاتینس و مگاباز پسر مگابات برای بقیهٔ نیروی دریائی»<sup>۵۲</sup>

این نیروی عظیم زمینی و دریائی با ترتیب و شکوه خاصی بسوی یونان حرکت کرد او مستد حرکت آنرا چنین توصیف میکند «... این سپاه بزرگ از میان کشورها آرام براه افتاد، نخست کاروان بار و بونه میرفت و در پی آن نیمی از تیپ‌های پیاده روانه می شدند. پس از فاصله‌ای هزار سوار بر گزیده و سپس هزار پیاده بر گزیده می آمدند که نیزه های سرپائینشان با زیورهای زرین

۵۱- تاریخ شاهنشاهی هخامنشی- نوشته- ۱- ت، او مستد - ترجمه دکتر محمد مقدم- ص ۳۳۰

۵۲- تاریخ شاهنشاهی هخامنشی تألیف او مستد ص ۳۳۳ و نیز نگاه کشید به تاریخ هرودوت

ذیل قوای بحریه خشایارشا و نیز تاریخ ایران باستان مشیرالدوله ص ۷۴۲

انار مانند باز شناخته می شد. پشت سر آنها ده مادیان را که در دشت « نسا » در مادیار آمده بودند، می آوردند. هشت اسب سفید گردونه مقدس اهورامزدارا می کشیدند. گردونه ران خود پیاده میرفت بعد گردونه خشایارشا (نماینده اورمزد در زمین) با اسب های نسائی حرکت میکرد پس از آن يك هنگ دیگر مرکب از هزار پیاده بر گزیده و هزار سوار بر گزیده دیگر با نیزه های سر بالا که به زیورهای زرین انار مانند مزین بود، حرکت میکردند. سپس ده هزار نفر سپاهیان جاویدان با نیزه های زرین و سیمین و پس از آنها نیمه دیگر لشکر حرکت میکرد.

خشایارشا با چنین قدرتی شهرهای یونان را یکی پس از دیگری فاتحانه می گشود و حتی بیشتر این پیروزیهها، بدون برخورد نظامی بدست می آمد زیرا اهالی شهرهای یونان با دیدن چنان ارتش شگفت انگیزی از ترس سر اطاعت فرود می آوردند و تسلیم می شدند. اهالی آتن و حشت زده رسولانی به رسو برای درخواست کمک فرستادند و کوشیدند که سپاهی حتی المقدور کافی و جنگنده فراهم آورند. وجود اسبهای مبارز در صفوف یونانیان وزنه سنگینی بحساب می آمدند.

تنگه ترموپیل با مدافعان اسپارتنی خود بفرماندهی لئونیداس جنگجوی دلیر و بزرگ، بر گبرنده یونانیان بود. آنان امیدوار بودند که بعزت تنگی معبر، خشایارشا نتواند از کثرت نفرات خویش که بزرگترین برتری سپاه ایران بحساب می آمد، استفاده کنند و از آن گذشته قادر نباشد سواره نظام و پیاده نظام خویش را مشترکاً بکار برد جنگی که یونانیان آنرا بزرگترین حادثه تاریخ جهان به حساب آورده اند ولی از طرف مورخین ایرانی، بسیار معمولی و باسکوت برگزار شده و در هر حال تأثیری عظیم در اوضاع اجتماعی دنیای کهن داشته است بدین ترتیب آغاز گشت. بررسی چگونگی این نبرد و نتایج آن خود به زمان کافی نیاز دارد و امید است در آینده این فرصت بدست آید.

بخش دوم

## فهرست مقالات

### سال پنجم مجله بررسیهای تاریخی

پیام های اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران  
در کنگره ایران شناسی دانشگاه تهران و کنگره ابوالفضل بیهقی  
در دانشگاه مشهد

#### شماره دوم

فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران  
بمناسبت روز تاریخی ارتش

#### شماره چهارم

پیام اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران  
بمناسبت گشایش جلسات سخنرانی و بحث در باره زبان فارسی

#### شماره چهارم

### الف

اسنادی درباره تاریخ مشروطه ایران  
محمد گلبن  
ش ۳

اعلانها و اعلامیه های دوره قاجار  
سرهنک دکتر جهانگیر قائم مقامی  
ش ۲

اعلانها و اعلامیه های دوره قاجار  
دکتر محمد اسماعیل رضوانی  
ش ۲

### آ

آئین نامه نظامی (کتاب مشق سرباز)  
سرهنک ۲ یحیی شهبیدی  
ش ۶

آب تخت جمشید در زمان هخامنشیان از کجا  
تأمین میشده است .  
مهندس علی حاکمی  
ش ۲

## ب

بافندگی و بافته های ایرانی ازدوران کهن  
علی سامی  
ش ۳ و ۴

بررسی اوضاع اجتماعی ایران از خلال  
جامعالتواریخ رشیدی  
دکتر شیرین بیانی  
ش ۳

برگزیده هائی از ورزش نظامی در دوره صفویه  
سرهنگ ستاد نصرت الله بختورتاش  
ش ۵

## پ

پهلواها یا پهلوانان  
دکتر محمد جواد مشکور  
ش ۳

پیشینه تاریخی شطرنج  
مجید یکتائی  
ش ۱ و ۲

## ت

تأثیر حقوق ایرانی روزگار ساسانی در  
گسترش حقوق اسلامی  
محمدعلی امام شوشتری  
ش ۴

تحقیقی درباره شغل و وظیفه منشی المعالکی  
سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی  
ش ۲

ترکان غز و مهاجرت ایشان بایران  
دکتر محمد جواد مشکور  
ش ۴ و ۵

توقیع و طغرا و تطور آنها در تداول دیوانی  
سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی  
ش ۳

## ج

جغرافیای تاریخی و آثار باستانی تبریز  
سروان مجید وهرام  
ش ۴ و ۵ و ۶

## چ

چند تلگراف تاریخی از عین الدوله به والی  
فارس

سروان محمد کشمیری  
ش ۶

چند سند از مجموعه اسناد  
میرزا ملکم خان ناظم الدوله  
سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی  
ش ۱

چند فرمان تاریخی  
سرتیپ محمود کی  
ش ۵

چند فرمان تاریخی  
محمد علی کریم زاده تبریزی  
ش ۵ و ۶

چند نامه از حکیم الممالک  
حسین محبوبی اردکانی  
ش ۴

## ح

حافظ ابرو  
دکتر خانباها بیانی  
ش ۴

حصار و دروازه های قزوین  
سرهنگ ۲ یحیی شهیدی  
ش ۵

سیمای تاریخ و فرهنگ ایران درموزه های  
تاریخ و باستانشناسی اتحاد جماهیر شوروی  
دکتر یرویز ورجاوند  
ش ۶

## ش

شاهنامه فردوسی و تاجنامه های ساسانی  
دکتر محمد محمدی  
ش ۲  
شصت و چهارم سند درباره واقعه هرات  
ایرج افشار  
ش ۳ و ۲

## ص

صفحه‌ای از تاریخ مشروطیت ایران  
محسن فرزانه  
ش ۴

## ف

فرمانی از دوران ابوالظفر جهانشاه قره‌قویونلو  
رکن‌الدین همایونفرخ  
ش ۳

## ک

کمانداری و تیراندازی در ادبیات فارسی  
ابوالقاسم جنتی عطایی  
ش ۱

## گ

گزارشی درباره ارتش ایران در دوره قاجار  
دکتر احسان‌اله اشراقی  
ش ۲  
گزارشی در باره بنیادهای تاریخی ارتش  
خشایارشاه  
ش ۶

## ل

لغت روزنامه و نخستین روزنامه چاپی در ایران  
محمد گلبن  
ش ۵

## ر

روابط ایران باکشورچین پیش از اسلام  
دکتر علاء الدین آذری  
ش ۵

روابط ایران و عثمانی  
دکتر نظام‌الدین منجیر شیعیانی  
ش ۳

روابط ایران و هلند در زمان صفویه  
دکتر خانبابا بیانی  
ش ۶

روابط ایلخانان مغول با دربار واتیکان  
دکتر علاء الدین آذری  
ش ۲

## ز

زیگورات چغاز نبیل  
محمود کردوانی  
ش ۲

## س

سخنی کوتاه پیرامون اوضاع اجتماعی و اقتصادی  
ایران در روزگار ساسانیان  
دکتر عنایت‌الله رضا  
ش ۵

سکه شناسی  
محمد مشیری  
ش ۵

سندی درباره تاریخ ایران  
سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی  
ش ۱

سه آرامگاه برجی ازدوره سلجوقی  
نوشته دیوید استروناخ ویانگ  
ترجمه سروان مجید وهرام  
ش ۱

## ن

- نامه هائی از میرزا آقاخان کرمانی  
سروان محمد کشمیری  
ش ۱ و ۲
- نبرد های آق قلعه  
سروان محمد کشمیری  
ش ۴
- نشانیهائی از گذشته دورگیلان و مازندران  
جهانگیر سرتیپ پور  
ش ۴
- نقش بز کوهی بر روی سفالهای پیش از  
تاریخ ایران  
غلامرضا معصومی  
ش ۳ و ۴

## و

- واحد های جغرافیائی و نخستین کانون های  
حکومتی ایران  
دکتر کاظم ودیعی  
ش ۱
- وضع دادرسی و قضاوت در کشورهای باستانی  
خاور زمین  
علی سامی  
ش ۶

## م

- معرفی چند سکه ازدوران قاجار  
محمد مشیری  
ش ۲
- معرفی نسخه اصلی وقفنامه رشید الدین  
فضل الله  
ایرج افشار  
ش ۱
- معرفی يك اثر مهم هنری و تاریخی (مدال  
بهرام سوم ساسانی)  
بانو ملکزاده بیانی  
ش ۱
- مفرغهای لرستان  
نوشته پرفسور واندنبرگ  
ترجمه سرهنگ ۲ یحیی شهیدی  
ش ۳
- مهرها و نشانهای استوانه‌ای ایران باستان  
رکن‌الدین همایونفرخ  
ش ۱
- میترائیسم و سوشیانس مهر  
مجید یکتائی  
ش ۶



## فهرست اسامی نویسندگان مقالات

در سال پنجم مجله بررسیهای تاریخی

### ب

بختورتاش - سرهنگ ستاد  
برگزیده هائی ازورزش نظامی در دوره صفویه  
ش ۵

بیانی - بانو دکتر شیرین  
بررسی اوضاع اجتماعی ایران از خلال  
جامع التواریخ رشیدی  
ش ۳

بیانی - بانو ملکزاده  
معرفی يك اثر مهم هنری و تاریخی (مدال  
بهرام سوم ساسانی)  
ش ۱

بیانی - دکتر خانباها  
حافظ ابرو  
ش ۴

بیانی - دکتر خانباها  
روابط ایران وهلند در زمان صفویه  
ش ۶

### ج

جنتی عطائی - دکتر ابوالقاسم  
کهاندری و تیراندازی در ادبیات فارسی  
ش ۱

### آ

آذری - دکتر علاء الدین  
روابط ایران باکشورچین پیش از اسلام  
ش ۵

آذری - دکتر علاء الدین  
روابط ایلخانان مغول بادر بار و اتیکان  
ش ۲

### الف

اشراقی - دکتر احسان اله  
گزارشی درباره ارتش ایران در دوره قاجار  
ش ۲

افشار - ایرج  
معرفی نسخه اصلی وقفنامه رشید الدین  
فضل اله  
ش ۱

افشار - ایرج  
شصت و چهار سند درباره واقعه هرات  
ش ۳ و ۲

امام شوشتری - محمد علی  
تأثیر حقوق ایرانی روزگار ساسانی در  
گسترش حقوق اسلامی  
ش ۴

اشتری - محمد قلی  
گزارشی درباره بنیاد های تاریخی  
ارتش خشیارشا  
ش ۶

## ف

فرزانه - محسن  
صفحه‌ای از تاریخ مشروطیت ایران  
ش ۴

## ق

قائم مقامی - سرهنگ دکتر جهانگیر  
اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره قاجار  
ش ۲

قائم مقامی - سرهنگ دکتر جهانگیر  
تحقیقی درباره شغل و وظیفه متشی‌الجمالی  
ش ۲

قائم مقامی - سرهنگ دکتر جهانگیر  
توقیع و طغرا و تطور آنها در تداول دیوانی  
ش ۳

قائم مقامی - سرهنگ دکتر جهانگیر  
چندسند از مجموعه اسناد میرزا ملکم خان  
ناظم الدوله  
ش ۱

قائم مقامی - سرهنگ دکتر جهانگیر  
سندی درباره تاریخ ایران  
ش ۱

قائم مقامی - سرهنگ دکتر جهانگیر  
سندی درباره سفارت ژنرال یرملوف به ایران  
ش ۶

## ک

کردوانی - محمود  
زگورات چغاز نبیل  
ش ۲

کریم زاده تبریزی - محمد علی  
چند فرمان تاریخی  
ش ۵ و ۶

کشمیری - سروان محمد  
چند تلگراف تاریخی از عین الدوله به  
والی فارس  
ش ۶

## ح

حاکمی - مهندس علی  
آب تخت جمشید در زمان هخامنشیان  
ش ۲

## ر

رضا - دکتر عنایت‌اله  
سخنی کوتاه پیرامون اوضاع اجتماعی و اقتصادی  
ایران در روزگار ساسانیان  
ش ۵

رضوانی - دکتر محمد اسماعیل  
اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره قاجار  
ش ۲

## س

سامی - علی  
بافتگی و بافته‌های ایرانی از دوران کهن  
ش ۳ و ۴

سامی - علی  
وضع دادرسی و قضاوت در کشورهای باستانی  
خاور زمین  
ش ۶

سرتیپ پور - جهانگیر  
نشانیهای از گذشته دور کیلان و مازندران  
ش ۴

## ش

شهبیدی - سرهنگ ۲ یحیی  
آئین نامه نظامی (کتاب مشق سرباز)  
ش ۶

شهبیدی - سرهنگ ۲ یحیی  
ترجمه مفرغهای لرستان بقلم پرفسور  
واندنبرگ  
ش ۳

شهبیدی - سرهنگ ۲ یحیی  
حصار و دروازه‌های قزوین  
ش ۵

مشیری - محمد  
سکه شناسی  
ش ۵

مشیری - محمد  
معرفی چند سکه ازدوران قاجار  
ش ۲

معصومی - غلامرضا  
نقش بز کوهی برروی سفالهای پیش از  
تاریخ ایران  
ش ۳ و ۴

## و

ودיעی - دکتر کاظم  
واحدهای جغرافیائی ونخستین کانون های  
حکومتی ایران  
ش ۱

ورجاوند - دکتر پرویز  
سیمای تاریخ وفرهنگ ایران درموزه های  
تاریخ وباستانشناسی اتحاد جماهیر شوروی  
ش ۶

وهرام - سروان مجید  
ترجمه سه آرامگاه برجی ازدوره سلجوقی  
نوشته دیوید استروناخ ویانگ  
ش ۱

وهرام - سروان مجید  
جغرافیای تاریخی وآثار باستانی تبریز  
ش ۴ و ۵ و ۶

## ه

همایونفرخ - رکن الدین  
فرمانی ازدوران ابوالمظفرجهانشاه قره قویونلو  
ش ۳

همایونفرخ - رکن الدین  
مهرها ونشانهای استوانه ای ایران باستان  
ش ۱

کشعیری - سروان محمد  
نامه هائی از میرزا آقاخان کرمانی  
ش ۱ و ۲

کشعیری - سروان محمد  
نبردهای آق قلعه  
ش ۴

کی - سرتیپ محمود  
چند فرمان تاریخی  
ش ۵

## گ

گلبن - محمد  
اسنادی درباره تاریخ مشروطه ایران  
ش ۳

گلبن - محمد  
لغت روزنامه ونخستین روزنامه چاپی درایران  
ش ۵

## م

مجیر شیبانی - دکتر نظام الدین  
روابط ایران وعثمانی  
ش ۳

محبوبی اردکانی - حسین  
چند نامه از حکیم الممالک  
ش ۴

محمدی - دکتر محمد  
شاهنامه فردوسی وتاجنامه های ساسانی  
ش ۲

مشکور - دکتر محمد جواد  
پهلواها یا پهلوانان  
ش ۳

مشکور - دکتر محمد جواد  
ترکان غز ومهاجرت ایشان بایران  
ش ۴ و ۵

## ی

یکتائی - مجید  
میترا ایسم و سوشیانس مهر  
ش ۶

یکتائی - مجید  
پیشینه تاریخی شطرنج  
ش ۱ و ۲

مجله  
بررسی های تاریخی

مدیر مسئول و سردبیر

سربانگ یی کچی شهیدی

مدیر و اخل : سروان مجید و بهرام

مجله تاریخ و تحقیقات ایران شناسی - نشریه ستاد بزرگ ارتشستاران  
بخش تحقیقات تاریخی

جای اداره : تهران - میدان ارك

نشانی پستی : « تهران ۲۰۰ »

تلفن ۲۲۴۲۲

برای نظامیان و دانشجویان ۳۰ ریال

برای غیر نظامیان ۶۰ ریال

بهای هر شماره مجله

برای نظامیان و دانشجویان ۱۸۰ ریال

برای غیر نظامیان ۳۶۰ ریال

بهای اشتراك سالانه ۶ شماره

در ایران

بهای اشتراك در خارج از کشور : ۶ دلار

برای اشتراك : وجه اشتراك را به حساب ۷۱۴ بانك مركزی با ذكر جمله « بابت اشتراك مجله بررسی های تاریخی » پرداخت و رسید را با نشانی کامل خود به دفتر مجله ارسال فرمائید .

محل تکفروشی : کتابفروشیهای ، طهوری - شعبات امیر کبیر - نیل

اقتباس بدون ذکر منبع ممنوع است

چاپخانه ارتش شاهنشاهی

# Barrasihâ-ye Târikhi



REVUE D' ÉTUDES HISTORIQUES

PAR

ETAT — MAJOR DU COMMANDEMENT SUPRÊME



(SERVICE HISTORIQUE)

DIRECTEUR ET RÉDACTEUR EN CHEF

LÏ-COLONEL YAHYA CHAHIDI

ADRESSE:

IRAN

TÉHÉRAN - ARMÉE 200

ABONNEMENT: 6 DOLLARS POUR 6 NOS.

نشریه  
ساز بزرگ ارتش ایران

بخش تحقیقات تاریخی

۱۵۱۹  
۲۶۹

# Barrasihâ-ye Târikhi

Historical Studies of Iran

Published by

Supreme Commanders' Staff

Tehran - Iran



چاپخانه ارتش شاهنشاهی